



بسم الله الرحمن الرحيم



اسلام و پژوهش های روان شناختی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

سال دهم، شماره اول، پیاپی ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳

مدیر مسئول: دکتر محمدجواد زارعان
دبیر اجرایی: امیر عرفانی نژاد

صاحب امتیاز: دکتر محمدجواد زارعان
سرمدبیر: دکتر محمدرضا احمدی

دورنگار: ۰۲۵۳۲۹۲۲۳۳۹

پست الکترونیکی: pajooresh.ueae@gmail.com

صندوق پستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

پایگاه اینترنتی: journals.ueae.ir

نشانی: قم، بلوار شهید صدوقی، خیابان شهید شهبازی، پلاک ۱۳ کد پستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

اعضای هیأت تحریریه

- | | |
|---|---|
| مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) | حجة الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا احمدی |
| دانشگاه تهران | دکتر هادی بهرامی احسان |
| مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت | حجة الاسلام والمسلمین دکتر محمدجواد زارعان |
| پژوهشگاه حوزه و دانشگاه | آیت الله سید محمد غروی راد |
| دانشگاه بقیة الله (عجل الله تعالی فرجه) | دکتر علی فتحی آشتیانی |
| پژوهشگاه حوزه و دانشگاه | حجة الاسلام والمسلمین دکتر محمد کاویانی آرانی |
| مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) | حجة الاسلام والمسلمین دکتر رحیم نارویی نصرتی |
| پژوهشگاه حوزه و دانشگاه | حجة الاسلام والمسلمین دکتر محمود نوذری |

بر اساس مصوبه شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی و در طی نامه شماره ۱۲۱۲۴ به تاریخ ۱۴۰۱/۷/۹ درجه علمی دوفصلنامه از علمی - ترویجی به علمی - پژوهشی ارتقا یافت.

این دوفصلنامه در پایگاه اطلاع رسانی SID، Noormags، Magiran و پرتال جامع علوم انسانی نمایه شده است.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله

مقدمه

فصلنامه «اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی» فصلنامه‌ای علمی و چندرشته‌ای است که با هدف ارائه نتایج مطالعات و پژوهش‌های علمی، فراهم آوردن زمینه تبادل افکار و اطلاعات، ترویج مباحثات علمی بین پژوهشگران و محققان حوزه‌های مختلف علمی: روان‌شناسی، مشاوره، مددکاری اجتماعی، تعلیم و تربیت، دین و... منتشر می‌شود. این فصلنامه در گستره مسائل روان‌شناختی، در دو سطح بنیادی و کاربردی، مقاله‌هایی را می‌پذیرد که از ساحت دینی نیز برخوردار باشد. فصلنامه، به زبان فارسی منتشر می‌شود.

نوع مقالات مورد پذیرش

- گزارش یک پژوهش علمی؛
- تحلیل علمی با هدف ارائه مفاهیم و الگوهای جدید؛
- نقد علمی مقالات منتشر شده در فصلنامه (در قالب نامه به سردبیر)؛
- گزارش کوتاه علمی؛
- مطالعه موردی؛

ساختار مقاله بایستی به شرح زیر تنظیم و ارسال گردد

- عنوان مقاله: عنوان باید گویا و کوتاه باشد.
- نام، نام خانوادگی، مرتبه علمی، وابستگی سازمانی، شهر، کشور و ایمیل پژوهشگر/پژوهشگران؛
- چکیده: در این قسمت، مطالب اصلی مقاله شامل هدف، روش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری به صورت فشرده (حداکثر ۲۰۰ کلمه) بیان می‌شود.
- کلید واژه‌ها: از میان واژه‌های اصلی مقاله، بین ۳ تا ۵ واژه مشخص شوند.
- نکته: موارد فوق هم به زبان فارسی و هم لاتین بارگذاری شود.
- مقدمه: بیان مسئله، هدف، پیشینه تحقیق، تبیین ضرورت انجام تحقیق و فرضیه‌ها (سؤال‌ها)؛
- روش: جامعه آماری، روش نمونه‌برداری، گروه نمونه، ابزار(های) پژوهش، فرایند اجرای پژوهش و روش تحلیل داده‌ها؛
- یافته‌ها: یافته‌های حاصل از روش‌های آماری، جدول‌ها (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودارها

(شماره و عنوان در زیر آن). کلیه جدول‌ها و نمودارها باید به زبان فارسی تهیه شوند. همچنین اعداد داخل جدول‌ها باید به زبان فارسی باشد و برای اعشار از نقطه (.) استفاده شود.

نکته: تعداد جداول متناسب با حجم مقاله باشد و فایل جداول علاوه بر متن اصلی به صورت جداگانه بارگذاری شود.

- بحث و نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری، مقایسه یافته‌های پژوهشی با پیشینه پژوهش و تبیین آنها؛
- منابع (شامل منابع فارسی و لاتین): ارائه کامل کلیه منابعی که در متن مقاله از آنها استفاده و به آنها ارجاع شده است به ترتیب حروف الفبا. تنظیم منابع، مطابق الگوی راهنمای APA به شرح ذیل انجام شود:

۱. کتاب: نام خانوادگی، نام (سال انتشار اصلی)، **عنوان کتاب**، شماره جلد، نام و نام خانوادگی مترجم، سال انتشار ترجمه، نوبت چاپ، محل انتشار: انتشارات.

۲. مقاله: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، **نام نشریه**، سال/دوره، شماره، صفحات.

۳. پایان‌نامه: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، **عنوان پایان‌نامه**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد / دکترا، رشته، دانشگاه.

۴. گزارش: نام سازمان (سال انتشار)، «**نام گزارش**».

۵. اینترنت: نام خانوادگی، نام (تاریخ اخذ مطلب): نشانی کامل سایت.

- ضمایم (در صورت لزوم)

نکات قابل توجه در ارائه مقالات

۱. مقاله ارسالی نباید قبلاً در جای دیگری به چاپ رسیده باشد و نیز نباید به طور همزمان برای بررسی و

چاپ به مجله دیگری ارسال شده باشد.

۲. مقاله باید با نرم‌افزار Microsoft Word، قلم Mitra، اندازه ۱۴ و فاصله خطوط ۱، تهیه و از طریق

سامانه مجله به نشانی <http://journals.ueae.ir> ارسال شود. شماره تلفن برای دسترسی آسان و سریع

دفتر مجله به نویسنده مسؤول مقاله نیز قید گردد.

۳. حجم مقاله از ۹۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.

ملاحظات

- فصلنامه در رد، اصلاح یا ویرایش مقاله آزاد است.

- اصطلاحات علمی و اسامی خاص مقاله‌ها مطابق روش دوفصلنامه یکسان‌سازی می‌شود.

- مسؤولیت صحت و محتوای مقاله و حفظ حقوق دیگر مؤلفان بر عهده نویسنده مسؤول آن است.

- فرم تعهدنامه نیز تکمیل و در سامانه بارگذاری گردد.

فهرست مطالب

۷	 مؤلفه‌های انگیزش جهادی در منابع اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری علیه السلام
	علی سزاوار، محمدصادق شجاعی، محمدرضا احمدی
۳۳	 سازه‌خردمندی از منظر معارف اسلامی و روانشناسی
	سیدمرتضی هنرمند، مهین کرامتی فرد، مهدی عبدالله زاده رافی، سیدمحمد مهدی هنرمند، سیدعلی هنرمند
۵۹	 پیش‌بینی انسجام خانوادگی بر اساس تمایز یافتگی و مرزهای زوجینی
	نجمه فقیهی سرشکی، جعفر هوشیاری
	مقایسه اثر بخشی آموزش خود متمایزسازی و واقعیت درمانی بر صمیمیت و سازگاری
۷۷	 زنان متأهل
	مهرداد ساسانی، رضا محمدزاده، مهران رمضانیلر، محمدرضا دلجوان، ساناز زارع‌زاده
۹۹	 نگرش به ازدواج؛ نقش قدرت من، انسجام خانواده و دینداری
	سیما کریمی، عباسعلی هراتیان
۱۱۹	 مؤلفه‌های روان‌شناختی تاب‌آوری دینی بر اساس آموزه‌های اسلام
	علینقی لزگی، مهدی داداشی، سیدمهدی خطیب
	ساخت و اعتباریابی پرسشنامه انگیزش خودمهارگری اسلامی بر مبنای مدل خودمهارگری
۱۳۹	 اسلامی
	مهدی قاسمی مروج، حمید رفیعی هنر، حسن تقیان
	بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد اسلامی بر سرمایه اجتماعی و سلامت روان
۱۶۵	 مورد مطالعه: دانش آموزان دختر دوره متوسطه اول شهرستان لارستان
	سیروس محمودی، محمود شرفی، فاطمه آزادی
	رابطه بین سبک‌های دلبستگی و پایداری دینی در دانشجویان دختر: نقش میانجی ابعاد کارکرد
۱۸۳	 خانواده
	مریم صیاد شیرازی، امیرحسین بهادیوند چگینی
	نقش واسطه‌ای خودکارآمدی و امید در رابطه عزت نفس و رضایت از زندگی: یک مطالعه تحلیل
۲۰۳	 مسیر
	احد امیدی، مرتضی کاشانی نژاد ابیانه، محمدجواد حمزه پور، محمد فرهوش، مصطفی جهانگیری
۲۳۱	 مؤلفه‌های اختلال شخصیت خودشیفته بر اساس منابع اسلامی
	مهزیار خاکی، مهدی عباسی، حسین رادمرد
۲۵۵	 مدل مفهومی عزت نفس بر اساس آموزه‌های اسلام در نوجوانان
	سیدمحسن میرزاترابی، زهرا لطفی، مهدی هادی

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال دهم، شماره اول، پیاپی ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳ (ص ۷-۳۲)

مؤلفه های انگیزش جهادی در منابع اسلامی با تأکید بر اندیشه های مقام معظم رهبری علیه السلام

Components of Jihadi Motivation in Islamic Sources with Emphasis on the Thoughts of the Supreme Leader

علی سزاوار/ کارشناسی ارشد روان شناسی اسلامی گرایش مثبت گرا، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت.

محمدصادق شجاعی/ عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

محمد رضا احمدی/ دانشیار گروه روانشناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

Ali Sezavar/ Master's student in Islamic Psychology (Positive Orientation) at Qom Institute of Higher Education in Ethics and Training
molokiali@gmail.com

Mohammad Sadiq Shojaei/ Assistant Professor at Al-Mustafa Al-Alamiyah University and Member of the Psychology Department of the University and Research Institute
psyalmustafa@gmail.com

Mohammad Reza Ahmadi/ Assistant Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Scientific and Research Institute, Director of the Department of Islamic Psychology, Institute of Higher Education, Ethics and Education, Qom, Iran.
M.r.ahmadi313@gmail.com

Abstract

The present study aims to achieve the components of Jihadi motivation in Islamic sources with emphasis on the ideas of the Supreme Leader, Grand Ayatollah Khamenei. The method used in this research was qualitative analysis of the content of religious texts which is used to understand and deduce psychological teachings from Islamic sources. For this purpose, first the verses and narrations related to the discussion of Jihadi motivation were extracted using the keywords Jihad and struggle and then using the Supreme Leader's statements and sayings related to Jihadi motivation (including the keywords such as Jihadi work, Jihadi spirit, Jihadi management,

چکیده

پژوهش حاضر با هدف دستیابی به مؤلفه های انگیزش جهادی در منابع اسلامی صورت گرفته است. روش به کار رفته در این پژوهش، تحلیل کیفی محتوای متون دینی است که برای فهم و استنباط آموزه های روان شناختی از منابع اسلامی کاربرد دارد (شجاعی، ۱۳۹۹). بدین منظور، ابتدا آیات و روایات مرتبط با بحث انگیزش جهادی با استفاده از کلیدواژه های «جهاد و مجاهدت» استخراج شد و سپس با استفاده از بیانات رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای علیه السلام که مرتبط با انگیزش جهادی (شامل کلیدواژه های کار جهادی، روحیه جهادی، مدیریت جهادی، مجاهدت و جهاد) بود، پانزده مؤلفه انگیزشی

struggle, and other correlative areas) fifteen components for Jihadi motivation were identified, including lasting faith, sincerity, subservience to wilayah, religious zeal, readiness for sacrifice, trust, self-confidence, discipline, perseverance, risk-taking, creativity, hope, understanding the hostile challenge, rationality and prudence. Then, in the next step, these components were approved by experts and categorized in the form of three factors including insight (cognitive), tawalla and tabarra, (tendency) and ambition (personality). According to this research, Jihadi motivation can be considered as a special type of intrinsic motivation that is focused on specific goals and is supported by a divine tendency.

Keyword: Motivation, Jihad, Jihadist motivation, Jihadist spirit.

برای انگیزش جهادی شناسایی شد که شامل ایمان پایدار، اخلاص، ولایت‌مداری، غیرت دینی، آمادگی برای فداکاری، توکل، خودباوری، نظم و انضباط، پایداری، خطرپذیری، خلاقیت، امیدواری، درک چالش خصمانه و عقلانیت و تدبیر است. در مرحله بعد با استفاده از نظرات کارشناسان، این مؤلفه‌ها در قالب سه عامل شناختی (بصیرت)، گرایشی (تولی-تبری) و شخصیتی (بلندهمتی) جمع‌بندی شدند. بر اساس این پژوهش می‌توان انگیزش جهادی را نوع خاصی از انگیزش درونی دانست که معطوف به اهداف خاص و همراه با پشتوانه گرایشی الهی است.

کلیدواژه‌ها: انگیزش، جهاد، انگیزش جهادی، روحیه جهادی.

مقدمه

انگیزش^۱، یکی از حوزه‌های اصلی علم روان‌شناسی است که با علل و چراهای رفتار ارتباط دارد. در روان‌شناسی، دیدگاه‌ها و تبیین‌های مختلفی درباره انگیزش وجود دارد (هوی و میسکل^۲، ۲۰۰۸؛ شجاعی، ۱۳۸۹). بسیاری از افراد تصور می‌کنند که انگیزش، نوع واحدی است و تنها مسأله درباره انگیزش، مقدار آن است؛ درحالی‌که انگیزش، انواع مختلفی دارد (دسی^۳، ۱۹۹۲). برای مثال، انگیزش درونی با انگیزش بیرونی متفاوت است (دسی، ۲۰۰۰). انگیزش یادگرفتن با انگیزش عمل کردن تفاوت دارد (آمس و آرچر^۴، ۱۹۸۸) و انگیزش گرایش به موفقیت با انگیزش اجتناب از شکست فرق دارد (الیوت^۵، ۱۹۹۷). انسان‌ها از لحاظ انگیزشی متفاوت هستند. دانشجویی که درس می‌خواند، کارمندی که کار می‌کند، پزشکی

1. Motivation.

2. Hoy, Miskel.

3. Deci.

4. Ames, C., & Archer, J.

5. Eliot.

که به بیماران رسیدگی می‌کند، و یا در شرایط بحرانی، نیروهای داوطلبی که به آسیب دیدگان کمک می‌کنند، به لحاظ انگیزشی با هم تفاوت دارند. وجود انواع مختلف انگیزش که در خاستگاه (مثل درونی و بیرونی) یا هدف (یادگیری یا عمل) و یا شدت (فرار از درندگان و دور شدن از بوی بد) و یا موارد دیگر تفاوت دارند، دلیلی بر آن است که می‌توان انگیزش‌های دیگری را نیز تعریف کرد.

بحث انگیزش‌های خاص در روان‌شناسی، قدمت زیادی ندارد و پیش از آن، نگاه به انگیزش عموماً یکپارچه و تک‌عاملی بوده است؛ چنان‌که دکارت^۱ (۱۹۵۶) شناخت علت رفتار را به شناخت اراده، تنزل داد و شناخت انگیزش را به بعد از شناخت اراده، موکول کرد و عملاً بقیه عوامل را نادیده گرفت (حسن‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۸). ویلیام جیمز^۲ (۱۸۹۰) با اقتباس از داروین، تعداد زیادی غریزه جسمانی (مکیدن و نیروی حرکت) و روانی (مثل تقلید، بازی و مردم‌آمیزی) را برای انسان قائل شد و تنها چیزی که برای تبدیل غریزه به تکانه‌ای برای عمل ضروری می‌دانست، وجود محرک مناسب بود (همان، ص ۲۰). وودورث^۳ (۱۹۱۸) مفهوم سائق را معرفی کرد و گفت: وقتی تعادل زیستی به هم می‌خورد حیوانات از لحاظ روان‌شناختی این کمبودهای بدن را به صورت سائق تجربه می‌کنند (ریو، ۱۳۹۵، ص ۵۱). هال^۴ (۱۹۴۳) و فروید^۵ (۱۹۱۵) نظریات انگیزشی خود را بر اساس مفهوم سائق پی‌ریزی کردند (همان، ۵۱).

بر اساس نظریه اسکینر، رفتار تحت کنترل پاداش‌های بیرونی است. پاداش‌های مثبت، احتمال رفتار را افزایش می‌دهند و پاداش‌های منفی، احتمال رفتار را کاهش می‌دهند (فرانکن، ۱۳۸۴، ص ۴۴). همچنین با معرفی مفهوم برانگیختگی، نظریه انگیزشی انگیزش‌انگیز (فرانکن، ۱۳۸۴، ص ۴۴) مطرح شد که می‌گفت: منحنی انگیزش‌انگیزش نسبت به عملکرد به شکل U معکوس است و در حالت بهینه برانگیختگی، بیشترین عملکرد ظاهر خواهد شد (همان، ۲۱۰).

در سال‌های بعد، محققان به جای نظریات بزرگ انگیزشی، رو به نظریات کوچک آوردند. این نظریات به دنبال آگاهی از موارد جزئی‌تری نسبت به درک کامل علت رفتار

1. Descartes , R.

2. James , w.

3. Woodworth , R.

4. Hull , C.

5. Freud, S.

بودند (ریو، ۱۳۹۵، ص ۵۹) یعنی:

(۱) - پدیده‌های انگیزشی (مثل انگیزه پیشرفت)

(۲) - شرایطی که بر انگیزش تأثیر دارند (مثل بازخورد شکست)

(۳) - سؤال نظری (مثلاً شناخت با هیجان چه رابطه‌ای دارد؟)

نظریات انگیزش پیشرفت (اتکینسون^۱، ۱۹۶۴)؛ ناهمخوانی شناختی (فستینگر^۲، ۱۹۵۷)؛ ارزیابی شناختی (دسی^۳، ۱۹۷۵)؛ انگیزش درونی (دسی، ۱۹۷۵)؛ نظریه تعیین هدف (لاک^۴، ۱۹۶۸) و نظریه درماندگی آموخته شده (سلیگمن^۵، ۱۹۷۵) از جمله نظریات انگیزشی هستند که در پاسخ به سؤالات مذکور ارائه شدند (ریو، ۱۳۹۵).

در فرهنگ اسلامی، واژه‌های مختلفی در حوزه سعی و تلاش وارد شده است که یکی از آنها کلمه "جهاد" است. واژه "جهاد" و مشتقات آن در آیات قرآن کریم ۳۵ بار نازل شده است که برای اشاره به "خرج کردن تمام توان در مقابل دشمن یا هوای نفس و یا شیطان" (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۲۸) به کار رفته است. رهبر معظم انقلاب علیه السلام در تعریف جهاد، آن را به صورت "تلاشی در برابر یک چالش خصمانه از سوی طرف مقابل" (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۴/۱۱) تعریف کرده‌اند و در بیانات خود، این تلاش را در زمینه‌های مختلف (نظامی تا علمی) و سطوح متفاوت مسئولیت (نوجوان دانش‌آموز تا مدیر کلان) مورد توجه قرار داده و همچنین تنها راه برون رفت از مشکلات فعلی و فائق آمدن بر دشمنان را نیز حرکت جهادی می‌دانند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۸/۱۷). ایشان کلمات جهاد، مجاهدت و ترکیبات آنها (مدیریت جهادی و روحیه جهادی) را در موارد مختلف و گستره وسیعی از استعمالات به کار برده‌اند که از اصطلاحات جهاد با نفس و جهاد اکبر در حوزه اخلاق و عرفان تا اصطلاح مدیریت جهادی در مباحث سازمانی و تشکیلاتی را شامل می‌شود. ایشان "ایجاد حرکت جهادی" در مردم توسط امام خمینی علیه السلام را یکی از کلیدی‌ترین دلایل پیروزی انقلاب و تداوم آن می‌دانند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵). این مسأله که برخی از افراد بدون چشم داشت از دیگران و بدون ترس و احساس خستگی و... تلاش می‌کنند و این تلاش آنها

1. Atkinson, R.

2. Festinger, L.

3. Deci, E.

4. Locke, J.

5. Seligman, M.

در راستای کسب رضایت خداست، موضوعی است که می تواند کلید حل بسیاری از مشکلات جامعه اسلامی باشد.

با توجه به مجموع این قرائن، جهادی بودن را می توان به عنوان صفتی برای فعالیت های مختلف در نظر گرفت که به چگونگی تلاش برای انجام آنها مرتبط است و این چگونگی را می توان به انگیزش خاص آنها نسبت داد. ایجاد حرکت جهادی یا وادار کردن دیگران به عمل جهادی، نیازمند شناخت مؤلفه های تلاش جهادی و انگیزش جهادی است.

با جست و جو در آثار علمی، متوجه می شویم که این عنوان، تازگی دارد و شاید نتوان بحث منسجمی در این باب بین منابع اسلامی سنتی و همچنین تألیفات متأخرین یافت؛ هرچند که باتوجه به اهمیت جهاد و ترغیب مردم به آن، مباحثی ذیل عنوان «حض (ح) علی (ع)» در روایات وجود دارد که می تواند سرخ خوبی برای این بحث باشد. در این بین، رویکرد خاص رهبر معظم انقلاب علیه السلام در مورد جهاد، بیش از آن است که فقط «مصدق انگیزش بر جهاد» باشد؛ بلکه مفصلاً به تبیین جهاد و مفاهیم مرتبط با آن می پردازد و اگرچه عنوان انگیزش جهادی را مطرح نمی کند؛ اما پیرامون آن به ارائه نظریه می پردازد. کلیدواژه های جهاد و مجاهدت از جمله کلیدواژه های پرتکرار در کلام رهبر معظم انقلاب علیه السلام هستند که بیش از ۳۶۰۰ بار در بیانات ایشان استفاده شده است.^۱ نوع ورود ایشان به بحث جهاد هم بسیار عمیق است و در مورد بسیاری از مسائل مرتبط با جهاد (روحیه جهادی، حرکت جهادی و ...) و مقدمات و نتایج و الزامات آن، بیانات مفصلی دارند. در بین این بیانات، موارد بسیاری وجود دارد که استناد مستقیم به آیات و روایات دارد که یا ترجمه مستقیم آنها مورد توجه قرار گرفته و یا نظر تفسیری ایشان در مورد آن سند بیان شده است. در برخی موارد نیز استناد به تجربیات دفاع مقدس و ... شده است. می توان ادعا نمود که در بین کسانی که در مورد جهاد (به معنای عام آن) و مسائل مربوط به آن، تألیفات یا بیاناتی دارند، هیچ اندیشمند مسلمانی بیشتر و دقیق تر از رهبر معظم انقلاب علیه السلام به این بحث نپرداخته است. ایشان جهاد را به عنوان یگانه راه موفقیت امت اسلامی می داند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۳/۱۴). در سال های اخیر، کلیدواژه های «رفتار جهادی» و «روحیه جهادی» و «مدیریت جهادی» و موارد مشابه، خصوصاً «در اندیشه های رهبری»، از موضوعات جذاب برای محققین بوده و تاکنون پژوهش های زیادی با این کلیدواژه ها انجام شده است که بیشتر این تحقیقات با

تمرکز بر سخنان رهبر معظم انقلاب علیه السلام انجام شده است؛ اما بحث «انگیزش جهادی» یک مبحث نو در این حوزه است که با این کلیدواژه تابه حال مطرح نشده است. حال سؤال، این است که مؤلفه‌های انگیزش جهادی در منابع اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب علیه السلام کدام است؟

روش پژوهش

از آنجاکه منابع پژوهش به صورت متون مدوّن دینی هستند، برای تحلیل آنها از روش «تحلیل کیفی محتوای متون دینی» استفاده می‌شود. «تحلیل کیفی محتوای متون دینی» روشی است که برای فهم و استنباط آموزه‌های روان‌شناختی از منابع و متون دینی کاربرد دارد و در چهار مرحله «مشاهده نظام‌مند»، «غرقه‌شدن در محتوا»، «صورت‌بندی یافته‌ها» و «بازآفرینی و ارائه» تدوین شده است. هر کدام از این مراحل نیز از چندین گام تشکیل یافته است (شجاعی، ۱۳۹۹).

پایه و اساس «تحلیل کیفی محتوای متون دینی»، پردازش فعال متن است که در آن، پژوهشگر، داده‌های متنی (مفاهیم و گزاره‌های متون دینی) را با اصول معناشناسی آن قدر مورد کندوکاو و تحلیل قرار می‌دهد تا به ساخته‌ای کلی معنی دست یابد. منظور از پردازش فعال متن عبارت است از عملیاتی که طی آن، داده‌ها گردآوری، تجزیه و تحلیل، طبقه‌بندی و به شکل تازه‌ای کنار یکدیگر قرار داده می‌شوند (شجاعی، ۱۳۹۹).

در مرحله اول (مشاهده نظام‌مند) اطلاعات با استفاده از دو راهبرد «جستجوی واژگانی» و «متن‌خوانی باز» به دست می‌آید و بررسی تا آنجا پیش می‌رود که مقولات در تبیین یک موضوع به اشباع برسد (شجاعی، ۱۳۹۹). در مرحله دوم (غرقه‌شدن در محتوا) محقق ابتدا در موضوع خود غوطه‌ور می‌شود و ابعاد مفهومی آن را مورد واکاوی قرار می‌دهد، سپس با استفاده از پردازش شبکه‌ای به عنوان روشی برای دسته‌بندی مواردی (واژه‌ها، مفاهیم و گزاره‌ها) که از نظر کارکردی شبیه هم هستند ویژگی‌های قانونی و پیرامونی را از هم متمایز می‌کند تا به این موارد زیر دست یابد:

ابتدا محتواهای استنباطی (واژه، گزاره یا عبارت) دست یابد، سپس بر اساس آنها به مؤلفه‌های مفهومی برسد و در نهایت، یک تعریف کاربردی از مؤلفه‌ها ارائه کند.

در مرحله سوم (صورت‌بندی داده‌ها و تدوین الگوی مفهومی) ابتدا مقوله‌ها و محتواهای استنباطی به عنوان بخش‌های مجزا و متعامل، با یکدیگر مرتبط شده و یک

مفهوم روان شناختی را بازتولید^۱ می کنند. سپس با استفاده از به کارگیری اصل هم ریخت بینی کل نگر (شجاعی، ۱۳۹۹) استخراج و تدوین مدل مفهومی انگیزش جهادی انجام خواهد شد.

در مرحله چهارم (اعتبارسنجی^۲ یافته ها و الگوی مفهومی) پس از گردآوری داده ها و استخراج الگوی مفهومی، برای حصول اطمینان از تطابق آنها با محتوای متون دینی از یک سو و کاربرد آن در حوزه روان شناسی از سوی دیگر، اعتبار یافته ها مورد بررسی قرار می گیرد (شجاعی، ۱۳۹۹). برای بررسی اعتبار یافته ها و روایی سنجی الگوی مفهومی انگیزش جهادی، علاوه بر دقت و بازنگری توسط خود فرد (پژوهشگر)، از نظر افراد دیگر (داوران) که در این زمینه تخصص دارند، استفاده می شود. برای این کار با استفاده از **فرم روایی سنجی** که برای جمع آوری دیدگاه کارشناسان توسط شجاعی (۱۳۹۹) در روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی، تدوین شده است، از **خبرگان روایی سنجی**، نظرسنجی به عمل می آید. جامعه آماری این بخش را کارشناسان خبره ای تشکیل می دهند که در حیطه فهم و استنباط در منابع اسلامی و همچنین روان شناسی و علوم تربیتی تخصص نسبتاً بالایی دارند.

طبق آنچه که شولتز^۳ و دیگران (۲۰۱۴) بیان کرده اند برای تجزیه و تحلیل داده های به دست آمده طبق نظر کارشناسان از دو ضریب نسبی روایی محتوا (CVR)^۴ و شاخص روایی محتوا (CVI)^۵ استفاده می شود. در صورتی که بین کارشناسان در مورد یک مؤلفه توافق وجود داشته باشد، آن مؤلفه دارای روایی محتوایی است (همان). علاوه بر استفاده از روش کمی یاد شده در فرم روایی سنجی از کارشناسان درخواست شد تا در صورت لزوم، نظر کارشناسی خود را درباره صحت و درستی یافته ها به صورت مبسوط نیز اعلام کنند.

یافته های پژوهش

در این پژوهش ابتدا مفاهیم پژوهش با استفاده از لغت نامه ها و منابع مرتبط، به طور کامل، تعریف و ارتباط بین آنها مشخص گردید. سپس بر اساس تعاریف به دست آمده، کلیدواژه های جهاد، مجاهدت و کلمات هم خانواده آنها، ابتدا در آیات قرآن جست و جو شد که ۳۵ آیه

1. Reproduction.

2. Validation.

3. Schultz.

4. Content validity ratio.

5. Content validity index.

شناسایی شد، سپس از طریق نرم‌افزار جامع الاحادیث نسخه ۳٫۵ در روایات نیز کلمات جهاد و مجاهدت (و هم خانواده‌های آنها) در کتب دست اول (پیش از قرن پنجم هجری) مورد جست‌وجو قرار گرفت که بیش از ۳۵۰۰ روایت شناسایی شد؛ اما تقریباً هیچ‌کدام از روایات به دست آمده، ارتباط مستقیم با موضوع پژوهش نداشت. سپس همین کلیدواژه‌ها در عناوین کتب دانشمندان اسلامی بررسی شد که تمامی کتب شناسایی شده در مورد جهاد به معنای مقاتله بودند و مورد استفاده قرار نگرفتند. در مرحله آخر کلیدواژه‌های جهاد و مجاهدت در بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام مورد جست‌وجو قرار گرفت. این کار که در بستر سایت «Khamenei.ir» که متعلق به دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری علیه السلام است، انجام گرفت منجر به یافتن بیش از ۵۵۰۰ نتیجه بود (که دائماً در حال افزایش است). این نتایج، نشان دهنده نظرات ایشان به عنوان یک عالم دینی است که بعضاً با استناد به آیات و روایات (که اشاره شده) عنوان شده‌اند. پس از جمع‌آوری همه اطلاعات به دست آمده، با توجه به میزان ارتباط با موضوع پژوهش و استفاده از ارتباطات معنایی، عبارات به دست آمده گزینش و دسته‌بندی شدند که به ۱۵ دسته روایت که هر کدام به یک مؤلفه اشاره داشت تقسیم شدند. سپس مؤلفه‌های به دست آمده بر اساس ماهیتشان به سه دسته گرایشی، شخصیتی و شناختی تقسیم شدند و برای هر کدام از آنها یک عنوان متناسب انتخاب گردید. نتایج به دست آمده در هر مرحله به صورت جداگانه از طریق نظرسنجی از اساتید مرتبط با این حوزه مورد نظرسنجی قرار گرفت که نتایج آن در ادامه خواهد آمد.

مؤلفه‌های شناسایی شده در این پژوهش

۱. خودباوری

اولین مؤلفه انگیزش جهادی بر اساس یافته‌های این پژوهش، خودباوری است. منظور از خودباوری، باور به توانایی خود (یا مردم) است که یکی از ارکان انگیزش جهادی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۰۲/۱۰). رهبر معظم انقلاب علیه السلام این مؤلفه را به صورت "روحیه ما می‌توانیم" توصیف کرده‌اند و از عناوین خودباوری، اعتماد به نفس (همان) و در برخی موارد از عزت نفس برای اشاره به آن استفاده کرده‌اند. ایشان وجود روحیه خودباوری را یکی از کلیدهای شروع و پیروزی انقلاب اسلامی با عنوان یک حرکت جهادی دانسته‌اند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۰۳/۱۴).

۲. نظم و انضباط

دومین مؤلفه انگیزش جهادی، نظم و انضباط است. نظم در لغت به معنای آراستن، برپای داشتن، ترتیب دادن کار، چیزی را به چیزی پیوند دادن و رشته مروارید است (عمید، ۱۳۸۹، ص ۱۲۱۸). نظم از جمله موضوعاتی است که وقتی انسان در معنا و مفهوم و کارکرد آن در زندگی خود غور می کند، اهمیت آن را بیشتر درک می کند. نظم یعنی هر چیزی در جای خود قرار گیرد (مقام معظم رهبری ۱۳۸۱/۹/۱). انضباط نیز به معنای رفتار دارای نظم و پیرو اصول معین است (عمید، ۱۳۸۹، ص ۱۳۶). نظم یکی از اصلی ترین اصول فرهنگ اسلامی هم در مورد خلقت (قمر آیه ۹) و هم در توصیه به مسلمانان (سیدرضی، ۱۳۷۹، ص ۳۲۱) است. در مورد جهاد نیز توصیه رهبر معظم انقلاب علیه السلام بر همین نظم و انضباط است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۱۰/۱۴). در همه کارهایی که چالش خصمانه و موانع سخت وجود دارد، حتی اگر در کارهای اداری باشد، تبعیت از نظم و قانون و تلاش جهادی باید با یکدیگر همراه باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۶/۶). اگر به مسأله جهاد از منظر مقابله با دشمن بنگریم، جهاد همیشه ملازم با نظم و نظامی گری بوده است و همچنین بی نظمی در جنگ همیشه یکی از عوامل مهم شکست ها بوده است.

۳. خطرپذیری

سومین مؤلفه انگیزش جهادی، خطرپذیری است. آنچه که از آن به عنوان خطرپذیری یاد می کنیم، قبول مواجهه با خطر در راستای هدف است، به شرط آنکه در حد معقول باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۷/۳). این مفهوم برگرفته از واژه شجاعت نیز هست. خطرپذیری یکی از ارکان جهاد است (همان) که عموماً جهاد با آن ملازم است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۶/۲۵). وجود عنصر خطرپذیری برای رسیدن به اهدافی که دارای دشمن هستند و یا موانع سختی در راه آنها وجود دارد، از جمله پیشرفت و استقلال کشورها، ناگزیر و ضروری است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۶/۲۵).

۱. «إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (سوره قمر: ۹)؛ ما هر چیزی را به اندازه (و روی حساب) آفریدیم».

۲. «أَوْصِيَكُمْ بِجَمِيعِ وَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي يَتَّقُوا اللَّهَ وَ نَظُمِ أَمْرَكُمْ (سیدرضی، ۱۳۷۹، ص ۳۲۱)؛ شما و همه فرزندانم و کسانم و آن را که نامه من بدو رسد، سفارش می کنم به ترس از خدا و آراستن کارها».

۴. شور و شوق

چهارمین مؤلفه جهاد، شور و شوق است. شور و شوق، به معنای انگیزه و علاقه قوی در انجام کار است (عمید، ۱۳۸۹، ص ۷۵۶). منظور از شور و شوق این است که کار جهادی باید با علاقه و احساس خوشایند همراه باشد. ممکن است تصور شود که فضای جهاد ملازم با از دست دادن‌ها و فشارها و ... است و آنچه که در این فضا باید در انتظار آن بود، رنج و درد است؛ اما این طور نیست (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۲/۱۱).

شوق به کارکردن از لوازم کار جهادی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۶/۶). شور و شوق به عنوان یک امر عادی یا اتفاقی نیست؛ بلکه یکی از ارکان تلاش جهادی، وجود شور و شوق است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۱۲/۳۰). وجود این شور و شوق می‌تواند باعث شود که اثر منفی بسیاری از مشکلات، کم‌رنگ شده و مقابله با موانع راحت‌تر شود (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۰/۱۲). این شور و شوق می‌تواند علاوه بر تقویت اراده و انگیزه، موجب تحریک حس خلاقیت انسان شده و راه‌های جدیدی را در مقابل او بگشاید (همان).

۵. پایداری

پایداری به معنای ایستادگی و مقاومت است و نزدیک به واژه صبر است که به معنای پافشاری، پایداری، مقاومت و ایستادگی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۰۴/۳۰). از نظر قرآن کریم، صبر یکی از مهم‌ترین مشخصه‌ها در صحنه جهاد است (انفال ۴۵-۴۶). در دعای کمیل، طلب قوت جوارح برای خدمت به خداوند و پایداری در خدمت بدون انقطاع به عنوان نیاز مؤمن از خدا خواسته شده است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۶/۲۸). تلاش خستگی‌ناپذیر و عدم انقطاع در تلاش انسان، برای رسیدن به یک هدف سخت، مسأله‌ای عمومی است و فقط محدود به جهاد نیست و انجام هر کار بزرگ و رسیدن به هر هدف بلندی نیازمند این تلاش است و لازمه این کار، وجود (ملکه) صبر است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). تلاش برای پیروزی بر دشمنان نیازمند دوام است. مداومت خستگی‌ناپذیر در تلاش جهادی نیز همچون اهداف بزرگ در مسیرهای سخت، نیازمند صبر است. وجود دشمن یا چالش خصمانه موجب می‌شود نیاز به تلاش بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر قوت بگیرد و این مسأله ارزش و تأثیر صبر را در انگیزش جهادی می‌افزاید.

در عرصه‌های گوناگون جهانی، درگیری‌ها غالباً جنگ اراده‌هاست (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۴/۳۰) و هرکسی صبر کمتری داشته باشد، اراده او زودتر شکسته خواهد شد. آنچه در

میدان نبرد می تواند نسبت یک به ده را تبدیل به پیروزی کند همین صبر است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۰۴/۳۰).

۶. خلاقیت

ششمین مؤلفه انگیزش جهادی، خلاقیت است. منظور از خلاقیت، داشتن روحیه ابتکار است و ابتکار به معنای آوردن روشی نو و انجام دادن کار بی سابقه است (عمید، ۱۳۸۹، ص ۴۲). رهبر معظم انقلاب علیه السلام نوگرایی و ابتکار را مطلوب اسلام دانسته و بسیجی (جهادی) را دارای چنین روحیه ای معرفی می کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۰۳/۰۵). در موقعیت های چالش خصمانه، یکی از اتفاقاتی که رخ می دهد، این است که راه های عادی با مشکل مواجه می شوند و نمی توان با استفاده از آنها به هدف رسید. این موقعیت خاص باعث می شود که موفقیت با کسی باشد که توان خلاقیت و نوآوری داشته باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۰/۱۲).

۷. درک چالش خصمانه

منظور از چالش خصمانه وجود دشمن یا موانع سخت در مسیر است. در آیات قرآن کریم، هرجایی که جهاد به کار رفته، یک دشمن خارجی^۱ یا عامل مخالف^۲ وجود دارد که جهاد علیه آن معنا می یابد. از نظر رهبر معظم انقلاب علیه السلام، وجود این چالش خصمانه از عوامل اصلی انگیزش جهادی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۲/۱۴ و ۱۳۹۳/۴/۱۱). ایشان وجود این موانع را در موضوعات و میدان های مختلف در بیانات خود برمی شمرد؛ از جمله بحث اقتصادی (مقام معظم رهبری ۱۳۹۴/۱/۱)، پرهیز از اسراف و ایجاد تعادل در مصرف (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۵/۳)، بصیرت و جنگ نرم (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۱/۲۳)، عرصه تولید علم و مدیریت آن (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۴/۱۱) که به تفصیل، چالش های موجود در آنها را مورد بررسی قرار داده اند. از نظر رهبر معظم انقلاب علیه السلام آنچه که در انگیزش جهادی اثر مستقیم دارد "توجه انسان ها به وجود این چالش، علت وجود آن و لزوم مقابله با آن"

۱. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَيُسَّ الْمُنَافِقِينَ (سوره ممتحنه: ۶۰)؛ ای پیامبر با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت بگیر و جایگاهشان دوزخ است و چه بد سرانجامی است».

۲. «فَلَا تَطْعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا (سوره فرقان: ۵۲)؛ پس از کافران اطاعت مکن و با [الهام گرفتن از] قرآن با آنان به جهادی بزرگ پرداز».

است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۱۱/۰۶). بنابراین می‌توان آن را با دشمن‌شناسی مرتبط دانست؛ یعنی صرف وجود خارجی، مانع یا چالش خصمانه موجب انگیزش جهادی نیست؛ بلکه انگیزش جهادی وقتی اتفاق می‌افتد که درک درستی از آن وجود داشته باشد وگرنه ممکن است کسی با وجود دشمنان خارجی به خاطر عدم شناخت و توجه به آنها، انگیزه‌ای برای تلاش نداشته باشد. در این صورت در این چالش ضربه خواهد خورد (همان).

۸. عقلانیت

مؤلفه دیگری که برای انگیزش جهادی در این پژوهش شناسایی شد، عقلانیت و تدبیر است. معنای عقلانیت، خردمندی (عمید، ۱۳۸۹، ص ۸۲۴) یا پیروی از حکم عقل است و تدبیر به معنای نگرستن به پایان کارها و در آن اندیشیدن و برای انجام دادن امری فکر و دقت به کاربردن و توجه کردن است (همان، ص ۳۱۲). در واقع تدبیر، جزئی از عقلانیت است. یکی از تصوراتی که در مورد رفتار جهادی وجود دارد، عدم برنامه‌ریزی و عاقبت‌اندیشی در رفتارهای جهادی است. کما اینکه کلیدواژه‌های مرتبط با رفتار جهادی (مثل انقلابی بودن و بسیجی بودن) نیز متهم به همین مسأله هستند؛ درحالی‌که از نظر رهبر معظم انقلاب علیه السلام، آنچه که به عنوان رفتار جهادی توصیف شده، نه تنها از این صفت عاری است؛ بلکه ملازم با عقلانیت و تدبیر است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۰۳/۳۰ و ۱۳۹۶/۰۳/۲۹).

خطرپذیری نیز با عقلانیت تناقضی ندارد؛ بلکه حدی از خطرپذیری، عین عقلانیت است؛ تا جایی که پیامبران علیهم السلام را به عنوان عاقل‌ترین افراد، کسانی می‌داند که بیشترین خطرپذیری‌ها را در راه حق داشته‌اند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۰۵/۲۷). آنچه در برابر تدبیر جهادی قرار دارد و رهبر معظم انقلاب علیه السلام به دنبال تصحیح آن است، از یک سو بی‌برنامگی و فقدان عاقبت‌اندیشی در برنامه‌ریزی است، و از سوی دیگر محافظه‌کاری و ترس از تغییر است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸). البته تدبیر در هر مسأله‌ای منطبق با همان موضوع خود را نشان می‌دهد؛ یعنی تدبیر در جهاد اقتصادی، جهاد فرهنگی و سیاسی و ... با یکدیگر متفاوت است؛ چنان‌که ابزارها و روش‌ها نیز در هر کدام از این عرصه‌ها متفاوت هستند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۰۵/۰۱).

۱. «وَلَا يَعْزَّزُ اللَّهُ نَبِيًّا وَلَا رَسُولًا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ الْعَقْلَ وَ يَكُونَ عَقْلُهُ أَفْضَلَ مِنْ جَمِيعِ عُقُولِ أُمَّتِهِ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۳)؛ خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر آنکه عقل او کامل شده باشد و از همه امتش عاقل‌تر باشد».

اگر شخص دارای صفت عقلانیت باشد، خودبه‌خود، در موقعیت‌های رفتار جهادی، عقلانیت او را به جای محافظه‌کاری و شتاب‌زدگی و بی‌برنامگی به‌سوی تلاش جهادی خواهد کشید (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۶/۸). در واقع رفتارهای جهادی ناشی از عقلانیت و تدبیری است که می‌گوید عدم مقابله با چالش خصمانه بیش از آنکه به عافیت بیانجامد، به‌زحمت خواهد انجامید (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۳/۱۴).

۹. امیدواری

مؤلفه دیگر به‌دست‌آمده در این پژوهش برای انگیزش جهادی، امیدواری است. امید به معنای اشتیاق یا تمایل به روی دادن یا انجام امری همراه با آرزوی تحقق آن است (عمید، ۱۳۸۹). امید را می‌توان خوش‌بینی نسبت به آینده و توقع پیروزی دانست. مطمئناً امید به موفقیت یکی از پیش‌فرض‌ها در بیشتر اعمال انسان است و اگر انسان امید به موفقیت نداشته باشد انگیزش مورد‌نظر دچار مشکل خواهد شد. به همین دلیل رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام ایجاد امید در نیروها را جزء وظایف مدیران می‌دانند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۰۶/۰۴). همچنین در زمینه‌های مختلف (اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) امید را لازمه حضور مردم برای رسیدن به اهداف جامعه می‌دانند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۱۲/۳۰). در مورد جهاد نیز تلاش جهادی، به‌خاطر سختی‌ها و موانع موجود، نیاز مبرمی به وجود امید دارد. این نیاز منحصر در میدان نبرد نظامی نیست؛ در همه میدان‌ها، حتی میدان تولید علم نیز، نیاز به این امید مشخص است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۷/۳).

از نظر قرآن، با وجود نیت الهی و تلاش مجاهدانه، انتظار موفقیت یک انتظار واقع‌بینانه و حقیقی است؛ نه دور از واقعیت (سوره صف: ۱۳). پس اگر جایی جهاد صورت پذیرد و موفقیت حاصل نشود، قطعاً یا مجاهدت در راه خدا نبوده است (یعنی نیت الهی وجود نداشته) و یا اصلاً جهاد نبوده است (شرایط جهاد رعایت نشده است)؛ وگرنه نصرت الهی به مجاهدین خواهد رسید (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۹/۱۲).

۱۰. ایمان پایدار

مؤلفه مهم انگیزش جهادی، ایمان پایدار است. واژه ایمان، استفاده‌ها و تفسیرهای مختلفی در علوم انسانی دارد. به طور مثال، ایمان در اصطلاح کلامی، گرایش قلبی است که اختیاری و مبتنی بر معرفت است. ایمان، معرفت یقینی نیست؛ ولی از مقتضیات یقین است. اگر انسان

به چیزی یقین پیدا کرد، این یقین اقتضا می‌کند که فرد آن را با جان و دل بپذیرد و به آن گرایش یابد؛ هرچند ممکن است به لحاظ وجود مانع یا موانعی این اتفاق نیفتد و به مقتضای یقین خود ایمان نیاورد؛ چنان‌که بسیاری از کفار هنگام بعثت پیامبر ﷺ یقین داشتند که او فرستاده خداست؛ ولی او را تصدیق نکردند (فیاضی، ۱۳۹۸).

آنچه که از ایمان پایدار در انگیزش جهادی مدنظر است، مجموعه‌ای از باورهای عمیق است که شامل اعتقاد راسخ به خداوند، مسیر و هدف جهاد است. ایمان عمیق لازمه هر کار بزرگی از جمله جهاد است که شامل همه باورهای گفته شده می‌باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۱۰/۱۲). ایشان وجود این ایمان را شرط عمل جهادی می‌دانند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۹/۱۲).

وجود سه باور کلیدی (باور به خدا، باور به خود و باور به مردم) در امام خمینی رحمته الله علیه مایه قدرت و نتیجه بخشی حرکت جهادی ایشان بوده است که عمومیت یافتن آنها موجب ایجاد امید و اعتماد به نفس عمومی در مردم شد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۱۰/۱۲). ایشان همچنین باور به معاد را شرط انجام ایثار در جهاد می‌دانند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰). از آنجاکه مسیر جهاد، مسیری سراسر خطر و سختی است، ایمان و اعتقاد جازم (پایدار) هم شرط شروع و قبول حرکت جهادی و هم شرط امتداد آن تا موفقیت است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۰۳/۰۳).

۱۱. اخلاص

مؤلفه بعدی از مؤلفه‌های انگیزش جهادی، اخلاص است. اخلاص به معنای انجام همه کارها برای خدا، برای رضای الهی، برای اجرای امر الهی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۰۶/۳۰). اخلاص، نتیجه ایمان پایدار است. اگر ایمان قوی در فرد وجود داشته باشد، چیزی را هم‌سنگ و شریک خداوند قرار نمی‌دهد؛ حتی در حد نیت و انگیزه عمل. خلوص نیت، یکی از لوازم حرکت جهادی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۰۳/۱۹). جهاد وقتی فی سبیل الله است که مخلصانه باشد و اگر انگیزه‌های دیگری غیر از آن (مثل ریا) در این تلاش باشد جهاد فی سبیل الله نخواهد بود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۸/۲). در صورتی که

۱. «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَغْرُقُونَهُ كَمَا يَغْرُقُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (سوره بقره: ۱۴۶)؛ اهل کتاب، پیامبر اسلام را [بر اساس اوصافش که در تورات و انجیل خوانده‌اند] می‌شناسند، به گونه‌ای که پسران خود را می‌شناسند؛ و مسلماً گروهی از آنان حق را در حالی که می‌دانند، پنهان می‌دارند.

کسی اخلاص داشته باشد، انگیزه او برای جهاد قطعاً بسیار بزرگ‌تر از موانع جهاد است؛ چنان‌که خداوند خود بزرگ‌تر از همه مخلوقات است؛ ولی اگر انگیزه‌های دیگری شخص را به عرصه جهاد بکشند، در مواجهه با مشکلات و مخصوصاً در زمانی که نیاز به فداکاری وجود دارد، انگیزه‌ها رنگ می‌بازند. همچنین دستیابی به نصرت الهی در گرو اخلاص است و اگر حرکت مخلصانه نباشد، آثار و برکات جهاد را ندارد (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۹/۱۲).

۱۲. ولایت‌مداری

عنوان مؤلفه دیگر انگیزش جهادی، ولایت‌مداری است. رهبر معظم انقلاب علیه السلام با استناد به آیات قرآن کریم (سوره بقره: ۲۵۷) ولایت را به پیوستگی و هم‌جبهگی معنا می‌کنند و کفار و مؤمنین را دارای ولایت می‌دانند (مقام معظم رهبری، ۱۳۵۳/۷/۲۲) و این پیوستگی را باعث ایجاد تفاوت نظام اسلامی با نظام‌های طبقاتی و ... می‌دانند (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۴/۲۰). ولایت‌مداری از نتایج ایمان و به معنای مقدم کردن نظر (خدا و) ولی خدا بر خواست و نظر خود است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۱۱/۹). این اولویت‌بخشی بدین‌خاطر این است که شخص خود را بر مدار ولایت الهی می‌بیند و ولی خدا را در این مدار بر خود مقدم می‌داند. رهبر معظم انقلاب علیه السلام ارتباط و استمداد با سرشاخه‌های ولایت از سوی امام خمینی رحمته الله علیه را عامل ایجاد حرکت جهادی انقلابی مردم می‌داند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۲/۲۸).

در مقابل این دو گروه از نظر ولایت، گروه منافقین هستند که انسان‌های فاقد پیوستگی، صمیمیت، صفا و وحدت هستند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۶/۲۵). منافقین، بی‌ولایت هستند که نه با مؤمنین، نه با کفار و نه حتی با یکدیگر پیوستگی ندارند (سوره نساء: ۱۴۳). در واقع منافقین امکان پیوستگی و وفاداری ندارند و دائماً در حال تغییر جبهه هستند و از سویی به سویی دیگر، جبهه عوض می‌کنند و در هر طرف که قرار می‌گیرند جبهه مقابل را می‌کوبند (سوره بقره: ۱۴). نفاق پدیده‌ای روان‌شناختی است و موجب مشکلاتی است که با سلامت روانی تعارض دارد. این مشکلات روان‌شناختی منجر به مشکلات اجتماعی نیز می‌شود. از این رو نفاق را می‌توان یک معضل فردی-اجتماعی دانست که آسیب‌های فراوانی به بار می‌آورد (تیمورنژاد و همکاران، ۱۳۹۷). مهم‌ترین تقابل نفاق و ولایت‌مداری در عدم پایبندی به تعهدات و ارزش‌هاست. قرآن به صراحت اعلام می‌کند که فراریان از میدان جهاد همان منافقین هستند و حتی حکمت جهاد را شناخت و تمییز منافقین از مؤمنین می‌شمارد

(سوره آل عمران: ۱۶۶ و ۱۶۷). البته نفاق (که در قرآن به مریضی قلب تعبیر شده است) نیز همچون ایمان دارای درجاتی است و ممکن است درجه‌ای از نفاق در دل یک فرد مؤمن باشد و همین مسأله باعث ایجاد مشکلاتی در او شود. ازجمله این مشکلات، لغزش پا در هنگام جهاد است. قرآن کریم بازماندن از جهاد را به جمعی از مؤمنین هم نسبت می‌دهد و علت آن را وجود درجه‌ای از بیماری نفاق در قلبشان می‌داند (سوره محمد: ۲۰).

مسأله منافقین مختص صدر اسلام نیست؛ بلکه در طول تاریخ و در عصر حاضر نیز همین مسأله وجود دارد (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۸/۲۴). برخورد زننده با جهاد و مجاهدین، شامل فرار از جهاد، سردی و توهین در برخورد با مجاهدان و درعین حال ادعای سوابق جهادی را از صفات منافقین می‌دانند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۳/۲۱). رهبر معظم انقلاب علیه السلام با استناد به روایتی از اهل سنت (متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۲۹۳)، طلاب علوم دینی را به زنده نگه‌داشتن روحیه جهاد در خود برای رهایی از نفاق توصیه می‌کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۱۱/۴).

۱۳. غیرت دینی

مؤلفه سیزدهم انگیزش جهادی، غیرت دینی است. غیرت در لغت به حمیت معنا شده است (عمید، ۱۳۸۹، ص ۸۵۵) و در اصطلاح اخلاقی غیرت و حمیت؛ یعنی تلاش در نگهداری آنچه حفظش ضروری است. (نراقی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۰) و منظور از غیرت دینی این است که فرد مسلمان نسبت به کیان اسلام و آنچه بدان مربوط می‌شود، حساس باشد و با تمام توان در حراست از آن بکوشد و از کوچک‌ترین تعرضی به آن جلوگیری کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۵۵) این حساسیت نسبت به آنچه از نظر دینی حفظش واجب است (مثل ارزش‌های دینی، ناموس و وطن) موجب انگیزش برای حفظ آنهاست. قرآن مجید با لحن تحریک‌آمیزی از مسلمانان می‌خواهد که ضمن تقویت غیرت دینی خویش در موارد لزوم، آن را به کار گیرند و از اسلام و مسلمانان بی‌یاور دفاع کنند: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ» (سوره نساء: ۷۵)؛ شما را چه شده که در راه خدا و مردان و زنان کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ پیام این آیه نشانگر آن است که جنگیدن در راه خدا و تلاش در رهاسازی مستضعفان خواست خدا و لازمه مسلمانی است که اگر انجام نپذیرد، دور از انتظار و مورد اعتراض خدا قرار می‌گیرد. امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز غیرت را عین

ایمان دانسته است.^۱ رهبر معظم انقلاب علیه السلام مهم‌ترین عوامل شروع حرکت جهادی مردم در انقلاب اسلامی و مخصوصاً حوادث نوزدهم دی ماه را [درحالی که قدرت به طور کامل در اختیار حکومت بوده است و امیدی به موفقیت وجود نداشت]، ایمان و غیرت دینی می‌دانند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸).

فقدان غیرت دینی به معنای عدم حساسیت نسبت به حفظ موارد گفته شده است. در این صورت، فقدان غیرت می‌تواند یکی از مهم‌ترین موانع جهاد باشد. اگر کسی غیرت دینی نداشته باشد، نه تنها امیدی به تلاش جهادی از او نیست؛ بلکه ممکن است خلاف جهت آن نیز قدم بردارد. نبود غیرت دینی را می‌توان در موقعیت‌های بسیار واضح جنگ و خطر نیز مشاهده کرد که حتی در زمان حمله به یک کشور، برخی تا زمانی که دشمن به دیوار خانه آنها نرسیده، وجودش را قبول نمی‌کنند و برخی دیگر با وجود درک وضعیت فوق‌العاده کشور، به جای تلاش جانانه در برابر دشمن و یا حداقل یاری رساندن به مردم و مجاهدین، شروع به احتکار و ... می‌کنند! کما اینکه در سال‌های هشت سال دفاع مقدس این مسأله گریبان‌گیر قسمتی از اقتصاد کشور شد تا جایی که رهبر معظم انقلاب علیه السلام در خطبه‌های نماز جمعه به عنوان یک چالش داخلی علیه مردم و یک جنایت بزرگ به آن اشاره کردند (مقام معظم رهبری، ۱۳۵۹/۷/۴).

رهبر معظم انقلاب علیه السلام با اشاره به درخواست مذاکره و سازش (نقطه مقابل جهاد) با آمریکا از سوی برخی مسئولین، این مسأله را مخالف غیرت دینی می‌دانند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۵/۳/۵) و راهبرد سازش با دشمنی آمریکا را با استناد به غیرت دینی رد می‌کنند. ضمن اینکه تأمین نیروی مورد نیاز برای این مقابله را نیز در غیرت دینی می‌جویند و قدرت آن را در حد تغییر در روندهای تاریخی می‌دانند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸). بنابراین در دوگانه سازش (که با دادن امتیاز و کوتاه آمدن از ارزش‌ها همراه است) و مبارزه، عامل غیرت دینی هم تعیین‌کننده راهبرد (مقابله) و هم تأمین‌کننده نیروی آن است.

۱۴. آمادگی برای فداکاری

یکی دیگر از مؤلفه‌های شناسایی شده برای انگیزش جهادی، آمادگی برای فداکاری است. فداکار کسی است که جان و مال خود را به خاطر دیگری فدا می‌کند (عمید، ۱۳۸۹، ص ۸۶۵).

۱. «غَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيْمَانٌ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۴، ص ۳۷۷)؛ غیرت مرد (عین) ایمان است».

منظور از فداکاری، گذشتن از خود یا منافع خود به خاطر اهداف جهاد (حفظ ارزش‌ها و ...) است. به‌طور کلی هر زمان بخواهیم به کار بزرگی دست بزنیم یا هدف بزرگی را محقق سازیم، مجبور هستیم کارهای کوچک‌تر و اهداف کم‌اهمیت‌تر و منافع جزئی‌تر را فدا کنیم. این مسأله، مختص رسیدن به منافع اخروی نیست و در دنیای مادی نیز انسان برای رسیدن به یک هدف بزرگ دنیوی مجبور است که برخی چیزها را فدا کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰ و ۱۳۷۶/۵/۲۹). در واقع همان‌گونه که همه دستاوردهای بشر، حاصل تلاش و پیگیری است، حفظ آنها نیز نیازمند مجاهدت و فداکاری است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۱۸).

۱۵. روحیه توکل به خدا

مؤلفه پانزدهم انگیزش جهادی، روحیه توکل به خدا یا به اختصار، توکل است. توکل به معنای کار خود را به خدا وا گذاشتن و به امید خدا بودن آمده است (عمید، ۱۳۸۹). وقتی انسان پا در راه امر مقدسی می‌نهد و امید دارد که نتیجه با وجود نصرت الهی محقق شود، به این امید، توکل می‌گویند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۴/۳۰). نمود رفتاری توکل در استمداد نصرت الهی است که غالباً به صورت دعا کردن و نیایش کردن با خداست. منشأ این استمداد همان توکل به خداوند است که باعث می‌شود انسان بر چیزی بیشتر از توان خود تکیه کند و با این امید برای بهره‌مندی از آن به تلاش جهادی دست بزند. یاری الهی نیازمند تلاش جانانه و طلب و درخواست مستقیم از خداوند است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۳/۲۹). استمداد توفیقات و تأییدات الهی یکی از وظایف مجاهدین است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۲۹). ادعیه بسیاری با مضمون استمداد از خداوند وارد شده است. ایشان در رهنمودهای خود به اعضای حزب الله لبنان توکل به خدا و استمداد و استغاثه از او را مهم‌ترین امر برای مجاهدین می‌دانند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۲/۱۳). کسی که می‌داند نصرت الهی در گرو تلاش است، طلب درونی او به جلب نصرت الهی موجب ترغیب او به تلاش جهادی خواهد شد.

اعتبارسنجی مؤلفه‌ها

پس از جمع‌آوری مستندات و شناسایی مؤلفه‌ها، به منظور اعتبارسنجی، مستندات و برداشت‌ها و همچنین جمع‌بندی انجام شده، به یازده نفر از کارشناسان که تحصیلات خارج

فقه حوزوی و همچنین تخصص در رشته روان شناسی دارند ارائه شده است.^۱ بر اساس نتایج اعتبارسنجی، Cvi به دست آمده از مجموع نظرات اساتید با سطح معناداری ۰/۹۵ برای همه مؤلفه ها باید بالاتر ۰/۷۹ باشد که حداقل Cvi محاسبه شده بالای ۰/۸۸ به دست آمده است. بنابراین تمامی مؤلفه ها از نظر کارشناسان مورد تأیید قرار گرفته اند. مقدار Cvi به دست آمده برای هر مستند و همچنین میزان ارتباط برداشت انجام شده و مفهوم، ارتباط تعاریف با مفاهیم و محتوای مستندات در جدول زیر مشخص شده است.

جدول ۱: اعتبارسنجی مؤلفه ها

ردیف	مؤلفه	Cvi میانگین گزاره ها	تطابق معنای برداشت شده	تطابق مؤلفه با مضمون	تطابق مؤلفه و تعریف	ارتباط محتوایی مستندات با مفهوم	ارتباط مؤلفه با موضوع	Cvi برداشت
۱	خودباوری	۰/۹۸	۰/۹	۱	۱	۱	۱	۰/۹۶
۲	نظم و انضباط	۰/۹۸	۱	۱	۱	۱	۱	۰/۹۸
۳	خطرپذیری	۰/۹۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۴	شور و شوق	۰/۹۸	۱	۱	۰/۹	۰/۹	۰/۹	۰/۹۴
۵	پایداری	۱	۱	۰/۹	۰/۹	۱	۰/۸	۰/۹۲
۶	خلاقیت	۰/۸۷	۰/۹	۰/۹	۰/۹	۰/۹	۰/۸	۰/۸۸
۷	درک چالش خصمانه	۰/۹۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۸	عقلانیت	۱	۱	۱	۱	۱	۰/۹	۰/۹۸
۹	امیدواری	۰/۹۸	۱	۱	۱	۱	۰/۹	۰/۹۸
۱۰	ایمان پایدار	۰/۹۸	۰/۹	۱	۱	۱	۱	۰/۹۶
۱۱	اخلاص	۰/۹۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۲	ولایت مداری	۰/۹۵	۱	۱	۱	۰/۹	۱	۰/۹۸

۱. همگی این اساتید، دانش آموخته حوزه علمیه و طلبه یا فارغ التحصیل خارج فقه بودند. هشت نفر از ایشان دارای مدرک دکترای روانشناسی و عضو هیأت علمی در مؤسسات آموزشی در شهر مقدس قم (مؤسسه امام خمینی علیه السلام، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مؤسسه اخلاق و تربیت و دانشگاه قرآن و حدیث) و سه نفر فارغ التحصیل مقطع ارشد روانشناسی هستند.

۱۳	غیرت دینی	۰/۹۶	۱	۰/۹	۰/۹	۱	۰/۹	۰/۹۴
۱۴	آمادگی برای فداکاری	۰/۹۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۵	توکل	۱	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۸

مدل مفهومی انگیزش جهادی

پس از مشخص شدن مؤلفه‌های انگیزش جهادی، در مرحله بعد مؤلفه‌های پانزده‌گانه بر اساس یک‌سری تحلیل‌های نظری و با استفاده از اصل هم‌معنایی و هم‌ریخت‌بینی کل‌نگر (شجاعی، ۱۳۹۹) ذیل سه عامل کلی دسته‌بندی شدند که ابعاد مختلف انگیزش جهادی را تشکیل می‌دهند.

۱. بلندهمتی

طبق یافته‌های این پژوهش، اولین عامل انگیزش جهادی، بلندهمتی است. از نظر لغت، همت به معنای قصد و اراده قوی است (عمید، ۱۳۸۹، ص ۱۲۸۰). بلندهمت به کسی گویند که قصد و نیت عالی و نیکو دارد (همان، ص ۲۰۳). منظور از بلندهمتی، اراده قوی برای انجام کار تا رسیدن به هدف والا است، حتی اگر نیازمند تلاش و هزینه بسیار زیاد (همچون بذل مال و امکانات و جان) باشد. این عامل شامل مؤلفه‌های: خودباوری، نظم و انضباط، خطرپذیری، شور و شوق، پایداری، امیدواری و خلاقیت است. وجه اشتراک همه این مؤلفه‌ها، تأثیر آنها در قدرت اراده برای انجام کار درست است.

اگر انسان بتواند با حرکت عادی به هدف برسد، نیازی به حرکت جهادی نیست؛ اما اگر حرکت عادی جواب‌گوی موانع نباشد، در این صورت باید با همه ظرفیت وارد میدان شد. لازمه ورود با همه ظرفیت، همت بلند است. مسأله همت بلند و استفاده از همه ظرفیت‌ها در عمل جهادی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۲/۳۰). اگر همت لازم در بعضی نیروها وجود نداشته باشد یا به‌طورکلی جهادی نباشند ممکن است کل حرکت را دچار آسیب و توقف کنند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۶/۴). رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام تأکید زیادی بر این مسأله دارند و در بیانات مختلف (مثل ۱۳۹۳/۳/۱۴ و ۱۳۹۶/۲/۱۰) این مسأله را بیان می‌کنند و مؤلفه‌های یاد شده را در ارتباط با آن به‌طور صریح و یا با واسطه در کنار بلندهمتی مطرح می‌کنند (مقام

معظم رهبری، ۱۳۹۱/۱۲/۳۰ و ۱۳۹۶/۲/۱۰ و ۱۳۹۲/۱۲/۱۵ و ۱۳۷۰/۱۰/۱۲).

۲. تولی - تبری

تولی و تبری، یعنی عشق و نفرت، پیوند دوستی و گسستن از دشمنان (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۱۰/۱۱). تولی-تبری عامل انگیزشی وابسته به فرهنگ دینی است. مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده این عامل ایمان پایدار، اخلاص، ولایت‌مداری، غیرت دینی، آمادگی برای فداکاری و توکل هستند. هسته اصلی تولی-تبری که در تعریف آن مشخص است، دوستی با آنچه الهی است و مبارزه با دشمن خداست که بنا بر تعریف، به دو مؤلفه ولایت‌مداری و غیرت دینی مرتبط است. همچنین رهبر معظم انقلاب علیه السلام بر ارتباط و تأثیر ایمان (که شامل اخلاص نیز هست) در تولی و تبری تصریح دارند (همان). در مورد فداکاری در راه خدا نیز گفته شده که ریشه این آمادگی در ایمان پایدار و اعتقاد به معاد است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰).

حلقه اصلی ارتباط این مفاهیم، ارتباط آنها با ایمان است. رهبر معظم انقلاب علیه السلام در مورد تولی و تبری با استناد به روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مهم‌ترین وجه دین و ایمان را در حب و بغض به خاطر خدا یا تولی-تبری می‌دانند (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۶/۸). اگر کسی علاوه بر اینکه ایمان داشته باشد منافع و جان و مال در این راه از دست نمی‌روند، بلکه ذخیره می‌شوند و در قیامت به او برمی‌گردند، خود را در خط مقدم میان دوست و دشمن ببیند، این دوستی و دشمنی می‌تواند انگیزه بسیار قوی‌تری نسبت به پاداش‌های گفته شده در وی ایجاد کند. این اثر را نیز می‌توان از جنس انگیزش درونی دانست که موجب می‌شود انسان برخلاف منافع خود، دست به فداکاری بزند.

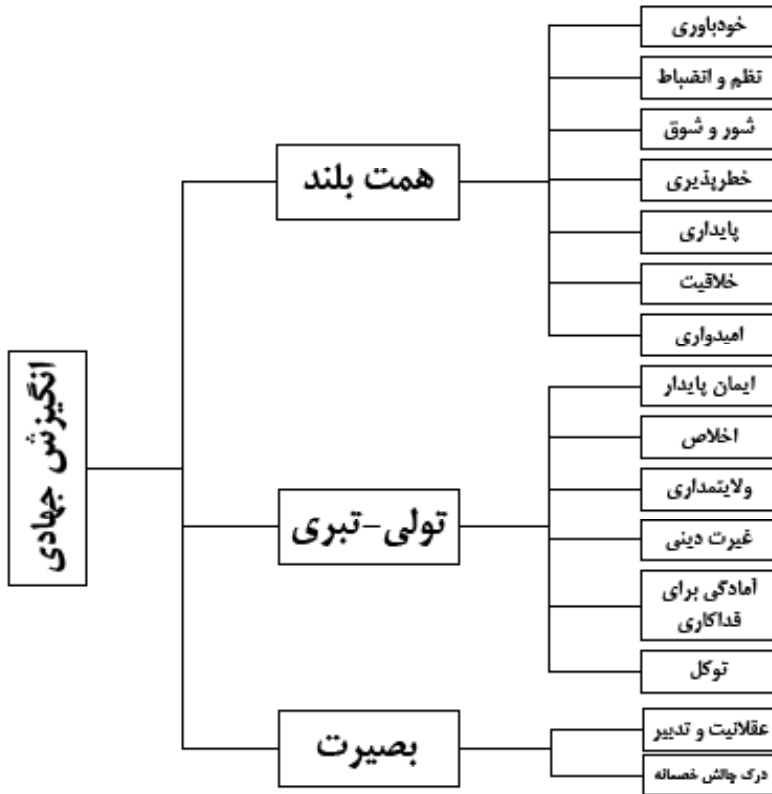
ریشه توکل نیز در ایمان است. فرد متوکل به وعده‌های نصرت حق در قرآن اعتقاد و ایمان دارد؛ لذا در گرفتاری‌ها خود را نمی‌بازد (غباری بناب، ۱۳۷۷). توکل را می‌توان از منظر کنترل نیابتی موردتوجه قرار داد. بنا بر نظریه کنترل نیابتی، شخص شرایط و اوضاع و احوال را مورد بررسی قرار می‌دهد تا ببیند چه کسی کنترل اوضاع و شرایط را در دست دارد و به نحو مؤثری خود را با آن فرد هماهنگ و هم‌جهت می‌کند، از این جهت احساس شایستگی و قدرت می‌کند که فکر می‌کند در طرف فرد قوی قرار دارد و به تبع قدرت آن فرد، وی نیز قدرت به

۱. «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ؟ (کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۳۰)؛ آیا دین چیزی جز دوستی و دشمنی به خاطر خدا است؟».

دست خواهد آورد، لذا گاهی فرد قدرتمند و با نفوذ را تشویق می‌کند که دست به کاری بزند که نهایتاً به سود خودش تمام می‌شود و از این طریق احساس کنترل بر شرایط و اوضاع می‌نماید (غباری بناب، ۱۳۷۷). می‌توان گفت وقتی که کسی با ایمان به خدا، به مبارزه با دشمنان خدا یا موانع رسیدن به قرب الهی می‌پردازد، در واقع خود را در جبهه‌ای قرار می‌دهد که منسوب به خداوند است (ولایت الهی). پس به طور طبیعی انتظار نصرت الهی را دارد و در کار خود بر خدا توکل می‌کند؛ یعنی توکل، نتیجه قبول عملی ولایت الهی است. این مسأله می‌تواند موجب شود که فرد با اینکه نیروی خود را کمتر از آن می‌بیند که موفق شود؛ اما با محاسبه نصرت الهی و برای بهره‌مند شدن از آن به تلاش جهادی دست می‌زند.

۳. بصیرت

بصیرت در لغت به معنای بینش، دانایی و زیرکی است (عمید، ۱۳۸۹، ص ۱۹۷). در اصطلاح بصیرت به معنای دشمن‌شناسی، راه‌های مقابله با دشمن و ترفندهای دشمن است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۹/۱). مؤلفه‌های این عامل شامل درک چالش خصمانه و عقلانیت است. علاوه بر آنکه درک چالش خصمانه ارتباط مستقیم و واضحی با وجه دشمن‌شناسی بصیرت دارد، عقلانیت نیز با بصیرت ارتباط مستقیم دارد و جزء مهمی از آن را تشکیل می‌دهد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۸/۸). بنا بر آنچه گفته شد عقلانیت به معنای پیروی از حکم عقل و برنامه‌ریزی همراه با آینده‌نگری است و اثر انگیزشی آن در جهاد علاوه بر برنامه‌ریزی، در آینده‌نگری نیز هست. ایشان هزینه‌های سازش را کمتر از جهاد نمی‌دانند و عقلانیت را در قبول جهاد می‌دانند. همچنین دوراندیشی مجاهدین (از جمله مدافعان حرم ایرانی که در سوریه مبارزه می‌کنند و علت آن را حفظ جمهوری اسلامی می‌دانند) را به عنوان جزئی از بصیرتشان برمی‌شمرند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۱۲/۲۲). همچنین نتیجه نداشتن بصیرت در جهاد را به صورت‌های مختلفی برمی‌شمرند؛ از جمله اینکه بی‌بصیرتی موجب ناتوانی در جهاد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۹/۴)، کاهلی در دفاع از ارزش‌ها (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۱۱/۱۶)، عدم شناخت منافع، مسیر درست رسیدن به آنها و نیروی متناسب با آن (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۸/۸)، عدم درک حقیقت (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۷/۲۱) و توقف در مسیر (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۱۲/۱۹) خواهد شد.



بحث و نتیجه‌گیری

در پاسخ به سؤال پژوهش باید گفت: یافته‌های حاصل از پژوهش در قرآن، کتب روایی و به‌ویژه بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام نشان می‌دهد که ۱۵ مؤلفه برای انگیزش جهادی وجود دارد. همچنین با دسته‌بندی مؤلفه‌هایی که ارتباط نزدیک‌تری با یکدیگر دارند در ذیل یک عامل، می‌توان این مؤلفه‌ها را در سه عامل گرایشی (تولی-تبری)، شخصیتی (بلندهمتی) و شناختی (بصیرت) جمع کرد. مؤلفه‌ها و عواملی که برای انگیزش جهادی احصاء شده‌اند، هرکدام به نحوی به وقوع رفتار جهادی کمک می‌کنند. درعین حال، میزان و نوع ارتباط این مؤلفه‌ها با یکدیگر متفاوت است.

تولی - تبری شامل مؤلفه‌های «ایمان پایدار»، «اخلاص»، «ولایت‌مداری»، «غیرت دینی»، «توکل» و «آمادگی برای فداکاری» است که نقطه اتصال و اشتراک همه این مؤلفه‌ها در ارتباط آنها با ایمان پایدار است. وجه تأثیرگذاری این عامل در انگیزش جهادی، تعیین

دوست و دشمن و تبدیل مانع به دشمن است که موجب انگیزه قوی‌تر برای مقابله با آن می‌شود.

بلندهمتی شامل مؤلفه‌های «خودباوری»، «نظم و انضباط»، «پایداری»، «شور و شوق»، «خطرپذیری»، «امیدواری» و «خلاقیت» است. این عامل نماینده مؤلفه‌های شخصیتی است که موجب می‌شود فرد، اراده لازم برای تلاش جهادی را داشته باشد و بتواند جهادی عمل کند.

بصیرت شامل مؤلفه‌های «درک چالش خصمانه» و «عقلانیت» است. اثر بصیرت در تشخیص موقعیت و تعیین راهبرد عمل است. بصیرت مرحله شناختی و تصمیم‌سازی است که وابسته به وجود دو عامل قبلی است. اگر در دو عامل قبلی ضعفی وجود داشته باشد، شخص نمی‌تواند تصمیم جهادی بگیرد و اصطلاحاً بی‌بصیرت است.

نزدیک‌ترین مفهوم روان‌شناسی به انگیزش جهادی، انگیزش درونی است و از این جهت یافته‌های این پژوهش با یافته‌های مربوط به انگیزش درونی مطابقت و هم‌خوانی دارد. روان‌شناسان یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر عملکرد افراد را انگیزش درونی می‌دانند (مهرداد، ۱۳۹۲). انگیزش درونی موجب ارضای بی‌واسطه نیازهای فرد می‌شود (کالدر، ۱۹۷۵). انگیزش درونی، نتیجه نگرش‌های مثبت است که سبب افزایش عملکرد می‌شود (چن و فرانسیسکو^۲، ۲۰۰۳). فرد بسته به شدت انگیزش و شدت نیرویی که در او به وجود آمده است، فعالیت‌ها و اعمال خود را سامان می‌دهد تا جایی که انگیزه ایجاد شده، تأمین شود؛ یعنی بدون اینکه عامل خارجی در راستای انگیزش تقویتی ایجاد کند و یا حتی در زمانی که عوامل بیرونی تقویت منفی دارند، انگیزش درونی فرد را به‌سوی رفتار سوق می‌دهد.

وجه تمایز انگیزش جهادی و انگیزش درونی در عامل تولی-تبری است. این عامل که نشان‌دهنده گرایش دوستی و دشمنی یا حب و بغض است، تأثیر زیادی در انگیزش فرد دارد. همچنین به نظر می‌رسد که عامل سوم یعنی بصیرت را که شامل «دشمن‌شناسی و عقلانیت و تدبیر» است را می‌توان در ارتباط با دو عامل قبلی تعریف کرد که نیازمند تأمل و تدقیق است.

1. Cauldre.

2. Francisco & Chen.

پیشنهادهای پژوهشی

با توجه به مؤلفه های به دست آمده، به نظر می رسد که بتوان پژوهش های بسیار متنوعی به روش های مختلف در این زمینه طراحی کرد که هر کدام به نوبه خود پاسخگویی نیازهای علمی و عملیاتی مخاطبین باشد. موضوعات زیر جهت پژوهش های بعدی پیشنهاد می گردد:

- ۱- رابطه بین مؤلفه ها و عوامل انگیزش جهادی با یکدیگر.
- ۲- اثر انگیزشی هر کدام از مؤلفه های انگیزش جهادی در موقعیت جهاد.
- ۳- روش های تقویت روحیه جهادی با توجه به مؤلفه های انگیزش جهادی.
- ۴- طراحی روش های تربیت جهادی بر اساس مؤلفه های به دست آمده برای انگیزش جهادی.
- ۵- طراحی جوامع جهادی (خانواده جهادی، دوستی جهادی، سازمان جهادی، دولت جهادی و ...).

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه علی مشکینی، (۱۳۹۲) قم: الهادی.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای (www.khamenei.ir).
- حسن زاده، ر (۱۳۸۸)، *انگیزش و هیجان*، تهران: انتشارات ارسباران.
- راغب اصفهانی، ح. ب (۱۳۷۴)، *مفردات الفاظ قرآن*، مترجم: مرتضوی، تهران: انتشارات مرتضوی.
- ربو، ج. م (۱۳۹۵)، *انگیزش و هیجان*، ویراست ششم، مترجم: یحیی سید محمدی، تهران: نشر ویرایش.
- شجاعی، م (۱۳۹۱)، *انگیزش و هیجان، نظریه های روان شناختی و دینی*، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عمید، ح (۱۳۸۹)، *فرهنگ فارسی*، تهران: انتشارات عترت.
- فرانکن، ر (۱۳۸۴)، *انگیزش و هیجان*، مترجم: غ. م. حسن شمس اسفندآباد، تهران: نشر نی.
- گورمن، ف (۱۳۸۸)، *انگیزش و هیجان*، مترجم: ا. کرمی، تهران: انتشارات دانژه.
- موکیلی، آ، دانتزر، ر (۱۳۸۴)، *انگیزش و هیجان*، مترجم: ح. گ. پیکانی، تهران: انتشارات ساوالان.
- نراقی (۱۳۸۱)، *علم اخلاق اسلامی*، ویراست دوم، مترجم: س. ج. مجتبی، تهران: انتشارات حکمت.
- تمیمی آمدی، ع. ا (۱۴۱۰ ق)، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامی.
- سید الرضی، م. ب (۱۳۷۹)، *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات مشهور.
- شیخ حر عاملی، م. ب (۱۴۰۹ ق)، *وسائل الشیعه*، قم: انتشارات مؤسسة آل البيت علیه السلام.

- طباطبایی، س. م (۱۳۹۰ ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: انتشارات مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- کلینی، م. ب (۱۴۰۷ ق)، *الکافی*، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، م (۱۴۰۳ ق)، *بحار الانوار*، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی.
- تیمورنژاد، علی؛ احمدی، محمدرضا؛ جهانگیرزاده، محمدرضا (۱۳۹۷)، «سبب‌شناسی نفاق از منظر منابع اسلامی و مقایسه آن با دو مفهوم روان‌شناختی ریاکاری اخلاقی و ناهماهنگی شناختی»، *فصلنامه روان‌شناسی و دین*، پیاپی ۴۸، ص ۲۵-۴۲.
- حبیب‌زاده (۱۳۹۰)، «شهادت و ایثار از دیدگاه مکاتب روان‌شناسی»، *همایش ملی فرهنگ ایثار و شهادت*، مرکز راهبری مهندسی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۹)، «روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی: مبانی نظری و مراحل اجرا»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، شماره ۲۷، ص ۴۱ تا ۷۳.
- شجاعی، محمدصادق؛ جان بزرگی، مسعود؛ عسگری، علی؛ غروی راد، سید محمد؛ پسندیده، عباس (۱۳۹۳)، «کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در مطالعات وائگانی ساختار شخصیت از دیدگاه اسلام»، *مجله علمی- پژوهشی مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، شماره ۱۵، ص ۷ تا ۳۸.
- غباری بناب، م (۱۳۷۷)، «طرح تهیه مقیاس اندازه‌گیری توکل به خدا»، *فصلنامه دانشگاه اسلامی*، شماره ۴، ص ۱۶.
- نوری، ن (۱۳۹۶)، «عوامل انگیزش در اندیشه علامه طباطبایی»، *روان‌شناسی و دین*، شماره ۴۰، ص ۲۲-۵.
- Ames, C., & Archer, J. (1988). Achievement goals in the classroom: Students' learning strategies and motivation processes. *Journal of Educational Psychology*, 260-267.
- Deci, E. L., Ryan, R. M. (2000). The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*.
- Elliot, A., Church, M. A. (1997). A hierarchical model of approach and avoidance achievement motivation. *Journal of Personality and Social Psychology*, 218-232.
- Hoy VK, M. C. (2008). Theory, research and practice in educational. (a. s, Trans.) Urmia: Urmia University pub.

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال دهم، شماره اول، پیاپی ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳ (ص ۳۳-۵۷)

سازه خردمندی از منظر معارف اسلامی و روانشناسی

A comparative study of wisdom from the perspective of Islamic education and psychology

✉ **سیدمرتضی هنرمند** / استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران.

مهین کرامتی فرد / استادیار، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران.

مهدی عبدالله زاده رافی / استادیار گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران.

سیدمحمد مهدی هنرمند / دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم، قم، ایران.

سید علی هنرمند / دانش آموخته سطح مقدمات حوزه علمیه قم، قم، ایران.

Seyed Morteza honarmand / Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Literature and Human Sciences, Malayer University, Malayer, Iran.

navust@yahoo.com

Mahin Karamati Fard / Assistant Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Faculty of Literature and Humanities, Malayer University, Malayer, Iran.

navust@yahoo.com

Mehdi Abdulzadeh Rafi / Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities, Malayer University, Malayer, Iran.

rafi.mehdi@gmail.com

Seyed Mohammad Mahdi honarmand / 3rd level graduate of Qom Seminary, Qom, Iran.

Seyed Ali honarmand / graduate of the preparatory level of Qom seminary, Qom, Iran.

Abstract

The aim of this study was to investigate and compare the characteristics of Khorramandi structure from the perspective of psychology and Islamic teachings (verses and hadiths). The research method of the present study is in the framework of descriptive-analytical research and the method of collecting information is library type. By reviewing and searching for psychological sources related

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی و مقایسه ویژگی های سازه خردمندی از منظر روانشناسی و معارف اسلامی (آیات و روایات) بود. روش تحقیق پژوهش حاضر، در چارچوب تحقیق توصیفی-تحلیلی قرار دارد و روش جمع آوری اطلاعات از نوع کتابخانه ای است. با مرور و جستجو در منابع روانشناسی مرتبط با خردمندی و متون اسلامی (آیات و روایات) که در مورد خرد و خردمندی به بحث پرداخته

to wisdom and Islamic texts (verses and hadiths) that discussed wisdom and wisdom, Data were collected and compared. The findings showed that wisdom in Islamic texts and psychology are similar and common in terms of function, practice and tools, which is the ideal lifestyle and achieving perfection; But in other areas such as nature and definition, ontological, epistemological, value and method of achievement, there are major differences between them. From these findings, it can be concluded that it is necessary to expand and use the Khorramandi structure in our Islamic country with regard to Islamic teachings in all aspects of life, research and counseling.

Keywords: intellect, wisdom; Islamic education, psychology.

بودند، اطلاعات گردآوری و مقایسه شدند. یافته‌ها نشان داد که خردمندی در متون اسلامی و روانشناسی از نظر کارکردی، عملی و ابزاری که همان سبک زندگی ایده‌آل و دستیابی به کمالات است شبیه و مشترک هستند؛ اما در زمینه‌هایی دیگر از قبیل ماهیت و تعریف، وجودشناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی و شیوه دستیابی، تفاوت‌هایی عمده میان آنها مشاهده می‌شود. از این یافته‌ها این نتیجه را می‌توان دریافت که لازم است در کشور اسلامی ما سازه خردمندی با توجه به معارف اسلامی در تمام ابعاد زندگی، تحقیقات و مشاوره‌ها گسترش و مورد بهره‌گیری قرارگیرد.

واژگان کلیدی: عقل، خردمندی، معارف اسلامی، روانشناسی.

مقدمه

ردّ پا، بررسی و کاربرد مفهوم خردمندی^۱ (خردورزی، عقلانیت و حکمت) در علوم (مانند حکمت و فلسفه، اخلاق و کلام)، منابع اسلامی (آیات و روایات) و تمدن و فرهنگ‌های یونانی (سقراط و افلاطون) (رک سوارتوود^۲ و تیبریوس^۳، ۲۰۱۹، ص ۱۱ و شوارتز^۴ و شارپز^۵، ۲۰۱۹، ص ۲۲۶-۲۲۹) هندی و چینی (آموزه‌های بودا، کنفوسیوسیوس و تائوئیسم)، قابل پیگیری و دارای قدمتی دیرینه است (کردنقابی و دیگران، ۱۳۹۴)؛ اما مدت زمان زیادی از ورود این مفهوم به علم روانشناسی به خصوص در عرصه‌ها و گرایش‌های مختلف و مرتبط

1. wisdom.

2. Swartwood.

3. Tiberius.

4. Schwartz.

5. Sharpe.

با این مفهوم یعنی روانشناسی تربیتی و آموزش و پرورش، روانشناسی بالینی و روان درمانی، روانشناسی شناختی و روانشناسی مثبت نمی‌گذرد؛ علت این امر را می‌توان به موارد مختلفی همچون سیطره گسترده رفتارگرایی در آغاز پیدایش روانشناسی (رابینسون^۱، ۱۹۹۰)، قصور روش‌های علمی که توانمندی روشن ساختن ابعاد کامل این مفهوم را داشته باشند (چندلر^۲ و هالیدی^۳، ۱۹۹۰)، دشواری و سختی مفهوم‌سازی و عملیاتی نمودن این مفهوم و همچنین پرهزینه و زمان‌بر بودن مطالعه ماهیت آن، نسبت داد. (استرنبرگ و گلاک^۴، ۲۰۱۹، ص ۷۸۳-۸۹۷؛ استرنبرگ^۵، ۲۰۰۴؛ اکبری و همکاران، ۱۳۹۵؛ اسعدی و همکاران، ۱۳۹۲) به هر حال در یکی دو دهه اخیر، این سازه جدید در بین روانشناسان بسیار مورد توجه قرار گرفته و تعاریف متفاوتی از این سازه در بین روانشناسان ارائه شده است. همچنین، اینکه خردمندی چیست؛ چه ویژگی‌هایی دارد و از چه راهی به دست می‌آید در بین روانشناسان مورد سؤال و گفتگو است. به همین جهت، تعریف و ماهیت مفهوم خردمندی، ویژگی‌ها، مؤلفه‌ها و پارامترهای آن در علم روانشناسی به معرکه آراء تبدیل شده است؛ این امر که در این علم به نظر و دیدگاه واحدی در مورد تعریف مفهوم خردمندی، ویژگی‌ها، مؤلفه‌ها و پارامترهای آن دست‌یازیده نشده، بررسی و سخن‌گفتن در مورد آن را بسیار سخت و دشوار می‌سازد. (میکائیلی و همکاران، ۱۳۹۸؛ هاشمی، ۱۳۹۳). در این مقاله، هدف بر این بود که ضمن بررسی اقوال مختلف روانشناسان که در بخش یافته‌ها خواهد آمد به تعریفی واحد دست یافته و ویژگی‌ها و مؤلفه‌های آن استخراج گردد تا قابل مقایسه با خردمندی در معارف اسلامی باشد. گرچه خردمندی به تازگی مورد توجه روانشناسان قرار گرفته است؛ ولی از دیرباز مورد توجه اندیشمندان اسلامی بوده است و در متون اسلامی نیز به شکل‌های مختلف به آن پرداخته شده است. یک جستجوی ساده در آیات و روایات با واژگان عقل، تعقل، تفکر، تفقه، لب، حکمت و در آثار مکتوب مانند کتاب *الکافی* مرحوم کلینی که اولین فصل آن با کتاب *العقل و الجهل* شروع می‌شود حاکی از اهمیت آن است.

شواهد و پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که خردمندی در هر دو حوزه به طور مستقل

1. Robinson.

2. Chandler.

3. Holliday.

4. Glück.

5. Sternberg.

بررسی شده است. در حوزه روانشناسی، اسعدی و همکاران (۱۳۹۲) مفهوم خردمندی را در روان‌شناسی و کاربردهای آموزشی آن؛ و اکبری و همکاران (۱۳۹۵) ویژگی‌های روانسنجی مقیاس خردمندی؛ و میکائیلی و همکاران (۱۳۹۸) به طراحی آزمون الگوی علی رابطه بین سبک زندگی اسلامی، خردمندی و هوش اخلاقی با گرایش به رفتار پرخطر: نقش واسطه‌ای بهزیستی روان‌شناختی؛ و هاشمی (۱۳۹۳) به بررسی سبک‌های هویت و تعهد دانشجویان براساس الگوی ساخت هویت بروزنسکی و رابطه آن با خردمندی در فرآیند حل مسأله؛ و نبی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی نقش تبیین‌کنندگی سبک‌های هویت و اعتقادات دینی در سازه‌خردورزی؛ و بارانی و همکاران (۱۳۹۴) به لزوم نقش کهن الگوی پیرخردمند در تعلیم بشر؛ و ذبیحی حصاری و همکاران (۱۳۹۶) به رابطه خردمندی با بهزیستی روان‌شناختی و سرزندگی تحصیلی در دانش‌آموزان؛ و کردنقابی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی نقش تبیین‌کنندگی سبک‌های هویت و اعتقادات دینی در سازه خردورزی؛ و گرجی و همکاران (۱۳۹۱) به تطبیق پیر مغان دیوان حافظ با کهن الگوی پیر خردمند یونگ؛ و هاشمی (۱۳۸۹) به بررسی خردمندی دانشجویان علوم انسانی و علوم پایه در فرآیند حل مسأله و رابطه آن با باورهای معرفت‌شناسی پرداخته‌اند. بیات و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله تدوین مدل مفهومی خرد بر اساس منابع اسلامی: یک تحلیل داده بنیاد، به مرحله هستی‌شناسی و ماهیت خرد از منظر منابع اسلامی؛ و استرنبرگ (۲۰۱۹) در هندبوک خردمندی (The Handbook of Wisdom Cambridge) در ۸ بخش و ۳۴ فصل به مبانی خرد، سنجش خرد، تحول خرد، دیدگاه فرهنگی درباره خرد، خرد و دیگر سازه‌های روانشناسی و خرد در عمل پرداخته است. از منظر معارف اسلامی، آیات و روایات بسیاری از مفهوم خردمندی و خردورزی سخن گفته‌اند. در حوزه اسلامی کتب تفسیری ذیل آیات دارای واژگان عقل، لب و ...، مرحوم کلینی (۱۴۲۹ق) در کتاب *اصول کافی* در فصل «کتاب العقل والجهل» خردمندی را از منظر روایات، محمدی‌ری‌شهری (۱۳۸۷) در کتاب *خردگرایی در قرآن و حدیث*، دیالمه (۱۳۹۲) به خردورزی در هندسه معرفتی تفسیر سوره حجرات، دیاری بیدگلی و میرمحمدی (۱۳۹۳) عقل‌گرایی و کارکردهای آن در تحول اندیشه دینی از منظر قرآن، بهشتی (۱۳۹۰) قلمروشناسی عقلانیت در تربیت اسلامی، حسینیان (۱۳۸۳) کارکردهای عقل در دین‌پژوهی، رشاد (۱۳۸۵) گستره کارکرد و کاربرد عقل در تفهیم و تحقق دین، نوایی (۱۳۷۹) گستره عقلانیت اسلامی را بررسی کرده‌اند. با این حال، تاکنون در هیچ پژوهشی، ویژگی‌های خردمندی از منظر روانشناسی و معارف اسلامی و نسبت آن دو با

یکدیگر در چهار بعد وجودشناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی و ابزاری بررسی نشده است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی تحلیلی بوده و روش مورد استفاده برای گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است. جامعه مورد بررسی در پژوهش حاضر را تمامی متون روانشناسی در حوزه خردمندی و متون اسلامی که در ارتباط با خرد و عقل بحث کرده‌اند، تشکیل داده بود. برای انتخاب متون روانشناسی فارسی و انگلیسی مرتبط با خردمندی، در پایگاه‌های اطلاعاتی ایران داک، کتابخانه ملی ایران، نورمگز و ... همچنین پایگاه‌های انگلیسی زبان Springer، Elsevier و Wiley و نیز برای انتخاب متون اسلامی مرتبط با خردمندی، در پایگاه‌های اطلاعاتی مانند پرتال جامع علوم انسانی، نورمگز، نرم‌افزار جامع الاحادیث و جامع‌التفاسیر و ... با استفاده از کلیدواژه‌های wisdom، خرد، خردمندی و عقل و مشتقات آن به جست‌وجو پرداختیم و آیات، روایات، کتب و مقاله‌هایی که معیارهای زیر را دارا بودند انتخاب کردیم:

۱. دارا بودن محتوای مرتبط با تعریف و تشریح ابعاد مختلف خردمندی؛ ۲. موجود بودن در بازار و قابلیت دسترسی به نسخه چاپی یا الکترونیک. سپس با مقایسه دو دیدگاه، به نقاط اشتراک و افتراق و ارائه تعریفی واحد از خردمندی از هر دو منظر دست یافتیم.

یافته‌های تحقیق

خردمندی از منظر روانشناسی

اگر بخواهیم به ماهیت خردمندی یا خردورزی را بر اساس سابقه و پیشینه، سیر تحول، تکامل و تطور از منظر علم روانشناسی دست‌یابیم باید به سیر ذیل اشاره کنیم؛ در نوشته‌های اولیه، خردمندی به عنوان نقطه پایانی ایده‌آل تحول هویت در انسان توصیف شده است. استنلی هال (۱۹۲۲م) به عنوان اولین روانشناس، خردمندی را با مؤلفه‌های بزرگسالی، دارای اعتقاد و نگرش، آرامش عقلانی، بی‌طرفی در قضاوت و تمایل به رعایت اصول اخلاقی برمی‌شمرد. پس از وی، اریکسون با تأیید همین نظر (خردمندی به عنوان نقطه پایانی ایده‌آل تحول هویت در انسان) تحقق آن را از طریق غلبه بر بحران‌ها و به طور خاص غلبه بر ناامیدی در طول زندگی فرد می‌داند. وی بر عنصر مرگ به عنوان پیش شرط تعریف خردمندی تأکید کرد (اریکسون، ۱۹۵۹؛ اسعدی و همکاران، ۱۳۹۲). سپس کارل گوستاو یونگ (۱۹۶۵م) با ابداع مفهوم کهن الگوی پیرخردمند به پژوهش در مورد مفهوم خردمندی اقدام

نمود. در این مفهوم، کهن‌الگو یا صورت یا صور مثالی (تجلیات جمعی)، همان محتویات ناخودآگاه جمعی است که مشتمل بر عناصر موروثی عام، همگانی و فطری و باعث سرزدن رفتارهای مشترک در همه افراد است. یکی از مصادیق کهن‌الگو، فردیت و خود است که به عنوان عاملی درونی و هدایت‌گر و با راهنمایی صورت مثالی پیر دانا و خردمند (که همزاد و جزء سرشت و روح هر انسانی است و به عنوان عقل سلیم و در قالب معلم) انسان را به خودشناسی، بروز رفتارهای کامل و خردمندانه و در نهایت بصیرت و درایت رهنمون می‌سازد. یونگ، رسیدن به مرحله نهایی را خودشکوفایی یعنی رسیدن به حداکثر وحدت، هماهنگی و تکامل تمام قسمت‌های شخصیت انسان می‌نامد که در آن انسجام شناختی، عینیت یافتن در عمل و تأثیرگذاری مثبت بر خود و دیگران در درازمدت برای حفظ مصالح جمعی است (رک از هندبوک خردمندی؛ یانگ، ۲۰۱۳؛ ذبیحی حصاری و دیگران، ۱۳۹۶؛ پرویت، ۲۰۰۰م؛ اسعدی و همکاران، ۱۳۹۲؛ صحرایی و همکاران، ۱۳۹۲؛ گرجی و همکاران، ۱۳۹۱؛ بارانی و همکاران، ۱۳۹۴). از سال ۱۹۸۰م تعریف خردمندی به دو رویکرد نظریه‌های تلویحی (ضمنی) و تصریحی تقسیم شد (سوارتوود و تیریوس، ۲۰۱۹، ص ۱۸-۱۹). از نظر استرنبرگ و لوبارت، رویکردهای تلویحی، سازه‌هایی عقلانی‌اند که در ذهن افراد وجود دارند و از طریق پرسش و پاسخ و استنباط قابل ردیابی‌اند و در رفتار فرد آشکار می‌شوند و از آنها برای قضاوت‌های روزمره درباره افراد استفاده می‌شود. هدف این رویکرد، ارائه توصیفی از مفاهیمی است که در نزد عوام درست است. استرنبرگ، خردمندی را سازگاری، تغییر، تطابق و هماهنگی فرد با خود و محیط می‌داند. در نتیجه، چنین فردی در حالت تعادل است؛ یعنی می‌داند در هر کاری و وضعیتی چه تصمیمی باید اتخاذ کند. از نظر استودینگر، معیار خردمندی در این رویکرد وابسته به عقل سلیم و خبرگی است. روش کار در این رویکرد استفاده از فهرستی از صفات مرتبط با خردمندی است که شرکت‌کنندگان باید ابتدا به رتبه‌بندی این صفات بر اساس اهمیت پرداخته و سپس عناصر زیربنایی استخراج می‌شود (اوکس و پی. برینزا و الناکوری و گروسمن، ۲۰۱۹، ص ۱۸۲-۲۰۱). به عنوان مثال، استرنبرگ در یکی از این پژوهش‌ها به شش عنصر توانایی استدلال، زیرکی و ذکاوت، یادگیری از نظرات و محیط، قضاوت، استفاده از اطلاعات به عنوان عناصر زیربنایی دست یافت. در مقابل، رویکردهای تصریحی، سازه‌هایی هستند که بر دسته‌ای از داده‌ها استوارند و پژوهشگران روانشناس از آن، آزمون به عمل می‌آورند. این رویکرد به فرایندگرا (خردمندی به عنوان یک ویژگی تفکر در بزرگسالان) و به نتیجه‌گرا (خردمندی به عنوان الگویی از ویژگی‌های شخصیتی

یا به عنوان رفتار حل مسأله) تقسیم می‌شود. در این رویکرد، سه نظریه مهم ظهور نمود. یکم؛ نظریه تعادلی خردمندی استرنبرگ: در این نظریه، خردمندی یعنی بکارگیری فرایندهای تفکر و دانش‌نهان به همراه و تحت تأثیر ارزش‌های اخلاقی (مانند صداقت، حقیقت و دلسوزی) (سوارتوود و تیبریوس، ۲۰۱۹، ص ۲۰-۲۵). برای رسیدن به راه‌حل‌هایی که هدفشان دستیابی به خیر و منافع مشترک و همگانی در یک بافت اجتماعی یا فرهنگی است و باید میان منافع درون‌فردی، بین‌فردی و برون‌فردی تعادل ایجاد کند. سنجش چنین خردمندی از راه آزمون و سؤال میسر نیست؛ بلکه شرکت‌کنندگان کیفیت تعدادی از راه‌حل‌های احتمالی در یک مسأله را رتبه‌بندی می‌کنند و سپس رتبه‌بندی آنها با رتبه‌بندی کارشناسان مقایسه می‌شود. وی در آخرین دستنامه (هندبوک خردمندی کمبریج) خویش نیز همین تعریف (تعریف سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۴ خود) از خردمندی را ارائه می‌دهد و اضافه می‌کند که حماقت نقطه مقابل خردمندی است که با شش مغالطه همراه است. اول، مغالطه خوش‌بینی غیرواقع‌بینانه، زمانی رخ می‌دهد که مردم فکر می‌کنند آنقدر باهوش و مؤثر هستند که می‌توانند هر کاری که بخواهند انجام دهند. دوم، مغالطه خودمحوری، زمانی رخ می‌دهد که مردم فکر می‌کنند تنها آنها هستند که مهم هستند؛ نه افرادی که به آنها تکیه می‌کنند. سوم، مغالطه دانای کل، زمانی رخ می‌دهد که مردم فکر می‌کنند همه چیز را می‌دانند و محدودیت‌های دانش خود را از دست می‌دهند. چهارم، مغالطه قدرت مطلق، زمانی اتفاق می‌افتد که مردم فکر می‌کنند قادر مطلق هستند و می‌توانند هر کاری که بخواهند، هر زمان که بخواهند انجام دهند. پنجم، مغالطه آسیب‌ناپذیری، زمانی رخ می‌دهد که مردم فکر می‌کنند می‌توانند از هر چیزی خلاص شوند؛ زیرا آن قدر باهوش هستند که نمی‌توانند گرفتار شوند. آنها تصور می‌کنند که حتی اگر دستگیر شوند، می‌توانند از کاری که انجام داده‌اند به دلیل آنچه که خود را تصور می‌کنند فرار کنند. و در نهایت، ششم، مغالطه عدم مشارکت اخلاقی، زمانی رخ می‌دهد که مردم فکر می‌کنند اخلاق مهم است؛ اما فقط برای دیگران؛ نه برای خودشان. آنها خود را بالاتر از دغدغه‌های اخلاقی می‌بینند (استرنبرگ، ۲۰۱۹، ص ۱۶۲-۱۸۱ و استرنبرگ و گلاک، ۲۰۱۹، ص ۵۵۶). دوم؛ پارادایم خردمندی برلین: بالتز و همکارانش در مؤسسه ماکس پلانک برلین به این نتیجه رسیدند که خردمندی مجموعه‌ای بسیار تحول‌یافته از دانش و قضاوت (حکم) در ملاحظات عملی زندگی (مسائل مهم غیرقطعی و مبهم زندگی) است که به بینش، قضاوت درست و درک یک زندگی خوب منجر شده و اوج عملکرد و نقطه پایانی دانش بشری و تحول آن محسوب می‌شود. این

پارادایم از پنج معیار دانش واقعی در مورد انسان‌شناسی، دانش معناشناسی زندگی، جهان‌شناسی، نسبیت ارزش‌ها (به معنای ابزار تحمل و احترام به باورها یا اعمالی که بر خلاف باورهای فرد است) و بازشناسی و مدیریت ابهامات زندگی تشکیل شده است. در این پارادایم، سنجش شرکت‌کنندگان نیز با ارائه داستان‌های فرضی در مورد مسائل چالش برانگیز و مبهم زندگی و پاسخ آنان به شیوه «تفکر با صدای بلند» توسط داوران صورت می‌گیرد (آردلت و پریجن و ال. ناتر پریجن، ۲۰۱۹، ص ۱۴۷-۱۴۸). سوم؛ مدل سه‌بعدی خردمندی آردلت: این مدل ترکیبی از ویژگی‌های شخصیتی با سه بعد شناختی (میل به دانستن حقیقت و درک عمیق زندگی از راه غلبه فرد بر فاعلیت خود از طریق عمل)، تأملی (خودآزمایی و خودآگاهی و توانایی مشاهده پدیده‌ها از زوایای مختلف) و عاطفی (عشق هم‌دلانه و دلسوزانه برای دیگران) است (وست استرات و بلاک و گلاک، ۲۰۱۹، ص ۱۰۳). در این مدل، سنجش خردمندی از راه مقیاس سه‌بعدی خردمندی که همبستگی مثبت با تسلط، بهزیستی ذهنی، هدف زندگی، سلامت ذهنی و رابطه منفی با افسردگی، ترس از مرگ و احساس فشار اقتصادی دارد صورت می‌گیرد (همان، ۲۰۱۹، ص ۱۰۴ و اسعدی و همکاران، ۱۳۹۲). از نظر وی خردمندی دارای کارکردهایی همچون توانمندی‌سازی افراد برای مدیریت جامعه، حل مشکلات و برنامه‌ریزی برای زندگی و دستیابی به یک جهان‌بینی برای زندگی و معنای آن می‌باشد (همان، ۲۰۱۹، ص ۱۰۳-۱۰۴ و کردنقابی و همکاران، ۱۳۹۴). پس از آردلت، اشمیت، مالدون و پاندرز با تکیه بر تعریف آردلت، خردمندی در حوزه‌های گوناگون از جمله رهبری و مدیریت را با هفت مؤلفه: ۱. بعد عملی (توانایی فرد در استدلال دقیق و انتخاب برجسته‌ترین واقعیات)؛ ۲. بعد تأملی (توانایی فرد به تفکر در مورد گذشته و آینده زندگی خویش)؛ ۳. بعد گشودگی و تحمل دیدگاه مخالف؛ ۴. بعد استعداد تعاملی (توانایی کنترل فرد در هیجانات اجتماعی و ارتباطی)؛ ۵. بعد رواداری تناقضی (توانایی فرد در تحمل عدم قطعیت و ابهام و درک تناقض‌ها و مصالحه میان آنها)؛ ۶. بعد حساسیت اخلاقی (تأکید بر نقش اخلاقیات و فضائل)؛ ۷. بعد تجربه (تجربه افراد در شرایط چالش برانگیز زندگی). اشمیت و همکارانش با تدوین مقیاس خردمندی با ۲۱ گویه و در شش بعد مجزای فوق، بعدپذیری، روایی و پایایی خردمندی را سنجیدند (وست استرات و بلاک و گلاک، ۲۰۱۹، ص ۶۴۹-۶۷۶ و اکبری و همکاران، ۱۳۹۵؛ هاشمی، ۱۳۹۳؛ همان، ۱۳۸۹). در سال‌های اخیر خردمندی، به مهارت، هدف و کاربرد تجربه‌های مهم زندگی در تسهیل رشد بهینه خود و دیگران بر اساس پنج مؤلفه تجربه‌های بحرانی زندگی (به عنوان شرط لازم)، نظم‌جویی

هیجانی(به معنای حساسیت در موشکافی و تمایز قائل شدن بین حالت‌های هیجانی به همراه توانایی تشخیص و بیان سازنده طیف کامل از احساسات متنوع انسان)، تأمل و یادآوری، شوخ طبعی و گشودگی به تجربه تعریف شده است(وبستر، ۲۰۰۳؛ میکائیلی و همکاران، ۱۳۹۸). در تعریفی دیگر به توانایی استدلال عمل‌گرایانه برای حل چالش‌های مهم زندگی(گروسمن، فرانکی ای.کانگ و سی. سانتوس، ۲۰۱۹، ص ۲۴۹-۲۷۶؛ گروسمن و همکاران، ۲۰۱۶؛ میکائیلی و همکاران، ۱۳۹۸) و بکارگیری استدلال منطقی به عنوان یک ویژگی که هنگام تصمیم‌گیری آشکار می‌شود تأکید شده که نیازمند تجربه، جست‌وجوی اطلاعات، راه‌حل‌ها و سنجش نتایج جایگزین است(بانگن و همکاران، ۲۰۱۳؛ کردنقابی و همکاران، ۱۳۹۴).

پس از بیان تعاریف و نظرات مختلف روانشناسان در طی صدسال اخیر، با در نظر گرفتن نقاط افتراق و اشتراک تعاریف، می‌توان گفت که خرد، خردمندی و خردورزی یک سازه چهار بعدی است که یکم از بعد شناختی و معرفتی(به معنای میل به دانستن حقیقت و درک عمیق زندگی از راه غلبه فرد بر فاعلیت خود از طریق عمل؛ توانمندی سازی افراد برای مدیریت جامعه، حل مشکلات و برنامه‌ریزی برای زندگی و دستیابی به یک جهان‌بینی برای زندگی و معنای آن؛ کسب و دستیابی به دانش و قضاوت در ملاحظات عملی زندگی که به بینش، قضاوت درست و درک یک زندگی خوب منجر می‌شود)؛ دوم بعد تأملی(به معنای خودآزمایی و خودآگاهی و توانایی مشاهده پدیده‌ها از زوایای مختلف از جمله توانایی فرد به تفکر در مورد گذشته و آینده زندگی خویش؛ توانایی فرد در تحمل عدم قطعیت و ابهام و درک تناقض‌ها و مصالحه میان آنها؛ حساسیت در موشکافی و تمایز قائل شدن بین حالت‌های هیجانی به همراه توانایی تشخیص و بیان سازنده طیف کامل از احساسات متنوع انسان؛ کسب تجربه در شرایط چالش‌برانگیز زندگی و کاربرد تجربه‌های مهم زندگی در تسهیل رشد بهینه خود و دیگران؛ جست‌وجوی اطلاعات، راه‌حل‌ها و سنجش نتایج جایگزین)؛ سوم بعد عاطفی(به معنای عشق هم‌دلانه و دلسوزانه برای دیگران؛ بهزیستی ذهنی و روانی و دفع استرس اضطراب، افسردگی و ترس از مرگ)؛ و چهارم بعد معنوی و اخلاقی(تأکید بر نقش اخلاقیات و فضائل، بعد گشودگی و تحمل دیدگاه مخالف؛ نسبت ارزش‌ها به معنای ابزار تحمل و احترام به باورها یا اعمالی که بر خلاف باورهای فرد است) تشکیل شده است.

خردمندی از منظر معارف اسلامی

بارزترین واژه‌ای که خردمندی یا خردورزی را در گفتمان معارف اسلامی (آیات و روایات) به ذهن متبادر می‌سازد واژه «عقل» است. ماده عقل از عقل به معنای بازداشتن و منع است و در تمامی مشتقات به معنای تشخیص صلاح و فساد در طول حیات مادی و معنوی انسان به کار می‌رود؛ به گونه‌ای که نفس انسان را بر اساس آن هدایت می‌کند (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۲۴۱-۲۳۸). عقل در اصطلاح دارای معانی مختلفی است. از منظر صدرالمآلهین، عقل دارای شش معنای متفاوت است: یکم؛ عقل در نزد حکما و در کتاب برهان که جزء قوای نفسانی است و به مدد وی یقین به مقدمات صادق و ضروری - که به صورت فطری کسب شده‌اند؛ نه از راه قیاس - بدست می‌آید. پس عقل بدین معنایی از قوای نفسانی است که فطری و ذاتی نفس است و موجب پدید آمدن پایه و مبادی علوم انسانی می‌شود. عقل در این معنا غریزه‌ای است مایز میان انسان و سایر حیوانات که مستعد پذیرش علوم نظری و تدبیر صنایع فکری است و همه انسان‌ها در آن مشترکند. دوم؛ عقل در نزد متکلمان معتزله که همه انسان‌ها در آن مشترکند و به معنای پذیرش امری (مقدمات مقبوله و آراء محموده) توسط همه یا بیشتر مردم می‌باشد؛ مانند اینکه یک جسم در دو مکان جای نمی‌گیرد. در این معنا عقل همان قضایای مشهورات و مقبولات است. سوم؛ عقل در میان عرف مردم که می‌گویند فلانی عاقل و زیرک است و ملاک آن، موقعیت‌شناسی در اغراض دنیوی یا اخروی است. استفاده غیر صحیح آن را نکراء یا شیطنت گویند. عقل در این قسمت به معنای ذکاوت در مقابل بلاهت است. چهارم؛ عقل در کتاب نفس که دارای مراتب چهارگانه عقل بالقوة، عقل بالملکة، عقل بالفعل و عقل مستفاد است. عقل در این قسمت بدین معناست که انسان علاوه بر ادراک حسی، خیالی و وهمی که مشترک میان انسان و حیوان است دارای ادراک عقلی و ویژه و اختصاصی است. پنجم؛ عقل در کتاب الهیات و معرفت ربوبیات که موجودی نوری و مجرد محض است و از آن به عالم روحانیین و جبروت یاد می‌شود. ششم؛ عقل در کتاب اخلاق که جزئی از نفس است و با مواظبت و توجهات مکرر بر یک اعتقاد و تکرار فعلی از افعال اختیاری در نفس تحقق می‌یابد؛ به عبارت روشن‌تر، به ملکات و خلق‌هایی که منشأ افعال اختیاری انسان واقع می‌شوند و انسان بر اساس آنها باید‌ها و نبایدهای اخلاقی را صادر می‌کند عقل گفته می‌شود. ملکات به سبب رسوخ و استحکامی که در نفس دارند در واقع جزئی از نفس به شمار می‌آیند.

معنای اول و چهارم ناظر به عقل نظری و معانی دوم، سوم و ششم ناظر به عقل عملی است.

همچنین عقل به غیر از معنای پنجم، به نحوی به عقل انسانی مربوط است. البته تمامی معانی عقل علی‌رغم تباین و تشکیک، در جسم و جسمانی نبودن نیز مشترکند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳؛ سروش، ۱۳۹۳: ۲۱-۲۵). به نظر می‌رسد هیچ‌کدام یک از این معانی شش‌گانه در این مقاله در باب تعریف اصطلاحی عقل و خردمندی مورد نظر ما نیست و برای دست‌یابی به معنای اصطلاحی عقل و خردمندی باید در معارف اسلامی غور بیشتری نمود. منظور از معارف اسلامی، آیات قرآنی است که به‌عنوان معجزه جاودان الهی (سوره اسراء: ۸۸)، نور (سوره نساء: ۱۷۴)، هادی (سوره اسراء: ۹) و خارج‌کننده از ظلمات (سوره بقره: ۲۷۵) و برهان (سوره نساء: ۱۷۴) است. از منظر شیعه، روایات و سنت معصومین علیهم‌السلام نیز به‌عنوان مفسر و مبین آیات، جزء معارف اسلامی است. با جستجوی دقیق در آیات و روایات درمی‌یابیم که کاربرد و سخن از عقل با مشتقات مختلف و به دفعات بکار رفته است. در آیات قرآن کریم با واژگان مختلفی همچون تفکر (سوره آل عمران: ۱۹۱)، تذکر (سوره نحل: ۱۷)، تدبّر (سوره نساء: ۸۲)، تعقل (سوره بقره: ۲۴۲)، تفقه (سوره انعام: ۹۸)، لبّ (سوره بقره: ۲۶۹) و اولی‌النهی (سوره طه: ۵۴)، بلوغ‌اشد (سوره یوسف: ۲۲)، رشد (سوره نساء: ۶) و در روایات نیز در بعد ایجابی با واژگان *أَعْقَلَ النَّاسِ*، *أَكْمَلَ النَّاسِ عَقْلاً*، *العقل*، *العقول*، *العقل*، *مَا تَمَّ عَقْلُ امْرِئٍ*، *مِنْ عَلَامَةِ الْعَاقِلِ*، *عقل*، *مَنْ كَانَ عَاقِلاً*، *کمال العقل*، *تَمَامُ الْعَقْلِ*، *جنود العقل* و *الجهل*، علامه قوه العقل، *زِيَادَةُ فِي الْعَقْلِ*، *زِيَادَةُ الْعَقْلِ*، *كُلَّمَا ازْدَادَ عَقْلٌ*، *ذَلِيلٌ عَلَى صِحَّةِ الْعَقْلِ*، *أَحْسَنُهُمْ عَقْلاً*، *غَزَارَةُ الْعَقْلِ*، *وُفُورُ الْعَقْلِ*، *رَزَانَةُ الْعَقْلِ*، *أَفْضَلُ الْعَقْلِ*، *هُمْ الْعُقَلَاءُ*، *حُسْنُ عَقْلِهِ*، *أَعْقَلَ عَقْلَكَ*، *حَدُّ الْعَقْلِ*، *أَفْضَلُ النَّاسِ عَقْلاً*، *إِذَا كَمَلَ الْعَقْلُ*، *حُسْنُ الْعَقْلِ*، *لِلْحَازِمِ مِنْ عَقْلِهِ*، *مِنْ كَمَالِ عَقْلِكَ*، *ثَمَرَةُ الْعَقْلِ*، *حِفْظُ الْعَقْلِ*، *يُسْتَدَلُّ عَلَى عَقْلِ الرَّجُلِ* و در بعد سلبی با واژگان مرگ عقل، ذهاب عقل، نقص عقل، عدم عقل، خواب عقل، دهشت عقل، *قَلَّتْ عقل*، *خَفَّتْ عقل* (الطَّيْشُ: *خِفَّةُ الْعَقْلِ*)، *قَلَّ عَقْلُهُ*، *لا يَثُوبُ الْعَقْلُ*، *لَمْ يَعْقِلْ*، *لَمْ يَمْلِكْ عقله*، *أَكْثَرَ مَصَارِعِ الْعُقُولِ*، آثار قلة العقل و فقه آمده است. نتیجه به‌دست آمده از دقت در این معارف، این است که واژه عقل با چهار نگاه وجودشناختی (ساختار و ماهیت عقل و ویژگی‌های وجودی آن)، معرفت‌شناختی (یعنی رهنمون شدن به اعتقادات درست)، ارزش‌شناختی (یعنی رهنمون شدن به مکارم اخلاقی) و ابزاری، عملی و کاربردی لحاظ شده است که در قسمت بحث و نتیجه‌گیری (ویژگی‌های خردمندی از منظر معارف اسلامی) به توضیح آنها می‌پردازیم.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی و مقایسه ویژگی‌های خردمندی از منظر روانشناسی و معارف اسلامی بود که حاصل آن چنین است:

تعریف و ماهیت خردمندی

از منظر روانشناسی اگر بخواهیم خردمندی را به گونه ساده و جامع تعریف کنیم باید بگوییم: «خردمندی فرایند یا سازه‌ای است که بر اساس معرفت، دانش و شناخت لازم در هر مورد همراه با تفکر و تأمل و تحت تأثیر ارزش‌های اخلاقی برای رسیدن به راه‌حل‌هایی است که هدفشان دستیابی به خیرات و منافع مشترک و همگانی (کمالات) در یک بافت اجتماعی است». همچنین مبتنی بر معارف اسلامی، در تعریف اصطلاحی عقل می‌توان گفت: «عقل، نوری الهی است که با درک، تشخیص صحیح امور، مقایسه و سنجش و نتیجه‌گیری درست از آنها، انسان را در دو حوزه نظری (معرفت‌شناختی) و عملی (ارزش‌شناختی و ابزاری و کاربردی) به سوی کمال رهنمون می‌سازد». عقل (خرد) و به‌کار بستن فرامین آن را کارِ عاقلانه (خردمندانه یا خردورزانه) و صاحب و به‌کارگیرنده عقل را عاقل و خردمند و به نتیجه و مجموع این روابط، تعقل و عقلانیت (خردمندی یا خردورزی) گفته می‌شود.

ویژگی‌های خردمندی از منظر روانشناسان

از منظر علم روانشناسی، ویژگی‌های انسان‌های خردمند را می‌توان در چند گزاره خلاصه نمود: ۱. توانمندی در استدلال، تجزیه و تحلیل؛ ۲. پذیرش دیدگاه دیگران با شکاکیت و پرسش؛ ۳. انتخاب از طریق توجه به بخش‌های کلیدی اطلاعات؛ ۴. توجه به تمام ابعاد در بعد تصمیم‌گیری؛ ۵. آگاهی از اصول قطعی و چگونگی و چرایی کاربست آنها در زندگی؛ ۶. تأمل در گذشته و عبرت‌گیری از آن و کاهش نقاط ضعیف در آینده؛ ۷. بالابردن و پذیرایی آستانه تحمل دیدگاه‌های مخالف دیگران (احترام به باورهای آنان)؛ ۸. کنترل هیجانات و احساسات در موقعیت‌های مختلف و نمایش مهمترین نمونه آن در حل مسأله؛ ۹. درک رفتارهای هیجانی دیگران در تعامل با آنها و در نتیجه بالابردن درک و شناخت باورها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و توانمندی‌های دیگران و در نهایت دستیابی به نوعی تعادل میان مصلحت فردی و جمعی؛ ۱۰. دوراندیشی و توجه به اهداف درازمدت و چشم‌اندازها؛ ۱۱. درک تناقضات، تغییرات و تضادهای ماهیت انسان و توانایی مصالحه میان آنها؛ ۱۲. توجه به

ابعاد اخلاقی فرد (اخلاقیات) و قضاوت‌های اخلاقی وی؛ ۱۳. تجربه شرایط مختلف زندگی اجتماعی و مواجهه با چالش‌های زندگی و رخداد‌های مؤثر در تصمیم‌گیری و دانش‌اندوزی در مورد آن.

ویژگی‌های خردمندی از منظر معارف اسلامی

۱. وجودشناختی

بر اساس روایات، عقل موجود و مخلوق مجرد نوری است^۱ (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۱) که خداوند آن را بسان نور و چراغی به روح انسان هدیه نموده است^۲ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۹۶ و کلینی، ۱۴۲۹ق: ۴۴۸) و کارکرد حقیقی آن تشخیص حق از باطل است^۳ (دیلمی، ۱۴۱۲ق: ۱/ ۱۹۸). بر این اساس کار اصلی عقل، روشنگری، واقع‌نمایی، آینده‌نگری و رسیدن به کمال است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷: ۳۶). به نظر می‌رسد الهام فجور و تقوا که در آیه ۸ سوره شمس^۴ بدان اشاره شده است همان الهام نور عقل بر روح انسان است (برنجکار، ۱۳۷۴). البته میزان بهره‌گیری افراد از نور عقل متفاوت است و از این رو است که جایگاه و مراتب فضیلت افراد متناسب با درجات بهره‌مندی آنها از عقل شناخته شده است^۵ (دیلمی، ۱۴۱۲ق: ۱/ ۹۹). در روایات مربوطه اوصافی وجودی مانند خیرالمواهب (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۳۵۴)، اصل (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱/ ۸۲)، قیمت (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۴۲۱)، دوست پسندیده (همان: ۱۲۹)، پشتیبان (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱/ ۹۰)، زینت انسان (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۷۷۵) و ... آمده است. عوامل مختلفی در روایات همچون وحی، علم، ادب، تجربه، مشورت، تقوا، تهذیب نفس، یاد خداوند، زهد، تبعیت از حق و ... باعث افزایش نمود و کارایی (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷: ۹۹-۱۱۳) و عواملی مانند هوی و هوس، گناه، کبر، آرزو، غرور، حب دنیا، شراب‌خواری، زیاده‌طلبی، مصاحبت با جاهل و ... باعث رکود و آفت عقل می‌گردد (همان: ۲۱-۲۳۳).

۱. «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْعَقْلَ مِنْ نُورٍ...؛ خداوند متعال عقل را از نور خلق کرده است».

۲. «وَإِنْ صَوَّهَ الرُّوحَ الْعَقْلَ؛ همانا نور روح، عقل است» و «الْعَقْلُ مَسْكَنُهُ فِي الْقَلْبِ؛ جایگاه عقل در قلب (روح) قرار دارد».

۳. «الْعَقْلُ نُورٌ فِي الْقَلْبِ يُفَرِّقُ بِهِ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ؛ عقل نوری در قلب است که مایه تشخیص حق و باطل است».

۴. «فَالْهَمَّهَا فَجُورُهَا وَ تَقْوَاهَا».

۵. «وَ قِيلَ إِنَّهُمْ وَصَفُوا رَجُلًا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مُحْسِنٍ عِبَادَتِهِ فَقَالَ انْظُرُوا إِلَى عَقْلِهِ فَإِنَّمَا يُجْزَى الْعِبَادُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ؛ نزد پیامبر اکرم ﷺ از حُسن عبادت فردی تعریف نمودند. رسول خدا ﷺ فرمودند: به عقل او نگاه کنید؛ زیرا بندگان در روز قیامت به میزان عقل‌هایشان پاداش داده می‌شوند».

۲. معرفت‌شناختی

معارف وحیانی در موضعی اعتدالی، در مقام ایجابی به قداست و حجیت ذاتی عقل و خردمندی اذعان و آن را حجت باطنی در مقابل حجت ظاهری (پیامبران) معرفی می‌کند^۱ (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۱/ ۳۵). به کار رفتن حجت باطنی و ظاهری در کنار هم بر اهمیت و جایگاه انطباق، هماهنگی و مکمل بودن این دو حجت اشاره دارد (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲۶۱؛ نوایی، ۱۳۷۹). از طرفی نیز وظیفه و فلسفه بعثت انبیاء را شکوفایی آن دانسته است^۲ (نهج البلاغه؛ خ: ۱/ ۳۸). در مقابل و در مقام سلبی نیز قرآن کریم بی‌اعتنایان به عقل را مذمت نموده^۳ (سوره انفال: ۲۲) و با توصیه به بهره‌گیری از آن، اهمیت و جایگاه آن را دوچندان می‌سازد^۴ (سوره ملک: ۱۰ و دیالمه، ۱۳۹۲). همین بس که در آیات و روایات، عقل همراه علم، فهم و بینش به کار رفته است^۵ (سوره عنکبوت: ۴۳ و تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۴۸ و ۱۰۸ و کلینی، ۱۴۲۹ق: ۱/ ۳۲ و همان: ۱/ ۳۴). عقل در حوزه شناخت معارف اسلامی یا دین‌پژوهی (در دین، درباره دین، دینداری و مقام تحقق دین) کارکردهای فراوانی دارد که از مراتب خردمندی انسان محسوب می‌شود. در یک تقسیم‌بندی کلی در باب معرفت‌شناختی عقل می‌توان آن را به سه دسته کلی تقسیم کرد: ۱. معرفت‌زایی: یعنی ادراک

۱. «يَا هِشَامُ، إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ: حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ وَحُجَّةَ بَاطِنَةٍ، فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأَيُّمَةُ وَأَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ؛ ای هشام، خداوند بر مردم دو حجت دارد: حجت ظاهری که انبیاء هستند و حجت باطنی که عقول است».

۲. «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَ وَاترَ الْإِلَهَمِ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذِنَهُمْ مِثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيَذْكُرَهُمْ مَنَسَى نِعْمَتِهِ وَيَحْتَجُوا عَلَيْهِمُ بِالْبَلَاغِ وَيُشِيرُوا لَهُمْ فَنَائِلَ الْعُقُولِ؛ پس خدای تعالی پیامبران خود را در میان آنان برانگیخت و ایشان را پی‌درپی می‌فرستاد تا عهد و پیمان خداوندی را که فطری آنان بود بطلبند و به نعمت فراموش شده یادآوری‌شان کنند و از راه تبلیغ با آنان گفت‌وگو نمایند و عقل‌های پنهان شده را بیرون آورده و به کار اندازند».

۳. «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ؛ بدترین جنبنندگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی‌کنند».

۴. «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ؛ و می‌گویند: اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می‌کردیم در میان دوزخیان نبودیم».

۵. «وَلَيْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ» و «الْعَقْلُ مَرْكَبُ الْعِلْمِ؛ عقل مرکب علم است» و «الْعَقْلُ أَضَلُّ الْعِلْمِ وَدَاعِيَةُ الْفَهْمِ؛ عقل، ریشه علم و عامل فهمیدن است» و «... يَا هِشَامُ إِنَّ الْعَقْلَ مَعَ الْعِلْمِ... هِشَامُ ثُمَّ ذَمَّ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ؛ ای هشام عقل با علم است ... و کسانی که تعقل نمی‌کنند مورد مذمت واقع می‌شوند» و «يَا هِشَامُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ يَعْنِي عَقْلًا وَقَالَ وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ قَالَ الْفَهْمُ وَالْعَقْلُ؛ ای هشام قلب در آیه آن در ذلِكَ لَذِكْرًا لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ، به معنای عقل و حکمت در آیه قَالَ وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ، به معنای فهم و عقل است».

پیش‌انگاره‌های بایستگی دین^۱ (اربلی، ۱۳۸۱ق: ۲/ ۲۶۹)، اثبات مبدأ دین، تبیین مبانی آن، اثبات ضرورت دین و دین‌باوری و دینداری و در نتیجه تولید دسته‌ای از معارف پایه مانند خدا موجود است^۲ (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۶۶ و کلینی، ۱۴۲۹ق: ۱/ ۱۳)، مبناسازی برای درک نظام‌های معرفتی دین (مانند اثبات صفت حکمت و عدل و ... برای خداوند و در نتیجه حکیمانه و عادلانه بودن کردار و گفتار خداوند)^۳ (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۱/ ۳۱)، اثبات امکان فهم دین، حکم به ضرورت التزام به مفاد قضایای دینی (در سه حوزه احکام، اخلاق و عقائد)، ادراک پاره‌ای از امهات قضایا و احکام عمده، ادراک استقلالی پاره‌ای از فلسفه، علل و حکم احکام دینی^۴ (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۱/ ۳۵)، تشخیص صغریات و مصادیق احکام کلی شرعی، تشخیص موضوعات احکام، درک آثار مترتب بر اجرای احکام، حکم به تأمین و یا ترخیص و بلکه حق تقنین در موارد مسکوت عنها، تعیین سازکار تحقق احکام اجتماعی دین، ادراک مبانی اخلاق و علل و حکم قضایای اخلاقی (مانند درک حسن و قبح)، ادراک استقلالی امهات قضایای اخلاقی (مانند حسن عدل و قبح ظلم)^۵ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۳)، تشخیص صغریات و مصادیق قضایای اخلاقی، تشخیص مفاسد و مصالح مترتب بر اجرای احکام اخلاقی و درک اولویت‌ها و رفع تراحم میان احکام اخلاقی با همدیگر و نیز احکام اخلاقی با احکام فقهی، ترخیص یا جعل حکم اخلاقی در موارد خلأ، تحریک به فعل و کسب فضایل و نیز ترخیص به دفع و ترک رذایل و تعیین سازکار تحقق اخلاق دینی^۶ (کلینی،

۱. «...الدِّينُ مَعَ الْعَقْلِ حَيْثُ كَانَ؛ هر جا که عقل باشد دین با عقل است».

۲. «بِالْعُقُولِ يَعْتَقِدُ التَّصَدِيقُ بِاللَّهِ؛ اعتقاد تصدیق خداوند با عقول میسر می‌شود» و «يَا هِشَامُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَكْمَلَ لِلنَّاسِ الْحُجَجَ بِالْعُقُولِ؛ ای هشام خداوند متعال برای انسان‌ها به واسطه عقول، حجت‌ها را به کمال می‌رساند».

۳. «يَا هِشَامُ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ دَلِيلًا عَلَى مَعْرِفَتِهِ بِأَنَّ هُمْ مُدْبِرُونَ...؛ ای هشام خداوند عقل را دلیلی برای اینکه او را مدبر انسان‌ها بشناسند قرار داده است».

۴. «يَا هِشَامُ مَا بَعَثَ اللَّهُ أَنْبِيَاءَهُ وَ رُسُلَهُ إِلَى عِبَادِهِ إِلَّا لِيُعْقِلُوا عَنِ اللَّهِ فَأَحْسَنُ لَهُمْ اسْتِجَابَةً أَحْسَنُهُمْ مَعْرِفَةً وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ أَحْسَنُهُمْ عَقْلًا وَ أَكْمَلُهُمْ عَقْلًا أَرْفَعُهُمْ دَرَجَةً فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛ ای هشام خداوند پیامبرانش را فرستاد تا بندگان هرآنچه در معرفت الهی نیاز دارند کسب کنند ... بهترین بندگان عاقل‌ترین آنهاست و عاقل‌ترین افراد در دنیا و آخرت بالاترین درجه را دارند».

۵. «الْعَاقِلُ مَنْ تَوَرَّعَ عَنِ الذُّنُوبِ وَ تَنَزَّهَ عَنِ الْغُيُوبِ؛ عاقل کسی است که از گناهان و عیوب دوری جوید».

۶. «يَا هِشَامُ كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ مَا عِبَدَ اللَّهُ بَشَرًا أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ وَ مَا تَمَّ عَقْلُ امْرِئٍ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خِصَالٌ شَتَّى الْكُفْرِ وَ الشَّرِّ مِنْهُ مَأْمُونَانِ وَ الرُّشْدُ وَ الْحَيَازُ مِنْهُ مَأْمُولَانِ وَ فَضْلٌ مَالِهِ مَبْدُولٌ وَ فَضْلٌ قَوْلِهِ مَكْفُوفٌ وَ نَصِيبُهُ مِنَ الدُّنْيَا الْقَوْتُ لَا يَسْبُغُ مِنَ الْعِلْمِ دَهْرُهُ الذَّلُّ أَحَبُّ إِلَيْهِ مَعَ اللَّهِ مِنَ الْعِزِّ مَعَ غَيْرِهِ وَ التَّوَاضُّعُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الشَّرَفِ يَسْتَكْثِرُ قَلِيلُ الْمَعْرُوفِ مِنْ غَيْرِهِ وَ يَسْتَقِيلُ كَثِيرُ الْمَعْرُوفِ مِنْ نَفْسِهِ وَ يَرَى النَّاسَ كُلَّهُمْ خَيْرًا مِنْهُ وَ أَنَّهُ شَرُّهُمْ فِي نَفْسِهِ وَ هُوَ تَمَامُ الْأَمْرِ يَا هِشَامُ إِنَّ الْعَاقِلَ لَا يَكْذِبُ

۱۴۰۷ق: ۱۸/۱).

۲. معناگری عقل: یعنی مشارکت در منطق کشف فهم دین به مدد قاعده‌سازی و ضابطه‌گذاری (مانند قاعده لطف در عقائد و احکام)، کشف، اثبات و احراز حجیت مدارک دینی (عمده مباحث علم اصول فقه) و نسبت‌سنجی میان مدارک معتبر به لحاظ ترتیب (تقدم و تأخر) میان عقل، فطرت، کتاب، سنت قولی و سنت فعلی است^۱ (سوره بقره: ۷۵).
 ۳. درستی آزمایی، معناسنجی و سنج‌شگری و بازشناخت صواب و ناصواب در معرفت دینی، آسیب‌زدایی و علاج خطاهای معرفت دینی، چاره‌جویی برای انواع تقابل‌ها (تعارض، تراحم و اجتماع)^۲ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۴۸ و لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۳۲). برخی نیز این تقسیمات را در قالب تقسیم عقل به نظری، عملی و ابزاری مطرح کرده‌اند (ر.ک رشاد، ۱۳۸۵؛ نوایی، ۱۳۷۹؛ حسینیان، ۱۳۸۳؛ برنجکار، ۱۳۸۸؛ دیالمه، ۱۳۹۲).

۳. ارزش‌شناختی

در بررسی روایات مربوط به عقل، به پیوند عمیق و گسترده عقل و ارزش‌ها و فضائل اخلاقی، فهم آنها، امر به فضائل و نهی از رذائل و کمک کردن به طاعت الهی دست یافته و به طور خلاصه، روایات دستیابی به تمام کمالات و خیرات را مرهون عقل و از آثار آن می‌دانسته^۳ (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۵۴) و میزان ثواب و عقاب اخروی بدان منوط شده است^۴ (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۲۹/۱). به عنوان مثال در پیوند عمیق میان عقل و فضائل اخلاقی می‌توان به پیوند عقل

وَإِنْ كَانَ فِيهِ هَوَاءٌ يَأْهِيَهُمْ لَا دِينَ لِمَنْ لَا مَرْوَةَ لَهُ وَلَا مَرْوَةَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ...؛ ای هشام، امیرالمؤمنین علیه السلام همیشه می‌فرمودند که خداوند به چیزی بالاتر از عقل عبادت نشده است و عقل فردی کامل نمی‌شود مگر آنکه ویژگی‌های متفاوتی در وی جمع شود: کفرنورزیده و شر از وی سرنزند و رشد و خیر از وی امید می‌رود؛ از زیادی مال انفاق می‌کند و کلام بیهوده بر زبان جاری نمی‌کند، تنها بهره‌وری از دنیا قوت است، در تمام طول زندگی از علم سیر نمی‌شود، ذلت با خداوند از عزت با دیگران برایش دوست داشتنی‌تر است، تواضع از کسب شرافت برایش دوست داشتنی‌تر است، کارهای خوب دیگران برایش زیاد و کارهای خوب خودش را کم می‌شمارد، همه مردم را از خودش بهتر می‌شمارد و خودش را از همه بدتر. ای هشام، همانا عاقل دروغ نمی‌گوید حتی اگر در آن سودی باشد. ای هشام، کسی که جوانمرد نیست دین ندارد و کسی که جوانمرد نیست عقل ندارد...».

۱. «يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ؛ سخنان خدا را می‌شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می‌کردند».

۲. «الْعَقْلُ حُسَامٌ قَاطِعٌ» و «حَدُّ الْعَقْلِ النَّظَرُ فِي الْعَوَاقِبِ».

۳. «إِنَّمَا يُدْرِكُ الْحَيِّزُ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ؛ تمام خیرات با عقل بدست می‌آید».

۴. «إِذَا بَلَغَكُمْ عَنْ رَجُلٍ حُسْنُ حَالٍ، فَانظُرُوا فِي حُسْنِ عَقْلِهِ؛ فَإِنَّمَا يُجَازِي بِعَقْلِهِ؛ هنگامی که از خوبی کسی سخن گفته می‌شود در حُسن عقل وی دقت کنید. جزا با توجه به عقل داده می‌شود».

و حلم^۱ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۸۶ و تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۵۷) اشاره نمود. بنابر استقصاء در روایات به رابطه عقل و مدارا با دیگران^۲ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۹۹)، عذرخواهی^۳ (همان: ۱۹۲)، تغافل^۴ (همان: ۲۱۳)، انفاق با حفظ کرامت دیگران^۵ (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۸/۱)، عدم آزار و اذیت دیگران^۶ (همان: ۲۰/۱)، وعده سرخرمن ندادن^۷ (کلینی، ۱۴۲۹: ۴۱/۱)، مواسات و قضاء حوائج دیگران و خیربودن^۸ (دیلمی، ۱۴۱۲: ۱/۱۹۹)، رازداری^۹ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۳)، رعایت عدالت^{۱۰} (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۴۷۱)، خوش گفتاری و عدم هرزه‌گویی^{۱۱} (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۸۰۰)، روحیه حق‌پذیری^{۱۲} (کلینی، ۱۴۲۹: ۳۴/۱ و تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۲۱۶)، حق‌گرایی^{۱۳} (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۳)، ادب^{۱۴} (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۹۰)، کظم غیظ^{۱۵} (کلینی، ۱۴۲۹: ۷۴۵/۳)، جود و سخاوت^{۱۶} (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۸۵)، عدم خدعه و نیرنگ، عدم نفاق، عدم غیبت، تحمل سختی‌ها (از کوره دررفتن)، تن‌ندادن به پستی‌ها، توجه به عیوب خویش، عدم آرزوهای طولانی، زهد، حیا، مراقبه، محاسبه نفس، رضایت به قضا و قدر الهی، عدم دلبستگی به دنیای فانی، خلوص نیت، عفت، تطابق گفتار و عمل و ... دست یافتیم.

۱. «سِنَّةٌ تُخْتَبَرُ بِهَا قَوْلُ النَّاسِ الْحِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ...؛ شش امر مایه آزمایش عقل افراد است؛ حلم در هنگام غضب...»

و«الْحِلْمُ تَمَامُ الْعَقْلِ؛ همه عقل، حلم است.»

۲. «أَعْقَلَ النَّاسِ أَشَدَّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ.»

۳. «أَعْقَلَ النَّاسِ أَعْزَمُهُمُ لِلنَّاسِ.»

۴. «أَعْقَلَ النَّاسِ مَنْ لَا يَتَجَاوَزُ الصَّمْتَ فِي عُقُوبَةِ الْجُهَالِ.»

۵. «وَمَا تَمَّ عَقْلُ امْرِئٍ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خِصَالٌ شَتَّى... وَفَضْلٌ مَالِهِ مَبْدُولٌ.»

۶. «وَكُفَّ الْأَذَى مِنْ كَمَالِ الْعَقْلِ وَفِيهِ رَاحَةُ الْبَدَنِ عَاجِلًا وَآجِلًا.»

۷. «يَا هِشَامُ، إِنَّ الْعَاقِلَ ... لَا يَعِدُّ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ.»

۸. «وَمَنْ عَقَلَ الْمَرْءُ مَرْوُئُهُ أَنْ يُسْرِعَ إِلَى قَضَاءِ حَوَائِجِ إِخْوَانِهِ وَإِنْ لَمْ يُنْزِلْهَا بِهِ.»

۹. «لَوْ عَقَلَ الْمَرْءُ عَقْلَهُ لِأَخْرَزَ سِرَّهُ عَمَّنْ أَفْشَاهُ إِلَيْهِ وَلَمْ يُظْلَغْ أَحَدًا عَلَيْهِ.»

۱۰. «غزارة العقل تحددو على استعمال العدل.»

۱۱. «يُسْتَدَلُّ عَلَى عَقْلِ الرَّجُلِ بِحُسْنِ مَقَالِهِ.»

۱۲. «يَا هِشَامُ إِنَّ لِقَمَانَ قَالَ لِابْنِهِ تَوَاضَعَ لِلْحَقِّ تَكُنْ أَعْقَلَ النَّاسِ وَإِنَّ الْكَتِيسَ لَدَى الْحَقِّ يَسِيرُ» و«أَعْقَلَ النَّاسِ مَنْ دَلَّ لِلْحَقِّ.»

۱۳. «مَرَّةُ الْعَقْلِ لُزُومُ الْحَقِّ.»

۱۴. «أفضل العقل الأدب.»

۱۵. «مَنْ لَمْ يَمْلِكْ غَضَبَهُ لَمْ يَمْلِكْ عَقْلَهُ.»

۱۶. «العقل شرف كريم لا يبلى.»

۴. ابزاری، عملی و کاربردی

در برخی از روایات، واژه عقل به عنوان ابزار و استفاده عملی و کاربردی در زندگی همراه با عناوین دیگر مانند حسن تدبیر امور زندگی^۱ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۱۱۷)، اهل کار و تلاش بودن و دقت در تحصیل خرج معاش زندگی^۲ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۵ و لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۱۱۴)، شکرگزاری در مقابل نعمات و صبر در مقابل حرام^۳ (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۱/۳۶)، حزم و دوراندیشی^۴ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۸۱۷)، استفاده از فرصت‌ها^۵ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۶۹/۱۹۴)، قناعت^۶ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۵۵۱)، تلاش در جهت اصلاح امور^۷ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۴۱۶ و ۳۲ و ۲۱۵)، وقار و سنگینی و ثبات شخصیت و اعتدال در کارها و روابط اجتماعی^۸ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۷۱ و تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۱۱۱)، روابط اجتماعی با خوبان^۹ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۳۲۷)، استقامت در تمام امور زندگی^{۱۰} (همان: ۳۲۶) و ... به کار برده شده است.

شیوه دستیابی به خردمندی از منظر روانشناسی

یکی از مسائلی که میان روانشناسان در مسأله خردمندی مورد بحث قرار گرفته، این است که آیا خردمندی از دسته مسائل و مقولاتی است که می‌توان آن را آموزش داد یا آموزشی نیست؟ علم روانشناسی رشد یکی از کاربردهای خود را ایجاد و آموزش خردمندی از طریق شناسایی شرایط تسهیل‌کننده و بازدارنده و ایجاد روش‌های مؤثر آموزشی می‌داند. البته روش پژوهشی در این مورد در برخی از رویکردها مبتنی بر پژوهش‌های روان‌شناختی و در برخی دیگر پیروی از سنت‌های مذهبی و معنوی مانند انجام اعمال و مناسک دینی

۱. «أَدْلُ شَيْءٍ عَلَى غَزَاةِ الْعَقْلِ حُسْنُ التَّدْبِيرِ».

۲. «لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ ... أَوْ مَرَّةٍ لِمَعَاشٍ ...» و «أَفْضَلُ النَّاسِ عَقْلًا أَحْسَنُهُمْ تَفْدِيرًا لِمَعَاشِهِ».

۳. «يَا هِشَامُ، إِنَّ الْعَاقِلَ، الَّذِي لَا يَتَشَعَّلُ الْحَلَالُ شُكْرَهُ، وَلَا يَغْلِبُ الْحَرَامُ صَبْرَهُ».

۴. «إِنَّمَا الْعَقْلُ ... الْأَخْذُ بِالْحَزْمِ».

۵. «سَأَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام ابْنَهُ الْحَسَنَ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام فَقَالَ يَا بَنِي ... فَمَا الْحَزْمُ قَالَ أَنْ تَنْتَظِرَ فُرْصَتَكَ وَتُعَاجِلَ مَا امْكُنَكَ ...».

۶. «يُسْتَدَلُّ عَلَى عَقْلِ الرَّجُلِ بِالتَّحَلِّيِ بِالْعِفَّةِ وَالْقَنَاعَةِ».

۷. «صَلَحُ الْبَرِيَّةِ الْعَقْلُ» و «الْعَقْلُ مُصْلِحُ كُلِّ أَمْرٍ» و «أَفْضَلُ النَّاسِ عَقْلًا ... وَأَشَدُّهُمْ اهْتِمَامًا بِإِصْلَاحِ مَعَادِهِ».

۸. «رَزَاةُ الْعَقْلِ تَحْتَبِرُ فِي الْفَرْحِ وَالْحَزَنِ» و «الْعَاقِلُ لَا يَفُوتُ بِهِ عُتْفٌ وَلَا يَقْعُدُ بِهِ صَعْفٌ».

۹. «مَرَّةُ الْعَقْلِ صُحْبَةُ الْأَخْيَارِ».

۱۰. «مَرَّةُ الْعَقْلِ الْإِسْتِقَامَةُ».

و مراقبه (تهذیب نفس) است. استرنبرگ و همکارانش قائل به آموزش و پرورش خردمندی از طریق مهارت‌های خاص (مانند خواندن ادبیات کلاسیک خردمندی) و شیوه‌های تفکر (مانند تمرین تفکر دیالکتیکی یا چالش و تشویق دانش‌آموزان به تأمل و بحث در مورد ارزش‌های خود) به عنوان پیش‌نیاز در متون درسی مدارس هستند. البته شاید بتوان بهتر گفت که در این نگاه، خردمندی آموخته نمی‌شود؛ بلکه به طور غیرمستقیم با ایجاد شرایطی برای تغییر و تحول کسب می‌شود. برخی دیگر از روانشناسان مانند آیزنبرگ، لانگر و بروان بر کسب و آموزش پیش‌نیازهای مهم دیگر خردمندی مانند الگوسازی همدلی، ذهن‌آگاهی، ارزش‌ها، احترام و خودخواه نبودن در دوران کودکی و توسط خانواده، مهدکودک، مدرسه و دانشگاه تأکید می‌کنند تا کودک بتواند دیگران و جهان اطراف خویش را بشناسد. همچنین دانشجویان نیز در درگیری با فرایند یادگیری از زندگی یک یا چند بعد از ابعاد خردمندی در آنها شکل می‌گیرد. پس خردمندی، فرایندی از تفکر و عمل است و موقعیت‌های دیگر (مانند محیط سازمانی، تمایل دانشجویان به یادگیری، تجارب زندگی و تعامل با دیگران) بر چگونگی و میزان خردمندی تأثیر می‌گذارند. البته نقش مهم یک مربی خردمند در میان تمام دیدگاه‌ها در این زمینه همیشه مورد توجه بوده است. پس به طور خلاصه می‌توان گفت که آموزش خردمندی با مشاهده، تعامل و مشاوره گرفتن از یک مربی خردمند قابل دستیابی است (Sternberg, J.R. & Gluck, J., ۲۰۱۹: p۲۴۹-۲۶۶ & ۳۲۳-۴۰۸؛ اسعدی و همکاران، ۱۳۹۲).

شباهت‌ها و تفاوت‌های خردمندی از منظر روانشناسی و معارف اسلامی

۱. به لحاظ وجودشناختی

به لحاظ وجودشناختی، خردمندی در معارف اسلامی نتیجه استفاده و بهره‌مندی از عقل نوری و موهبتی الهی است؛ گرچه اصل عقل مذکور، شدت و ضعف ندارد؛ اما نتیجه آن یعنی خردمندی به خاطر عوامل تقویت‌کننده و آفات دارای شدت و ضعف است. به نظر می‌رسد بتوان در معارف اسلامی از خردمندی به واژه «لُب» و صاحبان آن را «اولوالالباب» نامید. لُب به معنای خالص هر چیز است. لُب انسان، عقل و فهم خالص از هرگونه شوائب است. این معنا مرتبه‌ای از مراتب تهذیب نفس است که انسان می‌تواند میان مصالح و مفساد تمایز قائل شود. در این واژه دو قید گزیده و پاک و خلوص اخذ شده است. از این رو، لُب از عقل، اخص بوده و به عقول خالص و تکامل یافته اطلاق می‌شود (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۱۷۲). اما در

علم روانشناسی، خردمندی فرایند یا سازه‌ای است که نتیجه عقل ابزاری مبتنی و برآمده از آمپریست و حس‌گرایی بوده (یعنی حس فقط واقعیت را کشف می‌کند و واقعیت همین پدیدارها، ظواهر و فنومن‌هاست؛ عقل کاشف هست‌ها و نیست‌ها و باید‌ها و نباید‌ها نیست) و می‌تواند دارای مراتب، درجات و اشکال مختلفی باشد.

۲. به لحاظ معرفت‌شناختی

به لحاظ معرفت‌شناختی، خردمندی در معارف اسلامی، سازه یا فرایندی است که با علم، حکمت، فهم و بینش گره خورده و به عنوان نتیجه حجت باطنی الهی (در مقابل حجت ظاهری یعنی پیامبران) در تمام حوزه‌های فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... که از آن به احکام، اخلاق و اعتقادات نام برده می‌شود در سه حیطه معرفت‌زایی، معناگری و معناسنجی (سنجش‌گری) به انسان یاری می‌رساند. اساس این معرفت‌بخشی به دلیل ابتنا بر معارف وحیانی، خطاناپذیر است؛ اما خردمندی در روانشناسی، سازه یا فرایندی است که به مدد معرفت و شناخت حاصل از تجربه و علوم تجربی می‌تواند به انسان، شناخت یک سری از حقایق زندگی مادی را که مبتنی بر سود و منفعت است آموزش داده و وی را برای دست‌یابی به دسته‌ای از راه‌حل‌هایی که توانمندی فرد را در رشد خود و جامعه در سطح گذران زندگی آرام و بدون اضطراب روانی یاری رساند. اساس این معرفت‌بخشی به دلیل ابتنا بر عقل ابزاری متکی بر علوم تجربی، خطاپذیر است.

۳. به لحاظ ارزش‌شناختی

به لحاظ ارزش‌شناختی، خردمندی در معارف اسلامی با شبکه‌ای از فضائل و ارزش‌های اخلاقی در حوزه‌های فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... پیوند خورده و در یکدیگر به عنوان عاملی مهم تأثیرگذار بوده و یا به عنوان نتیجه ارزش‌های اخلاقی تأثیر می‌پذیرد. خردمندی در این بعد تجلی تمام یا اکثر ارزش‌های اخلاقی است که در روایات از آن به «دست‌یابی به تمام خیرات» تعبیر شده است. اما خردمندی در روانشناسی به لحاظ ارزش‌شناختی مبتنی بر اخلاق سکولار و نسبیت ارزش‌هاست که سر از شکایت درمی‌آورد.

۴. به لحاظ ابزاری، عملی و کاربردی

به لحاظ ابزاری، عملی و کاربردی، خردمندی در معارف اسلامی سازه یا فرایندی است که از

آن به عنوان «سبک زندگی اسلامی یا وحيانی مبتنی بر عقل متصل به وحی» تعبیر می‌شود و به عنوان تجلی سه حوزه پیشین عمل می‌کند. اما خردمندی در روانشناسی به لحاظ ابزاری، عملی و کاربردی، سازه یا فرایندی است که هدفش دستیابی به منافع مشترک در یک بافت اجتماعی (آرامش روانی) است که از طریق تجربه شرائط مختلف زندگی و چالش‌های آن و عبرت‌گیری از گذشته، کنترل هیجانات و احساسات در موقعیت‌های مختلف، بالابردن آستانه تحمل اجتماعی، تقویت باورها و توانمندی‌ها و توجه به چشم‌اندازها بدست می‌آید.

۵. به لحاظ شیوه دستیابی به خردمندی

اساس و مایه خردمندی در معارف اسلامی، خدادادی و باورساختن آن نتیجه بهره‌گیری از آن در سایه وحی است؛ اما خردمندی در روانشناسی نیازمند آموزش الگوها توسط مربی، کسب مهارت‌های زندگی، تجربه، تعامل و گذران عمر میسر می‌شود.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی (۱۳۷۵).
- نهج البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، ج ۱۳، قم: دفتر نشر.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳)، *تحف العقول*، ج ۲، قم: جامعه مدرسین.
- _____ (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، مصحح: علی اکبر غفاری، ج ۲، قم: جامعه مدرسین.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *کشف الغمّة فی معرفة الأئمة (ط - القدیمة)*، مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی.
- اسعدی، سمانه و همکاران (۱۳۹۲)، «معرفی مفهوم خردمندی در روان‌شناسی و کاربردهای آموزشی آن»، *رویکردهای نوین آموزشی*، ش ۲، ص ۱-۲۸.
- اکبری، عباس و همکاران (۱۳۹۵)، «بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس خردمندی»، *پژوهش‌نامه روانشناسی*، ش ۲، ص ۱۹-۳۴.
- بارانی، محمد و همکاران (۱۳۹۴)، «لزوم نقش کهن الگوی پیرخردمند در تعلیم بشر»، *پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی*، س ۷، ش ۲۷، ص ۶۲-۹۹.
- برنجکار، رضا (۱۳۷۴)، «ماهیت عقل و تعارض عقل و وحی»، ش ۳ و ۴، ص ۱۸۴-۲۰۴.
- برنجکار، رضا (۱۳۸۸)، «کارکردهای عقل از نگاه دین»، مدرسه علوم دینی حضرت ولی عصر (عج) مشهد،

- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، **غرر الحکم و درر الکلم**، مصحح: سید مهدی رجائی، ج ۲، قم: دار الکتاب الإسلامی.
- _____ (۱۳۶۶)، **تصنیف غرر الحکم و درر الکلم**، محقق و مصحح: مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۰)، **رسالت قرآن**، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- جهان، شکرالله (۱۳۸۹)، «منزلت عقل از منظر قرآن»، **عقل و دین**، س ۱، ش ۲، ص ۷۵-۹۷.
- حسینیان، سعیده (۱۳۸۳)، «کارکردهای عقل در دین پژوهی»، **قبسات**، س ۹، ص ۱۴۲-۱۷۵.
- دیالمه، نیکو (۱۳۹۲)، «خردورزی در هندسه معرفتی تفسیر سوره حجرات»، **مطالعات تفسیری**، س ۴، ش ۱۳، ص ۵۱-۶۶.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق)، **إرشاد القلوب إلى الصواب**، قم: الشریف الرضی.
- ذبیحی حصاری، نرجس خاتون و همکاران (۱۳۹۶)، «رابطه خردمندی با بهزیستی روانشناختی و سرزندگی تحصیلی در دانش آموزان، **پژوهش‌های تربیتی**، ش ۳۵، ص ۲۰-۳۵.
- رشاد، علی اکبر (۱۳۸۵)، «گستره کارکرد و کاربرد عقل در تفهیم و تحقق دین»، **فقه و حقوق**، ش ۸، ص ۱۸۵-۱۹۰.
- سروش، جمال (۱۳۹۳)، **عقل عملی و کارکرد آن در حکمت عملی از دیدگاه ملاصدرا**، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- صحرايي، قاسم و همکاران (۱۳۹۲)، «تحلیل کهن‌الگویی حکایت «جولاه با مار» مرزبان‌نامه»، **کهن‌نامه ادب پارسی**، س ۴، ش ۳، ص ۱۴۱-۱۵۴.
- صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳)، **شرح أصول الکافی**، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق)، **الوافی**، اصفهان: کتابخانه امام أمير المؤمنين علی (ع).
- کردنقابی، رسول و همکاران (۱۳۹۴)، «بررسی نقش تبیین‌کنندگی سبک‌های هویت و اعتقادات دینی در سازه خردورزی»، **روان‌شناسی و دین**، س ۱۰، ش ۳۷، ص ۱۳۷-۱۵۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، **کافی**، قم: دار الحدیث.
- _____ (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گرجی، مصطفی و همکاران (۱۳۹۱)، «تطبیق پیر مغان دیوان حافظ با کهن‌الگوی پیر خردمند

- یونگ»، *ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی*، س ۸، ش ۲۸، ص ۱۵۱-۱۷۸.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، *عیون الحکم و المواعظ*، مصحح: حسین حسینی بیرجندی، قم: دارالحدیث.
 - مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، ج ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
 - محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۷)، *خردگرایی در قرآن و حدیث*، ترجمه: مهدی مهریزی، ج ۳، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
 - مصطفوی، حسن (۱۳۸۵)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
 - میکائیلی، نیلوفر و همکاران (۱۳۹۸)، «طراحی و آزمون الگوی علی رابطه بین سبک زندگی اسلامی، خردمندی و هوش اخلاقی با گرایش به رفتار پرخطر: نقش واسطه‌ای بهزیستی روان شناختی»، *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، س ۹، ش ۳۰، ص ۸۱-۱۰۰.
 - نبی‌زاده، صفدر و همکران (۱۳۹۴)، «بررسی نقش تبیین‌کنندگی سبک‌های هویت و اعتقادات دینی در سازه خردورزی»، *روان‌شناسی و دین*، س ۱۰، ش ۳۷، ص ۱۳۷-۱۵۸.
 - نوایی، علی‌اکبر (۱۳۷۹)، «گستره عقلانیت اسلامی»، *اندیشه حوزه*، ش ۲۲، ص ۶۱-۸۴.
 - هاشمی، سهیلا (۱۳۸۹)، «بررسی خردمندی دانشجویان علوم انسانی و علوم پایه در فرآیند حل مسأله و رابطه آن با باورهای معرفت‌شناسی»، *اندیشه‌های نوین تربیتی*، س ۷، ش ۲، ص ۵۳-۸۱.
 - هاشمی، سهیلا (۱۳۹۳)، «بررسی سبک‌های هویت و تعهد دانشجویان براساس الگوی ساخت هویت بروزنسکی و رابطه آن با خردمندی در فرآیند حل مسأله»، *مطالعات روانشناختی*، س ۱۰، ش ۱، ص ۱۰۹-۱۳۶.
 - Bangen, K. J, et, 2013, Defining and assessing wisdom: A review of the literature, *The American journal of Geriatric psychiatry*, v.21, p. 1254- 1266.
 - Barry schwartz and kenneth e. sharpe, (2019), "Practical Wisdom: What Aristotle Might Add to Psychology", *The Cambridge Handbook of wisdom* (Cambridge Handbook in psychology). Cambridge: Cambridge university press.
 - Bernard mckenna and david rooney, (2019), "Wise Leadership", *Cambridge Handbook of wisdom* (Cambridge Handbook in psychology). Cambridge: Cambridge university press.
 - Chandler, M. J. and Holliday, s. (1990). Wisdom in post apocalyptic age. In R. Sternberg (Ed). *Wisdom: Its nature, origins and develolment*, pp. 25-51.

- Erikson, E. H. (1959). Identity and the life cycle. New York: International university press.
- Grossman, I. Sahdra, B. k. & Ciaarochi, j. (2016). A H EART A Mind:selfdistancing facilitates the Association Between Heart Rate Variability, and Wise Reasoning. *Frontiers in Behavioral Neuroscience*, 10(68): 1-10.
- Harrison oakes, justin p. brienza, abdo elnakouri, and igor grossmann, (2019), “Wise Reasoning: Converging Evidence for the Psychology of Sound Judgment”, *The Cambridge Handbook of wisdom (Cambridge Handbook in psychology)*. Cambridge: Cambridge university press.
- Igor grossmann, franki y. h. kung, and henri c. santos, (2019), “ Wisdom As State versus Trait “, *Cambridge Handbook of wisdom (Cambridge Handbook in psychology)*. Cambridge: Cambridge university press.
- jason swartwood and valerie Tiberius,(2019), “Philosophical Foundations of Wisdom”, *The Cambridge Handbook of wisdom (Cambridge Handbook in psychology)*. Cambridge: Cambridge university press.
- judith glück, (2019), “ The Development of Wisdom during Adulthood “, *Cambridge Handbook of wisdom (Cambridge Handbook in psychology)*. Cambridge: Cambridge university press.
- Monika ardelt, stephen pridgen, and kathryn l. nutter-pridgen, (2019), “ Wisdom As a Personality Type “, *Cambridge Handbook of wisdom (Cambridge Handbook in psychology)*. Cambridge: Cambridge university press.
- Nic m. weststrate, susan bluck, and judith glück, (2019), “ Wisdom of the Crowd: Exploring People’s Conceptions of Wisdom”, *Cambridge Handbook of wisdom (Cambridge Handbook in psychology)*. Cambridge: Cambridge university press.
- Prewitt, V. R. (2000). The construct of wisdom: in human development and consciousness. Fielding institute.
- Robert j. sternberg and judith glück,(2019), “Why Is Wisdom Such an

Obscure Field of Inquiry and What Can and Should Be Done About It?", The Cambridge Handbook of wisdom (Cambridge Handbook in psychology). Cambridge: Cambridge university press.

- Robert j. sternberg and judith glück,(2019),” Wisdom, Morality, and Ethics”, The Cambridge Handbook of wisdom (Cambridge Handbook in psychology). Cambridge: Cambridge university press.

- robert j. Sternberg, (2019),” Why People Often Prefer Wise Guys to Guys Who Are Wise: An Augmented Balance Theory of the Production and Reception of Wisdom “, The Cambridge Handbook of wisdom (Cambridge Handbook in psychology). Cambridge: Cambridge university press.

- Robinson, D. N.(1990). Wisdom through the ages. In R. J. Sternberg(Ed), Wisdom: Its nature, origins and develolment. P. 13-24, New York: combridge university press.

- Sternberg, R. J.(2004). What is wisdom and how can we develop it? Annals of American Academy of political and social science, p 74-164.

- Sternberg, R.J.& Gluck, J (2019), The Cambridge Handbook of wisdom (Cambridge Handbook in psychology). Cambridge: Cambridge university press.

- Webster, J. (2011). “Wisdom and positive psychosocial values in young adulthood”. Journal of Adult development, 17: 70-80.

- Yang, S. (2013). Wisdom and good lives: A process perspective. New ideas in psychology, 31 (3), p 194-201.

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال دهم، شماره اول، پیاپی ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳ (ص ۷۵-۵۹)

پیش بینی انسجام خانوادگی براساس تمایز یافتگی و مرزهای زوجینی

Predicting Family Cohesion Based on Differentiation and Marital Boundaries

نجمه فقیهی / کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه آزاد ساوه.

جعفر هوشیاری / استادیار روانشناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعة المصطفی العالمية، قم، ایران

Najmeh Faqihi Sereshki / Master of Psychology, Azad Saveh University.

n.faghihi@yahoo.com

Jafar Houshyari / Associate Professor of Psychology, Faculty of Islamic humanities and social sciences, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

j.houshyari@yahoo.com

Abstract

This study investigates the role of differentiation and Islamic marital boundaries in predicting family cohesion. The research method was descriptive-correlational. The population included all married men and women in Qom, Iran, in 2022. Using convenience sampling, 300 married men and women were selected, and they completed the Family Cohesion Questionnaire (Olson et al., 1985), Differentiation Questionnaire (Drake, 2011), and Marital Boundaries Questionnaire (Houshyari, 2020). The obtained data were analyzed using Pearson correlation and multiple regression methods with the help of SPSS software. The findings showed that Islamic marital boundaries and differentiation simultaneously explained 49% of the

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش تمایز یافتگی و مرزهای اسلامی زوجینی در پیش بینی انسجام خانوادگی بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان و مردان متأهل شهر قم در سال ۱۴۰۱ بود که از بین آنان با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس، تعداد ۳۰۰ زن و مرد متأهل انتخاب و پرسشنامه های انسجام خانوادگی (السون و همکاران، ۱۹۸۵)، تمایز یافتگی (دریک، ۲۰۱۱) و مرزهای زوجینی (هوشیاری، ۱۳۹۹) را تکمیل نمودند. اطلاعات بدست آمده با روش های آماری تحلیل همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه با کمک نرم افزار Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته های پژوهش نشان داد مرزهای

variance in "family cohesion." Utilizing the results of this research, it can be concluded that explaining the importance and teaching differentiation and the skill of setting marital boundaries based on Islamic sources to couples, can reduce marital conflicts and increase family cohesion.

KEYWORDS: family cohesion, differentiation, marital boundaries, Islamic psychology.

اسلامی زوجینی و تمایز یافتگی به طور همزمان ۴۹/۰ از تغییرات «انسجام خانوادگی» را تبیین می‌کنند. با بهره‌گیری از نتایج پژوهش می‌توان گفت؛ تبیین اهمیت و آموزش تمایز یافتگی و مهارت تنظیم مرزهای زوجینی بر اساس منابع اسلامی به زوجین موجب کاهش تعارضات زناشویی و افزایش انسجام خانوادگی می‌گردد. **واژه‌های کلیدی:** انسجام خانوادگی، تمایز یافتگی، مرزهای زوجینی، روانشناسی اسلامی.

مقدمه

خانواده، رکن اصلی جامعه و زمینه‌ساز تعالی انسان است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹) و مهم‌ترین هدف ازدواج، «رسیدن به آرامش و سلامت روانی» در کانون خانواده حاصل می‌شود (جعفری، ۱۳۹۸)؛ اما خانواده همیشه کارکرد خود را به صورت مناسبی طی ننموده و عواملی چون گذر از سبک زندگی سنتی به مدرنیته، تغییر نظام خانواده‌ها، سست شدن روابط عاطفی، کارآمد نبودن الگوهای ارتباطی و کنترلی و فشارهای شغلی و اجتماعی می‌تواند در بروز تعارض بین همسران و از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها مؤثر باشد (کلاگ و نیماند^۱، ۲۰۲۱؛ گنوفسکی، گوتز و اسکارر^۲، ۲۰۲۱). از سوی دیگر، دوری از تعالیم اسلامی یکی از عوامل مهم رخداد آسیب‌های مذکور به شمار می‌رود (هوشیاری، ۱۳۹۹). بر این اساس، امروزه آمار طلاق و گسست خانواده رو به گسترش بوده و به یک معضل اساسی هر جامعه‌ای، به خصوص در جامعه ایران تبدیل شده است. این مسأله نشان دهنده مشکلاتی در سازگاری و کیفیت پایین زندگی زوجین و فاصله گرفتن خانواده‌ها از تعالیم اسلامی بوده و پرداختن به این موضوع به عنوان یکی از عوامل دخیل در تداوم ازدواج یا طلاق را ضروری می‌نماید.

در این خصوص، نتایج پژوهش سلیمی، محسن‌زاده و نظری (۱۳۹۵) نشان داد که انسجام خانوادگی به عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل سازگاری زناشویی، نقش مهمی در

1. Klug & Niemand.

2. Gensowski, Gørtz & Schurer.

پایداری زندگی خانوادگی دارد. انسجام^۱ خانواده، احساس همبستگی، پیوند و تعهد عاطفی است که اعضای یک خانواده نسبت به همدیگر دارند که در بردارنده بسیاری از مسائل روانی، عاطفی و هیجانی خانواده می‌باشد (لیو، وانگ، لو، لی، چن، کائو و همکاران^۲، ۲۰۲۰). در واقع، انسجام، پدیده‌ای نیست که یک بار برای همیشه ایجاد شود، بلکه نیازمند بازسازی و باز تولید مستمر است. همچنین مراد از انسجام خانوادگی احساس همبستگی، پیوند و تعهد عاطفی است که اعضای یک خانواده نسبت به همدیگر دارند. برخی از پژوهشگران انسجام را به صورت احساس نزدیکی عاطفی با دیگر افراد خانواده تعریف می‌کنند که دو کیفیت مربوط به انسجام در خانواده، مشتمل بر تعهد و وقت گذراندن با هم است. منظور از تعهد، میل به صرف وقت و انرژی در فعالیت‌های خانواده و همچنین ممانعت از تأثیر منفی عواملی چون مسائل شغلی در آن می‌باشد. یکی از مسائل تأثیرگذار در انسجام خانواده، دینداری و پایبندی‌های دینی اعضای خانواده به‌ویژه همسران است. دین و مذهب با رسوخ در درون انسان‌ها در همه‌ی لحظات، در خلوت و آشکار، در جمع و تنهایی، در آرامش و سختی، در عمل و اندیشه فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو، دین نقش اساسی در زندگی فردی و جمعی افراد دارد و تبلور روشن آن در خانواده است. هدن (۱۹۸۳) نیز معتقد است که کاربست تعالیم دینی عامل اساسی اجتماعی شدن و انسجام فکری و عملی افراد، خانواده‌ها و پدیده‌های اجتماعی می‌شود (هدن^۳، ۱۹۸۳، به نقل از آزاد ارمکی و بهار، ۱۳۹۷). در واقع دین می‌تواند از طریق حمایت از ارزش‌ها و تسهیل سازگاری با مشکلات و ارائه چهارچوب رفتاری و تعاملی، زندگی را منسجم‌تر گرداند. از این رو، لازم است محققین و درمانگران خانواده برای ایجاد و تداوم انسجام خانواده، به سازه‌ها و متغیرهای اسلامی توجه ویژه‌ای داشته باشند.

علاوه بر این، مطالعات نشان داده با بروز عدم انسجام خانوادگی، مؤلفه‌های روانشناختی و ارتباطی زوجین دچار آسیب می‌شود. یکی از مؤلفه‌های آسیب‌پذیر در این فرایند، که خود از عوامل تأثیرگذار بر انسجام نیز به شمار می‌رود، مفهوم تمایز یافتگی زوجین است (مومنی، کاووسی و امانی، ۱۳۹۵). در این رابطه، پژوهشگرانی نظیر دوز-دل-کاستلار

1. Cohesion.

2. Liu, Wang, Lu, Li, Chen, Cao & et all.

3. Haddon.

و اولیور^۱ (۲۰۲۱) و ایشیک و همکاران^۲ (۲۰۲۰) در مطالعات جداگانه‌ای تأکید نمودند که بین عملکرد خانوادگی و تمایزیافتگی رابطه مثبتی وجود دارد. تمایزیافتگی زوجین به توانایی تجربه صمیمیت با دیگران و ماندن در جو عاطفی و در عین حال استقلال از دیگر افراد اشاره دارد؛ به گونه‌ای که افراد با تمایزیافتگی بالا واکنش‌های خود را به صورت منطقی کنترل می‌کنند و در مقابل، افراد با تمایزیافتگی پایین، گرایش دارند تا این کنترل را با واکنش‌های هیجانی و عاطفی اعمال کنند. در نظام زناشویی نیز وقتی تمایزیافتگی زوجها بالا باشد، احتمال سازگاری مناسب با تعارض‌ها نیز برای همسران بیشتر می‌شود و واکنش‌های هیجانی و در نهایت آمیختگی کاهش می‌یابد. این مفهوم تصمیم‌های مبتنی بر تفکر بدون اضطراب را به جای واکنش‌های بی‌چون و چرا شامل می‌شود. درجه ظهور تفکیک خویشتن در هر فرد بیانگر میزان توانایی او برای تمیز فرایند عقلی از فرایند احساسی است که وی تجربه می‌کند (کوسک^۳، ۱۹۹۸). در نهایت تمایزیافتگی به عنوان مهارت و توانایی تفکیک عقل و احساس و همچنین توانایی تفکیک زندگی زوجی از خانواده اصلی، یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر رضایت زناشویی، انسجام خانواده و ارتباطات بین‌فردی است (رودیگوئر-گونزالس و همکاران^۴، ۲۰۱۹).

علاوه بر تمایزیافتگی زوجین، مطالعات بر نقش روابط و نحوه ارتباط زوجین بر میزان همبستگی و انسجام خانوادگی تأکید دارند (کریمی اندانی و همکاران، ۱۴۰۰؛ سلیمی و همکاران، ۱۳۹۵). تقییان و قاسمی (۱۳۹۹) نیز نشان دادند میان تعهد زناشویی با مرزهای خانواده و تمایزیافتگی زوجین رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. مرزها از مؤلفه‌های ساختار نظام خانواده می‌باشند و به دلیل اهمیت آن‌ها در حفظ ساختار خانواده و رضایتمندی زناشویی در اسلام و روانشناسی مورد توجه ویژه قرار گرفته‌اند «دان (هوشیاری و همکاران، ۱۴۰۰). بر اساس نظر روانشناسان، مرزها خطوط استعاری هستند که فرد، زیرنظام یا نظام را از یکدیگر و از محیط بیرون جدا می‌کنند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۹۸) و به اموری مانند روابط کلامی و غیر کلامی میان افراد و موضوعات عاطفی در درون خانواده مربوط می‌شود. اینکه در یک رابطه تعاملی خاص در خانواده چه کسی حضور دارد و چه کسی بیرون از آن جای دارد،

1. Dolz-del-Castellar & Oliver.

2. Işık & et al.

3. Kosek.

4. Rodríguez-González & et al.

نشان دهنده مرزها در خانواده است (دوردویچ و روکا گیرونا^۱، ۲۰۱۶).

در تحقیقات بر اساس آموزه‌های اسلامی نیز مرزهای خانواده مورد توجه ویژه واقع شده است تا جایی که شرط دستیابی به اهداف والای ازدواج و حتی شرط صلح زوجین بعد از تعارض، پایبندی به مرزهای تعاملاتی زوجینی بیان شده است.^۲ هرچه این حدود و مرزها بیشتر رعایت گردد، کارایی و همبستگی اعضای خانواده بهتر می‌شود و خانواده زمینه رشد و تعالی اعضا را فراهم خواهد نمود (هوشیاری، ۱۳۹۹ الف). از منظر قرآن کریم تمام آموزه‌های رفتاری و اخلاقی الزامی و غیرالزامی که قوانین حاکم بر تعاملات، کیفیت و کمیت ارتباط اعضای خانواده را مشخص کرده و حدود رفتاری اعضا و زیر نظام‌ها در تعامل با یکدیگر و همچنین فضای اختصاصی روانی-فیزیکی برای افراد و زیرنظام‌ها را نشان می‌دهند، تبیین‌کننده مرزهای خانواده هستند (هوشیاری و همکاران، ۱۳۹۹ الف). این مرز مربوط به قوانین قرآنی ناظر به تعاملات زوجین است که یا قطعی و الزام‌آورند و قابل توافق و تغییر توسط زوجین نیستند و یا انعطاف‌پذیرند و زوجین می‌توانند در مورد کمیت و کیفیت عملیاتی‌سازی آن‌ها توافق نمایند. مرزهای زوجینی با هدف تعالی فرد و خانواده، حفظ عفت و سلامت دینی، اخلاقی و روانی اعضای خانواده و تحقق اهداف والای ازدواج و تشکیل خانواده تبیین شده است. از این رو، برای کارآمدی و انسجام خانواده باید مرزهای تعاملاتی اعضای خانواده به‌ویژه همسران مشخص و حفظ شوند (هوشیاری، ۱۳۹۷). با توجه به قداست و ارزشمندی استحکام خانواده از منظر اسلام، مرزهای زوجینی یا همان اوامر و نواهی الهی مرتبط با تعاملات زوجینی در اسلام به‌وضوح بیشتری بیان شده است که برخی از آنها عبارتند از: تعهد خاص زناشویی، مرزهای تعاملات جنسی زوجین، مرزهای تعاملات غیر جنسی زوجین، فضای روانی-فیزیکی اختصاصی، رازداری خانوادگی-زناشویی و حدود انتظارات دو سویه. انحصار روابط جنسی-عاطفی در تعامل با همسر همان تعهد خاص زناشویی و از مرزهای زوجینی مورد تصریح قرآن کریم می‌باشد.^۳ بیشتر ادیان آسمانی، روابط جنسی خارج از ازدواج را قابل قبول نمی‌دانند^۴ و تأکید کرده‌اند زوجین باید تنها با همسران خود رابطه عاطفی-

1. Djurdjevic & Girona, R.

۲. «فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجاً غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (سوره بقره: ۲۲۰)».

۳. «وَالَّذِينَ هُمْ لِزُجُوجِهِمْ حَافِظُونَ* إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ... (مؤمنون: ۵-۶ و معارج ۲۵)».

۴. سالاری فر، ۱۳۹۵، درآمدی بر زوج درمانی با روی‌آورد اسلامی، ص ۱۴۸.

جنسی داشته باشند، در این روابط از مرزهای شرعی تجاوز نکرده^۱ و مرتکب ارتباط‌های جنسی نامشروع ویرانگر نشوند.^۲ در متون اسلامی و روان‌شناختی نیز پیامدهای زیانباری برای تجاوز از مرزهای زوجینی ذکر شده است.^۳ وارد نشدن در حریم جنسی دیگران با نگاه، کلام، رفتار و حتی محدود کردن فکر به همسر و خودآرایی برای همسر، کیفیت و کمیت تعاملات زوجین خارج از حریم خصوصی همسران را مشخص کرده و از مرزهای زوجینی محسوب می‌شود.

در این رابطه، فضای روانی- فیزیکی ویژه همسران و رازداری زناشویی نیز از جمله مرزهای زوجینی است که به تأکید قرآن کریم باید مورد توجه قرار گیرد. خداوند متعال در آیه ۵۸ سوره مبارکه نور فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، باید کسانی که برده ملکی شمایند و کسانی از شما که به سن بلوغ نرسیده‌اند در سه وقت باز شما اجازه بگیرند، قبل از نماز صبح و هنگام ظهر که لباس‌های خود را وامی‌نهدید».^۴ بر اساس «ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ» ذکر این اوقات موضوعیت ندارد و هر زمان احتمال خلوت وجود داشت لازم و واجب^۵ است اذن گرفته شود و خلوت به معنای زمانی است که زوجین لباس از تن بیرون می‌کنند و امکان و احتمال روابط نزدیک عاطفی- جنسی وجود دارد.^۶ می‌توان به حفظ اسرار همسر، حفظ حریم روانی- جنسی، رازداری در مورد جزئیات آمیزش جنسی به‌عنوان مصادیقی از این مرز اشاره کرد. مرزهای اخلاقی به معنای مباشرت معروف^۷ نیز از حدود تعاملات همسران است که نفوذپذیری نسبت به همسر از لوازم آن است (هوشیاری، ۱۳۹۹ ب). از آنجا که مبنای شکل‌گیری صمیمیت بر اساس اطمینان و احترام متقابل است (باگاروزی، ۲۰۰۱) وجود مرزهای تعاملاتی روشن باعث ایجاد و شکوفایی صمیمیت زوجینی و در نهایت انسجام خانواده می‌شود (جان‌بزرگی، ۱۳۹۸).

۱. «وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ» (سوره شعراء: ۱۶۶).

۲. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: زنا وارد هر خانه‌ای شود آن را ویران می‌کند (صدوق، ۱۴۰۳، امالی، مجلس ۶۲، ص ۳۹۸).

۳. صدوق، ۱۴۱۳، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۵، متقی هندی، ۱۴۰۹، کنز العمال فی سنن الاقوال و الأفعال، ج ۱۶، ص ۲۷.

۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَوِيَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَكُمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثٌ...» (سوره نور: ۵۸).

۵. طوسی، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۴۶۱.

۶. تفسیر مجمع البیان، ج ۱۷، ص: ۱۶۹؛ الکشف و البیان، تفسیر ثعلبی، ج ۷، ص: ۱۱۷؛ معانی القرآن، ج ۲، ص: ۲۶۰؛ طبری،

۱۴۱۳، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص: ۱۲۴-۱۲۵.

۷. «لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْنَهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (سوره نساء: ۱۹).

با توجه به مطالب بیان شده و در جهت کمک به زوجین برای بهبود روابط زناشویی، استحکام خانواده و رسیدن به یک الگوی زندگی زناشویی موفق و بررسی‌های مسائل مشکلات مختلف در این زمینه، پژوهشگر را به آن واداشته تا در پژوهش حاضر به بررسی نقش تمایز یافتگی و مرزهای زوجینی برآمده از آموزه‌های اسلامی در پیش‌بینی انسجام خانوادگی بپردازد. در واقع، پژوهش حاضر به این منظور طراحی شده است تا با مشخص کردن متغیرهای پیش‌بین انسجام خانواده از جمله تمایز یافتگی زوجین و مرزهای زوجینی، به طور همزمان نقش ترکیبی این عوامل را در پیش‌بینی آن مورد بررسی قرار دهد تا به فهم هر چه بیشتر این سازه کمک کرده و امکان اقدامات پیشگیرانه و درمانی بهتری برای مشکلات زناشویی فراهم آورد. از این رو، در صدد بررسی فرضیات زیر است: تمایز یافتگی زوجین انسجام خانوادگی را پیش‌بینی می‌کند و مرزهای اسلامی زوجینی انسجام خانوادگی را پیش‌بینی می‌کند.

روش پژوهش

روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان و مردان متأهل شهر قم بود. دیگر ملاک‌های ورود به پژوهش شامل عدم سابقه طلاق، عدم ابتلا به بیماری شدید جسمانی و یا مصرف داروهای روانپزشکی و حداقل تحصیلات دیپلم بود. از بین جامعه آماری، با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۳۰۰ مرد و زن متأهل انتخاب و پرسشنامه‌های ذیل تکمیل گردید.

الف. پرسشنامه سنجش مرزهای درونی زوجینی: این پرسشنامه برای اولین بار توسط هوشیاری (۱۳۹۹) بر اساس مبانی نظری اسلامی - روانشناختی ساخته و ویژگی‌های روان‌سنجی آن بررسی شد. مقیاس مرزهای درونی زوجینی دارای ۶۶ گویه می‌باشد. این مرز ناظر به قوانین قرآنی ناظر به تعاملات زوجین است که یا قطعی و الزام‌آورند و قابل توافق و تغییر توسط زوجین نیستند و یا انعطاف‌پذیرند و زوجین می‌توانند در مورد کمیت و کیفیت عملیاتی‌سازی آن‌ها توافق نمایند. سؤال‌های مذکور نگرش و کنش زوجین نسبت به یکدیگر را می‌سنجد. نمره بالا در این پرسش‌ها، نشان‌دهنده مطابقت تعاملات آنان با معیارهای دینی، نگرش مثبت زوجین نسبت به یکدیگر و پایبندی آنان به قوانین اخلاقی و حقوقی زیرمنظومه زوجینی است و از بهنجار بودن مرزهای زوجینی حکایت می‌کند. هوشیاری و همکاران (۱۳۹۹) الف) پایایی این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ را ۰/۹۲ گزارش کردند.

همچنین پایایی برای مؤلفه تعهد خاص زناشویی ۰/۷۱۲، مرزهای تعاملات جنسی زوجین ۰/۷۰۹، مرزهای تعاملات غیر جنسی زوجین ۰/۷۹۶، رازداری خانوادگی- زناشویی ۰/۸۰۳ و حدود انتظارات دو سویه ۰/۸۱۲، محاسبه شده است. در پژوهش حاضر نیز پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۹۲ بدست آمد.

ب. پرسشنامه فرم کوتاه تمایزیافتگی خود^۱ (DSI-SH): پرسشنامه تمایزیافتگی خود که توسط دریک^۲ در سال ۲۰۱۱ ساخته است، دارای ۳۶ سؤال بوده که به صورت لیکرتی از نمره ۱ (اصلاً شبیه خصوصیات من نیست) تا نمره ۶ (کاملاً شبیه خصوصیات من است) نمره‌گذاری می‌شود. بالا بودن میانگین نمره‌ها نشان‌دهنده وجود تمایزیافتگی و پایین بودن آن نشان‌دهنده عدم وجود تمایزیافتگی است. دریک (۲۰۱۱) روایی کل این مقیاس‌ها را از ۰/۷۰ تا ۰/۸۸ گزارش نموده است. همچنین در ایران در پژوهش فخاری، لطیفیان و اعتماد (۱۳۹۳) به بررسی مشخصات روانشنجی این مقیاس اقدام نمودند که در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۷۸ بدست آمد و برای مقیاس‌ها از ۰/۴۸ تا ۰/۷۶ بدست آمد.

ج. مقیاس ارزیابی انسجام خانوادگی السون و همکاران (FACES-III): مقیاس ارزیابی انسجام خانوادگی (FACES-III) توسط دیوید اچ. السون، جویس پورتنر و یوآولوی (۱۹۸۵) ساخته شده است که از ۴۰ گویه و ۲ خرده مقیاس انسجام (۲۰ سؤال) و انطباق (۲۰ سؤال) تشکیل شده است که در این مطالعه از سؤالات مربوط به خرده مقیاس انسجام خانوادگی استفاده گردید. نمره‌گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۵ نقطه‌ای می‌باشد که برای گزینه‌های «هرگز=۱»، «به ندرت=۲»، «گاهی اوقات=۳»، «غالباً=۴» و «همیشه=۵» در نظر گرفته می‌شود. هر چه نمره انسجام بالاتر باشد، گفته می‌شود که خانواده درهم تنیده‌تر است. در نسخه اصلی، مقیاس ارزیابی انطباق و انسجام خانوادگی (FACES-III) تنها با یک آلفای کلی ۰/۶۸ برای کل ابزار، ۰/۷۷ برای انسجام از یک همسانی درونی نسبی برخوردار است. همچنین در پژوهشی اعتبار ارزشیابی‌سازی‌پذیری و پیوستگی خانواده توسط آلفای کرونباخ برای بعد انسجام ۰/۷۴ بدست آمده است (آهنگرکانی، زاده‌محمدی، حیدری و طالبی، ۱۳۹۳).

بعد از تکمیل پرسشنامه‌ها، اطلاعات بدست آمده وارد با روش آماری ضریب همبستگی

1. Differentiation of Self Inventory –Short Form.

2. Drake.

و تحلیل رگرسیون چندگانه با کمک نرم افزار SPSS برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

طبق اطلاعات بدست آمده میانگین سنی کل پاسخگویان نیز ۳۲/۷۶ سال بود و ۵۶/۸۳ درصد پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی زیردیپلم، ۲۳/۳ درصد لیسانس و ۲۰/۳ درصد نیز دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس و بالاتر بودند.

جدول ۱: میانگین (M) و انحراف معیار (SD) متغیرهای پژوهش و نتایج آزمون نرمالیته کالموگروف-اسمیرنف جهت بررسی، نرمال بودن داده‌ها

آماره					
متغیرها	میانگین	انحراف معیار	Z	داده‌های	نتیجه
تمایز یافتگی	۲۸	۹۸	۷۲/۰۷	۲۰/۸۲	۰/۰۰۲
مرزهای دوری، نزدیکی	۵۷	۲۴۱	۱۲/۵۱۸	۴۶/۲۸	۰/۰۱۲
انسجام خانوادگی	۲۲	۷۱	۴۸/۳۰	۱۵/۷۸	۰/۰۲۸

طبق نتایج جدول ۱، نتایج آزمون نرمالیته کالموگروف-اسمیرنف برای هیچ‌کدام از متغیرهای مورد بررسی معنادار نبود ($P > ۰/۰۵$). لذا می‌توان گفت داده‌ها نرمال بودند و استفاده از آمارهای پارامتریک همچون تحلیل همبستگی پیرسون و رگرسیون بلا مانع است. همچنین جهت انجام تحلیل رگرسیون پیش فرض‌های این آزمون نیز بررسی شد. همچنین دو پیش فرض خطی بودن روابط و یکسانی پراکنش باقیمانده‌ها با نمودار پراکنش نمرات پیش‌بینی شده و نمرات باقیمانده بررسی شد که نبود یک روند مشخص در پراکنش نقاط در صفحه، نشان‌دهنده رعایت این پیش فرض است. برای بررسی استقلال باقیمانده‌ها، از آماره دوربین-واتسون استفاده شد که مقدار آن برابر با ۲/۰۷۹ بود و این نتیجه نشان داد که پیش فرض استقلال باقیمانده‌ها رعایت شده است.

جدول ۲: نتا

نمرات کل مقیورها	۱	۲	۳
۱. تمایز یافتگی	۱		
۲. مرزهای زوجینی	-۰/۴۹***	۱	
۳. انسجام خانوادگی	-۰/۱۹***	-۰/۳۲***	۱

** معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ * معنی‌داری در سطح ۰/۰۵

با توجه به نتایج جدول ۲ ماتریس همبستگی: تمایز یافتگی ($r = ۰/۶۹$) و همچنین متغیر مرزهای زوجین ($r = ۰/۳۲$) با انسجام خانوادگی رابطه مثبت و معناداری در سطح ۰/۰۱ دارند.

آماره						
مدل	R	RS	ARS	SE	F	Sig
۱	-۰/۷۱	-۰/۵۰	-۰/۴۹	۱۱/۱۸	۱۲۹/۰۳	-۰/۰۰۰۱

در جدول ۳، خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون همزمان انسجام خانوادگی زوجین نشان می‌دهد مرزهای زوجینی و تمایز یافتگی به طور همزمان ۰/۴۹ از تغییرات «انسجام خانوادگی» زوجین را تبیین می‌کنند.

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان انسجام خانوادگی زوجین و مرزهای زوجینی

آماره					
مقیار پیش‌بین	B	SE	β	t	F
مرزهای زوجینی	-۰/۰۵۰	۰/۰۱۵	-۰/۱۴	۳/۴۴	-۰/۰۰۱
تمایز یافتگی	-۰/۰۵۷	۰/۰۲۳	-۰/۱۵	۱/۵۲۷	-۰/۰۰۰۱

در جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون همزمان انسجام خانوادگی زوجین با مرزهای زوجین و

تمایز یافتگی زوجین قابل مشاهده است. چنانکه مشاهده می شود زمانی که تمامی متغیرهای پیش بین وارد مدل می شوند، مرزهای زوجین ($\beta = 0/14$, $p = 0/001$) و تمایز یافتگی ($\beta = 0/001$, $p = 0/65$) اثر پیش بینی کنندگی مثبت و معناداری بر انسجام خانوادگی زوجین دارند.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش تمایز یافتگی و مرزهای زوجینی در پیش بینی انسجام خانوادگی بود. براساس نتایج به دست آمده، مرزهای زوجینی و تمایز یافتگی به طور همزمان ۰/۴۹ از تغییرات «انسجام خانوادگی» را تبیین نمودند، به نحوی که مرزهای زوجین ۰/۱۴ و تمایز یافتگی ۰/۶۵ اثر پیش بینی کنندگی مثبتی بر انسجام خانوادگی داشت. این یافته، با نتایج مطالعات مختلفی که نشان داده بودند تمایز یافتگی و مرزهای اسلامی زوجین در پیش بینی انسجام خانوادگی نقش دارند همسو بود (کریمی اندانی و همکاران، ۱۴۰۰ و تقییان و قاسمی، ۱۳۹۹ و کاظمی مقدم و همکاران، ۱۳۹۷ و حاجی و طاهری، ۱۳۹۵ و ایشیک و همکاران، ۲۰۲۰) که نشان داده بودند انسجام خانوادگی با تمایز یافتگی رابطه معناداری دارند، همسو بود.

در تبیین این نتایج می توان چنین بیان داشت که تمایز یافتگی، به عنوان فرایندی که موجب می شود افراد بعد از ازدواج به تدریج به استقلال و وابستگی سالم دست یابند، موجب می شود که افراد علی رغم داشتن مشکلات زناشویی و یا سایر مشکلات حاشیه ای زندگی از قبیل مسائل مالی و مانند آن، بر مبنای روابط عاطفی عمیق با همسر خود، رفتار خود را کنترل نموده و با کمک به یکدیگر مشکلات را حل نمایند. این مهم در کنار حجم بالایی از مشکلات روابط اعضای خانواده که منجر به آشفتگی زناشویی شده و انسجام خانواده را مختل می گرداند، می تواند مربوط به عدم رعایت مرزهای زوجینی نیز باشد (مینوچین، ۲۰۰۲). در واقع، هر کدام از زوجین که به تمایز یافتگی سطح بالایی رسیده اند، در رویدادهای مثبت خانوادگی شرکت می کنند، به نحوی که در صورت وجود مشکل، با استفاده از راهبردهای مقابله ای تفکیکی، عواطف خود را کنترل نموده و اجازه نمی دهند هیجانات منفی مربوط به یک موقعیت، موجب فروپاشی سیستم عاطفی خانواده شود (پاسترناک و اس شیر، ۲۰۱۴). لذا با توجه به اینکه در مرزهای زوجینی برآمده از آموزه های اسلامی، کارکرد و نقش های

اعضای خانواده به خصوص زوجین براساس وظایف آنها تفکیک شده و هر کدام از همسران نسبت به رعایت حق و حقوق اعضا، احساس تعهد نموده و مانعی در برابر سایر کارکردهای نقش‌های مختلف خانوادگی ایجاد نمی‌نمایند، می‌توان گفت رعایت مرزهای اسلامی زوجین کمک‌کننده و در راستای تمایزیافتگی افراد خانواده است.

همچنین می‌توان اظهار نمود هنگامی که زوجین خود را متعهد به رعایت مرزهای زوجینی برآمده از اسلام بدانند و خدای تعالی را در رعایت آنها ناظر بر خویشتن احساس نمایند، در حضور و غیاب یکدیگر مرزها را رعایت می‌کنند. درمقابل، چنانچه مرزهای زوجین رعایت نشود و تمایز یافتگی زوجین نیز کمتر باشد و آنان توان تمایز بین عقل و احساس و زندگی زوجی و والدینی را نداشته باشند، هرج و مرج خانوادگی گسترش می‌یابد. بر مبنای نظریه السون (۱۹۹۹) نیز هر کدام از زوجین پایین‌ترین درجه انسجام خانوادگی یعنی سطح «رها شده» را به نمایش می‌گذارند. در این سطح از انسجام خانوادگی، هر یک از زوجین و اعضای خانواده، بدون توجه به نیازهای خانوادگی، سرگرم کار و مسائل خودشان هستند و هیچ گونه حمایتی از یکدیگر برای رفع مشکلات شخصی و خانوادگی انجام نمی‌دهند. به صورت طبیعی در خانواده‌ای که زوجین مرزهای تعاملاتی با یکدیگر را در همه حال رعایت نمایند، آن خانواده تعارض و گسست کمتری را تجربه خواهد کرد و به راحتی می‌توانند با افزایش تفکرات مستقلانه سطح تمایزیافتگی خود را افزایش داده و در زمان بروز مشکلات نیز اعضا بر اساس اعتقادات دینی و برگشت به تعالیم دینی با انسجام و حمایت یکدیگر سعی در رفع مشکل پیش آمده نمایند. در مقابل، سطح تمایزیافتگی کمتر با همراهی مرزهای زوجینی گسسته، موجب گسستگی و اختلال در انسجام خانواده می‌گردد. در این نوع خانواده‌ها، اعضا حس وفاداری و تعهد کمتری نسبت به یکدیگر دارند و از وابستگی به یکدیگر رنج برده و برای حل مشکلات با آنکه توان کمتری دارند، فردی اقدام نموده و از درخواست کمک امتناع می‌نمایند.

در واقع، چنانچه اصول و قواعد مرزهای اسلامی در خانواده جاری باشد و اعضا نیز به سطح قابل قبولی از تمایزیافتگی برسند، بعضاً در زمان وجود مشکلات خانوادگی ممکن است عواطف شدیدی را تجربه کنند؛ اما توسط این عواطف تحلیل نمی‌روند و واکنش این دسته از افراد کنترل شده است. زمانی که تجربه‌های درونی یا تعاملات بین فردی بسیار تنش‌زا باشد، افراد تمایز نیافته از دیگران فاصله عاطفی می‌گیرند؛ درحالی‌که افراد تمایز یافته ضرورتی احساس نمی‌کنند که از لحاظ عاطفی از دیگران جدا شوند. این‌گونه افراد

از هویتی محکم برخوردارند. افراد تمایز نیافته روی هم رفته در روابط صمیمانه با دیگران مستحیل می شوند؛ در حالی که افرادی که به خوبی تمایز یافته اند قادرند خود تعریف شده شان را حفظ کنند؛ تمایز در توانایی ابراز «موضع من» نمود می یابد (آبرو و آتاگانا، ۲۰۲۲).

از نگاه دینی، مسائل مختلفی که در خانواده پیش می آید، به همه اعضای خانواده به خصوص همسران مربوط می شود و این طور نیست که یکی از زوجین به تنهایی بتواند تصمیم بگیرد و اگر بخواهد بدون توجه به خواسته ها و نظرات همسرش تصمیم بگیرد مشکلاتی به وجود می آید. از این رو، کاربست آموزه های اسلامی در تعاملات زوجینی از جمله پایبندی به اصل «مشورت کردن» منجر به انسجام بیشتر خانواده می شود. طبق این اصل، مرد و زن در مسائل مختلفی که در زندگی تجربه می کنند هر دو در آن شریک هستند و گاهی یک موضوع با زن ارتباط بیشتری دارد و گاهی موضوعی دیگر با مرد. خدای تعالی در قرآن کریم برای تأکید بر اصل مشورت در تعاملات همسران، دستور داده است که حتی از شیر گرفتن فرزند نیز با مشورت انجام شود.^۲ بنابراین بر اساس آموزه های اسلامی هر موضوع مهمی در خانواده باید در چهارچوب تعالیم دینی بر اساس مشورت حل و فصل شود و زوجین سعی کنند بر اساس مصلحت جمعی خانواده تصمیم بگیرند و برای حفظ انسجام و پرهیز از گسست درونی خانواده، تعاملات آنان بر پایه میثاق غلیظ استوار باشد.^۳ لازمه میثاق غلیظ آن است که همه نقش ها و وظایف مربوط به زن و شوهر از عمق و غلظت برخوردار بوده و از صمیم قلب برخاسته باشد. مرد در حفظ زن و زن در حفظ همسر خویش باید کوشا باشد و این شدت توجه به یکدیگر، منجر به همبستگی بیشتر گردد.

به طور کلی با بهره گیری از نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر می توان گفت: آموزش تمایز یافتگی و مرزهای زوجینی و اهمیت آنها به خانواده ها و زوجین بر اساس گزاره های دینی موجب کاهش تعارضات زناشویی و کاهش گسست درونی و افزایش انسجام خانوادگی می گردد. این امر می تواند در دراز مدت به عنوان راهکاری پیشگیرانه از بروز اختلافات زناشویی و در کاهش طلاق مثمرتر باشد.

1. Abro & Atangana.

۲. «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْعِمَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا (سوره بقره: ۲۳۳)».

۳. «وَ أَخَذَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا (سوره نسا: ۲۱)».

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند (۱۳۷۳)، تهران: دارالقرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آزاد ارمکی، تقی و بهار، مهری (۱۳۹۷)، *بررسی مسائل اجتماعی*، تهران: نشر جهاد.
- آهنگرکانی، محمد؛ زاده محمدی، علی؛ حیدری، محمود؛ طالبی، مریم (۱۳۹۳)، «رابطه ارزش‌های ازدواج و جهت‌گیری مذهبی با ساختار خانواده در افراد متأهل»، *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۲ (۱)، ص ۴۴-۵۷.
- تقیان، حسن و قاسمی مروج، مهدی (۱۳۹۹)، «پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس تمایز یافتگی زوجین با نقش میانجی مرزهای زوجینی خانواده»، *پژوهش‌های روانشناسی اسلامی*، ۳ (۱)، ص ۳۷-۲۱.
- جان بزرگی، مسعود (۱۳۹۸)، *مشاوره پیش از ازدواج: اصول، مبانی، راهبردهای عملی*، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جعفری، احمد؛ شعبانپور، محمود (۱۳۹۸)، «خانواده و سلامت جامعه»، *مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی*، شماره ۲۲، ص ۱۶۰-۱۴۷.
- حاجی، حسین و طاهری، محمدرضا (۱۳۹۵)، «رابطه احساس انسجام روانی، تمایز یافتگی و شادکامی با کیفیت زندگی معلمان زن مقطع متوسطه شهرستان دزفول»، *کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی*، شیراز.
- سراقی، همایون و صفورایی پاریزی، محمد مهدی (۱۳۹۸)، «بازتعریف خانواده براساس قرآن و منابع روایی»، *پژوهش‌های روانشناسی اسلامی*، ۲، ص ۹۸-۶۸.
- سلیمی، هادی؛ محسن زاده، فرشاد و نظری، علی محمد (۱۳۹۵)، «پیش‌بینی سازگاری زناشویی براساس انسجام خانوادگی، زمان باهم بودن و منابع مالی در معلمان زن»، *فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه*، ۷ (۲)، ص ۱۷۵-۱۹۱.
- فخاری، نرگس؛ لطیفیان، مرتضی و اعتماد، جلیل (۱۳۹۳)، «بررسی ویژگی‌های روانسنجی فرم کوتاه پس‌شنامه تمایز یافتگی خود در دانشجویان ایرانی»، *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۵ (۱۵)، ص ۴۴-۳۲.
- کاظمی مقدم، کبری؛ مهاربی زاده هنرمند، مهناز؛ کیامنش، علیرضا و حسینیان، سیمین (۱۳۹۷)، رابطه علی تمایز یافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی با دلزدگی زناشویی از طریق میانجیگری تعارض زناشویی و رضایت زناشویی»، *روش‌ها و مدل‌های روانشناختی*، ۹ (۳۱)، ص ۱۴۲-۱۳۱.
- کریمی اندانی، سمانه؛ علاء الدینی، زهره و عظیمی فر، شیرین (۱۴۰۰)، «پیش‌بینی انسجام خانواده براساس مهارت‌های ارتباطی و سبک‌های عشق‌ورزی زوجین شهر اصفهان»، *همایش ملی پژوهش‌های نوین در روانشناسی و علوم رفتاری*، خمینی شهر.
- گلدنبرگ، هربرت؛ گلدنبرگ، آیرین (۱۳۹۸)، ترجمه مهرداد فیروز بخش، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه

خدمات فرهنگی رسا.

- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹)، *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*، ترجمه: حمیدرضا شیخی، چاپ دوم، قم: دار الحدیث.
- مومنی، خدامراد؛ کاووسی، سکینه و امانی، رزیتا (۱۳۹۵)، «پیش بینی تعهد زناشویی براساس تمایز یافتگی خود، همبستگی و انطباق پذیری خانواده، و صمیمیت زناشویی»، *دوفصلنامه آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده*، ۱ (۲)، ص ۵۸-۴۶.
- هوشیاری، جعفر؛ صفورایی پاریزی، محمد مهدی؛ جزایری، سید حمید؛ تقیان، حسن (۱۴۰۰)، «ساخت و اعتباریابی پرسشنامه سنجش مرزهای روانشناختی خانواده بر اساس قرآن کریم»، *مطالعات اسلام و روانشناسی*، ش ۲۸، ص ۲۹-۷.
- هوشیاری، جعفر؛ صفورایی پاریزی، محمد مهدی (۱۳۹۷)، «ارزیابی مرزهای خانواده در روانشناسی از نگاه قرآن و روایات»، *نشریه مطالعات علوم قرآن (جامعه المصطفی العالمیه)*، ش ۲، ص ۱۷۷-۱۵۷.
- هوشیاری، جعفر؛ صفورایی پاریزی، محمد مهدی؛ جزایری، سید حمید؛ تقیان، حسن (۱۳۹۹ الف)، *تبیین مرزهای خانواده بر اساس قرآن کریم و ساخت پرسشنامه سنجش آن*، رساله دکتری، قم: مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی.
- هوشیاری، جعفر؛ صفورایی، محمد مهدی؛ جزایری، سید حمید و تقیان، حسن (۱۳۹۹ ب)، «مرزهای درونی خانواده از نگاه روانشناسی و قرآن»، *پژوهش های اسلامی زنان و خانواده*، ش ۲۰، ص ۹-۳۲.

- Abro, K. A., & Atangana, A. (2022). Dual fractional modeling of rate type fluid through non-local differentiation. *Numerical methods for partial differential equations*, 38(3), 390-405.
- Djurdjevic, M., & Roca Girona, J. (2016). Mixed couples and critical cosmopolitanism: experiences of cross-border love. *Journal of Intercultural Studies*, 37(4), 390-405.
- Dolz-del-Castellar, B., & Oliver, J. (2021). Relationship between family functioning, differentiation of self and anxiety in Spanish young adults. *PloS one*, 16(3), e0246875.
- Drake, J. R. (2011). Differentiation of Self Inventory –Short Form: Creation & Initial Evidence of Construct Validity. PhD Dissertation, University of

Missouri-Kansas City.

- Gensowski, M., Gørtz, M., & Schurer, S. (2021). Inequality in personality over the life cycle. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 184, 46-77.
- Işık, E., Özbiler, Ş., Schweer-Collins, M. L., & Rodríguez-González, M. (2020). Differentiation of self predicts life satisfaction through marital adjustment. *The American Journal of Family Therapy*, 48(3), 235-249.
- Klug, K., & Niemand, T. (2021). The lifestyle of sustainability: Testing a behavioral measure of precycling. *Journal of Cleaner Production*, 297, 126699.
- Kosek, R. B. (1998). Self-differentiation within couples. *Psychological Reports*, 83(1), 275-279.
- Liu, Y., Wang, R., Lu, Y., Li, Z., Chen, H., Cao, M., ... & Song, Y. (2020). Natural outdoor environment, neighbourhood social cohesion and mental health: Using multilevel structural equation modelling, streetscape and remote-sensing metrics. *Urban Forestry & Urban Greening*, 48, 126576.
- Minuchin, P. (2002). Looking toward the horizon: Present and future in the study of family systems. *Retrospect and prospect in the psychological study of families*, 259-278.
- Minuchin, S. (2018). *Families and family therapy*. Routledge. Harward University Press.
- Nur, N. (2020). Identifying variables in relation to health-related quality of life among married women of reproductive age in Sivas Turkey. *Women & health*, 60(5), 534-546.
- Pasternak, A., Schier, K. (2014). Psychological birth – the separation-individuation process among female Adult Children of Alcoholics, Alcoholism and Drug Addiction / Alkolizm i Narkomania, 27: 305–318.
- Reference: Bagarozzi, D.A (2001), intimacy needs questionnaire. Atlanta,

human resources Consultants, volume5 (15): 2.

- Rodríguez-González, M., Schweer-Collins, M., Bell, C. A., Sandberg, J. G., & Rodríguez-Naranjo, C. (2019). Family functioning, family structure, and differentiation of self in heterosexual Spanish couples: An actor-partner analysis. *Journal of Counseling & Development*, 97(2), 209-219.

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال دهم، شماره اول، پیاپی ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳ (ص ۷۷-۹۸)

مقایسه اثر بخشی آموزش خود متمایز سازی و واقعیت درمانی بر صمیمیت و سازگاری زنان متأهل

Comparison of the Effectiveness of Self-Differentiation Training and Reality Therapy on Intimacy and Adjustment among Married Women

مهرداد ساسانی / دکتری تخصصی مشاوره، مدرس دانشگاه میزان، تبریز، ایران.

مهران رمضانیلر / کارشناسی ارشد مشاوره.

رضا محمدزاده / کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی کودک و نوجوان.

محمد رضا دلجوان / کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی.

ساناز زارع زاده / دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی بالینی، دانشگاه تبریز، ایران.

Mehrdad Sasani /Phd Counseling, Lecture at Mizan University, Tabriz, Iran (Author).

mehrdadsasani45@gmail.com

Mehran Ramzaniler /Master of Counseling.

Reza Mohammad zadeh /Master degree in child and adolescent clinical psychology.

Mohammad Reza Deljavan /Master degree in educational psychology.

Sanaz Zarezadeh /Phd student clinical psychology, Tabriz University, Iran.

Abstract

The present study aimed to compare the efficacy of self-differentiation and the reality therapy training on the intimacy and adaptation of the married women. The research method was semi-experimental using a pre-test, post-test and follow up design with a control group. The community of society was all married women whose terms of marriage were under 5 years and their age were between 20 and 40 years in Tabriz city. A sample of 45 married women was selected available method and randomly assigned to two groups of experiments, a group for the

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه اثر بخشی آموزش خود متمایز سازی و واقعیت درمانی بر صمیمیت و سازگاری زنان متأهل انجام شد. روش پژوهش نیمه آزمایشی با استفاده از طرح پیش آزمون - پس آزمون و پیگیری با گروه کنترل بود. جامعه آماری، کلیه زنان متأهل دارای مدت ازدواج زیر ۵ سال و سن بین ۲۰ تا ۴۰ سال شهر تبریز بودند. نمونه آماری ۴۵ زن متأهل، که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و به روش تصادفی در دو گروه آزمایش، یک گروه برای آموزش واقعیت درمانی و یک

treatment of reality therapy and a group for self-differentiation training (each group was 15) and a control group (15 people). To collect the data the pre-test and post-test stages, Marital intimacy questionnaire (Bagarozzi, 2001) and adaptation questionnaire (Spanier, 1976) were used. The data were analyzed by repeated measures analysis of variance. The result showed that the self-differentiation and the reality therapy training is effective on the intimacy and adaptation of the married women. Also, based on the result, there is no significant difference between the efficacy of self-differentiation and the reality therapy on the intimacy and adaptation of the married women. According to the results of the study, it can be stated that for those who have little intimacy and compatibility, use self-differentiation and reality therapy as a treatment.

Key word: self-differentiation, reality therapy, intimacy, adaptation.

گروه برای آموزش خود متمایز سازی (هر گروه ۱۵ نفر) و یک گروه گواه (۱۵ نفر) جایگزین شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها در مرحله پیش‌آزمون - پس‌آزمون و پیگیری از پرسشنامه صمیمیت زناشویی (باگاروزی، ۲۰۰۱)، پرسشنامه سازگاری (اسپانیر، ۱۹۷۶) استفاده شد. داده‌های بدست آمده با روش تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر تحلیل شدند. نتایج نشان داد، آموزش خود متمایز سازی و واقعیت درمانی بر صمیمیت و سازگاری زنان متأهل موثر است. همچنین بر اساس نتایج، بین اثر بخشی آموزش خود متمایز سازی و واقعیت درمانی بر صمیمیت و سازگاری زنان متأهل تفاوت معناداری وجود ندارد. با توجه به نتایج تحقیق می‌توان بیان کرد برای افرادی که از صمیمیت و سازگاری کمی برخوردار هستند می‌توانند از خود متمایز سازی و واقعیت درمانی به عنوان روش درمانی استفاده کنند.

کلید واژه‌ها: خود متمایز سازی، واقعیت درمانی، صمیمیت، سازگاری.

مقدمه

در واقع هدف اصلی ازدواج، ارتباط است و بدون ارتباط، ازدواج معنایی ندارد. ارتباطات زناشویی می‌تواند دست‌مایه شادی و یا منبع بزرگ رنج و تأمل باشد. برای بسیاری از مردم، ازدواج، گونه‌ای از رابطه صمیمانه است که می‌تواند منبع حمایت، صمیمیت و لذت باشد، همچنین ایجادکننده همکاری، مهر، بردباری و مسئولیت‌پذیری نسبت به خانواده است (پاک‌گوهر و همکاران، ۱۳۸۶؛ به نقل از خانجانی و شکی، شفیع آبادی، فرزاد و فاتحی‌زاده، ۱۳۹۵). صمیمت، هسته روابط عاشقانه است و بسیاری از پژوهشگران به مفهوم سازی این سازه پرداخته‌اند (کونستانت، والت، ناندترینو و کریستوفر، ۲۰۱۶). بر پایه

دیدگاه اشترنبرگ، صمیمیت، عنصر هیجانی عشق به‌ویژه احساساتی از نزدیکی، پیوند و اتصال است (اشترنبرگ^۱، ۱۹۸۶؛ به نقل از لانک ولد، جاکوبز، تویسن، دی وایت و وربون^۲، ۲۰۱۸) و نقش برجسته‌ای در رضایت زناشویی زنان و مردان دارد (زارا نزهت و معظمی گودرزی، ۲۰۱۱). وجود صمیمیت بین زوجین یکی از عوامل تعیین‌کننده برای عملکرد مطلوب خانواده است و اجتناب از روابط صمیمانه از عواملی هستند که موجب شکست در زندگی خانوادگی می‌شود (بلوم^۳، ۲۰۰۶). صمیمیت دارای ۹ بعد عاطفی، اجتماعی، تفریحی، جنسی، عقلانی، روانشناختی، جسمانی، معنوی، زیباشناختی و زمانی است (باگاروزی^۴، ۲۰۱۳). در میان ابعاد صمیمیت، جنبه‌های عاطفی-هیجانی و جنسی در روابط عاشقانه نقش مهمی بر رضایت از رابطه دارند (یو، بارتل-هارینگ، دی و گانگام^۵، ۲۰۱۴). لذا با توجه به اهمیت عوامل فرهنگی و دینی در همه مراحل زندگی به‌ویژه ازدواج، لازم است توجه بسیاری به این عوامل شود. فرایند ازدواج و زندگی زناشویی در ایران بر اساس قواعد و اصول مبتنی بر فرهنگ اسلامی و ایرانی شکل می‌گیرد. به همین دلیل، توجه به اعتقادات مذهبی و باورهای دینی در رویکردهای زوج درمانی، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. پیشنهاد مشاوره و آموزش زوجین در فرهنگ اسلامی و ایرانی قدمت زیادی دارد. در مورد اهمیت ازدواج و کیفیت رابطه زن و شوهر مطالب بسیار زیادی در آثار اندیشمندان ایرانی وجود دارد. در این زمینه، احادیث ارزشمندی از معصومان (علیهم‌السلام) بیان شده است. آیات فراوانی از قرآن کریم نیز درباره این موارد است (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۹۲).

یکی دیگر از عواملی که می‌تواند کاهش آن بر روابط زوجین لطمه وارد سازد سازگاری است. سازگاری زناشویی، مفهومی است که اولین بار توسط اسپانیر و کول^۶ (۱۹۷۶؛ به نقل از لاتیف، ایستروف، فیلد و بوش^۷، ۲۰۰۵) ارائه شد که می‌تواند فرایند تعامل دائمی در نظر گرفته شود. منظور از سازگاری زناشویی، حالتی است که در آن احساس کلی همسران با

1. Sternberg.

2. Lankveld, Jacobs, Thewissen, Dewitte & Verboon.

3. Blum.

4. Bagarozzi.

5. Yoo & Bartle-Haring & Day & Gangamma.

6. Spanier & Cole.

7. Latifses, Estroff, Field & Bush.

شادی و رضایت از یکدیگر و ازدواج همراه است (پال^۱، ۲۰۱۷) و به طور کلی بین همسران در دستیابی به اهداف مشترک در زندگی نوعی هماهنگی وجود دارد (یگانه و شیخ محمودی، ۲۰۱۳) که علاوه بر ثبات و استحکام روابط (گال^۲، ۲۰۰۵) به حفظ ازدواج زوجین نیز کمک می‌کند (باران و پارکر^۳، ۲۰۰۶). سازگاری زناشویی، ظرفیت سازگار شدن با مشکلات و توانایی حل آنهاست (ماداتیل و بنسهِوف^۴، ۲۰۰۸) که به طرفین اجازه می‌دهد تا تعارض‌ها را نادیده بگیرند و آنها را به شیوه‌ای مناسب حل و فصل کنند و به احساس مثبت دست یابند (چن، تاناکا، هیرامورا و شیکای^۵، ۲۰۰۷). ازدواج، مستلزم سطح پایداری از سازگاری از جانب طرفین است. سازگاری به معنای آن نیست که به همسران یاد داده شود تا همواره از خواسته‌های خود چشم‌پوشی کنند؛ بلکه بدین معناست که خواسته‌های خود را با خواسته‌های همسرشان هماهنگ سازند (برنشتاین^۶ و برنشتاین، ۲۰۰۳).

امروزه روش‌ها و درمان‌های متفاوتی به منظور ارتقای سازگاری زناشویی زوجین به کار برده می‌شود. یکی از این درمان‌ها آموزش خود تمایز سازی^۷ مبتنی بر نظریه بوئن است (مته‌یارد، اندرسون و مارکس^۸، ۲۰۱۱). تمایز یافتگی خود پلی برای فهم وضعیت وابستگی متقابل افراد و بیانگر میزان توانایی فرد برای تعادل بین تفکر و احساس و بین صمیمیت و استقلال در خانواده است (لام و چانسو^۹، ۲۰۱۵). خانواده به عنوان نخستین پایگاه شکل‌گیری شخصیت، اساسی‌ترین عامل به وجود آورنده تمایز یافتگی یا استقلال عاطفی افراد است (کرمی، علیخانی و نوروزی، ۲۰۱۴). به نظر بوئن، درجه ظهور تمایز یافتگی در هر فرد بیانگر میزان توانایی فرد برای جداسازی فرایند شناختی از فرایند احساسی (هیجانی) است که فرد تجربه می‌کند؛ یعنی درجه توانایی فرد برای اجتناب از تبعیت خودکار رفتار از احساسات، بیانگر میزان تمایز یافتگی است (بایرامی، فهیمی، اکبری و امیری، ۲۰۱۲). افراد تمایز یافته، به افکار و احساسات خاص

1. Pal.

2. Gaal.

3. Bar-On & Parker.

4. Madathil & Benshoff.

5. Chen, Tanaka, Hirmura & Shikai.

6. Bernstein.

7. Self-diffrentation.

8. Marx.

9. Lam & Chan-So.

خودشان واقف هستند و آنها را ابراز می نمایند و اجباری جهت وفق دادن خود با انتظارات نامعقول دیگران احساس نمی کنند. در مقابل افراد تمایز نیافته، معمولاً از نظر عاطفی به دیگران وابسته می شوند و به سختی برای خود، فکر، احساس و عمل می کنند (پیرساقی، نظری، حاجی حسنی و ناد علی پور، ۱۳۹۳). پژوهش پاتریک^۱ (۲۰۰۷) تحت عنوان «صمیمیت، تمایز یافتگی، متغیرهای شخصیتی عامل های پیش بینی کننده رضایت زناشویی» نشان داد که تمایز یافتگی با صمیمیت زناشویی رابطه مستقیم و معناداری دارد و افراد با ویژگی های شخصیتی: جرأت ورزی، توافق طلبی و خود انضباطی در حد بالای صمیمیت هستند.

یکی از رویکردهای دیگری که در ایجاد صمیمیت و سازگاری می توان از آن استفاده نمود، واقعیت درمانی^۲ گلاسر^۳ است. واقعیت درمانی، یک روش مشاوره و روان درمانی است که ویلیام گلاسر آن را برای درمانگران، مشاوران و سایر افراد بنیانگذاری کرده است (اسماعیلی فر، شیخی، جعفرپور، ۲۰۱۳). واقعیت درمانی گلاسر از مداخلات رایج در راه توصیف انسان، تعیین قوانین رفتاری و چگونگی نیل به رضایت، خوشبختی و موفقیت محسوب می شود (قربانعلی پور، نجفی، علیرضا لو، نسیمی، ۱۳۹۳). در واقعیت درمانی بر مفاهیمی چون کنترل، مسئولیت پذیری و انتخاب تأکید می شود که می تواند بر راهبردهای کنار آیی و منبع کنترل افراد تأثیر بگذارد (امیری، آقا محمدیان، شعرباف، کیمیایی، ۱۳۹۱). واقعیت درمانی بر اساس نظریه انتخاب استوار است. در این نظریه، اعتقاد به این است که اعمال ما یک رفتار و رفتار ما یک انتخاب است (تدین، آریا و لطفی، ۲۰۱۳)؛ یعنی خود ما رفتارهایمان را انتخاب می کنیم و مسئول زندگی خود و آنچه عمل و احساس می کنیم هستیم (صاحب دل، خوش کنش، پورا براهیم، ۱۳۹۰). گلاسر، رفتار را شامل چهار مؤلفه عملکرد، تفکر، احساس و فیزیولوژی می داند که ما بر دو مؤلفه عملکرد و تفکر به طور مستقیم و بر احساس و فیزیولوژی به طور غیرمستقیم کنترل داریم. تأکید نظریه انتخاب بر دو مؤلفه عملکرد و تفکر می باشد (تدین، آریا و لطفی، ۲۰۱۳). دریایی (۱۳۸۶) در پژوهشی تحت عنوان «اثر بخشی آموزش مفاهیم نظریه انتخاب و فنون واقعیت درمانی بر افزایش صمیمیت زوجین ناسازگار مراجعه کننده به مراکز مشاوره»، به این نتیجه دست یافت که نظریه انتخاب و فنون واقعیت درمانی ناسازگاری زوجین را کاهش و صمیمیت کلی آنان نیز

1. Patrik.

2. Reality therapy.

3. Glasser.

در مراحل پس‌آزمون و پیگیری افزایش یافته است. با توجه به افزایش تعارضات زناشویی در ایران و شیوع فراوان آسیب‌های روانشناختی و همچنین اهمیت ارتباط زوجین با یکدیگر، در کنار رویکردهای خودمتمایز سازی و واقعیت‌درمانی، شناسایی مداخلات مؤثر و کارآمد جهت بهره‌وری هرچه بیشتر در روابط میان زوجین، ضروری به نظر می‌رسد. یکی از ویژگی‌های برجسته جامعه ایرانی پایبندی و اعتقاد به آموزه‌های اسلام است که می‌توان از باورهای دینی و اسلامی در تدوین روش‌های زوج‌درمانی بومی شده استفاده کرد. آنچه امروزه تحت عنوان زوج‌درمانی مشهود است، تنها حاصل کار پژوهشگران عصر حاضر نیست؛ بلکه بسیاری از این مهارت‌ها در لابه‌لای آموزه‌های الهی به‌ویژه در قرآن و احادیث معصومان علیهم‌السلام بیان شده است، به‌طوری که تلاش برای برقراری ارتباط مفید و مؤثر با دیگران، خودشناسی، ارتباط مناسب با همسر، اصل دوستی و مودت زوجین با یکدیگر که فصول اساسی زوج‌درمانی است، بارها در قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و احادیث منقول از معصومان علیهم‌السلام تأکید شده است (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۹۲).

با توجه به موارد ذکر شده، می‌توان بیان کرد که صمیمیت و سازگاری دو متغیر تعیین‌کننده و مهم در کیفیت روابط زوجین مخصوصاً در اوایل زندگی مشترک می‌باشند که در اسلام، قرآن و احادیث معصومان علیهم‌السلام نیز به این دو عامل مهم تأکید زیادی شده است. و از سوی دیگر با توجه به تحقیقات گذشته، خودمتمایزسازی و واقعیت‌درمانی دو نوع از درمان‌هایی هستند که امروزه در زوج‌درمانی و بهبود روابط زوجین هم بیشتر مورد استفاده قرار گرفته و هم عملکرد مؤثری داشته‌اند. بنابراین هدف از پژوهش حاضر، مقایسه اثربخشی آموزش خودمتمایزسازی و واقعیت‌درمانی بر صمیمیت و سازگاری زنان متأهل بود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری با گروه کنترل بود. جامعه مورد نظر در پژوهش حاضر، کلیه زنان متأهل مراجعه‌کننده به مرکز خدمات روانشناختی هستی می‌باشند. نمونه آماری، ۴۵ زن متأهل که با روش نمونه‌گیری در دسترس، با معیارهای ورودی داشتن مشکلات زناشویی، استفاده نکردن از درمان‌های روانشناختی دیگر در طی مطالعه، دارا بودن جنسیت زن، سن بین ۲۰ تا ۴۰ سال، مدت ازدواج زیر ۵ سال، ساکن بودن در شهر تبریز، رضایت شرکت در طرح، انتخاب شدند. ابتدا از افرادی که معیارهای فوق را داشتند ثبت‌نام به عمل آمد و تعداد آزمودنی‌ها به ۵۱ نفر رسید؛ ولی

در ادامه، ۶ نفر انصراف دادند و در نهایت ۴۵ نفر به عنوان تعداد نمونه انتخاب شدند. شرکت کنندگان به صورت تصادفی به سه گروه (دو گروه آزمایش، یک گروه کنترل و هر گروه ۱۵ نفر) تقسیم شدند و ابتدا پرسشنامه‌ها را تکمیل کرده و بعد از جلسات مداخله مجدداً مورد ارزیابی قرار گرفتند.

پس از پیش‌آزمون، گروه‌های آزمایش در دوره آموزشی ۱۲ جلسه‌ای خودمتمایز سازی و ۸ جلسه‌ای واقعیت درمانی شرکت کردند و پس از پایان دوره، از هر سه گروه (گروه‌های آزمایش و کنترل) پس‌آزمون به عمل آمد. و با فاصله سه ماه از آموزش، مرحله پیگیری اجرا شد. در پژوهش حاضر به منظور تحلیل نتایج از روش تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر استفاده شد. تحلیل داده‌ها با SPSS نسخه ۲۲ انجام شد. در پژوهش حاضر جهت رعایت ملاحظات اخلاقی به آنان اطمینان داده شد که هر موقع خواستند می‌توانند آزمایش را ترک کنند. همچنین اطلاعات فقط در اختیار محقق خواهد بود.

ابزار پژوهش

الف. پرسشنامه صمیمیت زناشویی

این پرسشنامه توسط باگاوروروزی (۲۰۰۱) تهیه و تنظیم شده است. پرسشنامه شامل ۴۱ سؤال است و نیازهای صمیمیت را در هشت بعد (۱- عاطفی، ۲- روانشناختی، ۳- عقلانی، ۴- جنسی، ۵- فیزیکی، ۶- معنوی، ۷- زیباشناختی، ۸- تفریحی اجتماعی) ارزیابی می‌کند. آزمودنی‌ها، از ۱ به معنای "به هیچ وجه چنین نیازی وجود ندارد" تا ۱۰ به معنای "نیاز بسیار زیادی وجود دارد" به هر نیاز پاسخ می‌دهند. در ایران، اعتمادی (۱۳۸۴)، پایایی کل این پرسشنامه را ۰/۹۴ و روایی همزمان را ۰/۵۸ بدست آورد. اعتمادی (۱۳۸۴) برای تعیین روایی محتوایی، پرسشنامه را در اختیار ۱۵ استاد مشاوره و ۱۵ زن و شوهر قرار داد و روایی محتوایی آن تأیید شد. حسینیان و خمسه (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای پایایی هر بُعد صمیمیت را با روش آزمون - بازآزمون محاسبه نمودند که برای صمیمیت عاطفی، روانشناختی، عقلانی، جنسی، فیزیکی، معنوی، زیباشناختی و اجتماعی تفریحی به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۲، ۰/۸۱، ۰/۹۱، ۰/۸، ۰/۶۵ و ۰/۷۶، و ۰/۵۱ بدست آمد.

ب. پرسشنامه سازگاری زن و شوهر^۱ (DAS)

این مقیاس یک ابزار ۳۲ سؤالی است که در سال ۱۹۷۶ توسط اسپانیر^۲ ساخته شده است و برای ارزیابی کیفیت رابطه زناشویی از نظر زن و شوهر یا هر دو نفری است که با هم زندگی می‌کنند. نمره کل این مقیاس نشانگر رضایت و سازگاری کلی زوجین است. این مقیاس دارای چهار خرده مقیاس: رضایت^۳، همبستگی^۴، توافق^۵ و ابراز محبت^۶ است. این مقیاس در نهایت ۵ نمره به دست می‌دهد که مشتمل بر نمرات حاصل از ۴ خرده مقیاس و یک نمره کل که دامنه آن بین ۴ تا ۱۵۱ می‌باشد. دامنه نمرات برای خرده مقیاس‌ها به شرح زیر است: خرده مقیاس رضایت زناشویی (۱۰ سؤال) ۰ تا ۵۰؛ خرده مقیاس همبستگی (۵ سؤال) ۴ تا ۲۴؛ خرده مقیاس توافق (۱۳ سؤال) ۰ تا ۶۵ و خرده مقیاس ابراز محبت (۴ سؤال) ۰ تا ۱۲. نمرات بالاتر سازگاری زناشویی بیشتر را منعکس می‌سازند. نمره کل مقیاس با آلفای کرونباخ ۰/۹۶ از همسانی درونی قابل توجهی برخوردار است. همسانی درونی خرده مقیاس‌ها بین ۰/۷۳ تا ۰/۹۴ گزارش شده است (عباسزاده، ۱۳۹۲). همسانی درونی نمره کل این مقیاس در ایران با آزمون آلفای کرونباخ ۰/۹۲ گزارش شده است (باقریان، ۱۳۸۸).

جدول (۱) مختصری از پروتکل اجرا شده آموزش خود متمایزسازی

جلسه	محتوای جلسات
اول	آشنایی، ارتباط با اعضای گروه، پذیرش زوجین و خوش‌آمدگویی؛ بررسی دیدگاه هر یک از زوجین برای ادامه جلسات ارزیابی وضعیت و شدت تعارض و خشم، اجرای پیش‌آزمون تست تعارض زناشویی، خشم و رضایت زندگی، شرح مختصری درباره خود متمایزسازی
دوم	مرور تکالیف، آگاه کردن زوجین بر میزان هم‌جوشی (وحدت) یا تفکیک خود (تفرد) با خانواده گسترده و همسر خود، توضیح هم‌جوشی (وحدت)، توضیح تفکیک خود.

1. Dyadic Adjustment Scale.

2. Graham B. Spanier.

3. Satisfaction.

4. Cohesion.

5. Consensus.

6. Affectional expression.

7. Gambrill & richey.

سوم	بررسی تکلیف جلسه قبل، آگاه کردن خانواده از مثلث سازی ها، توضیح مثلث سازی
چهارم	بررسی تکلیف جلسه قبل، آموزش نامثلث سازی
پنجم	بررسی تکلیف جلسه قبل، آموزش شجره نگار به زوجین و آگاهی از چگونگی پیدایش مشکل فعلی، رسم شجره نگار خانوادگی
ششم	بررسی تکلیف جلسه قبل، آموزش بازگشت به خانه، به زوجین
هفتم	مرور مباحث جلسه گذشته و تکلیف، توضیح فرافکنی خانوادگی، بررسی فرافکنی خانوادگی در روابط زوجین
هشتم	مرور مباحث جلسه گذشته و تکلیف، توضیح بریدگی عاطفی به زوجین
نهم	مرور تکلیف جلسه گذشته، بررسی انتقال چند نسلی در زوجین، آموزش مفهوم انتقال چند نسلی به زوجین
دهم	مرور تکلیف جلسه گذشته؛ آموزش روابط شخص با شخص به زوجین
یازدهم	بررسی تکلیف جلسه قبلی، بررسی ترتیب تولد و جایگاه کارکردی فرد در خانواده اصلی و تأثیر آن بر روابط فعلی زوجین.
دوازدهم	جمع بندی از تمامی جلسات، بحث در مورد افکار و احساسات هر یک از اعضا در مورد دوره، اعلام پایان دوره، اجرای پس آزمون

جدول (۲) مختصری از پروتکل اجرا شده واقعیت درمانی

جلسه	محتوای جلسات
اول	آشنایی با گروه و رهبر گروه، معرفی برنامه آموزشی، قواعد گروه و تنظیم اهداف
دوم	معرفی چرایی و چگونگی صدور رفتار از سوی ما، معرفی پنج نیاز اساسی به گروه و کمک به اعضا برای شناخت نیم رخ قدرت نیازهای خود، دادن تکلیف
سوم	مرور تکالیف جلسه قبل، آموزش تئوری انتخاب، دادن تکلیف

چهارم	مرور تکالیف جلسه قبل، معرفی رفتار کلی با چهار مؤلفه رفتار کلی (فکر، عمل، احساس و فیزیولوژی)، دادن تکلیف خانگی و نظر سنجی از دوره
پنجم	مرور تکالیف جلسه قبل، آموزش هفت رفتار تخریب‌گر روابط انسانی (انتقاد، غرغر، شکایت و ...) تشخیص الگوی استفاده از عوامل در تعاملات اصلی زندگی، معرفی هفت رفتار سازنده رفتار (گوش دادن، تشویق و ...) معرفی شد. برای مراعات هفت رفتار تخریب‌گر و سازنده رفتار، تکلیف خانگی داده شد.
ششم	مرور تکالیف جلسه قبل، کنترل درونی با آموزش اصول ده‌گانه تئوری انتخاب، معرفی و پیرامون آن بحث شد، دادن تکالیف خانگی.
هفتم	مرور تکالیف جلسه قبل، آموزش نقشه تغییر و برنامه سفر طبق ماشین رفتار و خودارزیابی
هشتم	پس‌آزمون و نظر سنجی کلی از دوره

یافته‌های پژوهش

میانگین سنی برای گروه خودمتمایزسازی ۳۰/۶۷، گروه واقعیت درمانی ۳۱/۳۳، گروه کنترل ۲۹/۴۷ و برای کل شرکت‌کنندگان ۳۰/۴۹ بود. از نظر تحصیلات، ۱۷/۸ درصد از شرکت‌کنندگان دارای تحصیلات دیپلم، ۲۶/۷ درصد فوق دیپلم، ۲۸/۹ درصد لیسانس، ۲۰ درصد فوق لیسانس و ۶/۷ درصد نیز دارای تحصیلات دکتری بودند. از نظر مدت زمان ازدواج، ۵۳/۳ درصد از شرکت‌کنندگان دارای مدت زمان ازدواج ۱ تا ۳ سال، و همچنین ۴۶/۷ درصد نیز دارای مدت زمان ۴ و ۵ سال بودند.

جدول (۳) نتایج تحلیل واریانس چند متغیری برای تأثیر آموزش خودمتمایزسازی و واقعیت درمانی بر

نام آزمون	ارزش	F	معناداری	مشرپ انا	تولن آزمون
اثر پیلاهی	۰/۸۴۲	۱۰۸/۹۱	۰/۰۰۰۱	۰/۸۴۲	۱
لامبدای ویلکز	۰/۸۵۸	۱۰۸/۹۱	۰/۰۰۰۱	۰/۸۴۲	۱
اثر پیلاهی	۰/۷۱۴	۱۱/۶۵	۰/۰۰۰۱	۰/۲۵۷	۱
لامبدای ویلکز	۰/۷۸۷	۱۷/۷۷	۰/۰۰۰۱	۰/۴۶۴	۱

چنانکه در جدول (۳) ملاحظه می‌گردد سطح معناداری آزمون چند متغیری اثر پیلاهی،

حاکمی از این است که با توجه به اثر زمان حداقل از نظر یکی از مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری متغیر صمیمیت زنان و همچنین، با توجه به اثر تعاملی گروه و زمان حداقل از نظر یکی از مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری متغیر صمیمیت زنان در گروه‌های آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد و نشانگر آن است که ۸۴ درصد از تفاوت مشاهده شده در میانگین مراحل زمانی صمیمیت زنان و همچنین ۳۵ درصد از تفاوت مشاهده شده در میانگین مراحل زمانی صمیمیت گروه‌های آزمایش و کنترل مربوط به تأثیر آموزش خودمتمایز سازی و واقعیت درمانی است. به عبارتی، آموزش خودمتمایز سازی و واقعیت درمانی بر صمیمیت زنان گروه‌های آزمایش نسبت به گروه کنترل در مراحل پس‌آزمون و پیگیری مؤثر بوده است. توان آماری ۱ نیز بیانگر کفایت حجم نمونه و دقت آماری برای این نتیجه‌گیری است. جدول (۴) نتایج تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر برای صمیمیت دو گروه خودمتمایز سازی و واقعیت

منبع	مجموع مجدولیت	درجه آزادی	میانگین مجدولیت	F	معنی داری	اندازه اثر	توان آزمون
زمان	۵۵۸۲۵/۹۱	۱/۲۹	۴۲۹۷۲/۹۶	۱۷۲/۹۲	۰/۰۰۰۱	۰/۸۰۵	۱
خطا	۱۳۵۰۶/۱۲	۵۴/۵۲	۲۴۷/۴۹				
گروه	۵۷۶۴۴/۹۲	۲	۲۸۵۷۲/۴۷	۲/۸۱	۰/۸۲۲	۰/۰۹۱	۰/۸۱۰
خطا	۵۹۲۲۰۰/۸۳	۴۲	۱۴۵۱۶/۶۷				
گروه*زمان	۲۹۰۴۲/۶۷	۲/۵۹	۱۱۱۷۶/۳۹	۴۵/۸۶	۰/۰۰۰۱	۰/۶۸۳	۱

با توجه به نتایج جدول (۴) اثر زمان اندازه‌گیری (پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری) زنان جوان معنی‌دار است ($F=172/92, P=0/0001, \eta^2=0/805$). بنابراین، می‌توان بیان کرد که صرف‌نظر از گروه بین میانگین نمرات صمیمیت زنان در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در ادامه، با توجه به نتایج جدول (۸) اثر گروه بر نمرات صمیمیت زنان معنی‌دار نبود ($F=2/81, P=0/822, \eta^2=0/091$). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بین میانگین نمرات صمیمیت زنان گروه‌های آزمایش و کنترل بدون در نظر گرفتن مراحل زمانی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. همچنین، اثر تعامل بین گروه و زمان معنی‌دار است ($F=45/86, P=0/0001, \eta^2=0/683$). بنابراین، می‌توان بیان نمود که تفاوت میانگین نمرات صمیمیت زنان در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری با توجه به سطوح متغیر گروه متفاوت است. بنابراین، با توجه به اینکه اثر تعاملی بین گروه

و عامل درون‌گروهی زمان اندازه‌گیری معنادار بود اثر بین‌گروهی با توجه به سطوح عامل درون‌گروهی در متغیر صمیمیت با استفاده از آزمون مقایسه زوجی LSD مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول (۵) نتایج آزمون تعقیبی LSD برای میانگین پس‌آزمون

معیار	گروه (بین‌گروهی)	پس‌آزمون		پیگیری
		اختلاف میانگین	معنی داری	اختلاف میانگین معنی داری
صمیمیت	خودمتمایزسازی-واقعیت درمانی	-۴/۴۷	۰/۸۵۷	-۴/۱۳
	خودمتمایزسازی-کنترل	۶/۶۲	۰/۰۱۶	۶۴/۳۱*
	واقعیت درمانی-کنترل	۶۶/۰*	۰/۰۱۰	۶۸/۸۰*

با توجه به نتایج جدول (۵) بین گروه‌های آموزش خودمتمایزسازی و واقعیت‌درمانی با گروه کنترل در مراحل پس‌آزمون و پیگیری صمیمیت زنان تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($p < ۰/۰۵$)، و این امر حاکی از این است که مداخلات آموزش خودمتمایزسازی و واقعیت‌درمانی تأثیر معنی‌داری بر افزایش صمیمیت زنان گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل دارند. اما بین دو گروه خودمتمایزسازی و واقعیت‌درمانی در مراحل پس‌آزمون و پیگیری صمیمیت زنان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($p > ۰/۰۵$) و این امر، حاکی از آن است که مداخلات آموزش خودمتمایزسازی و واقعیت‌درمانی تأثیر یکسانی بر افزایش صمیمیت زنان جوان دارند.

جدول (۶) نتایج تحلیل واریانس چند متغیری برای تأثیر آموزش خودمتمایزسازی

و واقعیت‌درمانی بر سازگاری زنان متأهل

نام آزمون	ارزش	F	معناداری	ضریب اتا	تولن آزمون
اثر پیلایی	۰/۶۵۳	۲۸/۶۵	۰/۰۰۰۱	۰/۶۵۳	۱
لامبنای ویلکز	۰/۲۴۷	۲۸/۶۵	۰/۰۰۰۱	۰/۶۵۳	۱
اثر پیلایی	۰/۴۱۶	۵/۵۱	۰/۰۰۱	۰/۲۰۸	۰/۹۲۰
لامبنای ویلکز	۰/۵۸۵	۶/۴۰	۰/۰۰۰۱	۰/۲۳۵	۰/۹۸۶

چنانکه در جدول (۶) ملاحظه می‌گردد سطح معناداری آزمون چند متغیری اثر پیلایی، حاکی از آن است که با توجه به اثر زمان حداقل از نظر یکی از مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون

و پیگیری متغیر سازگاری زنان و همچنین، با توجه به اثر تعاملی گروه و زمان حداقل از نظر یکی از مراحل پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری متغیر سازگاری زنان در گروه های آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد و نشانگر آن است که ۶۵ درصد از تفاوت مشاهده شده در میانگین مراحل زمانی سازگاری زنان و همچنین ۲۱ درصد از تفاوت مشاهده شده در میانگین مراحل زمانی سازگاری گروه های آزمایش و کنترل مربوط به تأثیر آموزش خود متمایز سازی و واقعیت درمانی است. به عبارتی، آموزش خود متمایز سازی و واقعیت درمانی بر سازگاری زنان گروه های آزمایش نسبت به گروه کنترل در مراحل پس آزمون و پیگیری مؤثر بودند. توان آماری ۰/۹۷ نیز بیانگر کفایت حجم نمونه و دقت آماری قابل قبول برای این نتیجه گیری است.

جدول (۷) نتایج تحلیل واریانس اندازه گیری مکرر برای سازگاری دو گروه خود متمایز سازی

منبع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	معنی داری	اندازه اثر	توان آزمون
زمان	۶۸۱۳/۵۲	۷۱۷	۵۴۵۹/۰۶	۶۲/۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۶۱۵	۱
گروه	۴۰۲۰/۸۲	۴۹/۲۴	۸۷۴۲	۱/۶۹	۰/۰۱۵	۰/۸۸۲	۰/۷۵۷
گروه* زمان	۲۶۶۶۲/۲۰	۴۷	۵۶۵۰/۶۸	۱۳۲/۸۱	۰/۰۰۰۱	۰/۴۹۲	۰/۸۹۹

با توجه به نتایج جدول (۷) اثر زمان اندازه گیری (پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری) در سازگاری زنان معنی دار است ($F=۶۲/۰۰, P=۰/۰۰۰۱, \eta^2=۰/۶۱۵$). بنابراین، می توان بیان کرد که صرف نظر از گروه بین میانگین نمرات سازگاری زنان در مراحل پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری تفاوت معنی داری وجود دارد. در ادامه، با توجه به نتایج جدول (۱۱) اثر گروه بر نمرات سازگاری زنان معنی دار است ($F=۱/۶۹, P=۰/۰۱۵, \eta^2=۰/۸۸۲$). بنابراین، می توان نتیجه گرفت که بین میانگین نمرات سازگاری زنان گروه های آزمایش و کنترل بدون در نظر گرفتن مراحل زمانی تفاوت معنی داری وجود دارد. همچنین، اثر تعامل بین گروه و زمان معنی دار است ($F=۱۳۲/۸۱, P=۰/۰۰۰۱, \eta^2=۰/۴۹۲$). بنابراین می توان بیان نمود که تفاوت میانگین نمرات سازگاری زنان در مراحل پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری با توجه به سطوح متغیر گروه متفاوت است. بنابراین، با توجه به اینکه اثر تعاملی بین گروه

و عامل درون گروهی زمان اندازه‌گیری معنادار بود اثر بین گروهی با توجه به سطوح عامل درون گروهی در متغیر سازگاری با استفاده از آزمون مقایسه زوجی LSD مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول (۸) ارائه شده است.

جدول (۸) نتایج آزمون تعقیبی LSD برای میانگین پس‌آزمون و پیگیری سازگاری زنان متأهل در سه گروه

متغیر	گروه (بین گروهی)	پس‌آزمون		پیگیری	
		اختلاف میانگین	معنی داری	اختلاف میانگین	معنی داری
سازگاری	خودمتمایزسازی-واقعیت درمانی	۵/۴۰	۰/۲۴۶	۵/۷۳	۰/۲۸۶
	خودمتمایزسازی-کنترل	۲۲/۶۳*	۰/۰۰۰۱	۲۲/۸۰*	۰/۰۰۰۱
	واقعیت درمانی-کنترل	۱۷/۶۲*	۰/۰۰۳	۱۷/۰۸*	۰/۰۰۳

با توجه به نتایج جدول (۸) بین گروه‌های آموزش خودمتمایزسازی و واقعیت درمانی با گروه کنترل در مراحل پس‌آزمون و پیگیری سازگاری زنان تفاوت معنی داری وجود دارد ($p < ۰/۰۵$)، و این امر، حاکی از آن است که مداخلات آموزش خودمتمایزسازی و واقعیت درمانی تأثیر معنی داری بر افزایش سازگاری زنان گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل دارند. اما بین دو گروه خودمتمایزسازی و واقعیت درمانی در مراحل پس‌آزمون و پیگیری سازگاری زنان تفاوت معنی داری وجود ندارد ($p > ۰/۰۵$) و این امر، حاکی از آن است که مداخلات آموزش خودمتمایزسازی و واقعیت درمانی تأثیر یکسانی بر افزایش سازگاری زنان متأهل دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسه تأثیر آموزش خودمتمایزسازی و واقعیت درمانی بر صمیمیت و سازگاری زنان متأهل مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره هستی تبرز انجام شد. نتایج نشان داد خودمتمایزسازی و واقعیت درمانی بر صمیمیت و سازگاری زنان متأهل مؤثر است و همچنین بعد از سه ماه از گروه‌ها پیگیری به عمل آمد و نتایج نشان داد که اثربخشی خودمتمایزسازی و واقعیت درمانی بر صمیمیت و سازگاری ماندگار بوده است؛ اما بر اساس نتایج، بین اثربخشی خودمتمایزسازی و واقعیت درمانی بر صمیمیت و سازگاری زنان متأهل تفاوت معنی داری وجود ندارد.

در تبیین نتیجه پژوهش، یعنی اثربخشی خودمتمایزسازی بر صمیمیت و سازگاری

زنان جوان، بررسی‌ها نشان داد، یافته‌های بدست آمده، با نتایج پژوهش هارجی (۲۰۰۵)، ادواردز^۱ (۲۰۱۶)، پاپکو^۲ (۲۰۰۲)، باباخانی، کریمی و نوابی نژاد (۱۳۹۴)، هیل^۳ (۲۰۱۳)، پیرساقی، حاجی حسنی و نادعلی پور (۱۳۹۳) و خرمی نژاد و تبریزی (۲۰۱۳) همسو می‌باشد.

باباخانی، کریمی و نوابی نژاد (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی اثربخشی آموزش خودتمایزسازی بر صمیمیت و سازگاری زوجین پرداختند. آموزش خودتمایزسازی را برای گروه آزمایش طی ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای ارائه کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که آموزش خودتمایزسازی در هر یک از زمینه‌های صمیمیت زناشویی شامل: هیجانی، عقلانی، جنسی، جسمی، ارتباطی، اجتماعی-تفریحی، روانشناختی و معنوی موجب افزایش صمیمیت می‌شود. همچنین در سازگاری زوجین در سه مؤلفه از چهار مؤلفه شامل: رضایت دو نفری، همبستگی دو نفری، توافق دونفری و ابراز محبت مؤثر بوده است.

بنابراین افرادی که از تمایزیافتگی بالایی برخوردارند، می‌توانند روابط صمیمانه و عمیقی با دیگران و از جمله همسرشان برقرار کنند. زندگی این افراد توسط خودشان اداره می‌شود؛ نه توسط اشخاص دیگر. افراد با سطح تمایز بالا در ازدواج، دارای پختگی هیجانی هستند، انعطاف‌پذیرند، قادر به برقراری و ادامه روابط صمیمانه با یکدیگرند و می‌توانند از آن لذت ببرند و مجموعه این عوامل باعث می‌شود که آنها در زندگی مشترک رضایت داشته باشند و نتایج این پژوهش نیز نشان داد که با آموزش تمایزیافتگی میزان صمیمیت زنان متأهل نیز افزایش پیدا کرد.

کریم نژاد (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان اثربخشی آموزش خودتمایزسازی بر سازگاری زناشویی و بهزیستی روانشناختی زنان دارای همسر معتاد نشان داد که آموزش خودتمایزسازی، سازگاری زناشویی و بهزیستی روان شناختی و تمامی ابعاد بهزیستی روان شناختی به غیر از تسلط بر محیط، را در گروه آزمایش افزایش داده است.

بوئن^۴ تعارضات و مشکلات زناشویی را ناشی از ضعف افراد در تمایزیافتگی خود می‌داند و معتقد بود که سازگاری زناشویی افراد در گرو این است که افراد سطحی از خود تمایز سازی را در خود پرورش دهند. بنابراین، می‌توان انتظار داشت با افزایش تمایزیافتگی

1. Edwards.

2. Popko.

3. Hill.

4. Bowen.

افراد، سازگاری زناشویی نیز افزایش پیدا کند که پژوهش حاضر نیز مؤید این موضوع است و یافته‌های پژوهش با نظریه بوئن هماهنگ است. همچنین یافته‌های این پژوهش با پژوهش اسکورون^۱ (۲۰۰۰) که مؤید ارتباط مثبت سطح تفکیک خود و کیفیت روابط زناشویی بود همسواست، وی به این نتیجه رسید که تمایز بالا، کیفیت روابط زناشویی خوب و سازگاری را پیش بینی می‌کند. نجف لویی (۲۰۰۶) نیز در پژوهش خود نشان داد که تمایز یافتگی بر کیفیت زندگی زناشویی مؤثر است.

در تبیین نتیجه پژوهش، یعنی اثربخشی واقعیت‌درمانی بر صمیمیت و سازگاری زنان جوان، بررسی‌ها نشان داد که یافته‌های بدست‌آمده با نتایج قریشی و بهبودی (۱۳۹۶)، امانی (۱۳۹۴)، سلیمان‌نژاد (۱۳۹۱)، آقاییوسفی، فتحی آشتیانی، علی اکبری و ایمانی فر (۱۳۹۵)، خالقی عباس‌آبادی (۱۳۸۸)، آقایی (۱۳۸۸)، شریعت‌زاده، تبریزی و احقر (۱۳۹۲)، مشیریان فراچی، آقا محمدیان شعرفاف، سپهری شاملو (۱۳۹۶)، عرب پور و هاشمیان (۱۳۹۱)، فارنودیان (۲۰۱۶)، شفیع‌آبادی و فرزاد (۲۰۱۵)، کروز^۲ (۲۰۰۷)، بارگاو^۳ (۲۰۱۳)، غلامعلی حاکاک (۲۰۱۳)، شارف^۴ (۲۰۱۲)، کیم^۵ (۲۰۰۸)، نژاد سلیمانی (۱۳۹۱)، برزگر کهنمویی (۱۳۹۰)، احمد نیا (۱۳۹۳)، حبیبی، علی محمدزاده حجتی (۱۳۹۶) همسو می‌باشد.

در تبیین یافته پژوهش یعنی تأثیر زوج‌درمانی گلاسز بر اثربخشی واقعیت‌درمانی بر صمیمیت و سازگاری زنان متأهل می‌توان به این مسأله اشاره کرد که مطابق با دیدگاه گلاسز، تخریب ازدواج حاصل یک روانشناسی کنترل در روابط زناشویی است. وقتی این نوع روانشناسی بر روابط زن و مرد یا بر یک ازدواج حاکم شد، بهترین چیزی که شانس بهبودی و پیشرفت زندگی زناشویی را برای آنها فراهم می‌کند، بکارگیری روانشناسی کنترل درونی، ارضای نیازها بر اساس نظریه انتخاب و پذیرش مسئولیت در ازدواج است. نلسون^۶ (۲۰۰۱) به نقل از بخارایی، (۱۳۸۵) بیان می‌کند که واقعیت‌درمانی در تلاش است که به افراد کمک کند به جای روانشناسی کنترل بیرونی، نظریه انتخاب یا روانشناسی کنترل درونی را برگزینند.

1. Skowron.

2. Cruz.

3. Bargava.

4. Charf.

5. Kim.

6. Nelson.

در نظریه انتخاب، اعتقاد بر این است که تنها خود فرد می‌تواند کاری برای خودش انجام دهد (جونز و پریش^۱، به نقل از گلاس، ۲۰۱۲، ترجمه صاحبی، ۱۳۹۲). انسان‌ها می‌توانند با انتخاب کردن راه‌های مؤثر و مناسب برای نیل به تفریح، قدرت، آزادی، عشق و تعلق، موقعیت بهتری خلق کنند (اسوینی و ون‌هاگن، ۲۰۱۵). در واقع، در این شیوه مواجه شدن با واقعیت، قبول مسئولیت، شناخت نیازهای اساسی، قضاوت اخلاقی درباره درست بودن و یا نادرست بودن رفتار، تمرکز بر اینجا و اکنون، کنترل درونی و در نتیجه نیل به هویت توفیق مورد تأکید است. با توجه به موارد ذکر شده در این پژوهش به زنان آموزش داده شد که رفتار هر کسی از درون او به وسیله خود او انتخاب می‌شود و تنها کسی که بر رفتار او کنترل دارد خودش است. نظریه انتخاب گلاس به زوجین می‌آموزد برای داشتن یک ازدواج موفق و زندگی زناشویی شاد باید دقت کنند، ببینند چه می‌توانند انجام دهند تا ارتباطشان را بهبود بخشند و ازدواجشان را غنی سازند. به نظر گلاس، انسان تمام اعمال و افکار خود را به شکل غیر مستقیم و تقریباً تمام احساسات خود را انتخاب می‌کند و در واقع، بر زندگی خود کنترل دارد. واقعیت درمانی، یک نظام کنترل درونی است و چرایی و چگونگی انتخاب گزینه‌هایی که جهت زندگی ما را تعیین می‌کنند را تشریح می‌کند (زنگنه ابراهیمی، ۱۳۹۵). مطابق با دیدگاه گلاس، زوجین بر اساس روانشناسی کنترل بیرونی تصور می‌کنند که علت تمام مشکلات زندگی زناشویی آنها ریشه در امور خارج از وجود آنها دارد. بنابراین، آنها فکر می‌کنند که برای از بین بردن مشکلات، راهی جز کنترل دیگران ندارند. بنابراین، در پژوهش حاضر، افراد آموختند که تمرکز را از روی همسر خود بردارند و بر رفتار خود تمرکز کنند. از سوی دیگر، یکی از ویژگی‌های اصلی زوجین، مسئولیت‌پذیری است که این ویژگی از مفاهیم اساسی نظریه واقعیت درمانی به شمار می‌رود. تأکیدی که گلاس بر پذیرش مسئولیت رفتار هر فرد دارد به زوجین کمک می‌کند تا به جای پرداختن به رفتار همسر، رفتار خود را مورد بررسی قرار داده و به بررسی نقش خود در مشکلات زناشویی بپردازند. گروه آزمایش در این پژوهش، آموختند که مسئولیت‌پذیری چقدر می‌تواند در ایجاد سازگاری و حل مشکلاتشان مؤثر باشد. لذا با بررسی اهداف مورد تأکید واقعیت درمانی (مواجهه با واقعیت، قبول مسئولیت، شناخت نیازهای اساسی، تمرکز بر اینجا و اکنون، کنترل درونی، نیل به هویت) و از آنجایی که این اهداف با صمیمیت و سازگاری ارتباط دارند. بنابراین، می‌توان اثربخشی واقعیت درمانی بر

صمیمیت و سازگاری را درک کرد. همچنین آموزه‌های اسلامی و مفاهیم آیات قرآنی همانند واقعیت‌درمانی بر بازسازی روابط زوجین، رشد آگاهی و ایجاد هدفمندی در زندگی تأکید می‌کند و آیات قرآنی نیز فرد را به تفکر و اندیشیدن فرا می‌خواند. بنابراین، تأثیر مهمی که قرآن خواندن و توجه به آموزه‌های اسلامی در ایجاد آرامش و جست‌وجوی معنایی و هدف در زندگی زوجین دارد، نه تنها همانند تأثیر واقعیت‌درمانی است بلکه به روشن شدن ژرفای هدف و فلسفه زندگی زوجین کمک می‌کند (حاتمی، بخشنده و قنبریان، ۱۴۰۰، ص ۱۰۹).

در مجموع می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که آموزش خود متمایزسازی و واقعیت‌درمانی احتمالاً می‌تواند با افزایش صمیمیت و سازگاری باعث کاهش مشکلات زناشویی زنان متأهل شوند. این امر اهمیت این رویکردها را در برنامه‌ریزی درمانی و مداخلات بالینی به منظور کاهش مشکلات زناشویی ضرورت می‌بخشد. با توجه به روش نمونه‌گیری این پژوهش که از نوع نمونه‌گیری در دسترس می‌باشد، آزمودنی‌ها از شانس برابر برای انتخاب شدن برخوردار نبوده‌اند و محدودیت‌هایی در حوزه تعمیم نتایج و اعتبار بیرونی تحقیق وجود دارد.

فهرست منابع

- اعتمادی، عذرا (۱۳۸۴)، بررسی و مقایسه اثربخشی رویکرد روانی-آموزشی مبتنی بر شناختی-رفتاری و ارتباط درمانی بر صمیمیت زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره در شهر اصفهان، پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- امیری، مرضیه، آقا محمدیان شعریاف، حمید رضا، کیمیایی، سید علی (۱۳۹۱)، «اثر بخشی رویکرد واقعیت‌درمانی گروهی بر منبع کنترل و راهبردهای مقابله‌ای»، *مجله اندیشه و رفتار-روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۶ (۲۴)، ۵۹-۶۸.
- باباخانی، وحیده؛ کریمی، ناهید و نوابی نژاد، شکوه (۱۳۹۴)، «اثربخشی آموزش خودمتمایزسازی بر صمیمیت و سازگاری زوجین»، *اولین کنگره ملی روانشناسی خانواده گامی در ترسیم الگوی مطلوب خانواده*.
- باقریان، مهرنوش (۱۳۸۸)، بررسی اثر بخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی زناشویی مبتنی بر آموزه‌های اسلام بر سازگاری زناشویی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- بخارایی، مخصوص (۱۳۸۵)، تأثیر مشاوره گروهی با رویکرد واقعیت‌درمانی بر کاهش تعارضات

- زناشویی زنان خانه دار منطقه ۵ تهران**، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه الزهرا تهران.
- برنشتاین، فیلیپ. اچ.، و برنشتاین، ماری. تی (۱۹۸۶)، **زناشویی درمانی (شناخت و درمان اختلاف های زناشویی)**، ترجمه: حمیدرضا سهرابی، ۱۳۸۲. تهران: رسا.
 - تقوایی، داود و پروین فتاحی بیات و حسین داودی و ذبیح پیرانی، «کارآمدی خانواده درمانی شناختی - رفتاری مبتنی بر رویکرد اسلامی بر صمیمیت زناشویی و بخشایشگری بین فردی زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره»، **پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده**، س ۸، ش ۱، ۱۳۹۹، ص ۱۸۷-۲۰۴.
 - پیر ساقی، فهیمه؛ نظری، علی محمد؛ حاجی حسنی، مهرداد؛ ناد علی پور، حسن (۱۳۹۳)، «اثر بخشی درمان خود متمایز سازی بر میزان ابراز وجود دانشجویان دختر، دانشگاه علامه طباطبائی تهران»، **فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی**، ۴ (۱۶)، ۱۶-۳۴.
 - حاتمی، وحید؛ بخشنده، عباس؛ قنبریان، علی (۱۴۰۰)، «سبک ارتباطی مبتنی بر حضور خدا در زوج درمانی اسلامی»، **معرفت**، س ۳۰، ش ۲۸۹، ص ۹۳-۱۰۳.
 - حسینیان، سیمین؛ خمسه، اکرم (۱۳۸۷)، «بررسی تفاوت های جنسیتی بین ابعاد مختلف صمیمیت در دانشجویان متأهل»، **مجله مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان (مطالعات زنان)**، ۱ (۶)، ۵۲-۳۵.
 - خانجانی وشکی، سحر؛ شفیع آبادی، عبدالله؛ فرزاد؛ ولی الله و فاتحی زاده، مریم (۱۳۹۵)، «مقایسه اثربخشی شناختی- رفتاری و زوج درمانی مبتنی بر پذیرش و تعهد بر صمیمیت زناشویی زوجین متعارض شهر اصفهان»، **دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی**، ۱۷ (۴)، ۳۱-۴۰.
 - دریایی، مریم (۱۳۸۶)، **اثر بخشی آموزش مفاهیم نظریه انتخاب و فنون واقعیت درمانی بر افزایش صمیمیت زوجین ناسازگار مراجعه کننده به مراکز مشاوره**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
 - رحیمی، جعفر؛ حقیقی، جمال؛ مهربابی زاده، مهناز، و بشلیده، کیومرث (۱۳۸۵)، «بررسی آموزش جرأت ورزی بر مهارت های اجتماعی، اضطراب اجتماعی و ابراز وجود در دانش آموزان پسر سال اول مقطع متوسطه»، **مجله علوم تربیتی و روان شناسی**، ۳ (۳)، ۱۱۱-۱۲۴.
 - زنگنه ابراهیمی، مهین (۱۳۹۵)، **اثربخشی واقعیت درمانی گروهی بر بهبود احساس انسجام روانی و تمایز یافتگی خود در زنان**، پایان نامه جهت دریافت مدرک کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
 - صاحب دل، حسین، خوش کنش، ایولقاسم، پور ابراهیم، تقی (۱۳۹۰)، «بررسی تأثیر واقعیت درمانی گروهی بر سلامت روانی سالمندان مقیم آسایشگاه شهید هاشمی نژاد کهریزک»، **نشریه علمی پژوهشی سالمند**، ۷ (۲۴)، ۱۶-۲۴.

- قربانعلی پور، مسعود، نسیمی، منیره، علیرضالو، زهرا، نجفی، محمود (۱۳۹۳)، «اثربخشی واقعیت درمانی بر شادکامی و امیدواری در زنان مطلقه»، *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده دانشگاه کردستان*، ۴(۲)، ۳۱۷-۲۹۷.
- کریم نژاد، شهرزاد (۱۳۹۴)، *اثربخشی آموزش خودمتمایزسازی بر سازگاری زناشویی و بهزیستی روانشناختی زنان دارای همسر معتاد*، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره توانبخشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- گلاسر، ویلیام (۲۰۱۲)، *چارت تئوری انتخاب*، ترجمه: صاحبی، علی (۱۳۹۲)، چاپ اول، تهران: انتشارات سایه سخن.
- Bagarozzi, D. A. (2013). *Enhancing intimacy in marriage: A Clinicians Guide*. New York: Brunner-Rutledge.
- Bagarozzi, D. (2001). *Enhancing intimacy in marriage: A clinicians handbook*. Philadelphia: Brunner/Rutledge.
- Bar-On, R., & Parker, J.D. A. (2006). *Handbook of emotional intelligence*. San Francisco: Jossey-Boss.
- Bayrami M, Fahimi S, Akbari E, Amiripichakolaei A. Predicting marital satisfaction on the basis of attachment styles and differentiation components. *J Fundament Health*. 2012; 14(1): 64-77.
- Blum, T. W., (2006). *Becoming a family counselor: A bridge to family therapy theory and practice*. Hoboken, NJ. USA: Wiley.
- Chen, Z., Tanaka, N., Uji, M., Hiramura, H., & Shikai, N. (2007). The role of personalities in marital adjustment of Japanese couples. *Journal of Social Behavioral and personality*, 35:561-572.
- Constant, E., Vallet, F., Nandarino, J. L. & Christopher, V. (2016). Personal assessment of intimacy in relationship: Validity and measurement invariance across gender. *Revue Europeenne de Psychology Appliquee/European Review of Applied psychology*, 66(3), 109-116.
- Esmaili Far, N. S., Sheikhi, H., & Pour, Z. J. (2013). Effectiveness of group reality therapy in increasing the students' happiness. *International Journal of*

Psychology and Behavioral Research, 2(2), 65-70.

- Gaal, F. (2005). The role of differentiation of self anxiety in predicting marital adjustment following the death of an adult, married-child biologicalparent. Unpublished doctoral Dissertation, Los An-gels, CA: Seton Hall University.
- Karami J , Zakiei A , Alikhani M, Nourouzi A. Explanation of self differentiation in accordance with attachment styles and alexithymia. J Behav ,Sci. 2014; 8(2): 139-47.
- Lam, C., & Chan-So, p . C. Y. (2015).validation of the Chinese version of Differentiation of Self inventory. Journal of marital and Family Therapy, 41(1),81-101.
- Lankveld, J., V., Jacobs, N., Thewissen, V., Dewitte, M., & Verboon, P. (2018). The associations of intimacy and sexuality in daily life: Temporal dynamic and gender effects within romantic relationships. Journal and personal relationships, 35(4), 557-576.
- Latifses, V., Estroff, D, B., Field, T., BushJ,P., (2005). Fathers massaging and relaxing their pregnan wives lowered anxiety and facilitate marital adjustment, Journal of Bodywork and Movement Therapies, 9 , 277-282.
- Madathil, J., & Benshoff, J. M. (2008). Importance of marital characteristics and marital satisfaction: A comparison of Asia Indians in arranged marriages and Americans in marriages of choice. Family Journal, 16, 222-230.
- Meteyard, J. D., Andersen, K.L., & Marx, E. (2011). Exploring the Relationship between Differentiation of self and Religious Questing in students from Two Faith – based Colleges. Pastoral Psychol. DOI 10.1007/s11089-011- 0401-4.
- Najaf Loyi F. Affecting their distinction in marital relations, modern educational ideas. 2006; 2 (3-4): 37-27.
- Nelson,J. A. M.,Ane.P.&Serres.,S. A. (2011).Religious and Spiritual Values

and Moral Commitment in Marriage: Untapped Resources in Couples?. *Counseling and Values*, 55(2), 228-246.

- Pal, R. (2017). Marital adjustment among working and non-working married women. *International Journal of Home Science*. 3(1), 384-386.
- Patrick SH, Jansen S. Intimcy, Differentiation and Personality variables as predictors of marital satisfaction. *Family journal* 2007, 42:35-68.
- Skowron, Elizabeth A (2000). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of Counseling Psychology*. 47(2): 229.
- Spanier GB, Cole CL. Toward clarification and investigation of marital adjustment. *Int J Sociol Fam*. 1976; 121-146.
- Sweeney, S. M., & Von Hagen, L. A. (2015). Middle school students' perceptions of safety: A mixed-methods study. . *Journal Sch Health*, 85, 688-696.
- Tadayon, M., Arya, A. M., & Lotfi, H. (2013). The Efficiency of Reality Therapy Instruction upon the Rate of Life's Qualification and Marital Conflicts of Addicted Spouses.
- Yeganeh, T., & Shaikhmahmoodi, H. (2013). Role of Religious Orientation in Predicting Marital Adjustment and Psychological Well-Being. *Sociology Mind*. 3(2): 131-136.
- Yoo, H., Bartle-Haring, S., Day, R., & Gangamma, R. (2014). Couple communication emotional and sexual intimacy, and relationship satisfaction. *Journal of sex & Marital Therapy*, 40(4), 275-293.
- Zarra Nezhad, M., & Moazami Godarzi, A. (2011). Sexuality, Intimacy and Marital Satisfaction in Iranian First-Time Parent. *Journal of sex & Marital Therapy*, 37(2), 77-88.

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال دهم، شماره اول، پیاپی ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳ (ص ۹۹-۱۱۸)

نگرش به ازدواج؛ نقش قدرت من، انسجام خانواده و دینداری

Attitudes toward Marriage: The Role of Ego Strength, Family Cohesion, and Religiosity

سیماکریمی/کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه آزاد، قم، ایران.

عباس علی هراتیان/استادیار گروه خانواده پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

Sima Karimi / Master's degree in Psychology, Azad University of Qom, Iran.

sima.karimi94@gmail.com

Abbasali Heratian /Assistant Professor in Family Department of Research Institute of Hawzeh and University, Qom, Iran.

a.haratian@gmail.com

Abstract

The present research aimed to investigate the predicting role of ego strength family cohesion and religiosity for attitude towards marriage.

The research method was descriptive-correlation. The target population of this research included all male and female students study in Qom Universities in 14011402-, which were selected by the convenience sampling method. Standard questionnaires of attitude towards marriage, ego strength, family cohesion and religious orientation were used to collect data. The obtained data were analyzed by calculating mean and standard deviation, Pearson correlation and regression and using spss software version 26.

The findings showed that ego strength and religiosity predict attitudes towards

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش قدرت من، انسجام خانواده و دینداری در پیش بینی نگرش به ازدواج دانشجویان انجام شد. روش پژوهش توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر شاغل به تحصیل شهر قم در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بود که از روش نمونه گیری در دسترس استفاده گردید. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه های استاندارد نگرش نسبت به ازدواج، نیرومندی من (ایگو)، انسجام خانواده و جهت گیری مذهبی استفاده شد. داده های به دست آمده در سطح آمار توصیفی محاسبه میانگین و انحراف استاندارد و در سطح آمار استنباطی با استفاده از همبستگی پیرسون و رگرسیون، به وسیله نرم افزار spss نسخه ۲۶ تجزیه و تحلیل شد. یافته های

marriage and between My strength, family cohesion and religiosity have a positive and direct relationship with attitude towards marriage ($p < 0.01$).

Conclusion: according to the results of this research, it is suggested that universities and educational centers implement trainings in order to strengthen ego strength, the family cohesion, and the religiosity of the youth, for correcting the attitude towards marriage.

Key words: Attitude towards marriage, ego power, family cohesion, religiosity

پژوهش نشان داد قدرت من و دینداری، نگرش به ازدواج را پیش‌بینی می‌کنند و بین قدرت من، انسجام خانواده و دینداری با نگرش به ازدواج رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد ($P > 0/01$). با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش پیشنهاد می‌گردد که دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی با اجرای آموزش‌هایی در راستای تقویت قدرت من (شخصیت مؤثر، با عزت نفس و واقع‌بین)، استحکام و انسجام خانواده و دینداری جوانان، در جهت نگرش مثبت آنان به ازدواج اقدام نمایند.

واژگان کلیدی: ازدواج، قدرت من، خانواده، دینداری.

مقدمه

خانواده در سراسر تاریخ بشر، نهادی ثابت و پایدار است (استرانگ و کوهن^۱، ۲۰۱۳). پایه شکل‌گیری خانواده نیز ازدواج و پیوند میان زن و مرد است که به واسطه آن، تعهدی دائمی و منحصر به فرد بین آنها ایجاد می‌شود (مال^۲، ۲۰۱۳). از این جهت، ازدواج از مهم‌ترین مباحث در خانواده است که سمبل موفقیت اجتماعی و عامل مهم تأثیرگذار بر سلامت فردی است (رایمو و پارک^۳، ۲۰۲۰). با این حال، ازدواج در هر دوره و زمانی تحت تأثیر تحولات رفتار در خانواده است و به موازات آن هنجارها، ارزش‌ها، باورها و عقاید افراد درباره ازدواج و خانواده نیز تغییر می‌یابد و مجموعه‌ای از ارزش‌های نوین خانوادگی شکل می‌گیرد. این تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های مربوط به ازدواج را می‌توان با تئوری‌های مختلفی بحث کرد. براساس نظر اینگلهارت^۴، گرایش‌های جدید در میان نسل‌های جوان بیشتر نفوذ می‌کند. با جانشین شدن نسل‌های جوان‌تر به جای نسل‌های بزرگ‌تر، جهان‌بینی متداول در این

1. Strong & Cohen.

2. Mal.

3. Raimo and Park.

4. Inglehart.

جوامع دگرگون می‌شود و در نگرش‌ها و ارزش‌های مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده نیز تغییرات اساسی اتفاق می‌افتد (گروسی و یاری نسب، ۱۳۹۹). نگرش به ازدواج عبارت است از عقیده ذهنی و باورهای فرد در مورد ازدواج (ویلوبی^۲، ۲۰۱۰) که در مراحل اولیه زندگی شکل گرفته و شامل سازه‌ای نسبتاً ثابت است. افراد دارای نگرش مثبت نسبت به ازدواج، ازدواج فعلی یا آینده خود را شاد و موفق می‌دانند، اما افرادی که دارای نگرش منفی هستند، در این مورد انتظارات مثبت کمتری از ازدواج خود دارند. نگرش منفی نسبت به ازدواج با نگرش منفی به صمیمیت، رابطه جنسی، تعهد و میل به حفظ رابطه و تعارض بیشتر، رابطه دارد (ریگیو و ویزرف، ۲۰۰۸^۳ به نقل از ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۹). آرمینا و توریا^۴ (۲۰۲۰) در پژوهش خود بیان نمودند که تفاوت‌های بین‌نسلی در نگرش‌های ازدواج می‌تواند هم ناشی از تغییرات ایده‌ای و هم ناشی از تفاوت‌های نسلی در مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی از جمله آموزش، اشتغال، خاستگاه شهری و سطح تحصیلات باشد.

از جمله عوامل تأثیرگذار بر نگرش به ازدواج از دیدگاه روان‌پویشی، توانمندی ایگو^۵ یا من است. از نظر فروید بنیانگذار روان‌تحلیل‌گری، شخصیت انسان دارای سه ساختار شامل اید، ایگو و سوپرایگو^۶ است. من یا ایگو به دومین ساختار شخصیت در نظریه فروید اطلاق می‌گردد که در اثر نیروهای موجود در نهاد به وجود می‌آید (فوشه، نایدو، بوتای^۷، ۲۰۱۹). قدرت من یا ایگو به معنای ظرفیت فرد برای درک واقع‌بینانه شرایط مشکل‌زا و پاسخ دادن به آنها به شکل مؤثر می‌باشد. قدرت من کمک می‌کند تا به یک تعادل عاطفی رسیده و با استرس درونی و بیرونی سازگار شوید (عینی، ۱۳۹۷). قدرت من به توانایی‌هایی اشاره دارد که فرد را قادر می‌سازد با واقعیت کنار بیاید، در مدت نوباوگی از نهاد به وجود می‌آید و تنها منبع ارتباط فرد با دنیای بیرونی می‌شود، قدرت من تحت سلطه اصل واقعیت قرار دارد و می‌کوشد این اصل را جایگزین اصل لذت نهاد کند و به عنوان تنها حوزه ذهن که با دنیای بیرونی تماس دارد، شاخه تصمیم‌گیرنده شخصیت است. کسی که رشد خود نابسندگی دارد، برای سازگار

1. Attitude to marriage.

2. Willoughby.

3. Riggio & Weiserf.

4. Armina & Turia.

5. The power of the ego.

6. Super ego.

7. Fouché & Naidu & Botha.

شدن با واقعیت، فاقد آمادگی کافی است. مرحله جوانی به‌ویژه، مسائل مهم رشد هویت خود در مقابل پراکندگی خود را به بار می‌آورد. اگر بزرگسالان بخواهند به سمت صمیمیت نه انزوا گام بردارند، باید روابط نزدیک و متعهدانه با دیگران برقرار کنند (عینی و دیگران، ۱۳۹۷). پژوهش صدفی، منیرپور و میرزاحسینی (۱۳۹۹) که با هدف تبیین روابط ساختاری رابطه کیفیت روابط ابژه‌ای و ناپایداری ازدواج براساس نقش میانجی‌گر توانمندی ایگو انجام شد، یافته‌های پژوهش نشان داد همه مؤلفه‌های کیفیت روابط ابژه‌ای (بی‌کفایتی اجتماعی، خودمیان بینی، دلبستگی ناایمن و بیگانگی) به صورت مثبت و معناداری و همه مؤلفه‌های توانمندی ایگو (امید، خواسته، هدف، شایستگی، وفاداری، عشق، مراقبت و خرد) به صورت منفی با متغیر ناپایداری ازدواج همبسته بودند.

همچنین انسجام خانواده^۱ به‌عنوان عاملی است که می‌تواند با نگرش جوانان به ازدواج مرتبط باشد. انسجام یکی از ساختارهای پرنفوذ خانواده محسوب می‌شود که بُعد مهمی برای تلاش جهت درک متقابل در میان اعضای خانواده است (حسین‌خان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹). انسجام خانواده یعنی با هم بودن اعضای خانواده که احساس همبستگی، پیوند و تعهد عاطفی نسبت به یکدیگر دارند. به عقیده لینگرن^۲، انسجام خانواده (پیوند عاطفی و هیجانی بین اعضای خانواده و احساس نزدیک بودن) از طریق احساس تعلق و پذیرش در نظام خانواده ابراز می‌شود (شهشهانی و صف‌آرا، ۱۴۰۱). کاهش انسجام در خانواده و افزایش تعارضات بین فردی می‌تواند به کاهش انعطاف‌پذیری خانواده و در نتیجه ایجاد مشکلاتی در تعاملات آنان منجر شود. انسجام پایین خانواده می‌تواند به افسردگی و کاهش پذیرش اجتماعی منتهی شود و نیز پایین بودن انسجام با احساسات نداشتن تعلق همراه است (راجیش^۳ و همکاران، ۲۰۱۵). ارتباط عاطفی اعضای خانواده و پیوستگی و علاقه آنان به یکدیگر به‌ویژه بین زن و شوهر در نگرش فرزندان آنان به ازدواج و تشکیل زندگی نقش تأثیرگذاری دارد و رغبت آنان به ازدواج را سبب می‌شود (شهشهانی و صف‌آرا، ۱۴۰۱). با این حال مشاهده زندگی زناشویی افراد در سطح جامعه و مطالعه پژوهش‌های موجود در این زمینه بیانگر آن است که در همه زندگی‌های خانوادگی، فضای صمیمانه، آرامش، محبت و عشق برقرار نیست، تفاهم بین همه زوجین وجود ندارد و در بین اعضای خانواده همبستگی

1. Family cohesion.

2. Lingren.

3. Rajesh.

و پیوند عاطفی مناسب وجود ندارد و این مسئله بر نگرش جوانان به ازدواج و تشکیل زندگی اثر نامناسب دارد (پری پور، ۱۳۹۸). پژوهش آشته و کرمی (۱۳۹۷) نشانگر این است که ویژگی‌های خانواده مبدأ از جمله انسجام آن، می‌تواند بر نگرش به ازدواج تأثیرگذار باشد. عامل مهم دیگری که بر نگرش جوانان به ازدواج تأثیرگذار است اعتقادات دینی و پایبندی‌های مذهبی آنان است. می‌توان عنوان کرد که دین، تأثیرات شگرفی را بر روی خانواده و تشکیل آن دارد. ادی^۱ عنوان می‌کند که دین عاملی برای کاهش انزوای اجتماعی، تحکیم همبستگی اجتماعی، زمینه‌ای برای پذیرش هنجارها و افزایش پیوند و انسجام درون خانواده است (بابایی و همکاران، ۱۳۹۵). نگرش دین اسلام به ازدواج به عنوان یک امر مبارک و تأمین‌کننده صلح و آرامش در جامعه و سبب تشکیل کانون خانواده است. لذا از آن به عنوان یک سنت اسلامی یاد شده و به عنوان یک فضیلت مورد توجه قرار گرفته است. پیوند ازدواج در دین اسلام از ارزش زیادی برخوردار است و به جایگاه خانواده و نقش تربیتی آنان اهمیت زیادی داده شده و آموزه‌های دین در جهت تحکیم و انسجام خانواده می‌باشد. از کلام ارزشمند پیامبر اکرم ﷺ که فرمودند: «هیچ بنایی در اسلام، نزد خداوند، محبوب‌تر از ازدواج نیست»^۲، اهمیت پرداختن به موضوع خانواده و نگرش مثبت به این رکن مهم اجتماع، آشکار است (پناهی، ۱۳۸۵). پژوهش شفائی مقدم، نیازی و شاطریان (۱۳۹۴) نشان داده است که افراد دین‌دار^۳ نگرش مثبت‌تری به ازدواج و تشکیل خانواده دارند. سرایی و اوجاقلو (۱۳۹۲) در پژوهش خود بیان نمودند که دینداری رابطه مثبت و مستقیمی بر ارزش ازدواج دارد.

پیشینه پژوهشی نشان‌دهنده پژوهش‌های زیادی در زمینه ارتباط بین دینداری و نگرش به ازدواج است؛ اما توجه به ویژگی‌های شخصی و جایگاه خانواده در نگرش جوانان به ازدواج کمتر مورد توجه قرار گرفته است و در این زمینه، خلأ پژوهشی وجود دارد؛ زیرا درک اینکه عوامل مختلف فردی، خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی و... بر نگرش به ازدواج جوانان تأثیرگذار است از اهمیت زیادی برخوردار است و انجام پژوهش با متغیرهای تأثیرگذار بر نگرش به ازدواج از اهمیت و ضرورت ویژه‌ای برخوردار است. از این رو، این پژوهش با هدف تعیین نقش قدرت من، انسجام خانواده و دینداری در نگرش به ازدواج، می‌خواهد به این سؤال پاسخ دهد که آیا قدرت من، انسجام خانواده و دینداری، نگرش به ازدواج را پیش‌بینی می‌کنند؟

1. Eddie.

۲. «ما بناء فی الاسلام أحب الی الله تعالی من التزویج» (شیخ صدوق، الفقیه، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۸۳).

3. Religious.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری شامل دانشجویان دختر و پسر شاغل به تحصیل شهر قم در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ هستند. روش نمونه‌گیری با استفاده از روش نمونه در دسترس می‌باشد که حداقل حجم نمونه برابر فرمول تاباچنیک و فیدل^۱ (۲۰۰۸)، ۱۷۰ نفر برآورد شده است. پرسشنامه‌های پژوهش از طریق ارسال لینک برای آزمودنی‌ها تکمیل شده و به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی برای هر شرکت‌کننده، یک کد تعیین شده و به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که تمامی اطلاعات آنها محرمانه نزد مجری پژوهش نگهداری می‌شود. همچنین آن‌ها از نتایج پژوهش آگاه شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها به دو صورت آمار توصیفی و استنباطی در نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۶ انجام شده است.

ابزار پژوهش

الف. پرسشنامه نگرش نسبت به ازدواج^۲: پرسشنامه نگرش نسبت به ازدواج توسط براتن و روزن^۳ (۱۹۹۸) به منظور سنجش نگرش نسبت به ازدواج طراحی و تدوین شده است و در ایران توسط نیلفروشان و همکاران (۱۳۹۲) اعتباریابی شده است. این پرسشنامه دارای ۲۳ سؤال و چهار مؤلفه نگرش بدبینانه به ازدواج (۸ سؤال)، نگرش خوش‌بینانه به ازدواج (۶ سؤال)، نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج (۶ سؤال) و نگرش ایدال‌گرایانه به ازدواج (۳ سؤال) می‌باشد و براساس طیف چهارگزینه‌ای لیکرت به سنجش نگرش نسبت به ازدواج می‌پردازد. نمره‌گذاری پرسشنامه برای گزینه کاملاً مخالفم، ۱، مخالفم، ۲، موافقم، ۳ و کاملاً موافقم، ۴ می‌باشد. در این پرسشنامه، سؤالات ۱، ۳، ۵، ۸، ۱۲، ۱۶، ۱۹، ۲۰ و ۲۳ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند و دامنه امتیاز این پرسشنامه بین ۲۳ تا ۹۲ خواهد بود. هرچه امتیاز حاصل شده از این پرسشنامه بیشتر باشد، نشان‌دهنده میزان بیشتر نگرش نسبت به ازدواج است و بالعکس. در پژوهش نیلفروشان و همکاران (۱۳۹۲) ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده پرسشنامه بالای ۰/۷ برآورد شد. همچنین خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۲) این مقیاس را بر روی ۴۹۹ دانشجویان مقطع کارشناسی در یک دوره روانشناسی مقدماتی هنجاریابی نموده‌اند. پایایی این مقیاس را در دانش‌آموزان با فاصله زمانی شش هفته به روش آزمون

1. Tabachnik & Fidel.

2. Attitude towards marriage questionnaire.

3. Bratton & Rosen.

مجدد ۸۵/ و به روش آلفای کرونباخ ۸۲/ گزارش کردند. همچنین با همبسته کردن این مقیاس با مقیاس‌های مشابه همبستگی بالای ۷۷/ را گزارش نموده‌اند. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه نگرش به ازدواج ۷۶/ به دست آمده است.

ب. پرسشنامه نیرومندی من^۱ (ایگو): پرسشنامه نیرومندی من (ایگو) توسط مارکستروم^۲ و همکاران (۱۹۷۷) به منظور سنجش روانی اجتماعی نیرومندی من طراحی و تدوین شده است. دارای ۳۲ سؤال و ۸ مؤلفه شامل امید (سؤالات ۸، ۲۱، ۲۴ و ۲۹)، اراده (سؤالات ۱، ۱۲، ۱۵ و ۳۲)، هدف (سؤالات ۹، ۱۶، ۲۲ و ۳۱)، شایستگی (سؤالات ۵، ۶، ۱۷ و ۱۹)، وفاداری (سؤالات ۱۱، ۱۳، ۲۳ و ۲۶)، عشق (سؤالات ۳، ۷، ۲۰ و ۳۰)، مراقبت (سؤالات ۴، ۱۰، ۱۸ و ۲۸) و خردمندی (سؤالات ۲، ۱۴، ۲۵ و ۲۷) می‌باشد و براساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالفم^۱ تا کاملاً موافقم^۵) به نیرومندی من می‌پردازد. دامنه امتیاز این پرسشنامه بین ۳۲ تا ۱۶۰ خواهد بود. هرچه امتیاز حاصل شده از این پرسشنامه بیشتر باشد، نشان‌دهنده میزان بیشتر نیرومندی من خواهد بود و بالعکس. مارکستروم و همکاران (۱۹۹۷) پایایی آن را با روش محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، ۶۸/۰ گزارش کردند. الطافی (۱۳۸۸) نیز آلفای کرونباخ آن را روی نمونه‌ای ایرانی ۹۱/ و پایایی دونیمه‌سازی مقیاس را ۷۷/ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه قدرت من ۷۹/ به دست آمده است.

ج. پرسشنامه انسجام خانواده^۳: این پرسشنامه براساس مبانی نظری انسجام خانواده، با الهام از مدل ترکیبی اولسون^۴ (۱۹۹۹) و به وسیله سامانی (۱۳۸۱) ساخته شده است. دارای ۲۸ سؤال است که از طریق آن می‌توان به میزان انسجام خانوادگی پی‌برد و همبستگی بین افراد خانواده را که مهم‌ترین رکن ایجاد کننده انسجام خانوادگی است، تعیین نمود. براساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالفم^۱ تا کاملاً موافقم^۵) انسجام خانواده را می‌سنجد. دامنه امتیاز این پرسشنامه بین ۲۸ تا ۱۴۰ می‌باشد. هرچه امتیاز حاصل شده از این پرسشنامه بیشتر باشد، نشان‌دهنده میزان بیشتر انسجام خانواده است و بالعکس. ضریب آلفا برای کل مقیاس ۹۰/ و پایایی برای کل مقیاس ۷۹/ گزارش شده است (سامانی، ۱۳۸۱). همچنین، در بررسی دیگری که به وسیله سامانی انجام شد، ضریب همسانی درونی مقیاس ۸۵/ ضریب آلفای

1. My strength questionnaire.

2. Markstrom.

3. Family cohesion questionnaire.

4. Olson.

کرونباخ ۰/۷۹ و ضریب پایایی با روش بازآزمایی نیز ۰/۸۰ گزارش شده است. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ استحکام خانواده ۰/۸۶ به دست آمده است.

د. پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی^۱: این پرسشنامه توسط آذربایجانی (۱۳۸۲) تهیه شده است. شامل ۲۹ سؤال بوده و دارای سه خرده مقیاس شامل جهت‌گیری مناسکی و ارتباط با اهل بیت علیهم‌السلام (با سؤالات ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۹-۱۱-۱۲-۱۳-۲۶-۲۹)، جهت‌گیری دین‌محورانه (با سؤالات ۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۳-۲۵-۲۷) و جهت‌گیری خداسو و آخرت‌نگر (با سؤالات ۸-۱۰-۲۱-۲۲-۲۴-۲۸) است. نمره‌گذاری پرسشنامه در طیف چهار درجه‌ای لیکرت و برای گزینه کاملاً مخالفم، تاحدی مخالفم^۱، تاحدی موافقم^۲ و کاملاً موافقم^۳ می‌باشد. در این پرسشنامه، نمره‌گذاری سؤالات ۱۴-۱۶-۱۷ به صورت معکوس است. ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۸۴ به دست آمد (آذربایجانی، ۱۳۸۲). در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۸۲ به دست آمده است.

یافته‌های پژوهش

تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ انجام شد. در این قسمت متغیرهای پژوهش با آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) توصیف شده‌اند. جدول ۱ ویژگی‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱ ویژگی‌های توصیفی متغیرهای پژوهش (فراوانی ۱۷۰ نفر)

متغیرهای پژوهش	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
امید	۸	۲۰	۱۳/۸۵	۲/۸۵۹
آزاده	۸	۱۹	۱۳/۰۵	۲/۰۲۳
هدف	۸	۱۸	۱۳/۰۲	۱/۸۴۳
همبستگی	۸	۱۹	۱۳/۱۴	۱/۹۷۹
وفاداری	۸	۱۹	۱۳/۸۵	۲/۱۰۲
مشق	۶	۱۷	۱۲/۸۲	۱/۹۶۶
مراقبت	۹	۱۹	۱۲/۸۱	۱/۸۲۱
خردمندی	۸	۲۰	۱۲/۲۴	۱/۷۱۵
نمره کل قدرت من	۸۴	۱۳۲	۱۰۳/۹۸	۹/۲۴۰
جهت‌گیری مناسبی و ارتباط با اهل بیت	۳	۳۹	۳۶/۶۱	۸/۷۰۱
جهت‌گیری دین محورانه	۳	۲۷	۱۷/۰۳	۶/۱۰۲
جهت‌گیری خداسو و آخرت نگر	۳	۱۸	۱۴/۷۹	۲/۵۱۳
نمره کل دینداری	۱۰	۸۴	۶۱/۴۳	۱۷/۰۹۶
نمره کل انسجام خانواده	۶۴	۱۰۶	۸۸/۸۵	۷/۲۴۸
نمره کل نگرش به ازدواج	۱۵	۷۴	۵۱/۹۸	۹/۰۷۳

جدول ۱ نشان‌دهنده کمینه، بیشینه، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش و خرده مقیاس‌های مربوط به هر متغیر است. به منظور بررسی نرمال بودن توزیع مشاهدات از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف^۱ و به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از تحلیل رگرسیون گام به گام^۲، آزمون همبستگی پیرسون^۳ استفاده شد. جدول ۲ بررسی نرمال بودن داده‌های پژوهش که با استفاده از آزمون کلموگروف اسمیرنوف انجام شده را نشان می‌دهد.

1. One-Sample Kolmogorov-Smirnov Test.

2. Stepwise.

3. Pearson Correlation.

حده ۱، ۲، آزمون، کلمه‌گه‌ف- اسمبلف حثت نمالا، به‌د، تهنه نلمات

زیر مقیاس‌ها	ارزش خطا	سطح معناداری
قدرت من	۰/۹۸۵	۲۱۶/۰
انسجام خانواده	۰/۷۸۹	۱۴۲/۰
دینداری	۰/۴۸۲	۲۱۶/۰
نگرش به ازدواج	۰/۰۹۸	۱۸۶/۰

با توجه به نتایج جدول شماره ۲ که نشان‌دهنده عدم معناداری در سطح ($P > 0.05$) است، در نتیجه فرض نرمال بودن داده‌ها برای توزیع نمرات تمامی متغیرها تأیید می‌شود. بنابراین می‌توان از رگرسیون گام‌به‌گام استفاده کرد. جدول ۳ مفروضه عدم هم‌خطی چندگانه متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۳ آزمون ضریب تحمل (تولرنس) و تورم واریانس بررسی هم‌خطی چندگانه

متغیرهای پژوهش	هم‌خطی چندگانه	
	ضریب تحمل (تولرنس)	تورم واریانس
قدرت من	۰/۶۲	۱/۵۲
انسجام خانواده	۰/۸۷	۱/۱۲
دینداری	۰/۹۴	۱/۳۲
نگرش به ازدواج	۰/۸۱	۱/۲۶

در جدول ۳ با توجه به اینکه مقادیر بزرگ‌تر از صفر است، عدم وجود تولرنس را نشان می‌دهد. همچنین نظر به اینکه مقدار ضریب تورم واریانس کمتر از ۱۰ است، در نتیجه، عدم تورم واریانس وجود دارد. بنابراین، مفروضه عدم هم‌خطی چندگانه تأیید می‌شود و می‌توان از رگرسیون گام‌به‌گام استفاده کرد. جدول ۴ همبستگی بین متغیرهای اصلی پژوهش را نشان می‌دهد.

متغیرها	قدرت من	انسجام خانواده	دینداری	نگرش به ازدواج
قدرت من	۱			
انسجام خانواده	۰/۶۳۱**	۱		
دینداری	۰/۴۶۹**	۰/۶۲۵**	۱	
نگرش به ازدواج	۰/۶۱۱**	۰/۴۶۵**	۰/۴۱۷**	۱

(**) معناداری در سطح ۰/۰۱ و (*) معناداری در سطح ۰/۰۵

برابر نتایج جدول شماره ۴ ضریب همبستگی بین نگرش به ازدواج با قدرت من ($r = 0/417, P < 0/05$) و با انسجام خانواده ($r = 0/465, P < 0/05$) و با دینداری ($r = 0/417, P < 0/05$) به صورت مثبت از نظر آماری معنادار است. جدول ۵ ضرایب همبستگی متغیرهای پیش بین و متغیر ملاک در هر گام را نشان می دهد.

جدول ۵ ضرایب همبستگی متغیرهای پیش بین و متغیر ملاک در هر گام

گام	R	مجله R	مجله R تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
۱	-/۶۳۷	-/۴۰۵	-/۴۰۲	۵۹/۴۲۵
۲	-/۶۶۰	-/۴۳۶	-/۴۲۹	۵۸/۰۴۷
۱. پیش بین ها: (ثابت)، قدرت من				
۲. پیش بین ها: (ثابت)، قدرت من و دینداری				

جهت آزمون فرضیه اصلی، از روش آماری رگرسیون گام به گام استفاده شد. در جدول ۵ ضرایب همبستگی متغیرهای پیش بین و متغیر ملاک در هر گام در معادله رگرسیون نشان داده شده است که در گام اول ضریب همبستگی و ضریب تعیین قدرت من با نگرش به ازدواج برابر با ۰/۶۳۷ و ۰/۴۰۵ است و در گام دوم ضریب همبستگی و ضریب تعیین قدرت من و دینداری با نگرش به ازدواج برابر با ۰/۶۶۰ و ۰/۴۳۶ است. همچنین متغیر انسجام خانواده در گام دوم به علت معنادار نبودن از معادله خارج شد. به عبارت دیگر؛ تقریباً ۴۴ درصد تغییر و افزایش در نگرش به ازدواج به علت قدرت من و دینداری است. جدول ۶ ضرایب همبستگی متغیرهای پیش بین و متغیر ملاک در هر گام را نشان می دهد.

جدول ۶ ضرایب همبستگی متغیرهای پیش بین و متغیر ملاک در هر گام

گام	R	مجله R	مجله R تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
۱	-/۶۱۱۰	-/۳۷۳۰	-/۳۷۰۰	۷/۲۰۳
۲	-/۶۳۳۰	-/۴۰۱۰	-/۳۹۴۰	۷/۰۶۴
۱. پیش بین ها: (ثابت)، قدرت من				
۲. پیش بین ها: (ثابت)، قدرت من و جهت گیری مناسکی و ارتباط با اهل بیت				

جهت آزمون فرضیه اصلی، تمامی متغیرهای پیش‌بین و زیرمقیاس‌های آنها وارد معادله رگرسیون شد و از روش آماری رگرسیون گام به گام استفاده شد. در جدول ۶ ضرایب همبستگی متغیرهای پیش‌بین و متغیر ملاک در هر گام در معادله رگرسیون نشان داده شده است که در گام اول ضریب همبستگی و ضریب تعیین قدرت من با نگرش به ازدواج برابر با $0/611$ و $0/373$ است و در گام دوم ضریب همبستگی و ضریب تعیین قدرت من و جهت‌گیری مناسکی و ارتباط با اهل بیت علیهم‌السلام با نگرش به ازدواج برابر با $0/633$ و $0/401$ است. همچنین سایر متغیرهای پیش‌بین و زیرمقیاس‌های آنها در گام دوم به علت معنادار نبودن از معادله خارج شدند. به عبارت دیگر؛ تقریباً 39 درصد تغییر و افزایش در نگرش به ازدواج به علت قدرت من و جهت‌گیری مناسکی و ارتباط با اهل بیت علیهم‌السلام است. جدول ۷ نتایج رگرسیون برای پیش‌بینی نگرش به ازدواج به وسیله قدرت من، انسجام خانواده و دینداری را نشان می‌دهد.

جدول ۷ نتایج رگرسیون برای پیش‌بینی نگرش به ازدواج به وسیله قدرت من،

انسجام خانواده و دینداری

مدل	ضریب B	خطای استاندارد	ضریب Beta	t	معناداری
۱					
(Constant)	-۱۰/۲۱۶	۶/۲۵۹	---	-۱/۶۶۴	۰/۹۸۰
قدرت من	۶/۱۰۰	۲/۶۰۰	۰/۶۱۱	۱۰/۰۰۸	۰/۰۰۰/
(Constant)	-۸/۲۴۶	۶/۸۸۸	----	-۷/۲۳۲	۰/۸۸۰
قدرت من	۵/۲۵۰	۲/۶۵۰	۰/۶۳۳	۸/۸۰۲	۰/۰۰۰/
جهت‌گیری مناسکی	۲/۶۰۰	۲/۶۶۰	۰/۸۲۰	۲/۷۶۸	۰۰/۰۰/

همانطور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، در گام اول، متغیرهای پیش‌بین و زیرمقیاس‌های آنها وارد معادله شده است؛ در این حالت، ضریب رگرسیون فقط برای متغیر قدرت من دارای اثر معناداری در رابطه با نگرش به ازدواج است. در گام دوم، متغیر جهت‌گیری مناسکی و ارتباط با اهل بیت علیهم‌السلام دارای اثر معناداری در رابطه با نگرش به ازدواج است. بنابراین متغیر قدرت من با ضریب استاندارد بتا ($Beta = -0/535$, $P = 0/001$) قادر به پیش‌بینی نگرش به ازدواج است و متغیر جهت‌گیری مناسکی و ارتباط با اهل بیت علیهم‌السلام با ضریب استاندارد بتا ($Beta = -0/183$, $P = 0/006$) قادر به پیش‌بینی نگرش به ازدواج است. جدول ۸ نشان می‌دهد متغیرهای پیش‌بین و زیرمقیاس‌های آنها به علت معنادار نبودن از معادله خارج شدند.

جدول ۸ جدول متغیرهای پیش‌بین و زیرمقیاس‌های آنها که
به علت معنادار نبودن از معادله خارج شدند

Excluded Variables ^a					
Collinearity Statistics	Partial Correlation	Sig.	t	Beta in Model	Model
Tolerance					
.۵۲۶	-.۰۱۵	.۸۴۲	-۱.۹۸	-.۰۱۲ ^b	امید
.۵۰۵	-.۰۲۵	.۷۴۲	-۲.۲۸	-.۰۲۸ ^b	لایحه
.۱۲۶	-.۰۰۹	.۹۰۵	-.۱۲۰	-.۰۰۹ ^b	مذلل
.۵۶۸	.۱۶۰	.۰۲۷	۲.۰۹۲	.۱۶۸ ^b	عالمیتگی
.۲۰۶	-.۰۲۸	.۲۱۲	-۲.۲۶	-.۰۲۶ ^b	وفاکاری
.۷۸۲	.۰۴۷	.۵۴۲	.۶۱۰	.۰۴۲ ^b	حشقی
.۶۹۸	-.۱۴۸	.۰۵۵	-۱.۹۳۲	-.۱۴۲ ^b	مراقبت
.۲۴۸	.۰۲۹	.۸۰۸	.۲۴۲	.۰۲۲ ^b	عزیمندی
.۶۰۲	.۱۲۹	.۰۹۴	۱.۶۸۴	.۱۲۲ ^b	انسجام خانواده
.۸۲۵	.۲۰۹	.۰۰۶	۲.۷۶۸	.۱۸۲ ^b	جهت‌گیری مناسبی و ارتباط با اهل بیت
.۷۵۲	.۱۲۶	.۰۰۲	۱.۶۸۴	.۱۱۵ ^b	جهت‌گیری دینی معنویانه
.۸۵۵	.۱۵۱	.۰۰۵	۱.۹۶۶	.۱۲۹ ^b	جهت‌گیری هداس و اخلاقیات
.۲۸۰	.۱۸۶	.۰۰۵	۲.۵۵۱	.۱۶۲ ^b	دینداری
.۵۲۶	-.۰۱۸	.۸۱۵	-۲.۲۲	-.۰۱۹ ^b	امید
.۵۰۲	-.۰۱۰	.۹۰۱	-.۱۲۵	-.۰۱۱ ^b	لایحه
.۱۲۰	-.۰۱۲	.۸۲۰	-.۱۳۵	-.۰۱۶ ^b	مذلل
.۵۶۲	.۱۴۴	.۰۶۲	۱.۸۶۲	.۱۴۹ ^b	عالمیتگی
.۲۰۶	-.۰۲۷	.۲۲۹	-۲.۲۲	-.۰۲۵ ^b	وفاکاری
.۲۶۸	.۰۲۹	.۸۰۲	.۲۵۰	.۰۲۲ ^b	حشقی
.۶۹۴	-.۱۲۵	.۰۸۲	-۱.۷۴۹	-.۱۲۵ ^b	مراقبت
.۲۴۴	.۰۴۸	.۵۴۲	.۶۶۴	.۰۴۴ ^b	عزیمندی
.۴۲۲	.۰۲۲	.۶۲۲	.۸۰۰	.۰۲۲ ^b	انسجام خانواده
.۲۵۸	-.۰۲۸	.۲۶۹	-۲.۴۴	-.۰۲۹ ^b	جهت‌گیری دینی معنویانه
.۲۴۸	-.۰۴۹	.۵۲۱	-۲.۲۸	-.۰۴۲ ^b	جهت‌گیری هداس و اخلاقیات
.۰۶۴	-.۰۵۱	.۵۰۸	-.۶۶۴	-.۰۶۲ ^b	دینداری
Dependent Variable: نگرش به ازدواج					
Predictors in the Model: (Constant), قدرت من					
Predictors in the Model: (Constant), جهت‌گیری مناسبی و ارتباط با اهل بیت					

جدول ۹ ماتریس همبستگی بین ابعاد قدرت من و ابعاد دینداری و انسجام خانواده با نگرش به ازدواج

متن ها	امید	آزاده	هدف	شایستگی	وفاداری	عشق	مراقبت	خردمندی	قدرت من	انسجام خانواده	جهت گیری مناسبی	محورانه	جهت گیری دین	جهت گیری خداپس	دینداری	نگرش به ازدواج
۱	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
		۰/۳۹۵	۰/۴۲۳	۰/۳۴۱												
		۰/۴۲۳	۰/۳۴۰	۰/۳۴۱	۱											
		۰/۲۸۸	۰/۴۴۸	۰/۳۴۱	۱											
		۰/۳۴۸	۰/۳۵۰	۰/۲۸۹	۰/۱۸۴	۱										
		۰/۱۷۳	۰/۲۱۹	۰/۱۷۶	۰/۲۸۴	۰/۰۰	۱									
		۰/۲۷۸	۰/۳۰۳	۰/۱۶۴	۰/۱۶۰	۰/۲۷۹	۰/۲۰۰	۱								
		۰/۲۶۰	۰/۲۴۱	۰/۱۵۵	۰/۴۰۷	۰/۰۱۱	۰/۱۴۹	۰/۲۵۸	۱							
		۰/۱۸۵	۰/۷۰۳	۰/۶۰۸	۰/۶۵۷	۰/۵۴۲	۰/۴۶۶	۰/۵۴۹	۰/۵۰۲	۱						
		۰/۴۶۷	۰/۴۱۳	۰/۴۰۱	۰/۴۳۱	۰/۳۳۰	۰/۴۴۶	۰/۲۳۹	۰/۲۴۳	۰/۶۳۱	۱					
		۰/۲۹۵	۰/۲۴۵	۰/۳۷۹	۰/۳۴۰	۰/۳۲۱	۰/۳۰۴	۰/۱۶۹	۰/۰۰	۰/۴۱۹	۰/۵۹۱	۱				
		۰/۳۲۰	۰/۴۱۵	۰/۳۶۰	۰/۳۵۹	۰/۳۵۳	۰/۲۵۸	۰/۱۷۱	۰/۱۴۰	۰/۴۹۸	۰/۶۰۴	۱				
		۰/۳۲۹	۰/۳۳۴	۰/۲۷۳	۰/۳۷۳	۰/۳۱۹	۰/۲۵۰	۰/۱۶۱	۰/۰۰	۰/۳۸۱	۰/۵۳۳	۰/۸۶۷	۱			
		۰/۲۵۰	۰/۳۲۱	۰/۳۲۷	۰/۳۵۷	۰/۲۴۸	۰/۲۸۹	۰/۱۸۰	۰/۱۲۰	۰/۴۶۹	۰/۶۲۵	۰/۹۶۵	۰/۹۰۳	۰/۹۰۰	۱	
		۰/۴۰۰	۰/۴۱۶	۰/۴۹۷	۰/۳۱۲	۰/۳۱۸	۰/۲۳۸	۰/۲۲۰	۰/۱۱۱	۰/۴۶۵	۰/۴۰۷	۰/۴۹۱	۰/۳۹۱	۰/۴۰۳	۰/۴۱۷	۱

جدول ۹ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین نگرش به ازدواج با نمره کل قدرت من ($r = ۰/۶۱$, $P < ۰/۰۵$) به صورت مثبت از نظر آماری معنادار است. به بیان دیگر، با افزایش قدرت من، نگرش به ازدواج هم افزایش می‌یابد. همچنین ضریب همبستگی بین نگرش به ازدواج با ابعاد قدرت من از $r = ۰/۳۱۲$ تا $r = ۰/۴۹۷$ به صورت مثبت از نظر آماری معنادار است ($P < ۰/۰۵$). به عبارت دیگر، با افزایش ابعاد قدرت من، نگرش به ازدواج هم افزایش می‌یابد. همچنین ضریب همبستگی بین نگرش به ازدواج با انسجام خانواده ($r = ۰/۴۶۵$, $P < ۰/۰۵$) به صورت مثبت از نظر آماری معنادار است. بدین معنی که با افزایش انسجام

خانواده، نگرش به ازدواج هم افزایش می‌یابد. همچنین ضریب همبستگی بین نگرش به ازدواج با نمره کل دینداری ($r = 0/417, P < 0/01$) به صورت مثبت از نظر آماری معنادار است و نشان می‌دهد که با افزایش دینداری، نگرش به ازدواج هم افزایش می‌یابد و نیز ضریب همبستگی بین نگرش به ازدواج با ابعاد دینداری از $r = 0/391$ تا $r = 0/407$ به صورت مثبت از نظر آماری معنادار است ($P < 0/01$). به عبارت دیگر؛ با افزایش ابعاد دینداری، نگرش به ازدواج هم افزایش می‌یابد. بنابراین نتایج جدول شماره ۹ نشان می‌دهد که میان قدرت من، انسجام خانواده و دینداری، با نگرش به ازدواج ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف پیش‌بینی نگرش به ازدواج براساس قدرت من، انسجام خانواده و دینداری انجام شده است. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد در گام نخست، قدرت من با نگرش به ازدواج با ضریب تعیین برابر با $0/637$ و $0/405$ در گام دوم، قدرت من و دینداری با نگرش به ازدواج با ضریب تعیین برابر با $0/660$ و $0/436$ نگرش به ازدواج را پیش‌بینی می‌کنند. اما انسجام خانواده در گام دوم به علت معنادار نبودن از معادله خارج گردید. تقریباً ۴۴ درصد تغییر و افزایش در نگرش به ازدواج جوانان به علت قدرت من و دینداری بوده است. یافته اول پژوهش با یافته‌های پژوهش آرمینا و توریا (۲۰۲۰)، صدفی و همکاران (۱۳۹۹)، شفایی مقدم و همکاران (۱۳۹۴) و سرایی و اوجاقلو (۱۳۹۲) همسو بوده و از آن حمایت می‌کنند. در تبیین یافته اول پژوهش می‌توان گفت نگرش و دیدگاه افراد به ازدواج از عوامل مختلفی ناشی می‌شود. بعضی، ازدواج را به عنوان راه قانونی برای دستیابی به امیال جنسی می‌دانند و برخی، ازدواج را وسیله تشکیل خانواده و سر و سامان یافتن و جدا شدن از زندگی مجردی و عده‌ای ازدواج را در راستای تداوم زندگی و دستیابی به اهدافی می‌دانند که ازدواج هم در مسیر آن قرار دارد و عده‌ای نیز ازدواج را راه رسیدن به عشق خود دانسته و تمام تلاش خود را برای فراهم نمودن زمینه‌ها و شرایط آن انجام می‌دهند. علاوه بر این دیدگاه‌ها و نگرش‌های متعددی در بین افراد و به‌ویژه جوانان درباره ازدواج می‌تواند وجود داشته باشد که این نگرش‌ها از عوامل مختلفی ناشی می‌شوند (گشکی، ۱۳۹۶). نتیجه حاصل از پژوهش حاضر نیز بیانگر نقش متغیرهای قدرت من و دینداری در نگرش افراد به ازدواج می‌باشد و این امر نشان‌دهنده این است که قدرت شخص برای برخورد مؤثر با واقعیت‌های زندگی و گرایش‌های دینی و مذهبی افراد در نگرش آنان نسبت به ازدواج مؤثر

بوده و این ویژگی‌های مثبت می‌تواند سبب‌ساز گرایش بیشتر افراد برای تشکیل خانواده و اجرای این سنت دینی باشد.

یافته دوم پژوهش که نشان داده بین قدرت من، انسجام خانواده و دینداری، با نگرش به ازدواج ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد با یافته‌های پژوهش‌های آرمینا و توریا (۲۰۲۰)، صدفی و همکاران (۱۳۹۹)، شفایی مقدم و همکاران (۱۳۹۴)، سرایی و او جاقلو (۱۳۹۲) و آشته و کرمی (۱۳۹۷) همسو بوده و از آن حمایت می‌کنند. در تبیین یافته دوم پژوهش می‌توان گفت که متغیرهای قدرت من، انسجام خانواده و دینداری جوانان در نگرش آنان نسبت به ازدواج تأثیر گذارند؛ یعنی استقلال شخصی و فکری افراد و داشتن اراده پایدار در زندگی که ناشی از من مستقل آنان است می‌تواند در ترسیم آینده زندگی آنان در مسیر مشخص نقش داشته باشد و افراد براساس قوانین و اصول جامعه و در چهارچوب‌های تعیین شده اجتماعی زندگی خود را سامان داده و در آن مسیر حرکت کنند. افرادی که از توان و قدرت نفسانی کافی برای مدیریت نمودن نیازهای جسمی و روانی خود برخوردارند، قادرند خواسته‌های درونی خود را در مسیری سالم و جامعه‌پسند هدایت کنند. همچنین وقتی خانواده انسجام و شکل کافی در ابعاد مختلف به‌ویژه در بعد عاطفی و روانی داشته باشد که اغناکننده روحی افراد باشد و نیز پایبندی افراد به خانواده و تشکیل آن برای داشتن زندگی سالم و هدفمند، رابطه مستقیمی به توجه به ازدواج و گرایش جوانان جامعه به آن دارد و جوانان در سایه این دیدگاه‌ها و توانمندی‌ها می‌آموزند که بهترین راه، برطرف نمودن نیازهای جسمی و روحی و رسیدن به تکامل شخصی، برقراری ارتباط با جنس مخالف در چهارچوب قانون ازدواج است و از این طریق است که انسان‌ها ضمن بقای نسل، می‌توانند در قالب چهارچوبی صحیح و سالم مسیر زندگی خود را ادامه دهند و از آسیب‌ها و انحرافات مختلف اجتماعی در امان باشند. در رابطه با ارتباط بین باورهای اعتقادی و نگرش به ازدواج باید گفت علاوه بر مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر نگرش افراد جامعه به ازدواج باورهای و اعتقادات دینی آنها می‌باشد. ادیان مختلف همواره ازدواج را به عنوان یک امر مقدس در راستای تشکیل خانواده و تولید نسل و دوری از گناه و انحرافات اخلاقی، ترویج نموده و بر اهمیت آن تأکید نموده‌اند. از این رو، در جوامع دینی و در بین خانواده‌های معتقد و پایبند به دین و مذهب، ازدواج و تشکیل خانواده به عنوان یک امر مهم و ضروری برای جوانان مورد توجه قرار می‌گیرد (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۵). در اسلام، بنیادی‌ترین واحد جامعه، خانواده است و اهمیت ویژه‌ای به خانواده داده شده و مایه آرامش انسان‌ها دانسته

شده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»؛ یعنی یکی از نشانه‌های او این است که از خود شما برای شما همسر آفرید تا با او آرام گیرید و میان شما مهر و محبت قرار داد (سوره روم: ۲۱). در جهان بینی اسلامی برای تمامی نیازها و غرایز انسانی راهکاری در نظر گرفته شده است. در این باره می‌توان گفت که مسئله ازدواج، بهترین راهکار برای یکی از این غرایز انسانی است که از دیدگاه اسلامی اهمیت بسیاری دارد. بهترین زمان برای ازدواج از دیدگاه اسلام، دوره جوانی است؛ زیرا برای شروع به هر کاری دوره‌ای مناسب وجود دارد و جوانی، فصل ازدواج جوانان است و این، وظیفه خانواده و دین است که با تربیت مناسب فرزندان و ایجاد نگرش مثبت نسبت به ازدواج در آنان، جوانان را برای ازدواج در فصل خودش آماده نموده و از این طریق آنان را در مسیر صحیح زندگی قرار دهند.

این پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه بوده است؛ از جمله اینکه برای جمع‌آوری داده‌ها از نمونه در دسترس استفاده شده که تعمیم‌پذیری نتایج آن به جامعه آماری را دشوار می‌سازد. با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌گردد که خانواده‌ها، مراکز آموزشی و تربیتی و مبلغان دینی در آماده‌سازی جوانان برای ازدواج در زمان مناسب، با ایجاد نگرش مثبت نسبت به ازدواج در آنان اقدام نمایند تا در سایه این سنت الهی و نبوی جامعه را از انحرافات که آسیب‌های روحی و جسمی برای اعضای آن دارد مصون دارند.

پیروی از اصول اخلاق پژوهش: این مطالعه با مجوز دانشگاه آزاد اسلامی در جامعه آماری دانشجویان پسر و دختر شهر قم با رعایت ملاحظات اخلاقی برای جمع‌آوری داده‌ها انجام شده است.

فهرست منابع

- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۲)، «تهیه آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام»، *نشریه روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۲۹.
- آذربایجانی، مسعود؛ سالاری فر، محمدرضا؛ کاویانی، محمد؛ عباسی، اکبر و موسوی؛ سیدمهدی (۱۳۸۵)، *روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، تهران: انتشارات سمت.
- آشته، کژال و کرمی، جهانگیر (۱۳۹۷)، «پیش‌بینی نگرش به ازدواج از طریق ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و جو خانوادگی در دانشجویان دختر مجرد دانشگاه رازی کرمانشاه»، *رویش روان‌شناسی*، سال هفتم، شماره ۱۱ (پیاپی ۳۲).

- ابراهیمی، نازیلا، کرایبی، امین، عباسپور، ذبیح‌الله، شهبازی، مسعود (۱۳۹۹)، «بررسی تأثیر ابعاد هویت فردی بر نگرش به ازدواج با میانجیگری مؤلفه‌های افق ازدواج در دانشجویان پسر مجرد تحصیلات تکمیلی»، *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، شماره سی و نهم، ص ۸۲-۵۹.
- الطافی، شیدا (۱۳۸۸)، *بررسی و مقایسه قدرت من و ویژگی‌های شخصیتی افراد وابسته به مصرف مواد و غیروابسته*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شاهد تهران.
- بابایی، ناهید؛ بلالی، اسماعیل؛ نقدی، اسدالله؛ کریمی، احمد (۱۳۹۵)، «تأثیر میزان دینداری بر انسجام خانوادگی در شهر همدان»، *فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)*، دوره ۹، شماره ۴، صفحات ۲۶-۷.
- پری‌پور، احسان (۱۳۹۸)، *بررسی رابطه ارزش‌های شخصی و انسجام خانواده با تعارضات زناشویی دانشجویان متأهل*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی شمس گنبد، ص ۱۰-۱.
- پناهی، علی‌احمد (۱۳۸۵)، «ازدواج در اسلام: با نگاهی به کارکردهای تربیتی و روان‌شناختی»، *مجله معرفت*، شماره ۱۰۴.
- حسین‌خان‌زاده، علی؛ عیسی‌پور، محمد؛ یگانه، طاهره؛ محمدی، رضا (۱۳۹۹)، «بررسی انسجام خانواده در خانواده‌های دارای کودکان ناتوان ذهنی»، *مجله علوم اجتماعی و رفتاری*، شماره ۸۴، ص ۵۷-۴۳.
- خجسته‌مهر، رضا؛ ممبینی، جعفر؛ اصلانی، خالد (۱۳۹۲)، «مقایسه نگرش به ازدواج و طلاق و دلبستگی به همسالان در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی خانواده‌های عادی و طلاق»، *مجله روانشناسی مدرسه*، دوره ۲، شماره ۳، ص ۷۵-۵۷.
- سامانی، سیامک (۱۳۸۱)، *مدل علی همبستگی خانوادگی، استقلال عاطفی و سازگاری*، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه شیراز.
- سرایی، حسن؛ اوجاقلو، سجاد (۱۳۹۲)، «مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران مطالعه موردی: زنان شهر زنجان»، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سری ۵، شماره ۴.
- شفایی‌مقدم، الهام؛ نیازی، محسن؛ شاطریان، محسن (۱۳۹۴)، «بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج (مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان)»، *جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال ۶، شماره ۲، ص ۹۱-۶۷.
- شهشهانی، مریم‌سادات؛ صف‌آرا، مریم (۱۴۰۱)، «رابطه بین سلامت معنوی با انسجام خانواده و سبک‌های هویت در زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست»، *مجله پژوهش در دین و سلامت*، ۸ (۳)، ص ۱۴۱-۱۲۸.
- صدفی، الناز؛ منیرپور، نادر؛ میرزاحسینی، حسن (۱۳۹۹)، «تبیین روابط ساختاری رابطه کیفیت روابط

ابژه‌ای و ناپایداری ازدواج براساس نقش میانجیگر توانمندی ایگو»، *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، سال ۶۳، ویژه روانشناسی، ص ۱۶۵-۱۵۲.

• عینی، ساناز؛ نریمانی، محمد؛ عطا دخت، اکبر؛ بشرپور، سجاد؛ صادقی موحد، فریبا (۱۳۹۷)، «اثربخشی درمان شناختی - تحلیلی بر قدرت ایگو و روابط موضوعی افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی»، *مجله پزشکی ارومیه*، دوره ۲۹، شماره ۱، ص ۱-۱۱.

• عینی، ساناز (۱۳۹۷)، *مقایسه اثربخشی روش‌های درمان مبتنی بر ذهنی‌سازی و درمان شناختی-تحلیلی بر قدرت ایگو، روابط موضوعی و مکانیسم‌های دفاعی افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی*، پایان نامه دکترای تخصصی، دانشگاه محقق اردبیلی، ص ۳۳-۲۸.

• گشکی، شیدا (۱۳۹۶)، *بررسی اثربخشی آموزش پیش از ازدواج به شیوه تصویرسازی ارتباطی بر انتظار از ازدواج و نگرش به ازدواج دانشجویان دختر در آستانه ازدواج دانشگاه کردستان*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان.

• گروسی، سعیده؛ یاری نسب، فاطمه (۱۳۹۹)، «تفاوت نسلی نگرش به ازدواج و عوامل موثر در آن در زنان ساکن شهر یاسوج»، *مقاله پژوهشی، مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۲۲، شماره ۸۷، صفحه ۱۴۹-۱۳۱.

• نیلفروشان، پریسا؛ نویدیان، علی؛ عابدی، احمد (۱۳۹۲)، «بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس نگرش نسبت به ازدواج»، *روان پرستاری*، ۱(۱): ۳۵-۴۷.

• Armina, A & ,Troia, B. (2020). Evolving opinions :Evidence on marriage equality attitudes from panel data. *Social Science Quarterly*. 185-195, (1)98.

• Braaten, E. B & ,Rosén, L. A. (1998). Development and validation of the Marital Attitude Scale. *Journal of Divorce & Remarriage*, 29(3-4), 83-91.

• Fouché, P. J., Naidoo, P., & Botha, T. (2019). A psychobiographical portrait of adam small's eriksonian ego-strengths or virtues: Contextualized within South Africa's apartheid-eras. In *New trends in psychobiography* (pp. 423-442). Springer, Cham.

• Mal S. (2013). Knowledge and attitude towards marriage of currently married women in Paschim Medinipur district of West Bengal, India. *Asian Journal of Research in Social Sciences and Humanities*, 3(8), 46-57.

• Markstrom, C. A., Sabino, V. M., Turner, B. J., & Berman, R. C. (1997). The psychosocial inventory of ego strengths: Development and validation of a new Eriksonian measure. *Journal of youth and adolescence*, 26(6), 705-732.

- Olson, D. H. (1999). Circumplex model of marital & family systems. *Journal of Family Therapy*, 22, 144–167
- Raymo JM, Park H. (2020). Marriage Decline in Korea: Changing Composition of the Domestic Marriage Market and Growth in International Marriage. *Demography*, 57(20), 1–24
- Rajesh V, Diamond PM, Spitz MR, Wilkinson AV.(2015) Smoking initiation among Mexican heritage youth and the roles of family cohesion and conflict. *Journal of Adolescent Health*.;57(1):24–30.
- Strong, B, Cohen TF. (2013). *The marriage and family experience: Intimate relationships in a changing society*. Cengage Learning.
- Tabachnick, B. G. & Fidell, L. S. (2001). *Using multivariate statistics* (5th edn). Boston: Pearson Education.
- Willoughby, B. J. (2010). Marital Attitude Trajectories Across Adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 39(11). 1305–1317.

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال دهم، شماره اول، پیاپی ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳ (ص ۱۱۹-۱۳۸)

مؤلفه های روان شناختی تاب آوری دینی بر اساس آموزه های اسلامی

Psychological Components of Religious Resilience Based on Islamic Teachings

علینقی لژی/ استادیار گروه معارف و الهیات، دانشگاه افسری امام علی (ع).

مهدی داداشی/ استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه افسری امام علی (ع).

سید مهدی خطیب/ استادیار گروه روانشناسی اسلامی، پژوهشگاه قرآن و حدیث.

Ali Naghi Lezgi/ Assistant Professor, Imam Ali Officers' Academy.

a.lezgi@yahoo.com

Mehdi Dadashi/ Assistant Professor, Imam Ali Officers' Academy.

dadashi33@gmail.com

Seyed Mahdi Khatib/ Assistant Professor, Islamic Psychology Department, Quran & Hadith Research Institute.

mahdikhatib@yahoo.com

Abstract

Resilience is the ability to return to initial level of functioning, continuous resistance with no disturbance, and positively reconstruction of experienced conditions. This study aims at identifying the psychological components of religious resilience based on Islamic teachings. The research method was qualitative, using a grounded theory approach. The primary sources of the study were the Holy Quran and Islamic hadiths. The research sample included descriptive and explanatory religious statements related to the semantic domain of resilience, selected purposefully. The sample was collected through three types of tools: books, including the Holy

چکیده

تاب آوری، توان بازگشت به سطح کارکرد اولیه، تداوم در فقدان آشفتگی و بازسازی مثبت شرایط تجربه شده است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه های روان شناختی تاب آوری دینی بر اساس آموزه های اسلامی طراحی شد. روش پژوهش، کیفی، به شیوه نظریه داده بنیاد است. منبع اصلی پژوهش، قرآن کریم و احادیث اسلامی بود. نمونه پژوهش، شامل گزاره های دینی توصیفی و تبیینی مرتبط با حوزه معنایی تاب آوری بود که به شکل هدفمند انتخاب شد. نمونه پژوهش به واسطه سه دسته ابزار، گردآوری شد: کتاب، شامل قرآن کریم و کتاب های حدیثی معتبر؛

Quran and authentic hadith books; software, including Jami al-tafsir software, Jami al-hadith software, and comprehensive libraries of Shia and Sunni hadiths; and websites, including reputable scientific databases in the field of resilience. After extracting data related to religious resilience from Islamic teachings, 950 "open codes," 53 "concepts," 20 "categories," and 5 "dimensions" were identified through coding in the data analysis process. According to the findings, "components of religious resilience" is one of the extracted dimensions, comprising six categories: "courage," "self-regulation," "flexibility," "resistance," "acceptance," and "wisdom."

KEYWORDS: resilience, components of resilience, patience, Islamic teachings, grounded theory

نرم افزار، شامل نرم افزارهای جامع التفاسیر، جامع الاحادیث و کتابخانه جامع، احادیث شیعه و اهل سنت؛ وبگاه، شامل پایگاه‌های معتبر علمی در حوزه تاب‌آوری. پس از استخراج داده‌های مرتبط با تاب‌آوری دینی از آموزه‌های اسلامی، با کدگذاری در فرایند تحلیل داده‌ها، ۹۵۰ «کد باز»، ۵۳ «مفهوم»، ۲۰ «مقوله» و ۵ «بُعد» استخراج شد. بر اساس یافته‌های پژوهش، «مؤلفه‌های تاب‌آوری دینی» یکی از ابعاد استخراج شده است که از شش مقوله؛ «شجاعت»، «خودمهارگری»، «انعطاف‌پذیری»، «پایداری»، «پذیرش» و «خردورزی» برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: تاب‌آوری، مؤلفه‌های تاب‌آوری، صبر، آموزه‌های اسلامی، نظریه داده بنیاد.

مقدمه

اگرچه بدیهی به نظر می‌رسد که مصائب زندگی و استرس‌های برجای مانده از آن، خسارت‌زا باشند، اما این پرسش که «چرا برخی افراد، در پی رخداد‌های مصیبت‌بار، واکنش‌های خوب و گاه استثنایی نشان می‌دهند؟» ذهن پژوهشگران را مشغول کرده است. این پرسش چند دهه تحقیقات درباره موضوعی را هدایت کرده است که در آغاز «آسیب‌ناپذیری»^۱ (آنتونی و کولر^۲، ۱۹۸۷) و اینک «تاب‌آوری»^۳ (کانر و دیویدسن^۴، ۲۰۰۳ و یاکوولو و چارنی^۵، ۲۰۲۰) نامیده می‌شود. تاب‌آوری روان‌شناختی «توانایی بازگشت از تجربه‌های هیجانی منفی و سازگاری

1. Invulnerability.

2. Anthony, E. J., & Cohler, B. J.

3. Resilience.

4. Connor, K. M., & Davidson, J. R.

5. Iacoviello, B. M., & Charney, D. S.

انعطاف‌پذیر با خواسته‌های در حال تغییر تجربه‌های استرس‌زا است (توگید و فردریکسن^۱، ۲۰۰۴، ص ۱۱۶۹) و به «مجموعه‌ای از ویژگی‌های انطباقی که فرد را قادر سازد تا با استرس یا آسیب^۲ کنار آمده و سپس بهبود یابد و یا حتی پس از آن رشد کند» اشاره دارد (یاکوولو و چارنی، ۲۰۲۰).

تاب‌آوری سازه‌ای روان‌شناختی است که با متغیرهای مثبتی همچون بهباهی روان‌شناختی^۳ (اسمیت و یانگ^۴، ۲۰۱۷)، رضایت از زندگی^۵ (کهن، فردریکسن، برون، مایکلز، کانوی^۶، ۲۰۰۹) امید^۷ (سلیک، ستین و توتکان^۸، ۲۰۱۵) و خودمهارگری^۹ (کمبل^{۱۰}، ۲۰۱۴)، رابطه مثبت و با آسیب‌هایی همچون استرس^{۱۱} (سیددهک، ستوانریانا، سومیا و چاندرا^{۱۲}، ۲۰۱۷)، اضطراب^{۱۳}، افسردگی^{۱۴} (پودل‌تنداکار و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۹)، افکار خودکشی^{۱۶} (هریس، گودینگ، هدک و پیتزرز^{۱۷}، ۲۰۱۹) و درد مزمن^{۱۸} (انکای، اسلپین، هیماوان و فرنس^{۱۹}، ۲۰۱۷) رابطه معکوس دارد.

در دهه‌های اخیر، شناسایی ماهیت تاب‌آوری و استخراج مؤلفه‌های آن، یکی از

1. Tugade, M. M., & Fredrickson, B. L.
2. Truma.
3. Psychological well-being.
4. Smith, G. D., & Yang, F.
5. Life satisfaction.
6. Cohn, M. A., Fredrickson, B. L., Brown, S. L., Mikels, J. A., & Conway, A. M.
7. Hope.
8. Elik, D. A., Etin, F., & Tutkun, E. ^C
9. Self-control.
10. Campbell, K. N.
11. Depression.
12. Sidheek, K. F., Satyanarayana, V. A., Sowmya, H. R., & Chandra, P. S.
13. Anxiety.
14. Depression.
15. Poudel-Tandukar, K., Chandler, G. E., Jacelon, C. S., Gautam, B., Bertone-Johnson, E. R., & Hollon, S. D.
16. Suicidal thoughts.
17. Harris, K., Gooding, P., Haddock, G., & Peters, S.
18. Chronic pain.
19. Ankawi, B., Slepian, P. M., Himawan, L. K., & France, C. R.

دغدغه‌های پژوهشگران به‌ویژه روانشناسان مثبت‌نگر بوده است. بررسی آرای پژوهشگران در حوزه تاب‌آوری (استامپ، ۲۰۱۳؛ کانر و دیویدسن، ۲۰۰۳؛ ماستن، ۲۰۰۷؛ مک کوپین، ۱۹۹۶؛ هولینگ، ۱۹۷۳ به نقل از احمدی، ۱۳۹۹)، نشان داد عناصر موجود در مفهوم تاب‌آوری، شامل ۶ مؤلفه تحمل‌پذیری، انطباق، بازگشت، سازگاری، افزایش ظرفیت و تغییر و بازسازی است. بررسی تعاریف برخی نظریه‌پردازان تاب‌آوری (استامپ، ۲۰۱۳؛ ماستن، ۲۰۰۱؛ ورنر، ۱۹۹۷ به نقل از حبیب‌اللهی، ۱۴۰۰) از چهار عنصر اساسی: بازگشت، تحمل‌پذیری، انعطاف و تغییر در این تعاریف حکایت دارد. بونیول و توناریو^۱ (۲۰۱۹) در طی چند دهه تحقیق درباره افراد تاب‌آور، به شناسایی مؤلفه‌های اصلی تسهیل‌کننده تاب‌آوری پرداخته‌اند. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: قالب‌بندی دوباره، تجربه هیجان‌های مثبت، شرکت در فعالیت‌های بدنی، حمایت اجتماعی مورد اعتماد، بهره‌گیری از توانمندی‌های شخصی و صحیح و خوش‌بینی. کومار^۲ (۲۰۱۶) در کتاب راهنمای تاب‌آوری روان‌شناختی به بررسی ابعاد مختلف تاب‌آوری پرداخته است. همچنین، بیکسترا و همکاران^۳ (۲۰۱۰) با بررسی مؤلفه‌های تاب‌آوری فردی و اجتماعی به شبکه‌های اجتماعی و حمایتی مانند چشم‌انداز مثبت، یادگیری، تجربیات اولیه، محیط و سبک زندگی، زیرساخت و خدمات پشتیبانی، احساس هدف، اقتصاد متنوع و نوآورانه، پذیرش تفاوت‌ها، باورها و رهبری اشاره می‌کند که در فرایند ایجاد تاب‌آوری نقش دارند. گلدستاین و بروکز^۴ (۲۰۲۳) نیز به تبیین ماهیت تاب‌آوری در کودکان پرداخته و تلاش کرده است تا به ابعاد و زوایای مختلف تاب‌آوری در کودکی بپردازد.

در حوزه پژوهش‌های دینی پیرامون تاب‌آوری، پسندیده (۱۳۹۵) با بررسی متون قرآنی و حدیثی پنج شاخص انعطاف، استقامت، شجاعت، خویشتن‌داری و پذیرش را در زمره مؤلفه‌های تعیین‌کننده تاب‌آوری دانسته است. احمدی (۱۳۹۹)، با طرح این سؤال که «آیا صبر همان تاب‌آوری است؟» به مفهوم‌سازی کاربردی صبر برای شرایط بحرانی پرداخته است. همچنین حبیب‌اللهی (۱۴۰۰)، با بررسی مؤلفه‌های تاب‌آوری از منظر قرآن و روایات، به چهار مؤلفه تحمل، انعطاف، تغییر و بازگشت اشاره کرده است. خطیب، آذربایجانی، پسندیده، جان بزرگی و طباطبایی (۱۴۰۱) تاب‌آوری را به عنوان یکی از مقوله‌های بُعد پیامدهای الگوی

1. Boniwell, I., & Tunariu, A. D.

2. Kumar, U.

3. Buikstra, E., Ross, H., King, C. A., Baker, P. G., Hegney, D., McLachlan, K., & Rogers Clark, C.

4. Goldstein, S., & Brooks, R. B.

مقابله دینی با استرس بر اساس آموزه های قرآن کریم بحث و بررسی کرده اند. یکی از دیدگاه هایی که سازه تاب آوری را به روشنی مفهوم سازی کرده است، دیدگاه دینی است. بر اساس آموزه های دینی، تاب آوری به معنای «توان بازگشت به سطح کارکرد اولیه (بهبود)، تداوم در فقدان آشفتگی (پایداری) و علاوه بر آن، بازسازی مثبت شرایط تجربه شده (رشد)» است (خطیب و همکاران، ۱۴۰۱). مطابق با آموزه های اسلامی، سه موقعیت «نعماء»، «قضاء» و «بلاء» با سه مفهوم «شکر»، «رضا» و «صبر» هم نشین است. شکر، بهترین واکنش به نعماء، رضا، بهترین واکنش به قضاء و صبر، بهترین واکنش به بلاء است^۱ (پسندیده، ۱۳۹۵). اما شایع ترین واکنش انسان در برابر بلایا، «بی تابی» یا به تعبیر آموزه های دینی، «جزع» است^۲ (معارج: ۱۹ و ۲۰). از آنجاکه بی تابی سازمان روانی انسان را نامتعادل می سازد، انسان تلاش می کند تا از بی تابی روی برگرداند و «تاب آوری» را که در نقطه مقابل جزع و بی تابی قرار دارد و در آموزه های اسلامی تحت عنوان «صبر» از آن یاد می شود^۳ (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۰؛ صدوق، ۱۴۰۸، ص ۱۱۳)، پرورش دهد. مطابق دیدگاه دینی، «تاب آوری» در مفهوم «صبر» تجلی می یابد و مفهوم شناسی می شود که بهترین واکنش در برابر بلایا و ناملایمات است. صبر، یکی از اساسی ترین مفاهیم در آموزه های دینی است که در قرآن کریم با تعبیر «عزم در امور»^۴ و در آموزه های حدیثی با تعبیر «سَرآمد ایمان» از آن یاد شده است^۵ (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۸۷) و نقشی مهم در تنظیم رفتار انسان و سازگاری با محیط پیرامونی دارد.

۱. إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاءُهُ يَقُولُ: وَ عِزِّي وَ جَلَالِي، مَا خَلَقْتُ مِنْ خَلْقٍ خَلَقًا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ، وَلَذَلِكَ سَمَّيْتُهُ بِاسْمِي مُؤْمِنًا.. فَلْيَرْضَ بِقَضَائِي، وَ لْيَصْبِرْ عَلَى بَلَائِي، وَلْيَشْكُرْ نِعْمَائِي، أَكْتُبُهُ يَا مُحَمَّدُ مِنَ الصَّادِقِينَ عِنْدِي (طبرسی، ۱۴۱۸، ص ۳۳).
 ۲. إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا (معارج: ۱۹ و ۲۰).

۳. الصَّبْرُ وَ جَدُّهُ الْحَزَنُ (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۰؛ صدوق، ۱۴۰۸، ص ۱۱۳)؛ مَنْ لَمْ يَنْجِهِ الصَّبْرُ أَهْلَكَهُ الْحَزَنُ (سیدرضی، ۱۴۱۴) الإمام علی (ع): بالصَّبْرِ يَنَاضِلُ الْحَدَثَانِ، الْحَزَنُ مِنْ أَنْوَاعِ الْحِرْمَانِ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۱۱).
 ۴. خداوند متعال در آیه ۱۷ سوره لقمان می فرماید: «وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»؛ و بر آسبایی که بر تو وارد آمده است شکیبا باش. این [حاکمی] از عزم [و اراده تو در] امور است». برخی مفسران معتقدند کلمه «ذلک» در فراز «إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» به صبر اشاره دارد و صبر از «عزم امور و کارهای مهم» دانسته شده است و استفاده از کلمه اشاره «ذلک» که برای اشاره به دور است و نه «هذا» که برای اشاره به نزدیک است، بدین جهت است که به اهمیت صبر اشاره کرده باشد و جایگاه بلند صبر را رسانده باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۱۸).

۵. امام صادق (ع): الصَّبْرُ رَأْسُ الْإِيمَانِ (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۸۷)؛ امام صادق (ع): الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ، فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ، كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيمَانُ (همان)؛ الصَّبْرُ فِي الْأُمُورِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ، فَإِذَا فَارِقَ الرَّأْسُ الْجَسَدَ، فَسَدَ الْجَسَدُ، وَإِذَا فَارِقَ الصَّبْرُ الْأُمُورَ، فَسَدَتِ الْأُمُورُ (همان، ص ۹۰).

این یافته‌ها از جایگاه بلند مفهوم تاب‌آوری در آموزه‌های دینی و غنای مفهومی بالایی آن در متون اسلامی حکایت دارد، اما این خلأ در پژوهش‌های صورت گرفته وجود دارد که برخی از این پژوهش‌ها، تاب‌آوری را در ضمن الگوهای دیگر و صرفاً با بررسی برخی از ابعاد تاب‌آوری ارائه داده‌اند (برای نمونه پسندیده، ۱۳۹۵؛ خطیب و همکاران، ۱۴۰۱)، برخی پژوهش‌ها، صرفاً به مفهوم‌سازی اولیه با بررسی تطبیقی این مفهوم با برخی مفاهیم دینی از جمله صبر و حلم پرداخته‌اند (برای نمونه احمدی، ۱۳۹۹؛ حبیب‌اللهی، ۱۴۰۰)، برخی تحقیقات، از روش‌های کیفی نظام‌مند و ساختاریافته در گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده نکرده‌اند (برای نمونه، حبیب‌اللهی، ۱۴۰۰)، برخی مطالعات، در مفهوم‌سازی دینی از تاب‌آوری فقط به نقش ایمان در شکل‌گیری آن اشاره کرده‌اند (برای نمونه میرزایی و باقری، ۱۳۹۹)، و در نهایت برخی دیگر، اگرچه در پی ارائه مفهومی دینی از تاب‌آوری بوده‌اند، اما از متون دینی در تبیین آن بهره کافی نبرده‌اند. وجه تمایز این پژوهش آن است که مفهوم‌سازی تکامل یافته‌تری از سازه تاب‌آوری دینی نسبت به سایر پردازش‌های مفهومی ارائه دهد.

غنای مفهومی سازه تاب‌آوری و اثربخشی آن در کاهش آسیب‌های روانی از یک سو و پژوهش‌های اندک در حوزه شناسایی مؤلفه‌های تاب‌آوری مبتنی بر آموزه‌های اسلامی از سوی دیگر موجب شد تا این پژوهش با هدف شناسایی مؤلفه‌های روان‌شناختی تاب‌آوری دینی بر اساس آموزه‌های اسلامی صورت گیرد.

روش تحقیق

در این پژوهش، در جهت تحلیل نظام‌مند داده‌ها از روش «نظریه داده بنیاد»^۱ استفاده شده است. در این روش، تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس فرایند «کدگذاری»^۲، شامل سه مرحله «کدگذاری باز»^۳، «کدگذاری محوری»^۴ و «کدگذاری گزینشی»^۵ صورت می‌گیرد (چارمز، ۲۰۱۷)

1. Grounded Theory.

2. Coding.

3. Open Coding.

4. Axial Coding.

5. Selective Coding.

6. Charmaz, K.

و در این فرایند، سه عنصر اساسی «مفهوم»^۱، «مقوله»^۲ و «بُعد»^۳ پدیدار می شود (کُربین و استراوس^۴، ۲۰۱۵، ص ۲۲۲). درواقع، چند «کُد» که اشاره به جنبه مشترک یک پدیده دارند، عنوان «مفهوم» به خود می گیرند و از ترکیب و کنار هم قرار گرفتن چند مفهوم، یک «مقوله» تشکیل می شود و وقتی مقولات اصلی در مرحله کدگذاری محوری به شیوه های گوناگون یا یکدیگر قیاس و در ارتباط قرار داده می شوند، مرحله تازه ای آغاز می شود و با بالاتر رفتن سطح داده ها، به سوی «بُعد» پیش می رود (اسپیالی و کارپنتر^۵، ۲۰۰۷، ص ۱۴۵). در پژوهش حاضر، با مطالعه آساند (آیات قرآن کریم و احادیث اسلامی)، داده های مرتبط با موضوع پژوهش استخراج و کدگذاری اولیه انجام شد. سپس مبتنی بر برداشت تیم پژوهش، فرایند کدگذاری های باز، محوری و گزینشی انجام و مفاهیم در قالب مقوله ها و مقوله ها در قالب ابعاد، دسته بندی شد. منبع اصلی این پژوهش، قرآن کریم و کتاب های حدیثی معتبر بود که عمدتاً تا قرن پنجم هجری نگارش یافته است. اعتبار متن قرآن، با توجه به تواتر آن (بابائی، ۱۳۹۴، ص ۵۵؛ توفیقی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۰) و اعتبار متون حدیثی، با اتخاذ رویکرد «وثوق صدوری» و با بررسی چهار محور «سند»، «منبع»، «محتوا» و «قرینه» (طباطبایی، ۱۳۹۵ و ربانی بیرجندی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۵)، احراز شده است. در بررسی سند روایات که اساسی ترین امر در اطمینان به صدور حدیث از معصوم است، از روش «اعتبارسنجی اسانید» (شبییری زنجان، ۱۳۹۷)، در بررسی منبع روایات، از «معیار درجه بندی مصادر حدیثی» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۵) و در بررسی محتوا و قراین روایات نیز، از دانش «فقه الحدیث»، بهره گرفته شده و محتوا و قراین در قالب «مفهوم شناسی» (مسعودی، ۱۳۹۶)، بررسی شده است. نمونه پژوهش، شامل گزاره های توصیفی و تبیینی مرتبط با حوزه معنایی تاب آوری در منابع پیش گفته بود که به شکل هدفمند انتخاب شد. نمونه های پژوهش به واسطه سه دسته ابزار، گردآوری شدند: (۱) کتاب: شامل قرآن کریم و کتاب های حدیثی؛ (۲) نرم افزار: شامل نرم افزارهای جامع التفاسیر، جامع الاحادیث و کتابخانه جامع احادیث شیعه و اهل سنت؛ (۳) وبگاه: شامل پایگاه های معتبر علمی که محتوای کتاب های ذکر شده را دارا بودند.

1. Concept.

2. Category.

3. Dimension.

4. Corbin, J & Strauss, A.

5. Speziale, H. S & Carpenter, D. R.

به منظور بررسی میزان موثق بودن^۱ نتایج کیفی، از معیارهای «اعتمادپذیری»^۲، «انتقال‌پذیری»^۳، «تأییدپذیری»^۴ و «اتکاپذیری»^۵ استفاده شد (تدلی و تشکری^۶، ۲۰۰۹، ص ۳۱). برای دستیابی به معیار «اتکاپذیری» داده‌ها و کمی‌سازی آن، دو شیوه «شاخص روایی محتوا»^۷ و «نسبت روایی محتوا»^۸ (پالیت، بک و اون^۹، ۲۰۰۷)، ملاک عمل قرار گرفت. در پژوهش حاضر، جهت بررسی «شاخص روایی محتوای الگوی مفهومی تاب‌آوری دینی»، از ۱۰ کارشناس خواسته شد مطابقت هر یافته با مستندات را از «۱ = مطابق نیست»، «۲ = نسبتاً مطابق است»، «۳ = مطابق است» تا «۴ = کاملاً مطابق است» مشخص کنند. با توجه به فرمول محاسبه شاخص روایی محتوا ($N/n_{3\&4}=CVI$)، حداقل مقدار قابل قبول برای شاخص روایی محتوا، برابر با ۰/۷۸ است (پالیت و بک، ۲۰۰۶). همچنین، جهت بررسی «نسبت روایی محتوای الگوی مفهومی تاب‌آوری دینی»، از ۱۰ کارشناس اسلامی - روان‌شناسی خواسته شد تا هریک از یافته‌ها را بر اساس مقیاس لیکرت سه‌درجه‌ای؛ «۱ = ضروری نیست»، «۲ = ضروری نیست ولی مفید است» و «۳ = ضروری است»، طبقه‌بندی کنند. با توجه به فرمول محاسبه نسبت روایی محتوا ($CVR = \frac{n-1/2}{N/2}$) و تعداد کارشناسان این مرحله (۱۰ نفر)، حداقل مقدار شاخص روایی محتوای قابل قبول ۰/۶۲ و بیشتر است (استرینر، نورمن و کرنی^{۱۰}، ۲۰۱۵).

یافته‌های تحقیق

پس از استخراج داده‌های مرتبط با تاب‌آوری از متون اسلامی، فرایند تحلیل داده‌ها با «کدگذاری باز» (شناسایی مقوله‌ها و ابعاد)، آغاز و «کدهای باز» استخراج شد. سپس فرایند «کدگذاری محوری» (بررسی شرایط، راهبردها و پیامدها) و «کدگذاری گزینشی» (شکل

1. Trustworthiness.

2. Credibility.

3. Transferability.

4. Conformability.

5. Dependability.

6. Teddlie, C., & Tashakkori, A.

7. Content Validity Index (CVI).

8. Content Validity Ratio (CVR).

9. Polit, D. F; Beck, C. T & Owen, S. V.

10. Streiner, D. L., Norman, G. R., & Cairney, J.

دادن نظریه حول مقوله مرکزی) اجرا شد و بُعد «مؤلفه های تاب آوری دینی» به عنوان یکی از ابعاد پنج گانه الگوی مفهومی تاب آوری دینی، در ۶ مقوله «شجاعت»، «خودمهارگری»، «انعطاف پذیری»، «پایداری»، «پذیرش» و «خردمندی» استخراج شد.

برای درک بهتر فرایند کدگذاری و نحوه دستیابی به مؤلفه های تاب آوری دینی، مقوله «شجاعت» را که یکی از مؤلفه های تاب آوری دینی است از مراحل اولیه کدگذاری تا مرحله دستیابی به تمامی مؤلفه ها، بررسی و واکاوی می کنیم. از آنجاکه در فرایند استخراج داده ها، متون اسلامی مبنای پژوهش قرار گرفت، گزاره های دینی (آیات یا روایات) که دارای مضامین تاب آوری بودند «کدهای اولیه» را تشکیل دادند. بر این اساس، گزاره هایی مانند «صبر، شجاعت است»^۱ (سیدرضی، ۱۴۱۴) به عنوان کد اولیه ما را به مفهوم «صبر معادل شجاعت» رساند. سپس رابطه میان مفاهیم استخراج شده بررسی شد و با غربالگری اولیه، موارد هم معنا که در یک حوزه معنایی بودند، کنار هم قرار گرفتند. برای نمونه کد اولیه «شجاعت، ساعتی صبر کردن است»^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۱۱) ما را به مفهوم «شجاعت متضمن صبر»، رهنمون ساخت. با سرند کردن این مفاهیم، «شجاعت» به عنوان یک «مقوله» و جزء سازنده تاب آوری شناسایی شد. به همین نحو سایر مقوله هایی که اجزای سازنده سازه تاب آوری به شمار می آمدند شامل «خودمهارگری»، «انعطاف پذیری»، «پایداری»، «پذیرش» و «خردمندی» استخراج شد و بُعد «مؤلفه های تاب آوری» را شکل داد. در ادامه، مستندات دینی، مفهوم پردازی و مقوله بندی بُعد «مؤلفه های تاب آوری دینی» در قالب جداول ۱ و ۲ ارائه شده است.

جدول ۱: مستندات دینی مفاهیم بُعد مؤلفه های تاب آوری دینی

مفهوم	مستند دینی
صبر معادل شجاعت	الإمام علی عليه السلام: الصَّبْرُ شَجَاعَةٌ (سیدرضی، ۴۱۴۱)
شجاعت، متضمن صبر	الإمام علی عليه السلام: الشَّجَاعَةُ صَبْرٌ سَاعَةً (مجلسی، ۳۰۴۱، ج ۸۷، ص ۱۱)

۱. الصَّبْرُ شَجَاعَةٌ.

۲. الشَّجَاعَةُ صَبْرٌ سَاعَةً.

مهار خود در برابر ناخوشایندها	عیسی علیه السلام : إِنْكُمْ لَا تُدْرِكُونَ مَا تُحِبُّونَ إِلَّا بِصَبْرِكُمْ عَلَى مَا تَكْرَهُونَ (شهید ثانی، ۲۱۴۱، ص ۸۴)
مهار خود در برابر خوشایندها	الإمام علی علیه السلام : الصَّبْرُ صَبْرَانِ: صَبْرٌ عَلَى مَا تَكْرَهُ وَ صَبْرٌ عَمَّا تُحِبُّ (سیدرضی، ۴۱۴۱)
انعطاف پذیری مؤمن در حوادث	قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله : مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ تُكْفَمُهَا الرِّيحُ كَذَا وَ كَذَا، وَ كَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ تُكْفَمُهُ الْأَوْجَاعُ وَ الْأَمْرَاضُ، وَ مَثَلُ الْمُتَأَفِّقِ كَمَثَلِ الْإِرْزَاقَةِ الْمُسْتَقِيمَةِ الَّتِي لَا يَصِيبُهَا شَيْءٌ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ، فَيَقْصِفُهُ قُضَاءُ (كلینی، ۸۸۳۱، ج ۲، ص ۷۵۲). قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله : مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ؛ مِنْ حَيْثُ أَتَتْهَا الرِّيحُ كَفَّتْهَا، فَإِذَا سَكَتَتْ اعْتَدَلَتْ، وَكَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ يَكْفَأُ بِالْبَلَاءِ. وَ مَثَلُ الْفَاجِرِ كَالْأَرْزَةِ صَمَاءٌ مُعْتَدِلَةٌ، حَتَّى يَقْصِمَهَا اللَّهُ إِذَا شَاءَ (متقی هندی، ۷۹۳۱، ج ۱، ص ۸۴)
استقامت در حوادث	ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (نحل: ۱۱۰) الَّذِينَ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ وَالتَّحِيْمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (حج: ۳۵) وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا دُوْ حَظٌّ عَظِيمٌ؛ (فصلت: ۳۴ و ۳۵)
تسلیم و رضامندی در گرفتاری ها	الإمام علی علیه السلام : إِنَّ لِلنَّكَابَاتِ غَايَاتٍ لَا يَبْدُ أَنْ يَنْتَهِيَ إِلَيْهَا، فَإِذَا حُكِمَ عَلَى أَحَدِكُمْ بِهَا فَلْيَتَطَاطَأْهَا وَ يَصْبِرْ حَتَّى يَجُوزَ؛ فَإِنَّ إِعْمَالَ الْحِيلَةِ فِيهَا عِنْدَ إِقْبَالِهَا زَائِدٌ فِي مَكْرُوهِهَا (مجلسی، ۳۰۴۱، ج ۸۶، ص ۵۹) وَ يَسِّرُ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ (بقره، ۵۵۱ و ۶۵۱). الإمام الكاظم علیه السلام : يَا هِشَامُ، اصْبِرْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ اصْبِرْ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ؛ فَإِنَّمَا الدُّنْيَا سَاعَةٌ، فَمَا مَضَى مِنْهَا فَلَيْسَ تَجِدُ لَهُ شُرُورًا وَ لَا حُزْنَ وَ مَا لَمْ يَأْتِ مِنْهَا فَلَيْسَ تَعْرِفُهُ، فَاصْبِرْ عَلَى تِلْكَ السَّاعَةِ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا فَكَأَنَّكَ قَدْ اغْتَبَطْتَ (مجلسی، ۳۰۴۱، ج ۱، ص ۱۵۱) الإمام الصادق علیه السلام : إِنَّا صَبَرْنَا وَ شِيعَتُنَا أَصْبَرْنَا مِتْنَا، جُعِلَتْ فِدَاكَ، كَيْفَ صَارَ شِيعَتُكُمْ أَصْبَرْنَا مِنْكُمْ؟ قَالَ: لِأَنَّا نَصْبِرُ عَلَى مَا نَعْلَمُ وَ شِيعَتُنَا يَصْبِرُونَ عَلَى مَا لَا يَعْلَمُونَ (كلینی، ۸۸۳۱، ج ۲، ص ۳۹). الإمام الصادق علیه السلام : نَحْنُ صَبَرْنَا وَ شِيعَتُنَا أَصْبَرْنَا مِتْنَا؛ وَ ذَلِكَ أَنَّا صَبَرْنَا عَلَى مَا نَعْلَمُ وَ صَبَرُوا هُمْ عَلَى مَا لَا يَعْلَمُونَ (مجلسی، ۳۰۴۱، ج ۸۶، ص ۴۸)
خردورزی در محنت ها	الإمام علی علیه السلام : يَا قَيْسُ، إِنَّ لِلْمِحَنِ غَايَاتٍ لَا يَبْدُ أَنْ تَنْتَهِيَ إِلَيْهَا، فَيَجِبُ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَنَامَ هَهَا إِلَى إِدْبَارِهَا فَإِنَّ مُكَابَدَتَهَا بِالْحِيلَةِ عِنْدَ إِقْبَالِهَا زِيَادَةٌ فِيهَا (مجلسی، ۳۰۴۱، ج ۵۷، ص ۹۷)

جدول ۲: مفاهیم و مقوله های بُعد مؤلفه های تاب آوری دینی

مفاهیم	مقوله ها	بُعد
صبر معادل شجاعت	شجاعت	مؤلفه های تاب آوری
شجاعت، متضمن صبر		
مهار خود در برابر ناخوشایندها	خودمهاری	
مهار خود در برابر خوشایندها		
انعطاف پذیری مؤمن در حوادث	انعطاف پذیری	
استقامت در حوادث	پایداری	
تسلیم و رضامندی در گرفتاری ها	پذیرش	
خردورزی در محنت ها	خردمندی	

در جهت بررسی میزان موثق بودن نتایج کیفی، از معیارهای «اعتمادپذیری»، «انتقال پذیری»، «تأییدپذیری» و «اتکاپذیری» استفاده شد. به منظور احراز معیار «اعتمادپذیری»، نتایج به تیم ناظر ارائه شد تا صحت و درستی نتایج به دست آمده را تأیید کند و در صورت لزوم، اصلاحات انجام شود. نتایج به دست آمده در هر مرحله به تأیید تیم ناظر که به جز اعضای تیم پژوهش بود، رسید و در چند مرحله اصلاحات لازم منطبق با دیدگاه ناظر انجام شد. جهت احراز معیار «انتقال پذیری»، تلاش شد گزاره ها و داده های دینی بر اساس موقعیت های مختلف و متنوع (موقعیت های جنگ و صلح، آیات مکی و مدنی، خطاب های عام و خاص و...) انتخاب شود تا تعمیم پذیری نتایج تأمین شود و به سایر موقعیت ها، زمان ها و شرایط نیز قابل تعمیم باشد. این معیار با توجه به مرور کلیه متون دینی معتبر و انتخاب داده های مرتبط با تاب آوری از تمامی موقعیت های یادآوری شده تأمین شد. برای اطمینان از معیار «تأییدپذیری»، پژوهشگر کوشید تا پیش فرض های خود را در جمع آوری داده ها دخالت ندهد. این امر با مراجعه به کتاب های تفسیری و روایی معتبر و تطبیق برداشت ها بر آراء معتبر مفسران و راویان محقق شد تا از سوگیری ها و پیش فرض ها کاسته شود. برای دستیابی به معیار «اتکاپذیری»، از ۱۰ کارشناس خواستیم تا مستندات،

مفاهیم و مقوله‌های بُعد «مؤلفه‌های تاب‌آوری دینی» برگرفته از آموزه‌های اسلامی را تایید کنند. برای اطمینان از اتکاپذیری داده‌ها و کمی‌سازی آن، دو شیوه «شاخص روایی محتوا»^۱ (CVI) و «نسبت روایی محتوا»^۲ (CVR)، ملاک عمل قرار گرفت که نتایج میزان ارتباط مستندات دینی پژوهش با مفاهیم پژوهش و سپس نتایج روایی محتوای مفاهیم و مقوله‌های بُعد مؤلفه‌های تاب‌آوری دینی در جدول‌های ۳ تا ۵ نمایش داده شده است.

در جدول ۳، میزان ارتباط مستندات دینی (آیات قرآن کریم و احادیث اسلامی) با مفاهیم بُعد مؤلفه‌های تاب‌آوری دینی مشخص شده است.

جدول ۳: میزان ارتباط مستندات دینی با مفاهیم بُعد مؤلفه‌های تاب‌آوری دینی

ردیف	مستندات دینی / مفهوم	تعداد کارشناسان موافق		تعداد کارشناسان مخالف		شاخص روایی محتوا ^۱ CVI	نسبت روایی محتوا ^۲ CVR
		مطابقت	خروج	مطابقت	خروج		
۱	مستندات دینی مفهوم: «سرعت‌بخش فعالیت‌ها»	۱۰	۱	۰	۱	۱	۰/۸
۲	مستندات دینی مفهوم: «فعالیت‌ها، حفظ من»	۱۰	۱	۰	۱	۱	۱
۳	مستندات دینی مفهوم: «میان خود در برابر ناخوشایندی‌ها»	۱۰	۱	۰	۱	۱	۱
۴	مستندات دینی مفهوم: «میان خود در برابر خوشایندی‌ها»	۱۰	۱	۰	۱	۱	۱
۵	مستندات دینی مفهوم: «تکلیف‌پذیری مؤمن در حوادث»	۱۰	۱	۰	۱	۱	۱
۶	مستندات دینی مفهوم: «استقامت در حوادث»	۱۰	۱	۰	۱	۱	۰/۸
۷	مستندات دینی مفهوم: «تکلیف‌پذیری»	۱۰	۱	۰	۱	۱	۱
۸	مستندات دینی مفهوم: «خردمندی در سخت‌ها»	۱۰	۱	۰	۱	۱	۱
۰/۶۴۵							

در جدول ۴، نتایج بررسی میزان مطابقت و ضرورت مفاهیم بُعد مؤلفه‌های تاب‌آوری دینی گزارش شده است.

ردیف	مفاهیم	تعداد کارشناسان موافق		تعداد کارشناسان مخالف		شاخص روایی محتوا ^۱ CVI	نسبت روایی محتوا ^۲ CVR
		مطابقت	خروج	مطابقت	خروج		
۱	سرعت‌بخش فعالیت‌ها	۱	۱	۱	۱	۰/۹	۰/۸
۲	فعالیت‌ها، حفظ من	۱	۱	۰	۱	۰/۹	۱
۳	میان خود در برابر ناخوشایندی‌ها	۱	۱	۰	۱	۱	۰/۸
۴	میان خود در برابر خوشایندی‌ها	۱	۱	۰	۱	۱	۱
۵	تکلیف‌پذیری مؤمن در حوادث	۱	۱	۰	۱	۱	۱
۶	استقامت در حوادث	۱	۱	۰	۱	۱	۰/۸
۷	تکلیف‌پذیری	۱	۱	۰	۱	۱	۱
۸	خردمندی در سخت‌ها	۱	۱	۰	۱	۱	۱
CVI و CVR میانگین کل							

1. Content Validity Index.

2. Content Validity Ratio.

در جدول ۵ نتایج بررسی میزان مطابقت و ضرورت مقوله های بُعد مؤلفه های تاب آوری دینی گزارش شده است.

ردیف	مقوله ها	اندازه کل مقوله های تاب آوری		اندازه کل مقوله های معنایی		مطابقت و ضرورت مقوله های تاب آوری	
		مطابقت	ضرورت	مطابقت	ضرورت	CVR%	CVR%
۱	شجاعت	۸	۶	۲	۱	۸۵	۸۵
۲	خودمهارگری	۶	۶	۱	۰	۶۱	۶۱
۳	انضباط دینی	۶	۶	۰	۰	۶۱	۶۱
۴	پایداری	۶	۶	۰	۱	۶۱	۶۱
۵	پندیری	۶	۶	۰	۰	۶۱	۶۱
۶	خودمندی	۶	۶	۰	۰	۶۱	۶۱
		میانگین کل CVR و CVR				۶۷۸	۶۷۸

همان طور که در جداول ۳ تا ۵ نمایان است روایی محتوای مستندات دینی، از وضعیت مطلوبی برخوردار است؛ به طوری که نمره هر یک از مستندات دینی، مفاهیم و مقوله ها و نیز نمره کل آنان در شاخص CVI، بالاتر از مقدار CVI بحرانی، یعنی ۷۸/۰ است. بنابراین، مطابقت همه مستندات دینی، مفاهیم و مقوله های بُعد مؤلفه های تاب آوری دینی، تأیید شد. از سوی دیگر، طبق نتایج جداول یادشده، نمره هر یک از مستندات دینی، مفاهیم، مقوله ها و ابعاد و نیز نمره کل آنان در شاخص CVR، بالاتر از میزان لازم یعنی ۶۲/۰ گزارش شده است. ازاین رو، ضرورت همه مستندات دینی، مفاهیم، مقوله های بُعد مؤلفه های تاب آوری دینی، احراز شد.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه های روان شناختی تاب آوری دینی براساس آموزه های اسلامی انجام شد. یافته های پژوهش نشان داد که بُعد «مؤلفه های تاب آوری دینی» متشکل از شش مقوله «شجاعت»، «خودمهارگری»، «انعطاف پذیری»، «پایداری»، «پذیرش» و «خردمندی» است.

یافته های این پژوهش با یافته های برخی پژوهش های صورت گرفته همسو است. برای نمونه یافته های این پژوهش با نتایج پژوهش پسندیده (۱۳۹۵)، احمدی (۱۳۹۹) و حبیب اللهی (۱۴۰۰)، همسویی مناسبی دارد. اگرچه انطباق دقیقی در نام گذاری بین مؤلفه های این پژوهش با پژوهش های صورت گرفته وجود ندارد، اما مؤلفه های «شجاعت»،

«خودمهارگری»، «انعطاف‌پذیری»، «پایداری»، «پذیرش» در پژوهش‌های پیشین وجود دارد و این پژوهش «خردمندی» را به مؤلفه‌های تاب‌آوری اضافه کرده است.

یافته‌های مربوط به هر یک از مقوله‌های شش‌گانه «مؤلفه‌های تاب‌آوری دینی» را می‌توان از منظری دینی- روان‌شناختی تبیین کرد. «شجاعت»، به عنوان اولین مؤلفه تاب‌آوری و بیانگر جنبه هیجانی آن، به معنای «اعمال اراده برای دستیابی به اهداف، علی‌رغم مخالفت‌های درونی و بیرونی» است (خطیب، ۱۴۰۲). با توجه به آنکه در مفهوم‌سازی تاب‌آوری از سازه صبر بهره گرفته شده است، در برخی از متون حدیثی، از صبر به شجاعت یاد شده^۱ (سیدرضی، ۱۴۱۴) و در برخی دیگر، شجاعت، متضمن صبر دانسته شده است^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۱۱). وجود مؤلفه شجاعت در سازه تاب‌آوری، توان مواجهه فرد با ابتلائات، مشکلات، سختی‌ها و ناملازمات را افزایش می‌دهد. شخص تاب‌آور می‌تواند مؤلفه‌های هیجانی و رفتاری ترس را از یکدیگر جدا کرده و در مقابل پاسخ رفتاری گریز، مقاومت کند و علیرغم ناراحتی ناشی از واکنش‌های ذهنی و جسمی، با موقعیت ترسناک مواجه شود. شجاعت در طول تاریخ از شجاعت در میدان نبرد یا شجاعت جسمی به شجاعت اخلاقی و شجاعت روان‌شناختی توسعه پیدا کرده است (پیترسن و سلیگمن^۳، ۲۰۰۴).

«خودمهارگری» دومین مؤلفه تاب‌آوری است و حکایت از جنبه بازدارنده آن دارد. خودمهارگری در تاب‌آوری از یکسو مهار خود در برابر خوشایندها و از سوی دیگر مهار خود در برابر ناخوشایندها است^۴ (سیدرضی، ۱۴۱۴) و دستیابی به خوشایندها جز با خودمهارگری در برابر ناخوشایندها حاصل نمی‌شود^۵ (شهید ثانی، ۱۴۱۲، ص ۴۸). تاب‌آوری با وجود هسته خودمهارگری، به اعمال کنترل بر پاسخ‌ها (شامل افکار، هیجانات، تکانه‌ها، عملکردها و سایر رفتارها) به منظور پیگیری اهداف و زندگی کردن مطابق با معیارها (شامل آرمان‌ها، احکام اخلاقی، هنجارها، اهداف عملکردی و انتظارات)، کمک فراوانی می‌کند (پیترسن و سلیگمن، ۲۰۰۴) و افراد را قادر می‌سازد تا بر ابعاد فردی و اجتماعی زندگی خود، مهار ارادی داشته باشند.

۱. الصَّبْرُ شَجَاعَةٌ.

۲. الإمام علی علیه السلام: الشَّجَاعَةُ صَبْرٌ سَاعَةً.

3. Peterson, C., & Seligman, M. E.

۴. الإمام علی علیه السلام: الصَّبْرُ صَبْرَانِ: صَبْرٌ عَلَى مَا تَكْرَهُ وَ صَبْرٌ عَمَّا تُحِبُّ.

۵. عیسی علیه السلام: إِنْ كُمْ لَا تُدْرِكُونَ مَا تُحِبُّونَ إِلَّا بِصَبْرِكُمْ عَلَى مَا تَكْرَهُونَ.

«انعطاف پذیری» به عنوان سومین مؤلفه تاب آوری به معنای «انطباق پذیری با موقعیت ناخوشایند به عنوان یک واقعیت» است. در برخی از روایات، به لزوم انعطاف در برابر بلاها اشاره شده و مؤمن به خوشه گیاهی تشبیه شده است که در برابر بلاها نرم و منعطف است^۱ (متقی هندی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۱۴۷ و ۱۴۸). از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که آن حضرت فرمود: حکایت مؤمن، حکایت کاشته ای تروتازه است که از هر طرف باد بر آن بوزد خمیده اش می کند و چون باد بایستد راست می شود. بدین سان مؤمن نیز با بلا کج و خمیده می شود [اما] فاجر مانند درخت صنوبر است که سخت و راست است تا هرگاه که خداوند خواهد و آن را بشکند^۲ (ترمذی، ۱۳۹۵، ج ۵، ص ۱۵۰). فرد تاب آور، در برابر مشکلات نمی ایستد؛ بلکه خود را با وضعیت جدید، هماهنگ می سازد و انطباق می دهد.

«پایداری»، به عنوان چهارمین مؤلفه تاب آوری و عنصر زمانی آن، به معنای «استمرار ارادی کنش هدفمند، علی رغم موانع و سختی ها» است. از این رو، پایداری تابعی از دو مؤلفه «تحمل» و «تداوم» است و پایداری در نتیجه «تحمل سختی در دستیابی به هدف» و «تداوم آن در طی زمان» حاصل می شود (خطیب، ۱۴۰۲). برخی از روایات بر پایداری و استقامت تأکید دارند و مؤمن را در برابر بلاها از کوه و بلکه از پاره های آهن، محکم تر می داند. امام علی علیه السلام می فرماید: مؤمن از کوه محکم تر است؛ زیرا از کوه چیزی برگرفته شود، ولی از دین مؤمن چیزی برگرفته نشود^۳ (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۴۱).

«پذیرش»، پنجمین مؤلفه تاب آوری است و حکایت از پذیرش شرایط و کنار آمدن با آن دارد. فرد در وضعیت پذیرش، در مقام تسلیم و رضا و نه جزع و سخط قرار دارد. مطابق با تعالیم دینی همه امور، به دست خدا است و بدون خواست و اراده او هیچ اتفاقی نمی افتد. مطابق با

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله: مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ؛ مِنْ حَيْثُ أَتَتْهَا الرِّيحُ كَفَّأَتْهَا، إِذَا سَكَنْتِ اعْتَدَلَتْ، وَكَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ يَكْفَأُ بِالْبَلَاءِ. وَمَثَلُ الْفَاجِرِ كَالْأَزْرِءِ صَمَاءٌ مُعْتَدِلَةٌ، حَتَّى يَقْصِمَهَا اللَّهُ إِذَا شَاءَ (متقی هندی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۱۴۸، ح ۷۳۳). پیامبر صلی الله علیه و آله: مَثَلُ الْمُؤْمِنِ مَثَلُ السُّنْبُلَةِ، تَمِيلُ أَحْيَانًا وَتَقُومُ أَحْيَانًا (متقی هندی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۱۴۷، ح ۷۳۰)؛ پیامبر صلی الله علیه و آله: مَثَلُ الْمُؤْمِنِ مَثَلُ السُّنْبُلَةِ؛ تَسْتَقِيمُ مَرَّةً وَتَحْمُرُ مَرَّةً. وَمَثَلُ الْكَافِرِ مَثَلُ الْأَزْرِءِ؛ لَا تَزَالُ مُسْتَقِيمَةً حَتَّى تَحْزَرَ وَلَا تَشْعُرُ (متقی هندی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۱۴۸، ح ۷۳۲).

۲. پیامبر صلی الله علیه و آله: مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ؛ مِنْ حَيْثُ أَتَتْهَا الرِّيحُ كَفَّأَتْهَا، إِذَا سَكَنْتِ اعْتَدَلَتْ وَكَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ يَكْفَأُ بِالْبَلَاءِ. وَمَثَلُ الْفَاجِرِ كَالْأَزْرِءِ صَمَاءٌ مُعْتَدِلَةٌ، حَتَّى يَقْصِمَهَا اللَّهُ إِذَا شَاءَ (متقی هندی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۱۴۸، ح ۷۳۳).

۳. امام علی علیه السلام: الْمُؤْمِنُ أَصْلَبُ مِنَ الْجَبَلِ، الْجَبَلُ يَسْتَقِلُّ مِنْهُ، وَالْمُؤْمِنُ لَا يَسْتَقِلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۴۱)؛ الْإِمَامُ الصَّادِقُ علیه السلام: إِنْ الْمُؤْمِنُ أَشَدُّ مِنْ زُبَيْرِ الْحَدِيدِ، إِنْ زُبَيْرِ الْحَدِيدِ إِذَا دَخَلَ النَّارَ تَغَيَّرَ، وَإِنْ الْمُؤْمِنُ لَوْ قُتِلَ ثُمَّ نُشِرَ ثُمَّ قُتِلَ لَمْ يَتَغَيَّرْ قَلْبُهُ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴، ص ۳۰۳).

همین آموزه‌ها خداوند متعال، به مصلحت بشر عمل می‌کند و هر چه از او بخواهد یا انجام دهد، به خیر اوست. پس لازمه تاب‌آوری پذیرش همه مقدرات تکوینی و تشریعی خداوند است. در حقیقت، پذیرش خواست خداوند متعال و عمل بر اساس آنکه در ادبیات دین، به «تسلیم» در برابر امر خدا از آن یاد می‌شود به کاهش رنج و احساس ناکامی و افزایش تاب‌آوری کمک می‌کند. امام صادق (ع) فرافراز «وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» را در آیه ۶۵ سوره نساء، به معنای تسلیم بودن در همه اوامر خداوند متعال دانسته است^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۰۰).

آخرین مؤلفه تاب‌آوری، «خردمندی» است که مفروض گرفتن توانمندی تاب‌آوری بدون جنبه شناختی آن یعنی خرد، فرضی ناتمام است. اگرچه تجربه رخداد‌های استرس‌زاتر در طول زمان ممکن است رشد خردمندی را تسهیل کند (هارتمن^۲، ۲۰۰۰)، اما تاب‌آوری به خودی خود برخوردار از مؤلفه خردمندی است.

پیشنهادهای پژوهش: از آنجاکه این پژوهش صرفاً بر یکی از ابعاد الگوی تاب‌آوری دینی یعنی مؤلفه‌های تاب‌آوری متمرکز بود، پیشنهاد می‌شود در رابطه با سایر ابعاد الگوی تاب‌آوری دینی همچون موقعیت‌های تاب‌آوری، عوامل توانمندساز و بازدارنده تاب‌آوری، راهکارهای تاب‌آوری و پیامدهای تاب‌آوری نیز پژوهش مستقلی صورت گیرد. همچنین ساخت ابزاری برای سنجش تاب‌آوری دینی و بسته‌های آموزشی برای پرورش تاب‌آوری دینی بر اساس آموزه‌های اسلامی، زمینه مناسبی را برای پژوهش‌های بعدی در این حوزه فراهم می‌آورد.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: اسوه.
- احمدی، خدابخش (۱۳۹۹)، «آیا صبر همان تاب‌آوری است؟ مفهوم‌سازی کاربردی صبر برای شرایط بحرانی»، *مطالعات اسلام و روانشناسی*، ۱۴ (۲۷)، ۱۶۳-۱۸۷.
- بابائی، علی اکبر (۱۳۹۴)، *قواعد تفسیر قرآن*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۵)، *الگوی اسلامی شادکامی*، قم: دارالحديث.
- تبیک، محمدتقی (۱۳۹۸)، *تدوین الگوی کشمکش‌های روانی - معنوی در جامعه ایران: روش*

۱. امام صادق (ع) لما سئل عن قوله تعالى: «وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»: هو التسليم في الأمور.

آمیخته، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۳۹۵)، **سنن الترمذی**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- توفیقی، حسین (۱۳۹۱)، **آشنایی با ادیان بزرگ**، تهران: سمت.
- چمی، محبوبه؛ زارع بهرام آبادی، مهدی؛ اصغر نژاد فرید، علی اصغر؛ شیرودی، شهره (۱۳۹۸)، «تدوین و اعتبار یابی الگوی تاب آوری خانواده مبتنی بر آموزه های قرآن»، **قرآن و طب**، ۴(۵)، ۳۰-۴۱.
- حبیب اللهی، حبیب (۱۴۰۰)، «عوامل و مؤلفه های تاب آوری از منظر قرآن و روایات»، **اخلاق**، ۱۱(۴۳)، ۱۱-۴۳.
- خطیب، سید مهدی (۱۴۰۲)، **صفات مثبت در روانشناسی مثبت‌گرا و مقایسه آن با دیدگاه اسلام**. قم: دارالحديث (منتشر نشده).
- خطیب، سید مهدی؛ آذربایجانی، مسعود؛ پسندیده، عباس؛ جان بزرگی، مسعود؛ رسول‌زاده طباطبایی، سید کاظم (۱۴۰۱)، «تدوین الگوی مفهومی مقابله دینی با استرس بر اساس آموزه های قرآن کریم: نظریه داده بنیاد»، **روان‌شناسی فرهنگی**، ۶(۱)، ۴۶-۷۵.
- ربانی بیرجندی، محمدحسن (۱۳۷۸)، «وثوق صدوری و وثوق سندی و دیدگاه‌ها»، **فقه**، ۱۹ و ۲۰ (۱)، ۱۴۵-۲۰۷.
- شبیری زنجانی، سیدموسی (۱۳۹۷)، «کامل الزیارات و شهادت ابن قولویه به وثاقت راویان»، **پژوهش‌های رجالی**، ۱(۱)، ۷-۲۹.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۲)، **مسکن الفؤاد**، قم: مؤسسة آل البيت (ع).
- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی (۱۴۰۸)، **خصال**. قم: کتابفروشی اسلامیة.
- طباطبایی، سمانه السادات و سرفرازی، الهه (۱۴۰۱)، «اثربخشی آموزش مهارت تاب آوری اسلامی بر نگرش والدینی و احساس گناه مادران دارای فرزند نابینا»، **مطالعات اسلامی ایرانی خانواده**، ۲(۲)، ۵۸-۷۲.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه محمدباقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، سید محمدکاظم (۱۳۹۰)، **منطق فهم حدیث**، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- طباطبایی، سید محمدکاظم (۱۳۹۵)، **اعتبار سنجی متون حدیثی**، قم: دارالحديث (منتشر نشده).
- طبرسی، علی بن الحسن (۱۴۱۸)، **مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار**، قم: دار الحديث.
- غلامی کیا، مصطفی؛ کرمی، جهانگیر؛ گودرزی، محمود (۱۴۰۱)، **مدل تاب آوری خانواده بر اساس میزان تمایز یافتگی خود و سلامت خانواده اصلی با نقش میانجی تنظیم هیجان**، سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۶ (۱)، ۴۶۲-۴۷۰.

- قادری، زهره؛ صادق‌نیا، مه‌راب؛ کرمی‌پور، الله‌کرم (۱۴۰۱)، «نقش تاب‌آوری روانی در رضایتمندی از منظر آموزه‌های قرآن کریم»، *پژوهش‌های ادیانی*، ۱۰ (۱۹)، ۵۲-۷۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸)، *الکافی*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مسعودی، عبدالهادی (۱۳۹۶)، *روشن فهم حدیث*، تهران: سمت.
- میرزایی، رضا و باقری، لیلیا (۱۳۹۹)، «تاب‌آوری از دیدگاه روانشناسی جدید و نقش ایمان به آموزه‌های دینی در آن»، *مطالعات اسلامی در حوزه سلامت*، ۴ (۲)، ۳۷-۴۶.
- Ankawi ,B ,Slepian ,P .M ,Himawan ,L .K & ,France ,C .R.(2017) . Validation of the pain resilience scale in a chronic pain sample .The Journal of Pain.984-993 ,(8)18 ,
- Anthony ,E .J & ,Cohler ,B .J) .Eds .(1987) .(The invulnerable child. Guilford Press.
- Buikstra ,E ,Ross ,H ,King ,C .A ,Baker ,P .G ,Hegney ,D ,McLachlan, K & ,Rogers-Clark ,C .(2010) .The components of resilience—Perceptions of an Australian rural community .Journal of Community Psychology,(8)38 , 975-991
- Campbell ,K .N .(2014) .Resilience and self-control among Georgia Southern Students :a comparative study between ROTC Students and NonROTC students.
- Çelik, D. A., Çetin, F., & Tutkun, E. (2015). The role of proximal and distal resilience factors and locus of control in understanding hope, self-esteem and academic achievement among Turkish pre-adolescents. *Current Psychology*, 34, 321-345.
- Charmaz, K. (2017). The power of constructivist grounded theory for critical inquiry. *Qualitative inquiry*, 23(1), 34-45.
- Cohn, M. A., Fredrickson, B. L., Brown, S. L., Mikels, J. A., & Conway, A. M. (2009). Happiness unpacked: positive emotions increase life satisfaction

by building resilience. *Emotion*, 9(3), 361.

- Connor, K. M., & Davidson, J. R. (2003). Development of a new resilience scale: The Connor-Davidson resilience scale (CD-RISC). *Depression and anxiety*, 18(2), 76-82.
- Corbin, J & ,Strauss ,A .(2015) .Basics of Qualitative Research .Thousand Oaks ,CA :Sage.
- Goldstein ,S & ,Brooks ,R .B .(2023) .Resilience in children .New York: Springer.
- Harris ,K ,.Gooding ,P ,.Haddock ,G & ,Peters ,S .(2019) .Factors that contribute to psychological resilience to suicidal thoughts and behaviours in people with schizophrenia diagnoses :qualitative study .*BJPsych open*,(5)5 , e79.
- Hartman ,P .S .(2001) .Women developing wisdom :Antecedents and correlates in a longitudinal sample .University of Michigan.
- Hefferon ,K & ,Boniwell ,I .(2011) .Positive psychology :Theory ,research and applications .McGraw-Hill Education) UK.(
- Iacoviello ,B .M & ,Charney ,D .S .(2020) .Cognitive and behavioral components of resilience to stress .In *Stress resilience*) pp .(23-31 .Academic Press.
- Kumar ,U) .Ed .(2016) .(.The Routledge international handbook of psychosocial resilience .Routledge.
- Peterson ,C & ,Seligman ,M .E .(2004) .Character strengths and virtues :A handbook and classification) Vol .(1 .Oxford University Press.
- Polit ,D .F & ,Beck ,C .T .(2006) .The content validity index :are you sure you know what's being reported ?Critique and recommendations .*Research in nursing & health*.489-497 ,(5)29 ,
- Polit ,D .F ,.Beck ,C .T & ,Owen ,S .V .(2007) .Is the CVI an acceptable indicator of content validity ?Appraisal and recommendations .*Research in*

nursing & health.459-467 ,(4)30 ,

- Poudel-Tandukar ,K ,Chandler ,G .E ,Jacelon ,C .S ,Gautam ,B ,Bertone-Johnson ,E .R & ,Hollon ,S .D .(2019) .Resilience and anxiety or depression among resettled Bhutanese adults in the United States .International Journal of Social Psychiatry.496-506 ,(6)65 ,
- Sidheek ,K .F ,Satyanarayana ,V .A ,Sowmya ,H .R & ,Chandra ,P .S .(2017)Using the Kannada version of the Connor Davidson Resilience Scale to assess resilience and its relationship with psychological distress among adolescent girls in Bangalore ,India .Asian Journal of Psychiatry.169-172 ,30 ,
- Smith ,G .D & ,Yang ,F .(2017) .Stress ,resilience and psychological well-being in Chinese undergraduate nursing students .Nurse education today,49 , 90-95
- Speziale ,H .S & ,Carpenter ,D .R .(2007) .Qualitative research in nursing 4)th ed (.Lippincott Williams & Wilkins.
- Streiner ,D .L ,Norman ,G .R & ,Cairney ,J .(2015) .Health measurement scales :a practical guide to their development and use .Oxford University Press ,USA.
- Teddlie ,C & ,Tashakkori ,A .(2009) .Foundations of mixed methods research :Integrating quantitative and qualitative approaches in the social and behavioral sciences .Sage.
- Tugade ,M .M & ,Fredrickson ,B .L .(2004) .Resilient individuals use positive emotions to bounce back from negative emotional experiences. Journal of personality and social psychology.320 ,(2)86 ,

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال دهم، شماره اول، پیاپی ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳ (ص ۱۳۹-۱۶۴)

ساخت و اعتباریابی پرسشنامه انگیزش خودمهارگری اسلامی بر مبنای مدل خودمهارگری اسلامی

Development and Validation of the Islamic Self-Regulation Motivation Questionnaire Based on the Islamic Self-Regulation Model

✉ **مهدی قاسمی مروج** / کارشناسی ارشد روان شناسی اسلامی گرایش مثبت‌گرا، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت.

حمید رفیعی هنر / عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

حسن تقییان / استادیار گروه روان شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعة المصطفی العالمیه.

Mahdi Qasemi Moravvej / Institute of Higher Education, Ethics and Education.

Mgh106936588@gmail.com

Hamid Rafi i-Honar / assistant professor, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.

hamidrafi2@gmail.com

Hassan Taqiyan / Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Humanities Higher Education Complex, Al Mustafa Al Alamiya Community.

asan.Taqiyan@miu.ac.ir

Abstract

This study intended to construct and validate the Islamic Self-Regulation Motivation Questionnaire based on the Islamic Self-Regulation Model. The survey method was as way of research, and the statistical population included individuals over 18 years old, both men and women, married and single, in Qom, Iran. 420 participants were selected using convenience sampling. The data collection tools included the Tangney Self-Regulation Scale, Schmidt's Wisdom Scale, Maldon and Ponder's scales, and the Islamic Self-Regulation Motivation Questionnaire. The results were analyzed using confirmatory factor analysis to examine construct validity, the CVI index

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ساخت و اعتباریابی پرسشنامه انگیزش خودمهارگری اسلامی بر مبنای مدل خودمهارگری اسلامی انجام شد. روش تحقیق این پژوهش «زمینه‌یابی» (پیمایشی) و جامعه آماری شامل افراد بالای ۱۸ سال، زنان و مردان، متأهل و مجرد شهر قم بود. تعداد ۴۲۰ نمونه به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. برای گردآوری داده‌های پژوهش از مقیاس خودمهارگری تانجنی، خردمندی اشمیت، مالدون و پاندروز و پرسشنامه انگیزش خودمهارگری اسلامی، استفاده شد، و نتایج با به‌کارگیری روش‌های آماری تحلیل عاملی تأییدی جهت بررسی روایی سازه، و شاخص cvi

to assess content validity, Cronbach's alpha coefficient to evaluate internal consistency, and the correlation between questionnaires to assess convergent validity. The findings indicated that (1) the fit indices of the overall self-regulation motivation construct showed that both first-order and second-order confirmatory factor analyses had a good fit. (2) The questionnaire demonstrated appropriate reliability. (3) The correlation of the Islamic self-regulation motivation variable with self-regulation and wisdom variables, as well as the positive and significant correlation between all components of the variables, indicated the convergent validity of the Islamic Self-Regulation Motivation Questionnaire. Consequently, this questionnaire can be used with appropriate reliability and validity to measure self-regulation motivation from an Islamic perspective.

KEYWORDS: Islamic Self-Regulation Motivation, self-regulation, factor structure, Islamic psychology

برای بررسی روائی محتوایی پرسشنامه، ضریب آلفای کرونباخ به منظور بررسی همسانی درونی پرسشنامه و همبستگی بین پرسشنامه‌ها به منظور بررسی روائی همگرا، تحلیل شد. بر اساس یافته‌های پژوهش (۱) شاخص‌های مناسبت مدل اندازه‌گیری کل سازه انگیزش خودمهارگری نشان داد که تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم از برازش خوبی برخوردار است. (۲) پرسشنامه از اعتبار مناسبی برخوردار است. (۳) همبستگی متغیر انگیزش خودمهارگری اسلامی با متغیرهای خودمهارگری و خردمندی، همچنین همبستگی بین همه مولفه‌های متغیرها مثبت و معنی‌دار است که نشان‌دهنده روائی هم‌گرایی پرسشنامه انگیزش خودمهارگری است. در نتیجه می‌توان از این پرسشنامه با اعتبار و روائی مناسب جهت سنجش انگیزش خودمهارگری با نگرش اسلامی استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها: انگیزش خودمهارگری اسلامی، خودمهارگری، ساختار عاملی، روانشناسی اسلامی.

مقدمه

قدرت اراده و خودمهارگری^۱ به عنوان ویژگی منحصر به فردی است که انسان را از سایر گونه‌های حیوانی متمایز می‌سازد. این ویژگی باعث می‌شود که انسان قدرت کنترل افکار، احساسات و رفتار خود را داشته باشد (کراس و میشل^۲، ۲۰۱۰، ص ۴۲۸). انسان برای تعادل و تداوم زندگی ارزشمند، نیازمند تقویت این ویژگی است. مهار ارادی افکار، احساسات و رفتار، برای موفقیت در زندگی فردی و اجتماعی، نقش بسزایی دارد. خودمهارگری عبارت است از توانایی تنظیم و مهار تعمدی، هشیار و تلاشگرانه تمایلات، رفتارها، افکار و هیجانات

1. Self-Control.

2. Kross & Mischel.

خویش؛ به گونه‌ای که مستلزم متوقف کردن هدفی برای رسیدن به هدفی با سودمندی طولانی مدت‌تر و رساندن خود تا حد معیارهایی همچون آرمان‌ها، ارزش‌ها و انتظارات اجتماعی است (رفیعی هنر، ۱۳۹۵). پژوهشگران، خودمهارگری را لازمه موفقیت در زندگی و امری حیاتی می‌دانند. به گفته برخی از پژوهشگران (تانجی^۱، ۲۰۰۴)، توانایی انسان در خودمهارگری، یکی از نیرومندترین و سودمندترین سازگاری‌های روان او به شمار می‌رود و وقتی بین «خود» و محیط، تناسبی مطلوب برقرار باشد، سالم‌ترین و شادترین افراد را خواهیم داشت. از نظر روان‌شناسانی مانند آلپورت و اریکسون، خودمهارگری ویژگی شخصیت بالنده و سالم (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۵، ص ۴۲۵) و عدم آن عاملی برای ایجاد مشکلات شخصی و بین فردی است (تانجی، بامیستر و بون^۲، ۲۰۰۴، ص ۲۷۱). مسئله خودمهارگری، از زمان فیلسوفان یونان مورد توجه بوده، و با توجه به اینکه پیش‌بینی کننده معتبری برای نتایج مهم زندگی و همچنین رفتارهای مشکل‌ساز است، امروزه در حوزه‌های مختلفی مانند اقتصاد، سیاست و فلسفه نیز مطرح است (هافمن^۳ و دیگران، ۲۰۰۹). روان‌شناسان براین باورند که خودمهارگری در سطوح شخصی، مانند خرید کردن و لخرجی، خوراک زیاد و چاقی و بیماری، و اجتماعی، مانند کنترل خود در تقلب کردن، ارتکاب جرایم و ... تأثیرگذار بوده و باعث پیشرفت فردی و اجتماعی می‌شود (مید^۴ و دیگران، ۲۰۱۰، ص ۳۷۶).

در موضوع مهار خویشتن و در پی تبیین مفهوم آن، در پژوهش‌های روان‌شناختی، اصطلاحات متنوعی به کار رفته است. از جمله مهم‌ترین این اصطلاحات، عبارتند از «خودمهارگری»، «خودنظم‌بخشی»، «بازداری پاسخ»^۵، «تأخیر ارضا» و «کنش اجرایی خود»^۶. روان آدمی دارای قابلیت شناختی برای انتخاب فعال با عنوان «کنش اجرایی خود» (داک‌ورث^۷ و دیگران، ۲۰۰۹)، است که نسبت به تنظیم خویشتن فعالیت هدفمند دارند «خودنظم‌بخشی» (مک کول^۸ و دیگران، ۲۰۰۹). افراد برای رسیدن به اهداف بالاتر و اصلاح رفتار خود نیازمند فعالیت

1. Tangney, J.P.

2. Baumeister & Boone.

3. Hofmann, W.

4. Mead, N.L.

5. Respons Inhibition.

6. Executive Functioning of the self.

7. Duckworth, A. L.

8. McCullough, M. E.

و تلاش ارادی و خودتنظیم‌گر هستند. «خودمهارگری» (بارکلی^۱، ۲۰۰۴، ص ۳۰۴). برای دستیابی به این توانایی فرد ابتدا باید از ارضای فوری نیازهای خود چشم‌پوشی کند «تأخیر ارضاء» (اسکالر و هیگنر، ۲۰۱۰)، و سپس در کنار پاسخ تأخیری، در مورد اقدام به پاسخ دیگر، تصمیم‌گیری کند «بازداری پاسخ» (بارکلی، ۲۰۰۴).

یکی از مؤلفه‌های خودمهارگری، انگیزه‌های خودمهارگری است. آلپورت^۲ انگیزه را عبارت از وضعیت درونی ارگانیزم تعریف کرده است که رفتار و تفکر فرد، از آن ناشی می‌شود (خدانهای، ۱۳۸۳). مفاهیم متنوعی می‌توانند منبع ایجاد انگیزش^۳ در مهار خویشتن باشند که از لحاظ زمانی به انگیزش‌های (حال محور، گذشته محور و آینده محور) تقسیم می‌شوند. پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهد یکی از عوامل تعیین‌کننده میزان خودمهارگری افراد، میزان انگیزه آنها در این زمینه است. براساس مطالعات انجام شده، افرادی که باور دارند تلاش‌هایشان در مهار خویشتن، مفید است، در آزمون‌های خودمهارگری، در مقایسه با افراد دیگر دارای ارزش پایین، عملکرد بهتری دارند (موراو و سلساروا^۴، ۲۰۰۳). همچنین افرادی که انگیزش کافی ندارند، در تلاش خود برای خودمهارگری موفق نبودند (جی‌یر و بامیستر، ۲۰۰۵). با وجود این، به اذعان پژوهشگران، موضوع انگیزش، آن‌گونه که باید، در نظریه‌های حوزه خودمهارگری مورد توجه قرار نگرفته است (بامیستر و واس^۵، ۲۰۰۷).

درک اینکه چرا افراد می‌توانند برخی اوقات بر برخی تکانه‌ها غلبه کنند، اما در زمان‌های دیگر شکست می‌خورند، یک سؤال مهم است (آمپل و مالی^۶، ۲۰۱۶). اینکه افراد چرا به مهار خویشتن می‌پردازند در واقع برای رسیدن از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است. نیرویی که این فاصله را تنظیم می‌کند انگیزش است. انگیزش یک جنبه جدایی‌ناپذیر از خودمهارگری است. این ممکن است به دلیل حضور ذاتی آن در کنترل نفس باشد. کنترل خود، نیازمند وجود تعارض انگیزشی است (همان).

در زمینه انگیزش خودمهارگری پژوهشگران (بامیستر و واس، ۲۰۰۷)، بر این باورند

1. Barkley, R. A.

2. Allport, G.

3. Motivation.

4. Muraven, M & Slessareva, E.

5. Baumeister, R.F & Vohs, K.

6. Ampel & Malley.

که مطالعات چندانی صورت نگرفته است. این پژوهشگران، مطالعاتی در این زمینه انجام داده و برای خودتنظیمی عناصری مانند وجود استاندارد مشخص، نظارت و قدرت اراده و انگیزش را برای موفقیت در خودتنظیمی مطرح می‌کنند. از نظر این پژوهشگران، انگیزش از اهمیت بالایی برخوردار بوده و می‌تواند جایگزین اراده شود. اگر قدرت اراده (یعنی قدرت خودتنظیمی) با اقدامات قبلی کاهش یافته باشد، اگر انگیزه بالا باشد، ممکن است فرد بتواند به طور مؤثر خود را تنظیم کند (همان). انگیزش همچنین زمانی که فرد در برابر خودتنظیمی و تعارض انتخاب‌ها خسته می‌شود، تأثیرگذار است (موروان و سلساروا، ۲۰۰۳).

در زمینه مکانیزم تغییرات انگیزشی در خلال کاهش قدرت خودتنظیمی، مدل‌هایی تحت عنوان مدل فرایندی، هزینه - فرصت، منبع خودکنترلی و عاطفه مثبت مطرح شده است (آمپل، ملی و موروان، ۲۰۱۶).

مدل فرایندی پیشنهاد می‌کند که تهی شدن، محصول تغییرات گسترده سیستم در انگیزه و توجه است. اینها توجه را از تلاش برای سرکوب و کنترل و به سمت ارضای فوری هدایت می‌کند (اینزلیخت و اشمایکل، ۲۰۱۲). در مدل هزینه - فرصت، کاهش خودکنترلی نتیجه مکانیسم‌هایی است که برای سنجش بازدهی بالقوه سودمندی تلاش مستمر در برابر هزینه قربانی کردن فرصت‌های جایگزین عمل می‌کنند (کوزبان، داکورث، کیبل و مایرز، ۲۰۱۳). در مدل منبع خودکنترلی، کنترل خود به عنوان منبعی گذرا و مبتنی بر انرژی عمل می‌کند که مانند یک ماهیچه خسته است از طریق تلاش (موراوون، تاپس^۴، و باومیستر، ۱۹۹۸). شرکت‌کنندگان که قبلاً خودکنترلی داشتند، عملکرد ضعیف‌تری در انجام وظایف خودکنترلی نشان دادند (همان). و در مدل عاطفه مثبت کاهش خودکنترلی محصول فرایندی است که در آن افراد شبیه‌سازی‌های ذهنی از وظایف جایگزین ایجاد می‌کنند و از عاطفه لذت‌جویانه تولید شده توسط نمونه‌برداری می‌کنند. عاطفه لذت‌گرایانه تولید شده توسط این فرایند تأثیرات ماندگاری بر خلق و خو بر جای می‌گذارد، که ارزیابی‌های بعدی از انتخاب‌های آینده را پررنگ می‌کند (به نقل از آمپل و ملی، ۲۰۱۶).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که خودمهارگری با حوزه دین و دینداری ارتباط دارد و محققان

1. Ampel, B & O'Malley, E & Muraven, M.

2. Inzlicht, M & Schmeichel, B. G.

3. Kurzban, R & Duckworth, A. L. & Kable, J & Myers, W. J.

4. Tice, D. M.

به وجود آموزه‌های مستقیم خودمهارگری در متن دین اذعان داشته و این آموزه‌ها را یکی از ثمرات اساسی دینداری دانسته‌اند (جی‌یر و بامیستر^۱، ۲۰۰۵). از متن آموزه‌های دینی می‌توان حتی مدل‌های خودمهارگری دینی را طراحی کرد و آنها را در قلمروهای مختلف روانشناسی به کار گرفت، که برخی از پژوهشگران دینی (پسندیده، ۱۳۸۸، شجاعی، ۱۳۸۸ و رفیعی‌هنر، ۱۳۹۵، عباسی، ۱۳۹۶)، مبتنی بر آموزه‌های اسلام سازه‌هایی مرتبط با خودمهارگری، خویش‌تنداری، خودنظم‌جویی را مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌اند. یکی از مدل‌هایی که انجام شده است مدل رفیعی‌هنر است که در سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۷، در سلسله مطالعات خود مورد بررسی قرار داده است، که تحت عنوان خودنظم‌جویی اسلامی ارائه شده است. مدل خودنظم‌جویی اسلامی دارای ۹ مؤلفه است که یکی از مؤلفه‌های آن، انگیزه‌های مهار نام دارد. انگیزه‌های مهار در سه قالب، حال‌محور (حیا، شکر، کرامت، محبت و حکمت)، گذشته‌محور (تجربه، عبرت) و آینده‌محور (خوف، رجا و حزم) تقسیم‌بندی شده است.

پژوهش‌های اسلامی (شجاعی، ۱۳۸۸، پسندیده، ۱۳۸۸، رفیعی‌هنر، ۱۳۹۵، جهانگیرزاده، ۱۳۹۶) در زمینه خودمهارگری، مفاهیمی را مورد بررسی قرار داده و هر یک با عناوینی ارتباط این مفاهیم با خودمهارگری را تبیین کرده‌اند. در این میان رفیعی‌هنر (۱۳۹۵) این مفاهیم را تحت عنوان منابع انگیزش خودمهارگری به کار برده و به صورت انگیزش‌های حال‌محور، گذشته‌محور و آینده‌محور، تقسیم‌بندی کرده است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

انگیزش‌های آینده‌محور

منشأ این انگیزش‌ها توجه به آینده است. به عبارت دیگر، این انگیزش‌ها سبب می‌شوند که فرد در سه حوزه رفتار، افکار و هیجان، به سبب امری مرتبط با آینده، به مهار خویش‌تن اقدام کند. انگیزش‌های آینده‌محور از تحلیل سه مفهوم خوف، رجا، و حزم به دست می‌آید.

۱. در کتب لغت، «خوف» به معنای انتظار امری ناخوشایند تعریف شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۳۱). قرآن کریم با بیان عذاب جهنم، مؤمنان را به مراقبت از نفس و مهار خویش‌تن فراخوانده (تحریم، ۶)^۲ و همچنین اثر خوف از خداوند را که بازدارنده نفس از

1. Geyer .A .L & .Baumeister .R.F.

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ.

هوا باشد ذکر کرده است (نازعات، ۴۰).^۱ در منابع اسلامی روایاتی در زمینه خوف و نقش آن در بازدارندگی نفس ذکر شده است. امام سجاده علیه السلام می‌فرماید: «هر کس از چیزی بترسد از آن دوری می‌کند، و هر کس از چیزی دوری کند، آن را ترک خواهد کرد»^۲ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۷۲).
 ۲. در کتب لغت، «رجا» به معنای «انتظار امر محبوب بر اساس یک نشانه»، یا «اطمینان به حصول آنچه موجب مسرت می‌شود» تعریف شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۶۱).
 از نظر محققان (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵) افراد برای تلاش در امور زندگی نیازمند انگیزه امید هستند. بر اساس روایات اسلامی، رسیدن به هدف نهایی و سعادت نیازمند انگیزه امید و رجا است، تا بتواند به اعمال نیکو روی آورد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «انسان سعادتمند، تنها کسی است که به ثواب الهی امید داشته باشد و در نتیجه، به اعمال نیکو روی آورد»^۳ (نوری الطبرسی، ۱۴۰۷، ج ۱۱، ص ۲۲۷).

۳. بر اساس منابع دینی از جمله مفاهیم دینی که در ایجاد انگیزه نقش دارد، حزم است. حزم یعنی دوراندیشی، پیش‌بینی و آینده‌نگری، و حازم، کسی است که به جای حال، به آینده و دوردست‌ها می‌اندیشد و پیامدهای رفتار خود را پیش‌بینی و بر اساس آنها، رفتار و برنامه زندگی‌اش را تنظیم می‌کند (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۵). امام صادق علیه السلام فرموده است: «کسی که عاقبت‌اندیشی نمی‌کند، حازم نیست و عاقبت‌اندیشی باعث بارور شدن دل‌ها می‌شود»^۴.

انگیزش‌های حال محور

انگیزش‌های حال محور عبارت از انگیزه‌های روانی‌اند که باعث می‌شوند افراد به خاطر امری مرتبط با زمان حال، به خودمهاگری با هدف الهی اقدام کنند.

۱. از جمله مفاهیم ناظر به زمان حال که می‌تواند منشأ انگیزش باشد، حیا است. در کتب لغت، حیا به بازداشتن خویش از عمل زشت به سبب ترس از سرزنش دیگران تعریف شده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۱۳). بنابر نظر محققان، علت این بازدارندگی، حفظ خویش از ضعف، نقص، عیب و ننگ است و فرد با حیا در واقع، سلامت و حیات خویش را طلب می‌کند (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۳۳۸). قرآن کریم بر حضور ناظر بر اعمال انسان

۱. وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ.

۲. مَنْ خَافَ شَيْئًا حَذَرَهُ وَ مَنْ حَذَرَ شَيْئًا تَرَكَهُ.

۳. إِنَّمَا السَّعِيدُ مَنْ خَافَ الْعِقَابَ فَأَمِنَ، وَ رَجَا الثَّوَابَ فَأَحْسَنَ، وَ اشْتَأَقَ إِلَى الْجَنَّةِ فَأَدْبَحَ.

۴. لیس مجازم من لا ينظر في العواقب و النظر في العواقب تلقيح للقلوب.

تأکید دارد^۱ و خداوند خود را نگهبان و ناظر انسان معرفی می‌کند^۲.

۲. «شکر، تصوّر نعمت و اظهار آن است» (راغب، ۱۴۱۲ق). نقطه مقابل شکر، کفر است که عبارت است از فراموشی نعمت و نادیده گرفتن آن^۳ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱). فطرت حق‌شناسی، از نیرومندترین انگیزه‌هایی است که انسان را به تلاش و جست‌وجو وادار می‌کند تا منعم خویش را بشناسد، سپاس نعمت‌های وی را به جای آورد و اگر برایش ممکن باشد، به نحوی این احسان و انعام‌ها را جبران کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۳۴). در روایات اسلامی، مصداق شکرِ نعمت‌های الهی، بازداري نفس از محارم است^۴ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۹۵).

۳. منبع انگیزشی دیگری که از شناخت و آگاهی یافتن از ارزشمندی خود می‌توان استخراج کرد، در منابع دینی از تحلیل مفهوم کرامت استنباط می‌شود. روایات اسلامی نشان می‌دهد که کرامت از یک سو با عقل^۵ (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۵۷۳) و از سوی دیگر با تقوا^۶ (صدوق، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۳۹۳) در ارتباط است. بر اساس آیات قرآن کریم، کرامت انسانی از طرف خداوند متعال ارزانی شده است (اسراء، ۷۰)^۷.

۴. مفهوم دیگری که می‌تواند به عنوان مفهوم انگیزشی حال‌محور باشد، «محبت» است. قدرت انگیزشی محبت در سوق دادن افراد به انجام رفتارهای همسو با هدف متعالی یا ترک اعمال غیرهمسو با هدف متعالی بر کسی پوشیده نیست (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۱۶) و به تعبیر اندیشمندان اسلامی، محبت به سوی مشابهت و مشالکت می‌راند و قدرت آن سبب می‌شود که محب به شکل محبوب درآید (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۶۵). محبت الهی با شناخت و آگاهی از نعمت‌ها ایجاد می‌شود^۸ (امام حسن بن علی العسکری، ۱۴۰۹، ص ۳۴۲).

۵. حکمت از جمله منابع انگیزشی حال‌محور است. آموزه‌های اسلامی نشان می‌دهد که شناخت‌ها و باورهای انسان نسبت به خداوند، حسن ظن به خداوند و خیرباوری نسبت

۱. اَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى (علق، ۱۴).

۲. وَاتَّقُوا اللَّهَ... إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا (نساء، ۱).

۳. امام کاظم: و الشکر و ضده الکفران.

۴. شُكْرُ النِّعْمَةِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ.

۵. لَنْ يَهْلِكَ أَمْرُهُ عَرَفَ قَدْرَهُ، وَ الْعُذْمُ عُذْمُ الْعَقْلِ.

۶. عن ابی عبد الله (علیه السلام): وَ إِنْ يَكُنْ لَكَ تَقْوَى فَإِنَّ لَكَ كَرَمًا.

۷. وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا.

۸. قَالَ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ (علیه السلام): أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى: حَبِّبْنِي إِلَى خَلْقِي، وَ حَبِّبْ خَلْقِي إِلَى، فَقَالَ مُوسَى: يَا رَبِّ كَيْفَ أَفْعَلُ؟ قَالَ: ذَكَرْهُمْ آلَانِي، وَ نِعْمَانِي لِيُحِبُّونِي.

به رویدادها و رضایت‌مندی نسبت به قضای الهی را به دنبال دارد^۱ (طبرسی، ۱۴۱۴، ص ۳۶) و رضایت‌مندی بالاتر نشان‌دهنده شناخت بالاتر نسبت خداوند است^۲ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۰). خیرباوری و حسن ظن به افعال الهی نیروی انگیزه‌بخش است (رفیعی هنر، ۱۳۹۷).

انگیزش‌های گذشته‌محور

۱. تجربه از نظر لغوی به معنای شناخت امور (ابن احمد فراهیدی، ۱۴۲۶، ج ۶، ص ۱۱۳)، آزمودن امور (ابن معصوم مدنی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۳۵۰) و تکرار در آزمودن‌ها است (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۹۵). تجربه‌های شخصی نیز نقش انگیزشی در مهار خویشتن دارد. از نظر محققان، اتفاقاتی که برای فردی در گذشته افتاده است، تجربیات او است. و این تجربه که پیامد رفتار اوست می‌تواند مثبت یا منفی باشد (پسندیده، ۱۳۸۸، ص ۹۵). در روایات اسلامی، بیان شده است که تجربه توسط افراد درگذر زمان شکل می‌گیرد و نتایجی به دنبال دارد و از تجربه دوباره معاف می‌دارد^۳، که نیاز است از آن نتایج پند گرفته و حفظ شود^۴ (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۳۹۱، ن ۳۱).

۲. «عبرت» در کتب لغت به معنای عبور از حالی به حال دیگر آورده شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۴۳). مشاهده امور و قضایای مفید دنیای بیرون از خود و تطبیق آن با دنیای درون. آیاتی که در مورد عبرت آمده است به نوعی با زمان گذشته مرتبط است، مانند آیات علل هلاکت گذشتگان^۵ (اسراء، ۱۷، انعام، ۶) آیات مرتبط با تأثیر گناهان در نزول عذاب^۶ (زخرف، ۴۸، مؤمنون، ۷۶)، آیاتی که افراد را به سیر در حالات گذشتگان ترغیب

۱. عن ابی عبدالله علیه السلام قَالَ : قَالَ النَّبِيُّ دَاوُدُ يَا رَبِّ مَا آمَنَ بِكَ مَنْ عَرَفَكَ فَلَمْ يُحْسِنِ الظَّنَّ بِكَ.

۲. الإمام الصادق علیه السلام : إِنْ أَعْلَمَ النَّاسُ بِاللَّهِ أَرْضَاهُمْ بِقَضَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

۳. عن علی علیه السلام لابنه علیه السلام : فَبَادِرْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ وَ يَشْتَغِلَ لُبُّكَ لَتَسْتَقْبِلَ بِحَدِّ رَأْيِكَ مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ كَفَاكَ أَهْلُ التَّجَارِبِ بُعِيَّتَهُ وَ تَجَرِبَتَهُ، فَتَكُونَ قَدْ كُفِّتَ مَوْنَةَ الظَّلَبِ وَ عُوْفِيَّتَ مِنْ عِلَاجِ التَّجَرِبَةِ.

۴. الإمام علی علیه السلام : الْعَقْلُ حِفْظُ التَّجَارِبِ، وَخَيْرُ مَا جَرَّبْتَ مَا وَعَظَكَ. الْعَاقِلُ مَنْ وَعَظَتْهُ التَّجَارِبُ. مَنْ حَفِظَ التَّجَارِبَ أَصَابَتْ أَعْمَالُهُ.

۵. وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَى بِرَبِّكَ بِذُنُوبٍ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا. أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ.

۶. وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَاثُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ.

می‌کنند (یوسف، ۱۰۹)^۱. در روایتی امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرموده است: «اگر از آنچه گذشت عبرت می‌گرفتی، در زمان باقی، خود را بازمی‌داشتی و از آن‌ها نفع می‌بردی؛ اما تو از هوای نفس خویش تبعیت و آن را مقدم کردی» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۳۳، ص ۷۷).

از این جهت که طبق نظر پژوهشگران، موضوع انگیزش خودمهارگری در نظریه‌های حوزه خودمهارگری مورد توجه قرار نگرفته است (بامیستر و واس، ۲۰۰۷)، و اینکه صرف شناخت خود و هدف نهایی به بازدارندگی و تنظیم حوزه‌های خودمهارگری منجر نمی‌شود و در این میان باید انگیزشی برای فرد وجود داشته باشد تا برای تنظیم فاصله بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب تلاش کند. بنابراین، بررسی موضوع انگیزش‌ها در خودمهارگری اسلامی، اهمیت بسیار دارد. انگیزش خودمهارگری اسلامی طبق مدل نظری (رفیعی هنر، ۱۳۹۰) می‌تواند دارای ابعاد و عواملی باشد که قابلیت بررسی آن وجود دارد و هدف این پژوهش طراحی ابزار سنجش انگیزش خودمهارگری و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن است.

روش پژوهش

از آنجا که هدف نهایی این پژوهش، ساخت و اعتباریابی پرسشنامه انگیزش خودمهارگری اسلامی بر مبنای مدل خودمهارگری اسلامی است، مستلزم ارزیابی و روایی آن به صورت میدانی است. بنابراین، روش تحقیق در بخش پژوهش، «زمینه‌یابی» است. علاوه بر این، برای بررسی روایی محتوایی مؤلفه‌های انگیزش خودمهارگری اسلامی، از دیدگاه کارشناس علوم انسانی و روان‌شناسی استفاده شد. بنابراین، جدولی طراحی گردید و از ۱۳ کارشناس خواسته شد تا نظر خود در زمینه میزان مطابقت هر گویه و مستندات دینی را در یک مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای (خیلی زیاد ۷۶ تا ۱۰۰ درصد، زیاد ۵۱ تا ۷۵ درصد، کم ۲۶ تا ۵۰ درصد، و بسیار کم ۱ تا ۲۵ درصد) اعلام نمایند. سپس برای تحلیل نظرات آنها شاخص cvi و جهت بررسی روایی سازه تحلیل عاملی، روش تأییدی به کار برده شد. همچنین برای بررسی اعتبار پرسشنامه، از آلفای کرونباخ، و به منظور بررسی روایی هم‌گرا از ضرایب همبستگی پیرسون استفاده شد.

۱. أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش افراد بالای ۱۸ سال، زنان و مردان متأهل و مجرد، شهر قم بود که با روش نمونه‌گیری در دسترس ۴۲۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه انگیزش خودمهارگری اسلامی: این پرسشنامه توسط محقق ساخته شده است. به این صورت که قبل از ساخت پرسشنامه، مفهوم انگیزش خودمهارگری بر مبنای مدل خودمهارگری اسلامی رفیعی‌هنر (۱۳۹۰)، مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه، سؤالات طراحی شده و روایی محتوایی آن بر اساس نظرات کارشناسان به دست آمد. نمره گذاری پرسشنامه در یافته‌های پژوهش ذکر شده است.

۲. مقیاس خودمهارگری تانجی و همکاران، که دارای ۱۳ سؤال می‌باشد که با لیکرت ۵ درجه‌ای از گزینه‌های «اصلاً» (نمره ۱) تا «بسیار زیاد» (نمره ۵) مدرج شده است. به سؤالات ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳ در این مقیاس نمره معکوس تعلق می‌گیرد و بالاترین نمره ۶۵ (خودمهارگری بالا) و پایین‌ترین نمره ۱۳ (خودمهارگری پایین) می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ فرم کوتاه این مقیاس (۱۳ سؤالی) توسط تبیک (۱۳۸۹) با اجرا بر روی ۳۱۵ نفر از دانشجویان زن و مرد مقاطع مختلف دانشگاه تهران با میانگین سنی ۲۴/۴ سال و انحراف استاندارد ۳/۷۹، برابر ۰/۸۰ گزارش شده است.

۳. مقیاس خردمندی (WS): مقیاس خردمندی توسط اشمیت، مالدون و پاندرز (۲۰۱۲) به صورت کاری مشترک از دانشگاه‌های جورجیا، لویزیانا و نوادا معرفی گردید. این مقیاس، یک ابزار خودگزارش دهی ۲۱ سؤالی است که در یک طیف لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) طراحی شده است. آن‌ها تعداد ۲۲۰ نفر از دانشجویان دانشگاه با میانگین سنی ۲۲/۶۸ (۵۷ تا ۵۷) سال را که ۱۱۷ نفر ۵۳٪ از آن‌ها زن و ۱۰۳ نفر دیگر ۴۷٪ مرد بودند به عنوان شرکت کننده انتخاب کردند. از این تعداد ۱۳٪ شاغل تمام وقت، ۴۱٪ شاغل نیمه وقت و ۴۶٪ غیرشاغل بودند. ساختار اولیه مقیاس به گونه‌ای طراحی شده بود که ۴۶ سؤال را در بر می‌گرفت. پس از تحلیل عامل اکتشافی و تأییدی تعداد ۲۱ سؤال باقی ماندند که بر اساس مبانی نظری، معرف شش بُعد بودند. بُعد تأملی (۳ سؤال)، بُعد عملی (۳ سؤال)، بُعد تناقضی (۴ سؤال) و بُعد تجربه (۵ سؤال) را می‌سنجیدند. برای نمره‌گذاری مقیاس خردمندی از میان سؤالات این مقیاس، دو سؤال از بعد گشودگی (از هنر

خوشم نمی‌آید) و (از رفتن به موزه‌های هنری لذت نمی‌برم) و همه سؤالات بعد تناقضی به صورت منفی و سایر سؤالات به صورت مثبت نمره‌گذاری می‌شوند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های مرتبط با روایی محتوایی

جدول ۱. جدول روایی محتوایی گویه‌ها

سؤالات	CVI
۱	۱,۰۰
۲	۱,۰۰
۳	۰,۷۷
۴	۰,۸۵
۵	۰,۹۲
۶	۰,۷۷
۷	۱,۰۰
۸	۰,۶۲
۹	۰,۹۲
۱۰	۱,۰۰
۱۱	۱,۰۰
۱۲	۰,۸۵
۱۳	۱,۰۰
۱۴	۰,۸۵
۱۵	۰,۹۲
۱۶	۰,۹۲
۱۷	۱,۰۰
۱۸	۱,۰۰
۱۹	۰,۷۷

۰٫۹۲	۲۰
۰٫۸۵	۲۱
۰٫۹۲	۲۲
۰٫۷۷	۲۳
۰٫۹۲	۲۴
۰٫۹۲	۲۵
۰٫۸۵	۲۶
۰٫۸۵	۲۷
۰٫۹۲	۲۸
۰٫۸۵	۲۹
۱٫۰۰	۳۰
۱٫۰۰	۳۱
۱٫۰۰	۳۲
۰٫۹۲	۳۳
۰٫۹۲	۳۴
۱٫۰۰	۳۵
۰٫۹۲	۳۶
۰٫۹۲	۳۷
۰٫۹۲	۳۸
۰٫۷۷	۳۹
۰٫۹۲	۴۰
۰٫۹۲	۴۱
۰٫۹۲	۴۲
۰٫۷۷	۴۳
۱٫۰۰	۴۴
۰٫۹۲	۴۵

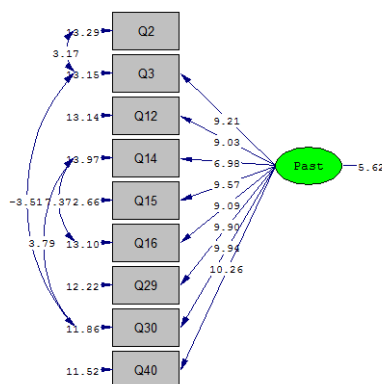
۰,۷۷	۴۶
۰,۸۵	۴۷
۰,۶۲	۴۸
۰,۸۵	۴۹

تحلیل عاملی پرسشنامه

در این بخش با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی^۱، روایی سازه پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور، ابتدا تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول هر یک از مؤلفه‌ها به صورت مجزا و در مرحله بعد تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم همه مؤلفه‌ها ارائه شده است.

تحلیل عاملی مرتبه اول انگیزش‌های گذشته‌محور

نمودار زیر مدل اندازه‌گیری انگیزش‌های گذشته‌محور در حالت اعداد معنادار را نشان می‌دهد. با توجه به خروجی این نمودار، ضرایب به دست آمده برای همه گویه‌ها معنا دارند.



Chi-Square=63.49, df=23, P-value=0.00001, RMSEA=0.065

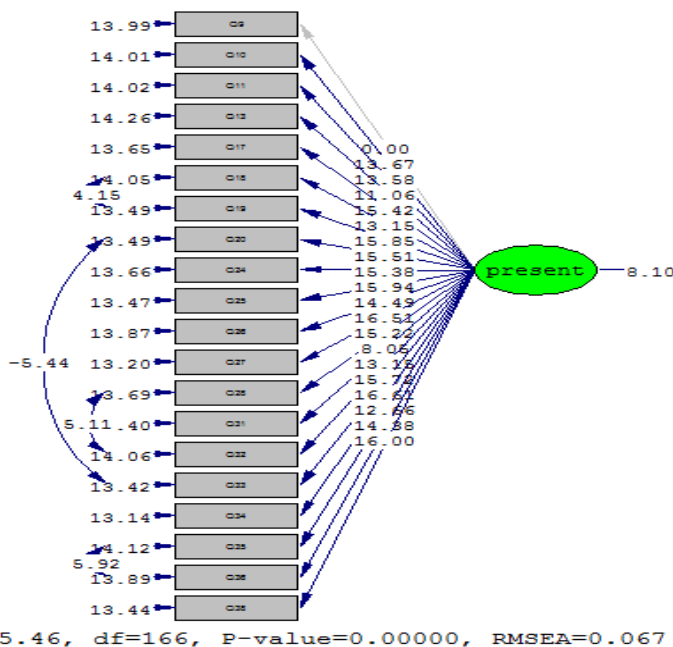
نمودار ۱. نمودار مقادیر t تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول انگیزش‌های گذشته‌محور

۱. انتخاب روش تحلیل عاملی به نوع پژوهش و هدف تحلیل داده‌ها بستگی دارد. زمانی که شواهد کافی برای تعداد عامل‌ها وجود نداشته باشد از تحلیل عامل اکتشافی استفاده می‌شود، اما زمانی که تحقیق از یک پشتوانه نظری قوی برخوردار باشد تحلیل عاملی تأییدی مطلوب‌تر است. تحلیل عاملی تأییدی مشخص می‌کند آیا داده‌ها با عوامل معین در فرضیه (یا مبانی نظری) هماهنگی دارد یا خیر (ر.ک: هومن، ۱۳۹۰، تحلیل داده‌های چندمتغیری در پژوهش رفتاری، ص ۴۱۹-۴۲۱).

محاسبه شاخص‌های مناسبت مدل اندازه‌گیری انگیزش‌های گذشته محور تأییدی، از برازش خوبی برخوردار است.

تحلیل عاملی مرتبه اول انگیزش‌های حال محور

نمودار شماره ۲ مدل اندازه‌گیری انگیزش‌های حال محور در حالت اعداد معنادار را نشان می‌دهد. با توجه به خروجی این نمودار، ضرایب به دست آمده برای همه گویه‌ها معنادارند.

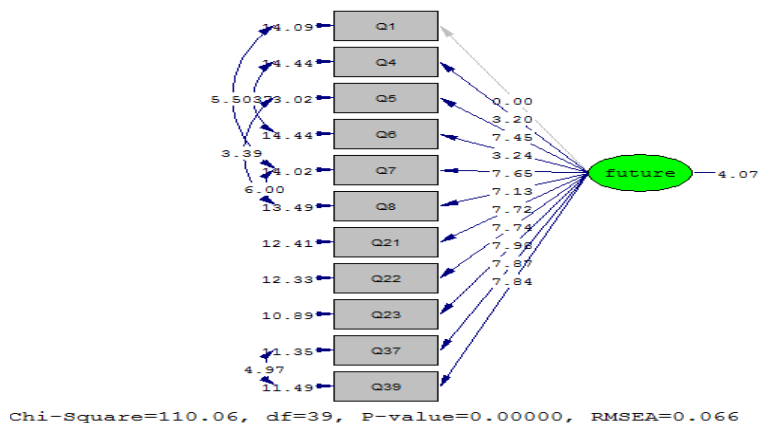


نمودار ۲. نمودار مقادیر t تحلیل عاملی مرتبه اول انگیزش‌های حال محور

محاسبه شاخص‌های مناسبت مدل اندازه‌گیری انگیزش‌های حال محور تأییدی، از برازش خوبی برخوردار است.

تحلیل عاملی مرتبه اول انگیزش‌های آینده‌محور

نمودار شماره ۳ مدل اندازه‌گیری انگیزش‌های آینده‌محور در حالت اعداد معنادار را نشان می‌دهد. با توجه به خروجی این نمودار، ضرایب به دست آمده برای همه گویه‌ها معنادارند.



نمودار ۳. نمودار مقادیر t تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول انگیزش‌های آینده‌محور

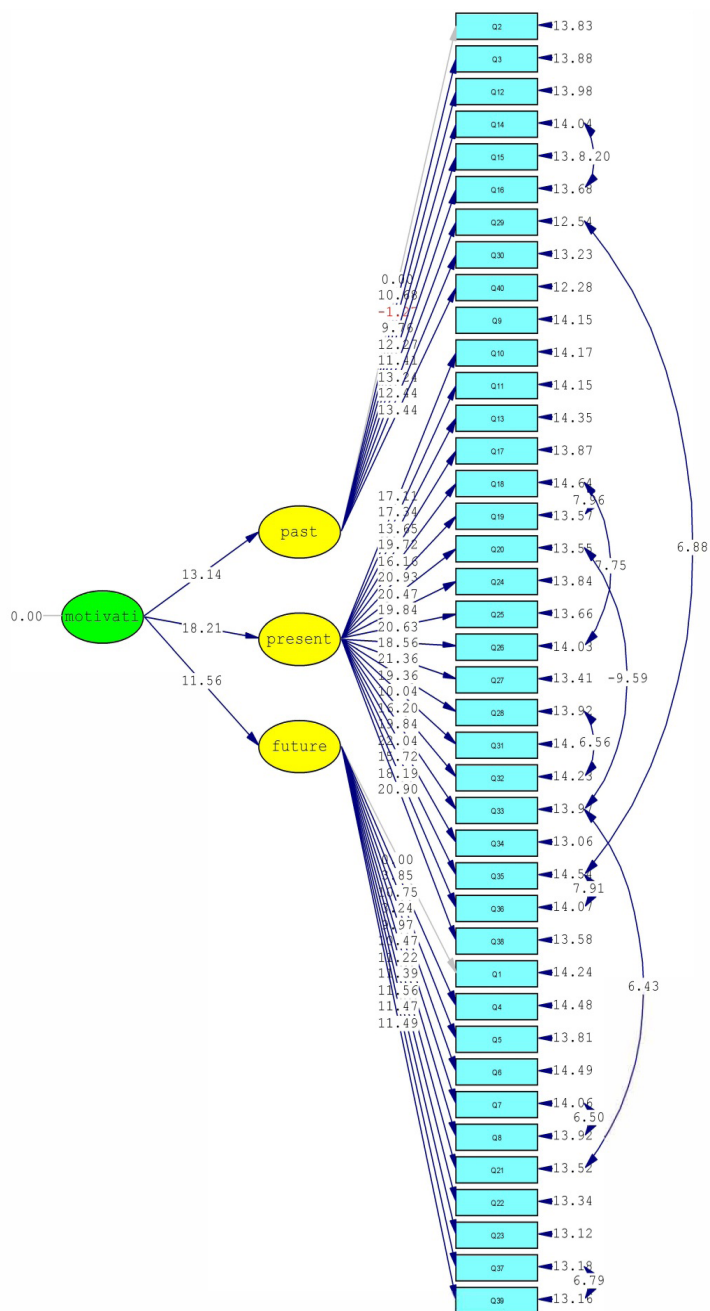
محاسبه شاخص‌های مناسبت مدل اندازه‌گیری انگیزش‌های آینده‌محور

نشان می‌دهد که تحلیل عاملی $\left(\frac{\chi^2}{df} = 2.82, RMSEA = 0.066, CFI = 0.98, IFI = 0.98, AGFI = 0.97\right)$

تأییدی، از برازش خوبی برخوردار است.

تحلیل عاملی مرتبه دوم کل سازه انگیزش خودمهارگری

ضرایب مدل اندازه‌گیری تحلیل عاملی مرتبه دوم کل سازه انگیزش خودمهارگری برای همه گویه‌ها و مؤلفه‌ها، معنی‌دار است.



Chi-Square=2085.29, df=725, P-value=0.00000, RMSEA=0.051

نمودار ۴. نمودار مقادیر t تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم کل سازه انگیزش خودمهارگری

محاسبه شاخص‌های مناسبت مدل اندازه‌گیری کل سازه انگیزش خودمهارگری
 $(\frac{F}{df} = 2/88, RMSEA = 0/09, CFI = 0/98, IFI = 0/98, AGFI = 0/95)$ نشان می‌دهد که تحلیل عاملی
 تائیدی مرتبه دوم، از برازش خوبی برخوردار است.

اعتبار پرسشنامه

اعتبار پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفته است. آلفای
 کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۶ است. میزان اعتبار برای هر مؤلفه در جدول شماره ۲ آمده
 است.

جدول ۲. جدول میزان اعتبار پرسشنامه

مؤلفه‌ها	انگیزش گذشته محور	انگیزش حال محور	انگیزش آینده محور	کل سازه انگیزش خودمهارگری
میزان اعتبار	۰/۸۴	۰/۹۶	۰/۸۳	۰/۹۶

نمره‌گذاری پرسشنامه

شیوه نمره‌گذاری گویه‌های این پرسشنامه، به سه صورت لیکرت چهار درجه‌ای است؛
 بدین صورت که: «به کاملاً موافقم = ۴»، «موافقم = ۳»، «مخالقم = ۲»، و «کاملاً مخالفم = ۱»
 اختصاص می‌یابد. سؤالات ۴، ۶، ۱۴، ۱۶، ۳۱ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود.
 انگیزش‌های گذشته محور با سؤال‌های ۲، ۳، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۹، ۳۰، ۴۰ سنجیده می‌شود.
 انگیزش‌های حال محور با سؤال‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸،
 ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۸ سنجیده می‌شود و انگیزش‌های آینده محور با سؤال‌های ۱،
 ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۳۷، ۳۹ سنجیده می‌شود.

جدول ۳. جدول نمره‌گذاری پرسشنامه

مؤلفه	تعداد سؤالات	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
انگیزش‌های گذشته محور	۹	۲۸/۸	۳/۹	۱۸	۳۶

انگیزش های حال محور	۲۰	۵۴/۹	۸/۰	۲۳	۶۸
انگیزش های آینده محور	۱۱	۳۴/۳	۴/۸	۱۸	۴۴
انگیزش خودمهارگری	۴۰	۱۲۷/۷	۱۶/۹۴	۷۲	۱۶۰

بررسی روایی همگرا

به منظور بررسی روایی همگرا، از پاسخ‌گویان خواسته شده است به پرسشنامه‌های خودمهارگری تانجنی و خردمندی اشمیت، مالدون، و پاندرز نیز پاسخ دهند. نتیجه بررسی همبستگی بین پرسشنامه انگیزش خودمهارگری و پرسشنامه‌های مذکور در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. ضرایب همبستگی

	انگیزش های گذشته محور	انگیزش های حال محور	انگیزش های آینده محور	انگیزش خودمهارگری	خودمهارگری تانجنی
انگیزش های گذشته محور	۱				
انگیزش های حال محور	۰/۸۲۸**	۱			
انگیزش های آینده محور	۰/۷۷۹**	۰/۸۴۳**	۱		
انگیزش خودمهارگری	۰/۹۰۳**	۰/۹۷۲**	۰/۹۲۳**	۱	
خودمهارگری تانجنی	۰/۵۸۷**	۰/۵۴۳**	۰/۵۳۴**	۰/۵۷۸**	۱

خردمندی اشمیت، ...	۰/۴۲۳**	۰/۳۷۷**	۰/۴۳۱**	۰/۴۲۷**	۰/۳۹۴**
-----------------------	---------	---------	---------	---------	---------

همبستگی متغیر انگیزش خودمهارگری با متغیرهای خودمهارگری تانجی ($r = ۰/۵۷۸$) و خردمندی اشمیت ($r = ۰/۴۲۷$) مثبت و معنی دار است. همچنین همبستگی بین همه مؤلفه‌های انگیزش خودمهارگری با دو پرسشنامه مذکور نیز مثبت و معنی دار است که نشان دهنده روایی همگرایی پرسشنامه انگیزش خودمهارگری است.

بحث و نتیجه‌گیری

درک اینکه چرا افراد می‌توانند برخی اوقات بر برخی تکانه‌ها غلبه کنند، اما در زمان‌های دیگر شکست می‌خورند، یک سؤال مهم است (آمپل و مالی، ۲۰۱۶). اینکه افراد چرا به مهار خویشتن می‌پردازند در واقع برای رسیدن از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است. نیرویی که این فاصله را تنظیم می‌کند، انگیزش است. انگیزش، یک جنبه جدایی‌ناپذیر از خودکنترلی است. این ممکن است به دلیل حضور ذاتی آن در کنترل خود باشد. خودمهارگری نیازمند وجود تعارض انگیزشی است (همان).

بر اساس پژوهش‌های تجربی، از جمله عواملی که در میزان خودمهارگری افراد تأثیر دارد، میزان انگیزش آنهاست. و مطالعات نشان می‌دهد که افراد با انگیزش بالای موفقیت در خودمهارگری نسبت به افرادی که انگیزش پایین‌تری داشتند، عملکرد بهتری دارند (موروان و سلساروا، ۲۰۰۳). همچنین افرادی که انگیزش کافی ندارند، در تلاش خود برای خودمهارگری موفق نبودند (جی‌یر و بامیستر، ۲۰۰۵).

اما برخی پژوهشگران (بامیستر و واس، ۲۰۰۷) بر این باورند که انگیزش در روانشناسی به‌طور کلی مورد توجه قرار نمی‌گیرد، بدون شک تا حدی به این دلیل که انقلاب شناختی دهه‌های اخیر اکثر محققان را به تفکر شناختی و نه انگیزشی واداشته است. نقش انگیزش در خودتنظیمی به‌طور مشابه دست‌کم گرفته شده است.

پژوهش حاضر با هدف ساخت و اعتباریابی پرسشنامه انگیزش خودمهارگری اسلامی انجام شد. انگیزش خودمهارگری اسلامی بر اساس سازه رفیعی هنر (۱۳۹۰)، در سه قالب، حال محور (حیا، شکر، کرامت، محبت، حکمت)، گذشته محور (تجربه، عبرت) و آینده محور (خوف، رجا، حزم)

تقسیم‌بندی شده است.

منشأ انگیزش‌های آینده محور توجه به آینده است. و این انگیزش‌ها سبب می‌شوند فرد در سه حوزه رفتار، افکار و هیجان، به سبب امری که مرتبط به آینده است، خودمهارگری داشته باشند. بنابراین، منبع انگیزشی خوف باعث می‌شود فرد نسبت به امری نامطلوب که در آینده اتفاق خواهد افتاد، واهمه داشته باشد. و رجا بر خلاف خوف، امید داشتن به تحقق امری مطلوب است که در فرد ایجاد انگیزه می‌کند تا به مهارخویشتن بپردازد. حزم‌یعنی دوراندیشی و آینده‌نگری که مهارگری خود با مد نظر قرار دادن نتیجه مثبت یا منفی رفتار را در پی خواهد داشت.

انگیزش‌های حال‌محور که از تحلیل مفاهیم حیا، شکر، کرامت، محبت و حکمت به‌دست آمده است، عبارت از انگیزه‌های روانی‌اند که باعث می‌شوند افراد به‌خاطر امری مرتبط با زمان حال، به خودمهارگری با هدف الهی اقدام کنند. مفهوم انگیزشی حیا بر اساس مؤلفه‌هایی که دارد مانند توجه به حضور ناظر محترم باعث ایجاد انگیزش مهار می‌شود. و ناظر به زمان حال است. شکر و علاقه به جبران نعمت‌های الهی، در فرد ایجاد انگیزه می‌کند و فرد را به تنظیم هیجانات و رفتار و بازداري نفس، وامی‌دارد. احساس کرامت و ارزشمندی در زمان حال برای فرد نیز منبع انگیزش دیگر است. محبت الهی نیز به عنوان نیرومندترین انگیزه در برابر همه گناهان و رفتارهای ناپسند مطرح است. همچنین توجه به حکمت، خیرباوری، و حسن ظن نسبت به افعال خداوند، باعث کنترل هیجانات، افکار و رفتار می‌شود.

انگیزش‌های گذشته‌محور نیز که از تحلیل مفاهیم عبرت و تجربه به‌دست می‌آید، عبارتند از اموری که منشأ شکل‌گیری آنها زمان گذشته بوده و فرد در حال حاضر نسبت به آنها تجربه به‌دست آورده یا از کارها و گذشته دیگران عبرت گرفته و در پی تنظیم رفتار و تصمیم درست، است.

بنابراین سازه انگیزش خودمهارگری اسلامی بر مبنای مدل خودمهارگری اسلامی رفیعی‌هنر (۱۳۹۰)، دارای سه عامل اصلی انگیزش‌های گذشته‌محور، حال‌محور، و آینده‌محور است. بررسی روایی محتوایی و میزان برازش ساختار عاملی انگیزش خودمهارگری اسلامی با مدل نظری، بر اساس تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول هر یک از عوامل، همچنین تحلیل عاملی مرتبه دوم کل سازه، نشان‌دهنده معناداری ضرایب بین‌گویه‌ها و مؤلفه‌ها می‌باشد. همچنین نتایج محاسبه شاخص‌های مناسب مدل اندازه‌گیری نیز نشان داد که تحلیل

عاملی تأییدی، از برازش خوبی برخوردار است، و برای این منظور از شاخص‌های نیکویی برازش جهت حصول اطمینان از مدل نظری پژوهش استفاده شد که بر اساس ارزش‌های مورد انتظار، ارزش‌های محاسبه‌شده مدل از مطلوبیت برخوردار بود. بنابراین، سازه انگیزش خودمهارگری اسلامی و مدل نظری مربوط به آن از برازش مطلوبی برخوردار است، و می‌توان از این پرسشنامه با اعتبار و روایی مناسب جهت سنجش انگیزش خودمهارگری با نگرش اسلامی استفاده کرد.

در مدل‌های اسلامی خودمهارگری (شجاعی، ۱۳۸۸، پسندیده، ۱۳۸۸، جهانگیرزاده، ۱۳۹۹) اگرچه مفاهیم به‌دست آمده در این سازه، مورد بررسی قرار گرفته است، اما به موضوع انگیزش خودمهارگری توجهی نشده است. پژوهش حاضر با پژوهش‌های مربوط به انگیزش بر اساس منابع دینی (بشیری، ۱۳۹۳، تیبیک، ۱۳۹۸)، از جهت بررسی مفاهیم و منابع انگیزشی، شباهت‌هایی دارد. در منابع روان‌شناختی نیز در موضوع انگیزش خودمهارگری و زمینه مکانیزم تغییرات انگیزشی در خلال کاهش قدرت خودتنظیمی، مدل‌هایی تحت عنوان مدل فرایندی، هزینه - فرصت، منبع خودکنترلی و عاطفه مثبت مطرح شده است (آمپل، ملی و موروان، ۲۰۱۶)، و ساختاری که برای سنجش انگیزش خودمهارگری باشد، در این پژوهش‌ها دیده نمی‌شود. روش نمونه‌گیری در دسترس، عدم بررسی متغیرهای دیگری مانند شغل، میزان درآمد، طبقه اجتماعی، همچنین گستره مطالعه در میان افراد تحصیل کرده و عدم مطالعه افراد با تحصیلات پایین از محدودیت‌های این پژوهش است. برای پژوهش‌های بیشتر در زمینه انگیزش خودمهارگری اسلامی پیشنهاد می‌شود، متغیرهای دیگری مانند طبقه اجتماعی، محیط‌های مذهبی و غیرمذهبی، رده‌های مختلف سنی، بررسی گردد. همچنین ساخت بسته آموزشی ارتقای انگیزش خودمهارگری اسلامی، ارائه روش و سبک خودمهارگری بر اساس انگیزش‌های خودمهارگری متنوع، بررسی علل و عوامل انگیزه خودمهارگری بالا و پایین به شکل مصاحبه، پیشنهادهای پژوهشی برای ادامه روند مطالعه در زمینه انگیزش خودمهارگری اسلامی می‌باشد.

منابع

*قرآن کریم.

- ابن معصوم مدنی، علی بن احمد (۱۴۲۶)، *الطراز الأول والکناز لما علیه من لغة العرب المعول*، مشهد: موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.

- احمد بن فارس، ابوالحسن (۱۴۰۴ق)، **معجم مقاییس اللغة**، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- موحد ابطحی اصفهانی، محمدباقر (۱۴۰۹ق)، **التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری علیہ السلام**، قم: مدرسه الامام المهدی علیه السلام **فقه الشریع**.
- بشیری، ابوالقاسم (۱۳۹۳)، «نظریه انگیزش در اندیشه دینی»، **فصلنامه روان شناسی و دین**، سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۲۶، ص ۳۹-۶۰.
- پسندیده، عباس (۱۳۸۸)، **اخلاق پژوهشی حدیثی**، تهران: سمت.
- تبیک، محمدتقی (۱۳۹۸)، «تبیین مدل عملکردی انگیزش بر اساس منابع اسلامی»، **دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اسلام و روان شناسی**، سال سیزدهم، شماره ۲۴، بهار و تابستان، ص ۶۳-۹۳.
- جهانگیرزاده، محمدرضا، فتحی آشتیانی، علی، موتابی، فرشته و پسندیده، عباس (۱۳۹۶)، «مؤلفه های خودنظم دهی بر اساس مفهوم «عقل» در منابع اسلامی»، **روانشناسی و دین**، سال سیزدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹، ص ۷-۲۴.
- خداپناهی، محمدرکیم (۱۳۹۳)، **انگیزش و هیجان**، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، **المفردات فی غریب القرآن**، محقق: صفوان عدنان داوودی، دمشق: دارالعلم.
- رفیعی هنر، حمید (۱۳۹۵)، **روان شناسی مهار خویشتن با نگرش اسلامی**، چاپ اول، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- رفیعی هنر، حمید، جان بزرگی، مسعود، ناروئی، رحیم و حسن آبادی، حمیدرضا (۱۳۹۷)، **الگوی درمانی خودنظم جویی برای افسردگی بر اساس منابع اسلامی. تدوین مدل مفهومی و طرح نمای درمان و مطالعه امکان سنجی و نتایج اولیه آن**، رساله دکتری، رشته روان شناسی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- رفیعی هنر، حمید، جان بزرگی، مسعود، پسندیده، عباس و رسول زاده طباطبایی، سیدکاظم (۱۳۹۰)، **ساخت مقیاس خودمهارگری بر اساس منابع اسلامی**، پایان نامه کارشناسی ارشد، روانشناسی بالینی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- ریو، جان مارشال (۲۰۱۵)، **انگیزش و هیجان**، ترجمه: یحیی سیدمحمدی (۲۰۱۵)، چاپ ۶، تهران: نشر ویرایش.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۸)، **درآمدی بر روان شناسی تنظیم رفتار با رویکرد اسلامی**، قم: دارالحديث.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، **نهج البلاغه (للصبحی صالح)**، قم: نشر هجرت.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۵)، **نگاهی نوبه روان شناسی انسان سالم**، چاپ دوم، تهران: اطلاعات.

- صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی (۱۳۹۵ق)، **کمال الدین و تمام النعمه**، چاپ ۲، تهران: نشر اسلامیه.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی (۱۴۱۳ق)، **من لایحضر الفقیه**، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۴ق)، **تفسیر جوامع الجامع**، چاپ ۲، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش)، **مجمع البحرین**، تحقیق: سید احمد حسین، چاپ ۳، تهران: مرتضوی.
- عباسی، مهدی (۱۳۹۶)، **الگوی تنظیم رفتار جنسی با رویکرد اسلامی**، چاپ اول، قم: انتشارات دارالحديث.
- فراهیدی، خلیل ابن احمد (۱۴۲۶)، **العین**، تهران: نشر اسوه.
- فیومی، احمد بن محمد المقرئ (۱۴۱۴)، **مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی**، قم: مؤسسه دار الهمزة.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، **اصول کافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، **بحار الانوار**: مؤسسه الوفاء بیروت.
- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۷)، **خودشناسی برای خودساز: به سوی خودسازی**، تدوین و نگارش: کریم سبحانی، ج ۱، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۸)، **اخلاق در قرآن (۱)**، تحقیق و نگارش: محمد حسین اسکندری، چاپ ۲، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، **یادداشت‌های استاد**، ج ۶، تهران: انتشارات صدرا.
- نوری الطبرسی، حسین (۱۴۰۷ق)، **مستدرک الوسائل، و مستنبط الوسائل**، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- هومن حیدر علی (۱۳۹۰)، **شناخت روش علمی در علوم رفتاری**، تهران: نشر پارسا.
- Ampel, B. and O'Malley, E. Muraven, M2016). Self-Control and Motivation. See discussions, stats, and author profiles for this publication <https://www.researchgate.net/publication/306081749>.
- Barkley, R.A. (2004) "Attention-Deficit/Hyperactivity Disorder Regulation: Taking an Evolutionary Perspective on Executive Function R. Baumeister and K. Vohs (Eds), Handbook of Self-Regulation to Theory and Application, Guilford Press, New York, p.301-324.
- Baumeister and K. Vohs, (2007) "Self-Regulation, Ego Depletion and Motivation", Social

and Personality Psychology Compass 1, p.115.

- Baumeister, R. F., B. J. Schmeichel and K. D. Vohs, (2007). "Self-Regulation. and the Executive Function: The Self as Controlling Agent", In: Kruglanski and E. T. Higgins (Eds), Social Psychology: Handbook o Agent", In: A Principles, Guilford Press, New York, p.516–539. idbook of Basic.
- Duckworth, A. L. and Others, (2009)"Meta-Analysis of Convergent ValidityEvidence for Self-Control Measures", Personality and Social Psychology Bulletin, p.1–59, Available Online in: www.mc.manuscriptcentral.com/pspb.
- Geyer, A. L, & Baumeister, R. F, (2005), Religion, Morality, and Self-Control: Values, Virtues,and Vices. In R.F. Paloutzian, & C.Park (Eds.), Handbook of the psychology of religionand spirituality, (pp412-434), New York, Guilford Press.
- Hofmann, W. and S. Fritz, (2009).“Impulse and Self-Control from a Dualsystems”, *Perspectives on Psychological Science*, V.4, n.2.
- Inzlicht, M., & Schmeichel, B. J. (2012). What is ego depletion? Toward a mechanisticrevision of the resource model of self-control. *Personality & Social Psychology Bulletin*,7(5), 450–463.
- Kurzban, R., Duckworth, A. L., Kable, J. W., & Myers, J. (2013). An opportunity cost modelof subjective effort and task performance. *Behavioral and Brain Sciences*, 36(6), 661–679.
- McCullough, M. E. and L. B. Brian, "Religion, Self-Regulation and Self-Control: Associations, Explanations and Implications". *Psychological Bulletin*, v.135, n.1, 2009.
- Mead, N,L, & et al, 2010, Ego Depletion and the Limited Resource Model of Self-Control, In R.Hassin, K. Ochsner, & Y. Trope (Eds), Self Control in Society, Mind, and Brain, (p. 375-388), New York: Oxford University Press.
- Muraven, M. and E. Slessareva , (2003). "Mechanisms of Self-Control Failure: Motivation and Limited Resources", *Personality and Social*

Psychology Bulletin, v.29, n. 7 (Abstract).

• Muraven, M. and E. Slessareva, (2003). "Mechanisms of Self-Control Failure: Motivation and Limited Resources", *Personality and Social Psychology Bulletin*, v.29, n. 7 (Abstract).

• Muraven, M., Tice, D. M., & Baumeister, R. F. (1998). Self-control as a limited resource: regulatory depletion patterns. *Journal of Personality and Social Psychology*, 74(3), 774-789.

• Scholer, A. A. and E. T. Higgins, (2010). "Conflict and Control at Different Levels of Self-Regulation", In: R. Hassin, K. Ochsner and Y. Trope (Eds), *Self-Control in Society, Mind and Brain*, Oxford University Press, New York, p.312-334.

• Schmit, D. E., Muldoon, J., Pounders, K. (2012). What is Wisdom? The Development and Validation of a Multidimensional Measure. *Journal of Leadership, Accountability and Ethics*.

• Tangney, J. P., R. F. Baumeister and A. L. Boone, (2004). "High Self-Control Predicts Good Adjustment, Less Pathology, Better Grades and Interpersonal Success", *Journal of Personality*, n.72.

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال دهم، شماره اول، پیاپی ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳ (ص ۱۶۵-۱۸۱)

بررسی اثربخشی آموزش مهارت های زندگی با رویکرد اسلامی

بر سرمایه اجتماعی و سلامت روان

مورد مطالعه: دانش آموزان دختر دوره متوسطه اول شهرستان لارستان

**The Effectiveness of Life-Skills Training with according to an
Islamic Approach view on Social Capital and Mental Health:
A Case Study of Junior Female Students at Junior High
Schools in Larestan**

✍ **سیروس محمودی** / استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

محمود شرفی / عضو هیأت علمی گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

فاطمه آزادی / دانش آموخته دانشگاه پیام نور.

Sirous Mahmoudi / Department of educational science, Payame Noor Univierstiy, Tehran, Iran.

mahmoudi.s@pnu.ac.ir

Mahmoud Sharafi / Department of educational science, Payame Noor Univierstiy, Tehran, Iran.

Fatemeh Azadi / A graduate of Payame Noor University.

Abstract

This study examined the effectiveness of life-skills training, with regarding an Islamic approachview, on the social capital and mental health of junior female students at junior high schools in Larestan, Iran. The research design was a semi-experimental two-group, two-stage (pre-test – post-test with control group) format. The statistical population included all junior female students mentioned above in Larestan. Among this population, 30 students were selected as a sample and randomly assigned to experimental and

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش مهارت های زندگی با رویکرد اسلامی بر سرمایه اجتماعی و سلامت روان دانش آموزان دختر دوره متوسطه اول شهرستان لارستان انجام شد. طرح پژوهش از نوع نیمه آزمایشی دو گروهی دو مرحله ای (پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل) بود. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه دانش آموزان دختر مقطع متوسطه اول شهرستان لارستان بود. از این جامعه، تعداد ۳۰ دانش آموز دختر به عنوان نمونه انتخاب و

control groups (15 students for each group). The experimental group received life-skills training with an Islamic approach in 16 sessions of 45 minutes over two months, while the control group did not receive any training. Both groups completed the Islamic Teachings-Based Mental Health Questionnaire (Aboulma ali & Mousazadeh, 2017) and the Social Capital Questionnaire (Paiva et al., 2014) before and after the skill training. Data were analyzed using one-way ANCOVA with SPSS version 24. The results showed that life-skills training significantly improved social capital and mental health.

KEYWORDS: life skills, Islamic approach, social capital, mental health

سپس به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (هر گروه ۱۵ نفر) قرار گرفتند. به گروه آزمایش، آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد اسلامی به صورت ۱۶ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای در طول دو ماه ارائه شد و گروه کنترل برنامه‌ای دریافت نکردند. هر دو گروه قبل و بعد از اجرای آموزش، به پرسش‌نامه‌های سلامت روان مبتنی بر آموزه‌های اسلامی (ابوالمعالی و موسی زاده، ۱۳۹۶) و پرسشنامه سرمایه اجتماعی (پایوا و همکاران، ۲۰۱۴) پاسخ دادند. جهت تحلیل داده‌ها از آزمون کوواریانس یک طرفه با استفاده از نرم‌افزار spss نسخه ۲۴ استفاده شد. نتایج نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد اسلامی، تأثیر معناداری بر بهبود سرمایه اجتماعی و سلامت روان دانش‌آموزان دارد.

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های زندگی، رویکرد اسلامی، سرمایه اجتماعی، سلامت روان.

مقدمه

آغاز پیدایش مهارت‌های زندگی را باید هم‌زمان با آغاز زندگی بشر روی کره زمین دانست، اما به صورت مدون و تعریف‌شده، از سوی سازمان بهداشت جهانی، در سال ۱۹۹۳ مطرح شده است (فرم‌پینی فراهانی، میرزامحمدی و عبدی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷). این نوع مهارت‌ها، به گروه بزرگی از مهارت‌های روانی- اجتماعی و میان فردی گفته می‌شود که می‌تواند به افراد کمک کند تا تصمیمات خود را با آگاهی انتخاب کرده، به طور مؤثر ارتباط برقرار کنند، راهبردهای مقابله‌ای و مدیریت شخصی خود را گسترش دهند و خودآگاهی و شایستگی اجتماعی و عاطفی خود را ارتقا دهند (شک^۱، ۲۰۲۱؛ لطیفی، حیدری و صادقی، ۱۳۹۴، ص ۱۷).

1. Shek.

در واقع مهارت‌های زندگی به مهارت‌های شخصی و اجتماعی گفته می‌شود که کودکان و نوجوانان باید آنها را یاد بگیرند تا بتوانند در مورد خود، انسان‌های دیگر و کل اجتماع به‌طور شایسته، مؤثر و مطمئن رفتار نمایند (مک تاویش^۱، ۲۰۰۰، ص ۱۰۷). بر اساس تعریف سازمان بهداشت جهانی (۲۰۰۱)، مهارت‌های زندگی، توانایی‌هایی برای رفتارهای مثبت و سازگارانه است که افراد را برای رویارویی مؤثر با مقتضیات، نیازها و چالش‌های روزمره زندگی قادر می‌سازد (بنسال و کاپور^۲، ۲۰۲۳). به عبارت دیگر، این مهارت‌ها، فرد را در ارتقای سطح و قابلیت‌های زندگی فردی و اجتماعی یاری می‌کند و موجب احساس رضایت بیشتری در وی می‌گردد (محمودیان، خوش‌کنش و صادق‌پور، ۱۳۸۷، ص ۴۵). از سوی دیگر، آموزش این مهارت‌ها، سبب کاهش رفتارهای پرخطر و ارتقای سلامت روانی در افراد می‌گردد (ملور سوکومر و بندر^۳، ۲۰۲۳). مهارت‌های زندگی به انسان کمک می‌کند تا در موقعیت‌های گوناگون، عاقلانه و صحیح رفتار کند، به‌گونه‌ای که آرامش داشته باشد و لذت ببرد و با دیگران ارتباط سازگارانه و مفیدی داشته باشد (خسروی و آقاجای، ۱۳۹۸). هدف از آموزش این مهارت‌ها، افزایش توانایی‌های روانی و اجتماعی و پرورش افرادی خلاق است که بتوانند به تولید اندیشه نو و جدید در اجتماع بپردازند (سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۳). در واقع، آموزش این نوع مهارت‌ها، در مواقع مواجهه با استرس‌های شدید، به افراد کمک می‌کند تا توانایی‌ها، معلومات، گرایش‌ها و راهبردهای لازم برای زندگی موفق و سالم و بدون استرس را در خود پرورش دهند (سپولودا و لوپز^۴، ۲۰۰۸، ص ۳۲۱).

مهارت‌های زندگی، ریشه در آموزه‌های اسلامی دارد و دین مقدس اسلام به‌طور کامل به مهارت‌های زندگی توجه نموده است. آموزه‌های دینی به منظور ایجاد رشد در انسان، به هر دو جنبه نظری و عملی مهارت‌های زندگی توجه نموده است. در بُعد نظری، بررسی اصول روانشناسی اسلامی، این واقعیت را نشان می‌دهد که آموزه‌های اسلامی با تغییر و اصلاح شناخت و تفکر نسبت به جهان و تبدیل جهان‌بینی بشر به جهان‌بینی الهی، بر نگرش انسان نسبت به مسائل زندگی و رفتار، عواطف و احساسات شخص تأثیر گذاشته، که ایمان و توکل به خدا، رضا، مثبت‌اندیشی، امیدواری به زندگی، الگو قرار دادن پیامبر ﷺ

1. McTavish.

2. Bansal & Kapur.

3. Melur Sukumar & Banandur.

4. Sepulveda & Lopez.

و اولیای الهی و اعتقاد به معاد از نتایج آن می‌باشد (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۱۸). در بُعد عملی نیز انسان‌ها می‌توانند با عمل به باورهای دینی، تمسک به قرآن و سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) و با اکتساب فضایل و دوری از رذایل، کاهش اختلالات روانی، حفظ سلامت روان خویش را تضمین نمایند (کاظمی و بهرامی، ۱۳۹۳، ص ۶۳). در متون اسلامی، یکی از نمونه‌های شفا دهنده‌ی قرآن، شفای بیماری‌های روانی، اعم از بیماری‌های پدید آمده از کفر و نفاق و بیماری‌های پدید آمده از کژکاری‌های روانی و اخلاقی ذکر شده است (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱، ص ۳۹۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۱۸۳). آموزه‌های قرآنی، حدیث منشور چگونه زیستن و تضمینی برای زندگی سالم است. از این‌رو، شایسته است که عالمان و دانشمندان، این آموزه‌ها را برای پاسخ‌گویی به نیازهای بشریت به کار گیرند.

دو مورد از متغیرهایی که به نظر می‌رسد، آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد اسلامی بر آنها مؤثر است، سرمایه اجتماعی^۱ و سلامت روان^۲ می‌باشد. مفهوم سرمایه اجتماعی به پدیده‌ای اشاره دارد که منبع اصلی خلق آن اجتماع یعنی حوزه تعاملات اجتماعی است و به روابط، نگرش‌ها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و شبکه‌ها و اعتماد اجتماعی مربوط می‌شود که سبب تسهیل همیاری در گروه‌ها یا بین آنها می‌شود و با تقویت رفتار همیارانه، منافی را هم برای تک‌تک افراد و هم برای قاطبه جامعه ایجاد می‌کند و از این‌رو، سایر وجوه توسعه جامعه به نحو معناداری به این مفهوم وابسته است (علینی، ۱۳۹۱، ص ۶۷). مطالعات انجام شده در دو دهه اخیر در کشور، چالش‌های اساسی در ساختار روابط اجتماعی را در جامعه ایران بازنمایی می‌کند و نشان می‌دهد که نرخ مشارکت و اعتماد اجتماعی در ایران در سطح قابل قبولی نیست (تنکابنی، یوسفی و کشتی‌آرای، ۲۰۱۴، ص ۴۳). اوج‌گیری رفتارهایی نظیر دروغ، بی‌اعتمادی نسبت به نهادهای کشور، قانون‌گریزی، افزایش خشونت در جامعه و تغییر جریان ارزشی بعد از دوران دفاع مقدس از جمله عواملی است که افول سرمایه اجتماعی جامعه ایرانی را موجب گردیده است (سروش و افراسیابی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵). در شرایط کنونی، وضعیت کشور به گونه‌ای است که افراد بیشتر بر اساس نیازها و علایق فردی خودشان در جامعه رفتار می‌کنند تا مصالح جمعی و در حقیقت می‌توان گفت نوعی فردگرایی منفی در جامعه ایران گسترش یافته که شرایط اجتماعی و جهانی زمینه‌ساز این معضل بوده است.

1. Social capital.

2. Mental health.

(موحد، مظفری و علی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۷۴). در مجموع، تحقیقات مختلفی که در زمینه وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران انجام شده است، بیانگر فرسایش سرمایه اجتماعی در ایران هستند (رفیع‌پور، ۱۳۷۸).

یکی دیگر از متغیرهایی که به نظر می‌رسد آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد اسلامی بر آن مؤثر است، سلامت روان می‌باشد. سلامت روان یکی از ابعاد چندگانه سلامت انسان است. سازمان جهانی بهداشت، سلامت روان را معادل ظرفیت بالقوه فرد، توانایی مقابله با تنش‌های روزمره زندگی، کار مولد و کمک به جامعه تلقی می‌کند (مانوئل^۱ و همکاران، ۲۰۱۵، ص ۳). سلامت روان، توانایی تطابق با شرایط و خود مدیریتی در مقابل چالش‌ها است. سلامت روان به طور اساسی به حالت‌های عاطفی مانند احساسات، واکنش‌های استرس، انگیزه‌ها و خلق و خو بستگی دارد. این حالت‌ها نحوه تفکر، احساس و رفتار ما را شکل می‌دهد (گراس و اوسبرگ^۲، ۲۰۱۹، ص ۱۳۲). سلامت روان مانند هر پدیده انسانی دیگر هم از خصوصیات شخصی افراد و هم از بافت و زمینه اجتماعی که در آن به سر می‌برند، نشأت می‌گیرد. به نظر می‌رسد، مهارت‌های زندگی اسلامی با کارکردهایی همچون حیات‌بخشی، انسجام‌بخشی و انضباط‌بخشی، تأثیر مثبتی بر سرمایه اجتماعی و سلامت روان افراد داشته باشد. با توجه به اهمیت موضوع، تاکنون پژوهش‌هایی در این زمینه صورت گرفته است. طباطبایی‌نژاد و میرترابی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد اسلامی بر باورهای معرفت‌شناختی و بهزیستی روانشناختی دانش‌آموزان پسر» به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد اسلامی بر باورهای روانشناختی و دو زیرمؤلفه‌های آن (توانایی ذاتی و یادگیری و یادگیری سریع) و بهزیستی روانشناختی و تمام زیرمؤلفه‌های آن (خودمختاری، تسلط بر محیط، رشد شخصی، ارتباط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی و پذیرش خود) در دانش‌آموزان پسر تأثیر معناداری دارد. محمدی و پورصابری (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و پیشرفت تحصیلی نوجوانان» نشان دادند که آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و پیشرفت تحصیلی نوجوانان مؤثر می‌باشد. افخمی‌اردکانی و توکلی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «توسعه سرمایه اجتماعی و سرمایه روانشناختی در پرتو سبک زندگی

1. Manwell.

2. Gross & Uusberg.

اسلامی گزارش نمودند که سبک زندگی اسلامی بر سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت، مستقیم و معنادار دارد. حاج حسینی، جعفری و محمدی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «**اثربخشی آموزش مهارت‌های مثبت‌اندیشی با رویکرد اسلامی بر بلوغ عاطفی و شکیبایی دختران نوجوان**»، نشان دادند که آموزش مهارت‌های مثبت‌اندیشی با رویکرد اسلامی بر شکیبایی و بلوغ عاطفی دختران نوجوان مؤثر است. عسکریان، حسن‌زاده و اصغری (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «**بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های مقابله با رویکرد اسلامی بر سازگاری روان‌شناختی**» تأکید نمودند که آموزش مهارت‌های مقابله با رویکرد اسلامی بر سازگاری روان‌شناختی (تاب‌آوری، انطباق‌پذیری و مهارت‌های بین‌فردی) زنان مؤثر است. فرحبخش، بنیادی و مهتدی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «**اثربخشی آموزش مهارت‌های مقابله‌ای با رویکرد دینی بر کاهش افسردگی**» نشان دادند که آموزش مهارت‌های مقابله‌ای با رویکرد اسلامی بر کاهش افسردگی مؤثر است. کهنوجی و رشیدی‌نژاد (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «**تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان فرزندان شبه‌خانواده بهزیستی**» دریافتند که آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان دختران مراکز شبه‌خانواده تأثیر معنی‌دار داشته است.

بررسی پژوهش‌های فوق و سایر پژوهش‌های انجام شده در این حوزه نشان می‌دهد که تاکنون در زمینه اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد اسلامی بر سرمایه اجتماعی و سلامت روان، پژوهشی انجام نشده است. بر این اساس، پژوهش حاضر می‌تواند در رفع خلأهای پژوهشی، تربیتی و فرهنگی در این حوزه مؤثر باشد. با توجه به مطالب فوق، در پژوهش حاضر، اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد اسلامی بر سرمایه اجتماعی و سلامت روان در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول شهرستان لارستان بررسی خواهد شد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های نیمه‌آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون و همراه با گروه گواه است. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع اول متوسطه آموزش و پرورش شهرستان لارستان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بوده است. در پژوهش حاضر ۳۰ نفر از دانش‌آموزان دختر پایه نهم (سنین ۱۴-۱۵ سال) به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای به عنوان نمونه انتخاب و مبتنی بر ملاک‌های ورود و خروج به ترتیب شامل علاقه به شرکت در تحقیق، رضایت والدین، پایه نهم و دین اسلام و ملاک خروج غیبت بیش از دو جلسه و

رفتارهای نابهنجار که محل آرامش کلاس باشد و با استفاده از گمارش تصادفی در دو گروه ۱۵ نفری گواه و آزمایش قرار گرفتند.

ابزار پژوهش

۱- پرسشنامه استاندارد سلامت روان مبتنی بر آموزه های اسلامی

پرسشنامه سلامت روان مبتنی بر آموزه های اسلامی توسط ابوالمعالی و موسی زاده (۱۳۹۶) به منظور سنجش سلامت روان مبتنی بر آموزه های اسلامی طراحی و تدوین شده است. این پرسشنامه توسط موسی زاده، طهماسبی و مسعودی (۱۳۹۸) به منظور سنجش سلامت روان مبتنی بر آموزه های اسلامی در مریبان مهد کودک اعتباریابی شده است. این پرسشنامه دارای ۳۰ سؤال و دو مؤلفه ایمان به خدا و کنترل خود می باشد و بر اساس طیف لیکرت با سؤالاتی مانند (کارهایم را به خدا واگذار می کنم و نسبت به لطف و رحمت او امید دارم) به سنجش سلامت روان مبتنی بر آموزه های اسلامی می پردازد. موسی زاده و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود، روایی محتوایی و صوری و ملاکی این پرسشنامه مناسب ارزیابی شده است. همچنین این پژوهشگران، ضریب آلفای کرونباخ را ۰/۶ برآورد نمودند.

۲- پرسشنامه استاندارد سرمایه اجتماعی دانش آموزان پایوا و همکاران (SCQ-AS) (۲۰۱۴)

پرسشنامه سرمایه اجتماعی توسط پایوا^۱ و همکاران در سال (۲۰۱۴) ب منظور سنجش سرمایه اجتماعی دانش آموزان نوجوان طراحی و تدوین شده است. این پرسشنامه دارای ۱۲ سؤال و شامل ۴ مؤلفه انسجام در مدرسه، صمیمیت در مدارس، انسجام اجتماعی در محله و اعتماد در مدارس و محله می باشد و بر اساس طیف سه گزینه ای با سؤالاتی مانند (دانش آموزان در این مدرسه با هم اوقات خوشی را به سر می برند) به سنجش سرمایه اجتماعی می پردازد. در پژوهش قادری، توکلی و احمدی (۱۳۹۷) روایی محتوایی و صوری و ملاکی این پرسشنامه مناسب ارزیابی شده است. در این پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای این پرسشنامه بالای ۰/۷۰ برآورد شد.

روش اجرا

پیش از شروع مداخله آموزشی، هر دو گروه آزمایش و گواه، پرسشنامه‌های سرمایه اجتماعی و سلامت روان را تکمیل نمودند. در ادامه، پس از کسب هماهنگی‌های لازم با اداره آموزش و پرورش لارستان، جهت آموزش از بسته «آموزش مهارت‌های اسلامی به کودکان با شیوه‌های نوین» استفاده گردید. این بسته آموزشی با مطالعه متون دینی به‌ویژه قرآن کریم و تفسیرهای به عمل آمده از این کتاب مقدس و نیز روایات معصومین علیهم‌السلام و بررسی سنت و آموزه‌های اسلامی تهیه شده است (لطیفی، صادقی و حیدری، ۱۳۹۴). مطابق با این بسته آموزشی، به افراد گروه آزمایش، پرورش مهارت‌های توکل، تواضع، فروتنی، قناعت، شجاعت، مسئولیت‌پذیری، آراستگی، عزت نفس، رعایت نظم، قدرشناسی، صبر و شکیبایی، آداب معاشرت، عفو و گذشت اسلامی به صورت ۱۶ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای در طول دو ماه به صورت گروهی با شیوه‌های فعال و نوین شامل روش‌های قصه‌گویی، ایفای نقش، بحث و گفتگو، رنگ‌آمیزی، بارش مغزی، شعرخوانی، اجرای نمایش و انجام پژوهش در مورد هر مهارت با استفاده از کاربرگ‌های مخصوص آموزش داده شد. در طول این مدت، گروه گواه، آموزش خاصی دریافت ننمود. خلاصه جلسات آموزشی در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. خلاصه جلسات آموزشی مهارت‌های زندگی مبتنی بر رویکرد اسلامی

جلسات	موضوعات
جلسه اول و دوم: آموزش مهارت توکل	بخش‌کنی و معرفی افراد-آشنایی با برنامه و اهداف گروه- تدوین قوانین گروه- قصه‌گویی (درس آن شب و تقوا در درس خواندن)- بحث و گفتگو- شعرخوانی- رنگ‌آمیزی- جمله ناتمام- زنگ تفریح- ایفای نقش- تکلیف جلسه: گفتگو و پژوهش در مورد مهارت توکل با کمک خانواده
جلسه سوم و چهارم: آموزش مهارت‌های تواضع، فروتنی و قناعت	مرور جلسه پیشین، قصه‌گویی (شیرخودخواه- خاکستری)- بحث و گفتگو- شعرخوانی- رنگ‌آمیزی- بارش فکری، زنگ تفریح، جمله ناتمام، ایفای نقش، تکلیف جلسه: گفتگو و پژوهش در مورد مهارت‌های تواضع، فروتنی و قناعت با کمک خانواده.
جلسه پنجم و ششم: آموزش مهارت شجاعت	مرور جلسات پیشین، قصه‌گویی (خاکستری و طفل شجاع)- بحث و گفتگو- شعر خوانی- نمایش فیلم- زنگ تفریح- جمله ناتمام- تکلیف جلسه: گفتگو و پژوهش در مورد مهارت شجاعت با کمک خانواده

جلسه هفتم و هشتم: آموزش مهارت آراستگی	مرور جلسات پیشین، قصه گویی (بستن زانوی شتر و ظرف پر آب)، بحث و گفتگو - شعرخوانی - رنگ آمیزی - زنگ تفریح - اجرای نمایش، تکلیف جلسه: گفتگو و پژوهش در مورد مهارت آراستگی با کمک خانواده
جلسه نهم و دهم: آموزش مهارت مسئولیت پذیری	مرور جلسات پیشین، قصه گویی (بستن زانوی شتر)، بحث و گفتگو - شعرخوانی - تکمیل جدول - ضرب المثل - ایفای نقش، تکلیف جلسه: گفتگو و پژوهش در مورد مهارت مسئولیت پذیری با کمک خانواده
جلسه یازدهم و دوازدهم: آموزش مهارت آداب معاشرت و صبر	مرور جلسات پیشین. قصه گویی (پیرمرد کلاه فروش - تمساح صبور) - بحث و گفتگو - شعرخوانی - جمله ناتمام - زنگ تفریح - ایفای نقش - تکلیف جلسه: گفتگو و پژوهش در مورد مهارت آداب معاشرت و صبر با کمک خانواده
جلسه سیزدهم و چهاردهم: آموزش مهارت عزت نفس	مرور جلسات پیشین، قصه گویی (خط خوش)، بحث و گفتگو، بازی نقل خاطره، شعرخوانی - زنگ تفریح، ایفای نقش. تکلیف جلسه: گفتگو و پژوهش در مورد مهارت عزت نفس با کمک خانواده
جلسه پانزدهم و شانزدهم: آموزش مهارت رعایت نظم	مرور جلسه پیشین، قصه گویی (پسر شلخته)، بحث و گفتگو - شعرخوانی - ایفای نقش، جمع بندی و بازخورد - تکلیف جلسه: گفتگو و پژوهش در مورد مهارت رعایت نظم با کمک خانواده

جهت تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون کوواریانس یک طرفه با نرم افزار spss نسخه ۲۴ استفاده گردید.

یافته های پژوهش

آماره های توصیفی متغیرهای سلامت روان و سرمایه اجتماعی به تفکیک نوع آزمون و گروه مورد مطالعه در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۲: داده های توصیفی مؤلفه های عملکرد شرکت کنندگان در پیش آزمون و پس آزمون با

توجه به گروه های گواه و آزمایش

متغیر	گروه ها	پیش آزمون			پس آزمون	
		تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار

۶/۷۱	۱۲۴/۱۳	۹	۹۵/۵	۱۵	آزمایش	سلامت روان
۷/۵۹	۱۰۱/۰۹	۷/۶۵	۹۳/۱۳	۱۵	گواه	
۴/۴۳	۳۲/۸۶	۴/۰۳	۲۴/۶۰	۱۵	آزمایش	سرمایه اجتماعی
۳/۹۷	۲۸/۱۳	۴/۲۵	۲۴/۰۶	۱۵	گواه	

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌گردد، میانگین و انحراف استاندارد متغیرها قبل و بعد از اعمال متغیر مستقل ارائه شده که میانگین نمرات هر دو متغیر سلامت روان و سرمایه اجتماعی، پس از آزمایش، تغییر و بهبود چشمگیری یافته است که برای بررسی معنادار بودن این تفاوت‌ها از تحلیل کوواریانس استفاده گردید. در این پژوهش با کنترل آماری پیش‌آزمون به عنوان متغیر تصادفی کمکی یا هم‌پراش (کوواریت)، میانگین نمره‌های پس‌آزمون دو گروه تعدیل می‌شوند. برای بررسی تعامل گروه با پیش‌آزمون، از آزمون همسانی شیب خط رگرسیون و برای بررسی پیش‌فرض همگنی کوواریانس از آزمون لوین^۱ استفاده شد و جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگوروف اسمیرنوف^۲ استفاده شد.

جدول ۳: نتایج آزمون همسانی شیب خط رگرسیون

متغیر	منبع تغییرات	شاخص	مقدار	F	درجه آزادی	سطح معناداری
سلامت روان	تعامل گروه* پیش‌آزمون	لامبدای ویلکز	۰/۰۳۸	۲/۲۳	۵۸	۰/۱۴۰
سرمایه اجتماعی	تعامل گروه* پیش‌آزمون	لامبدای ویلکز	۱/۷۳۷	۰/۲۰۵	۵۸	۰/۶۵۲

جدول ۳ نتیجه آزمون همسانی شیب خط رگرسیون مهارت زندگی با رویکرد اسلامی بر سلامت روان و سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود، سطح معناداری شاخص آماری مربوط به تعامل گروه‌ها با پیش‌آزمون بزرگتر از ۰/۰۵ است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پیش‌فرض همسانی شیب خط رگرسیون برقرار است.

1. Levene's Test.

2. Kolmogorov-Smirnov.

جدول ۴: آزمون لوین برای بررسی همگنی واریانس ها

متغیرها	آزمون لوین	درجه آزادی اول	درجه آزادی دوم	سطح معناداری
سلامت روان	۰/۵۲۲	۱	۵۸	۰/۴۱۶
سرمایه اجتماعی	۰/۸۵۰	۱	۵۸	۰/۳۶

مندرجات جدول ۴ نشان می دهد که سطح معناداری در متغیر سلامت روان بیشتر از ۰/۰۵ است و می توان گفت واریانس گروه ها از تجانس برخوردار است. با توجه به سطح معناداری که از ۰/۰۵ بیشتر است، فرض مقابل رد و فرض صفر قبول می شود. بنابراین، این مفروضه نیز برقرار است.

جدول ۵: آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن داده ها

منبع تغییرات	متغیرها	Z کولموگروف اسمیرنوف	p
پیش آزمون	سلامت روان	۱/۵۳	۰/۴۲۷
پیش آزمون	سرمایه اجتماعی	۰/۱۹۷	۰/۳۴۲

نتایج جدول ۵ نشان داد که مقدار سطح معناداری در آزمون کولموگروف- اسمیرنوف برای بررسی طبیعی بودن متغیرها از ۰/۰۵ بزرگ تر است و لذا توزیع داده ها نرمال است. در واقع، آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای متغیر سلامت روان و سرمایه اجتماعی معنادار نیست. از این رو، این متغیرها دارای توزیع نرمالی است و می توان از تحلیل های پارامتریک (تحلیل کوواریانس) برای آن استفاده کرد.

جدول ۶: نتایج آزمون تحلیل کواریانس گروه های آزمایش و گواه برای متغیر سلامت روان

منبع	جمع مجذورات	درجه آزادی	مجدور میانگین	آزمون F	سطح معناداری	اندازه اثر
مدل تصحیح شده	۲۶۹۴/۳۴۴	۳	۸۸۸/۱۱۵	۲۵/۸۴	۰/۰۰۰	۰/۵۸۱
پیش ازمنون	۹۱۹/۱۸۱	۱	۹۱۹/۱۸۱	۲۶/۴۴	۰/۰۰۰	۰/۴۰۳

گروه	۱۵۵۲/۴۶	۱	۱۵۵۲/۴۶	۴۴/۶۶	۰/۰۰۰	۰/۴۴۴
خطا	۱۹۴۶/۲۵۶	۵۶	۳۴/۷۵	۲۲/۳۲	۰/۰۰۰	۰/۳۲۱

همان‌گونه که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، به‌وسیله تحلیل کوواریانس، معنادار بودن تفاوت بین میانگین‌های نمره‌های پس‌آزمون سلامت روان هر دو گروه آزمایش و گواه، پس از منظور داشتن تفاوت اولیه بین دو گروه در پیش‌آزمون، آزموده شد و این نتیجه حاصل شد که تفاوت دو گروه در پس‌آزمون با نسبت $F=۴۴/۶۶$ ، در سطح $P\leq/۰۰۱$ ، معنادار است؛ یعنی پس از آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد اسلامی به دانش‌آموزان دختر، سلامت روانی این گروه به‌طور معناداری بیش از گروه گواه بوده است.

برطبق جدول ۶ تحلیل کواریانس، اجرای آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد اسلامی در سلامت روان دانش‌آموزان دوره اول متوسطه شهرستان لارستان مؤثر می‌باشد. سطح معناداری از ۰/۰۵ کمتر می‌باشد (۰/۰۰۰) و آزمون F هم $۴۴/۶۶$ می‌باشد که نشان‌دهنده تأثیرگذاری متغیر مستقل (مهارت زندگی با رویکرد اسلامی) بر متغیر وابسته (سلامت روان) مؤثر می‌باشد.

به‌وسیله تحلیل کوواریانس، معنادار بودن تفاوت بین میانگین‌های نمره‌های پس‌آزمون سرمایه اجتماعی هر دو گروه آزمایش و گواه، پس از منظور داشتن تفاوت اولیه بین دو گروه در پیش‌آزمون، آزموده شد. نتایج تحلیل کوواریانس گروه‌های آزمایشی و گواه در متغیر سرمایه اجتماعی در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷: آزمون تحلیل کواریانس گروه‌های آزمایش و گواه برای متغیر سرمایه اجتماعی

منبع	جمع مجزورات	درجه آزادی	مجدور میانگین	آزمون F	سطح معناداری	اندازه اثر
مدل تصحیح شده	۶۳۰/۸۸۲	۳	۸۸۸/۱۱۵	۱۹/۶۱	۰/۰۰۰	۰/۵۱۲
پیش‌آزمون	۲۶۵/۵۸۹	۱	۲۶۸/۵۸۹	۲۵/۰۴۷	۰/۰۰۰	۰/۳۰۹

گروه	۱۲۵/۵۸۹	۱	۱۲۵/۵۸۹	۱۱/۷۱۲	۰/۰۰۱	۰/۲۲۷
خطا	۶۰۰/۵۱۸	۵۶	۱۰/۷۲۴	۱۶/۵۲	۰/۰۰۰	۰/۱۳۴

همان گونه که در جدول ۷ مشاهده می شود، به وسیله تحلیل کوواریانس، معنادار بودن تفاوت بین میانگین های نمره های پس آزمون سرمایه اجتماعی هر دو گروه آزمایش و گواه، پس از منظور داشتن تفاوت اولیه بین دو گروه در پیش آزمون، آزموده شد و این نتیجه حاصل شد که تفاوت دو گروه در پس آزمون با نسبت $F=۱۱/۷۱۲$ ، در سطح $P \leq ۰/۰۰۱$ ، معنادار است؛ یعنی پس از آموزش مهارت های زندگی با رویکرد اسلامی به دانش آموزان دختر، سرمایه اجتماعی این گروه به طور معناداری بیش از گروه گواه بوده است.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش مهارت های زندگی با رویکرد اسلامی بر سرمایه اجتماعی و سلامت روان دانش آموزان دختر مقطع متوسطه اول شهرستان لارستان انجام شد. یافته های پژوهش حاکی از تأثیر مثبت آموزش مهارت های زندگی با رویکرد اسلامی بر سرمایه اجتماعی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه اول است. این یافته ها با نتایج پژوهش های افخمی اردکانی و توکلی (۱۳۹۵) و میردردی کوند، قدم پور و کاوریزاده (۱۳۹۵) همسو می باشد. افخمی اردکانی و توکلی (۱۳۹۵) در پژوهش خود نشان دادند که سبک زندگی اسلامی بر سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت، مستقیم و معنادار دارد. میردردی کوند، قدم پور و کاوریزاده (۱۳۹۵) در پژوهش خود گزارش نمودند که آموزش مهارت های زندگی بر سرمایه روانشناختی (خودکارآمدی، امید، تاب آوری و خوش بینی) نوجوانان دختر بدسرپرست مؤثر است. در تبیین این یافته، می توان گفت که دین اسلام بر صلح، تفاهم، اتحاد، احترام متقابل و همبستگی بین افراد تأکید دارند. از سوی دیگر، تأکید آموزه های اسلامی بر پابندی به پیمان ها، وفای به عهد و امانتداری موجب افزایش اعتماد عمومی در سطح گسترده و گسترش روابط سالم و سازنده بین افراد می شود که نقش مهمی در ارتقای سرمایه اجتماعی افراد خواهد داشت. همچنین مهارت های زندگی با رویکرد اسلامی می تواند حس اعتماد، پیوند، هویت مشترک، همبستگی اجتماعی و روحیه همکاری و تعاون اجتماعی افراد را ایجاد

و سبب ارتقای سرمایه اجتماعی در افراد شود. همچنین اجرای آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد اسلامی از طریق ایجاد خودآگاهی، داشتن هدف در زندگی، مهارت‌های ارتباطی، مهارت حل مسئله، تفکر انتقادی، مشارکت و همکاری باعث بهبود سرمایه اجتماعی از جمله انسجام بیشتر در مدرسه، صمیمیت در مدارس، انسجام اجتماعی در محله و اعتماد در مدارس و محله در دانش‌آموزان می‌گردد. از سوی دیگر، آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد اسلامی با پرورش مهارت‌های مختلف در دانش‌آموزان، به آنان کمک می‌کند تا قوت‌ها و ضعف‌های خویش را بشناسند و به سمت کمال بیشتر حرکت نمایند.

از دیگر یافته‌های این پژوهش، این است که آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد اسلامی بر سلامت روان دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول مؤثر است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های طباطبایی‌نژاد و میرترابی (۱۴۰۰)، محمدی و پورصابری (۱۳۹۸) و کهنوجی و رشیدی‌نژاد (۱۳۹۶) همسو می‌باشد. طباطبایی‌نژاد و میرترابی (۱۴۰۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد اسلامی بر بهزیستی روانشناختی و تمام زیرمؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان پسر، تأثیر معناداری دارد. محمدی و پورصابری (۱۳۹۸) نشان دادند که آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان نوجوانان مؤثر می‌باشد. کهنوجی و رشیدی‌نژاد (۱۳۹۶) گزارش نمودند که آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان دختران مراکز شبه‌خانواده تأثیر معنی‌دار داشته است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد اسلامی می‌تواند باعث بهبود خودشناسی، افزایش خودکنترلی، کاهش اضطراب و استرس، بهبود روابط بین‌فردی گردد و رضایت شخصی را در دانش‌آموزان افزایش دهد. از سویی دیگر، آموزش مهارت‌های زندگی فرد را قادر می‌سازد تا دانش، نگرش و ارزش‌های خود را به توانایی‌های بالفعل تبدیل کند. همچنین آموزش‌های مهارت زندگی با رویکرد اسلامی باعث انگیزه و رفتار سالم در دانش‌آموزان شده و با آموختن و به‌کار بستن مهارت‌های زندگی بر احساس فرد از خود و دیگران، ادراک فرد از کفایت خود، اعتماد به نفس و عزت نفس اثر مثبت گذاشته و نقش مهمی بر سلامت روان دانش‌آموزان خواهد گذاشت. در تبیینی دیگر، می‌توان گفت که اجرای آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد اسلامی از طریق ایجاد خودآگاهی، افزایش کنترل خود و تقویت ایمان به خدا در دانش‌آموزان باعث بهبود سلامت روان در آنها می‌گردد. همچنین آموزش مهارت‌های زندگی با تأکید بر رویکرد اسلامی، فرد را برای غلبه بر تنش‌ها و مشکلاتی که فرد با آن مواجهه می‌گردد آماده می‌نماید و در نتیجه باعث سلامت روان آنان می‌گردد. بنابراین، می‌توان گفت

هر چه میزان آگاهی دانش آموزان از مهارت های زندگی با رویکرد اسلامی بالاتر رود سلامت روانی آنها بهبود می یابد.

منابع

- ابوالعالی، خدیجه و موسی زاده، زهره (۱۳۹۶)، «ساخت و استاندارد سازی پرسشنامه سلامت روان بر اساس آموزه های اسلامی»، **نشریه دین و سلامت**، ۵(۲)، ۱۲-۱.
- افخمی اردکانی، مهدی؛ توکلی، عبدالله (۱۳۹۵)، «توسعه سرمایه اجتماعی و سرمایه روانشناختی در پرتو سبک زندگی اسلامی»، **دوفصلنامه مطالعات اسلام و روانشناسی**، ۱۰(۱۹)، ۵۴-۳۱.
- حاج حسینی، منصوره؛ جعفری، فاطمه؛ محمدی، مریم (۱۳۹۶)، «اثربخشی آموزش مهارت های مثبت اندیشی با رویکرد اسلامی بر بلوغ عاطفی و شکیبایی دختران نوجوان»، **علوم تربیتی از دیدگاه اسلام**، ۵(۸)، ۹۷-۸۱.
- حسینی، ابوالقاسم (۱۳۸۷)، **اصول بهداشت روانی: بررسی مقدماتی اصول بهداشت روانی، روان درمانی و برنامه ریزی در مکتب اسلام**، مشهد: انتشارات به نشر.
- خسروی، فاطمه؛ آقاجانی، طهمورث (۱۳۹۸)، «اثربخشی آموزش مهارت های زندگی بر سرمایه روانشناختی نوجوانان»، **فصلنامه تعالی مشاوره و روان درمانی**، ۸(۲۹)، ۲۷-۱۳.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق)، **مفاتیح الغیب**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۷)، **آنومی یا آشفتگی اجتماعی، پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران**، تهران: سروش.
- سروش، مریم، افراسیابی، حسین (۱۳۸۹)، «سرمایه اجتماعی، هویت و مشارکت اجتماعی جوانان شیراز»، **دوفصلنامه علمی تخصصی پژوهش جوانان فرهنگ و جامعه**، ۳(۵)، ۱۵۵-۱۲۳.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ ق)، **المیزان**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبائی نژاد، فاطمه سادات؛ میرترابی، سیدحمید (۱۴۰۰)، «اثربخشی آموزش مهارت های زندگی با رویکرد اسلامی بر باورهای معرفت شناختی و بهزیستی روانشناختی دانش آموزان پسر»، **مجله روانشناسی اجتماعی**، ۹(۵۹)، ۱۴۲-۱۳۱.
- عسکریان، سمیه؛ حسن زاده، محمدحسن؛ اصغری، محمدجواد (۱۳۹۲)، «بررسی اثربخشی آموزش مهارت های مقابله با رویکرد اسلامی بر سازگاری روان شناختی»، **روانشناسی و دین**، ۶(۴)، ۲۳-۳۷.
- علینی، محمد (۱۳۹۱)، **سرمایه اجتماعی در آموزه های اسلامی**، قم: بوستان کتاب.
- فرحبخش، کیومرث؛ بنیادی، حسین؛ مهتدی، محمدحسین (۱۳۹۴)، «اثربخشی آموزش مهارت های

- مقابله‌ای با رویکرد دینی بر کاهش افسردگی»، *اسلام و پژوهش‌های روانشناختی*، ۱(۳)، ۴۵-۵۶.
- فرم‌هینی‌فراهانی، محسن؛ میرزامحمدی، محمد حسن و عبدی، غلامرضا (۱۳۸۷)، «مهارت‌های زندگی از دیدگاه پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم»، در قلمرو حیات بیرونی، *فصلنامه علوم انسانی*، ۱۷(۷۷)، ۱۵۵-۱۷۵.
 - قادری، مهدی؛ توکلی، خالد و احمدی، بهزاد (۱۳۹۷)، «ترجمه و اعتباریابی پرسشنامه سرمایه اجتماعی برای دانش‌آموزان نوجوان»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۵(۱)، ۷۸-۵۱.
 - کاظمی، محمود و بهرامی، بهرام (۱۳۹۳)، «نقش اعتقادات معنوی و فرایض اسلامی در ارتقای سلامت روانی و پیشگیری از اختلالات روانی»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی زنجان*، ۲۲(۹۰)، ۷۴-۶۲.
 - کهنوجی، مرضیه؛ رشیدی‌نژاد، حدیث (۱۳۹۶)، «تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان فرزندان شبه خانواده بهزیستی»، *نشریه اصول بهداشت روانی*، ۱۹(۴)، ۴۳۹-۴۳۵.
 - لطیفی، زهره؛ صادقی، اکرم؛ حیدری، علی (۱۳۹۴)، *بررسی شیوه‌های پرورش هویت اخلاقی کودکان (آموزش مهارت‌های اسلامی به کودکان)*، اصفهان: انتشارات دانش پژوهان.
 - محمدی، محمد مهدی؛ پورصابری، رقیه (۱۳۹۸)، «اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و پیشرفت تحصیلی نوجوانان تحت همودیالیز»، *مجله مراقبت پرستاری و مامایی ابن سینا*، ۲۷(۱)، ۵۴-۴۵.
 - محمودیان، مجید؛ خوش‌کنش، ابوالقاسم و صالح‌صادق‌پور، بهرام (۱۳۸۷)، «بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی با رویکرد قرآنی بر افسردگی دانشجویان»، *پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآنی*، ۱(۱)، ۵۴-۴۳.
 - موحد، مجید؛ روح‌الله و علیزاده، سمانه (۱۳۹۱)، «مطالعه رابطه سرمایه فرهنگی با اعتماد نهادی»، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی*، ۱(۳)، ۹۷-۷۱.
 - موسی‌زاده، زهره؛ طهماسبی، سیامک؛ مسعودی فرید، حبیب‌الله (۱۳۹۸)، «بررسی ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه سلامت روان اسلامی»، *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۱۰(۳۷)، ۸۹-۷۱.
 - میردریگوند، فضل‌الله؛ قدم‌پور، عزت‌الله؛ کاوریزاده، میعاد (۱۳۹۵)، «اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر سرمایه روان‌شناختی و سازگاری نوجوانان دختر بدسرپرست»، *فصلنامه مددکاری اجتماعی*، ۵(۳)، ۳۰-۲۳.
 - Bansal, M. & Kapur, S. (2023) Facets of life skills education – a systematic review, *Quality assurance in education*, 31 (2), 281–295.
 - Gross, J. J., Uusberg, H. & Uusberg, A. (2019). Mental illness and well-being: An affect regulation perspective. *World Psychiatry*, 18(2), 130–139.
 - Manwell, L. A., Barbic, S. P., Roberts, K., Durisko, Z., Lee, C., Ware, E., et al. (2015). What is mental health? Evidence towards a new definition from a mixed methods multidisciplinary

international survey. **BMJ**, 5(6), 1–13.

- McTavish ,Sandra .(2000) .Life Skills :Activities for success and well being. New York: Lippincott Williams & Wilkins.

- Melur Sukumar G ,Banandur PS ,Nagaraja SR ,Shenoy AB ,Shahane S ,Shankar RG ,et al. (2023) Youth focused life skills training and counselling services program—An inter–sectoral

- initiative in India: Program development and preliminary analysis of factors affecting life skills. **PLoS ONE**, 18(8): e0284771. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0284771>

- Paiva, P. C. P., de Paiva, H. N., de Oliveira Filho, P. M., Lamounier, J. A., e Ferreira, E. F., Ferreira, R. C., ... & Zarzar, P. M. (2014). Development and validation of a social capital questionnaire for adolescent students (SCQ–AS). **PloS one**, 9(8), e103785.

- Sepulveda ,A ,R & ,Lopez ,C .(2008) ,Fasbility and accept–ability of DVD and telephone coaching–based life skills training for carrer of people with on eating disorder ,**International Journal of eating disorder**, 41(4), 318–325.

- Shek, D. T. L.(2021). Perceptions of Adolescents, Teachers and Parents of Life Skills Education and Life Skills in High School Students in Hong Kong, **Applied Research in Quality of Life**, 16(1), 1847–1860.

- The World Health Organization .)2001 (**Skills for health ,information series on school health document9** . <http://www.who.int/school-youth-health>.

- The World Health Organization, (1993). **Health news stories: Depression link to heart disease**, hostility.

- Tonkaboni ,F ;Yousefy ,A & Keshtiaray ,N .(2014). The Relationship Between The Curriculum Of Highereducation And Social Capital .**Journal Of Education And Training**,1(1), 39–46.

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال دهم، شماره اول، پیاپی ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳ (ص ۱۸۳-۲۰۱)

رابطه بین سبک های دلبستگی و پایبندی دینی در دانشجویان دختر: نقش میانجی ابعاد کارکرد خانواده

Investigating the Relationship Between Attachment Styles and Religious Commitment in Female Students: The Mediating Role of the Dimensions of Family Functioning

✉ مریم صیاد شیرازی / گروه روان شناسی و علوم تربیتی، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

امیرحسین بهاد یوند چگینی / سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، مرکز آموزش و پژوهش منطقه ۱۰ کشوری، گیلان، ایران.

Maryam Sayyad Shirazi / Assistant Professor of Psychology, Women Research Center, Alzahra University, Tehran, Iran. ma.sayad@alzahra.ac.ir

Amir-Hossein Bahadivand Chegini / MA in Psychology, Security and Corrective Measures Organization Zndan Ha, Center for Research and Training in district 10, Gilan, Iran. amiralibahadivand@gmail.com

Abstract

This study investigates the mediating role of the dimensions of family functioning in the relationship between attachment styles and religious commitment among university students.

Method: This research is descriptive and of correlational mode. The study population includes all students at Al-Zahra University enrolled in the academic year 2022-2023, from which 318 students were selected using simple random sampling and Cochran's formula. Data were collected using questionnaires on religious commitment, attachment styles, and the dimensions of family. Descriptive statistics, Pearson correlation coefficient, and structural equation modeling (path analysis) were used for

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش میانجی ابعاد کارکرد خانواده در رابطه بین سبک های دلبستگی با پایبندی دینی دانشجویان است. روش کار: روش پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه پژوهش، تمامی دانشجویان دانشگاه الزهراء در حال تحصیل سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ را در برمی گیرد که ۳۱۸ نفر از آنان با روش نمونه گیری تصادفی ساده و با استفاده از فرمول کوکران، انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها، از پرسش نامه های پایبندی دینی، سبک دلبستگی و سنجش ابعاد کارکرد خانواده و برای تجزیه و تحلیل داده ها، از شاخص های آمار توصیفی، ضریب همبستگی

data analysis.

Findings: The correlation test results showed there was a positive and significant relationship between secure attachment style, religious commitment, and family functioning. There is a negative and significant relationship between avoidant and ambivalent attachment styles with the dimensions of family functioning functionality. Path analysis results also confirmed the mediating role of the dimensions of family functioning functionality in the relationship between attachment styles and religious commitment.

Conclusion: This study indicates that attachment styles influence individuals' behavior in human relationships. Additionally, the dimensions of family functioning explain the interaction between attachment styles and religious commitment and play a role in strengthening religious commitment among individuals with different attachment styles.

KEYWORDS: religious commitment, students, attachment style, family functioning

پیرسون و الگویابی معادله‌های ساختاری (تحلیل مسیر) استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج آزمون همبستگی نشان داد که رابطه بین سبک دلبستگی ایمن، پایبندی دینی و عملکرد خانواده مثبت و معنادار است. رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با ابعاد کارکرد خانواده منفی و معنادار است. نتیجه تحلیل مسیر نیز نقش واسطه‌ای ابعاد کارکرد خانواده در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و پایبندی دینی را تأیید کرد.

نتیجه‌گیری: این مطالعه نشان می‌دهد که سبک‌های دلبستگی بر رفتار افراد در روابط انسانی تأثیر دارند. همچنین ابعاد کارکرد خانواده تعامل بین سبک‌های دلبستگی و پایبندی دینی را توجیه کرده و در تقویت پایبندی دینی افراد با سبک‌های دلبستگی مختلف نقش دارند.

کلیدواژه‌ها: پایبندی دینی، دانشجویان، سبک دلبستگی، کارکرد خانواده.

مقدمه

مطالعات تجربی در زمینه روان‌شناسی دین از قرن نوزدهم با تأکید بر نقش حیاتی دین در رشد و توسعه روحی انسان‌ها، آغاز شد (مویتینهو^۱، ۲۰۲۲). پایبندی دینی به عنوان میزان تعهد و انگیزه افراد به عمل به اعتقادات و مراسم مذهبی، به عنوان یک بُعد مهم از تجربه مذهبی افراد محسوب می‌شود (پالوتزین و پارک^۲، ۲۰۱۴). بی‌تردید، پایبندی به آموزه‌های دینی، با ایجاد محیط‌های مساعد و تعاملات مثبت در جامعه در برابر چالش‌های روانی، به

1. Moitinho.

2. Paloutzian & Park.

ارتقای سلامت روان افراد کمک می‌کند (اصلانی و همکاران، ۱۳۹۳). دین، رفتار مجرمانه را کاهش می‌دهد، ضمن آنکه خودکفایی و حس معنا را در افراد نیز افزایش می‌دهد (منصوری و همکاران، ۱۴۰۲).

همچنین در آموزه‌های دینی، تعاملات به‌ویژه روابط خانوادگی اهمیت بالایی دارد (فروزش و همکاران، ۱۳۹۹) و خانواده نقش اساسی در ایجاد روابط دقیق، اعتماد و تعهد متقابل و انطباق فرد با فضای ارتباطی، محیط تحصیلی و جوامع دارد (حمیدی^۱ و همکاران، ۲۰۱۴). انسجام، ساختار خانواده، به احساس با هم بودن، پیوند و وابستگی عاطفی در بین اعضای خانواده اشاره دارد (اولسون^۲، ۲۰۱۰) و در حقیقت، روابط متقابل مثبت، نشان‌دهنده توانایی خانواده در کارکرد صحیح است (لانیگان^۳، ۲۰۰۹)؛ به‌طوری‌که زوج‌های مذهبی الگوهای ارتباطی سازگار دارند، ولی زوجین فاقد اعتقادات معنوی دارای الگوهای ارتباطی ناسازگار هستند (محمدی و همکاران، ۱۴۰۲). از دیدگاه آموزه‌های دینی، خانواده‌ای کارآمد به شمار می‌آید که اعضای آن به اصول دینی، حقوق، و اخلاق دینی پایبندی دارند و این تعهدات منجر به رشد و شناخت بهتر استعدادها و افراد می‌شود (صفورایی پاریزی، ۱۳۹۲). علاوه بر این، ارتباطات خانوادگی و همکاری متقابل اعضا، یک عامل کلیدی و ارزشمند برای موفقیت خانواده است (چسین و لجیک^۴، ۲۰۱۲) که در مواقع بحرانی می‌تواند با ایجاد نقش‌ها و قوانین مناسب برای هر عضو، به رفع و حل مشکل کمک کند (تانگ^۵ و همکاران، ۲۰۱۸). روابط مثبت، تعاملات سازنده و ارتباط مستقیم، احساس امنیت را تقویت می‌کنند (اسکابینی^۶ و همکاران، ۲۰۰۷). ارتباط نزدیک میان والدین و فرزندان، همسویی ارزش‌های دینی و پابندی‌شان به باورهای دینی، عامل محافظتی در برابر رفتارهای تخلف‌آمیز است و موجب حفظ ارتباط صمیمانه میان آنها در مدت طولانی است (وجدانی و همکاران، ۱۳۹۹). والدین با حمایت و همدلی، سبک دلبستگی ایمن در فرزندان ایجاد کرده و سهم اساسی در انتقال ارزش‌های اجتماعی، قوانین و اخلاقیات آنها دارند (عارفین و الزهرا^۷، ۲۰۲۱). جنبه

1. Hamed.

2. Olson.

3. Lanigan.

4. Chesin & Jeglic.

5. Tang.

6. Scabini.

7. Arifin & Azzahra.

دیگری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، سبک‌های دلبستگی می‌باشد. نظریه دلبستگی که توسط جان بالبی^۱ و ماری اینزورث^۲ در سال ۱۹۹۲ ارائه شده است، سبک‌های مختلف دلبستگی را به دو دسته ایمن و نایمن تقسیم می‌کند. سبک دلبستگی نایمن نیز به سه دسته اجتنابی، دوسوگرا و آشفته تقسیم می‌شود (معماریان و همکاران، ۱۴۰۱).

سبک دلبستگی، یکی از مفاهیم بنیادینی است که می‌تواند چگونگی ارتباطات بین فردی افراد را تعیین نماید. از دیدگاه بالبی، افراد در اثر تعامل با مراقبت‌کننده‌های دوران کودکی خویش به انتظاراتی پیرامون روابط اجتماعی و درکی از خود در رابطه با افراد مهم زندگی‌شان، دست پیدا می‌کنند که در تمامی مراحل زندگی تعیین‌کننده می‌باشد و تفاوت‌های شناختی، هیجانی و ارتباطی افراد را می‌توان در قالب سبک‌های دلبستگی آنها دنبال کرد (فروزش، روشن‌چسلی، غلامی فشارکی و محسنی‌زاده، ۱۳۹۸).

سبک‌های دلبستگی، الگوهای شناختی و عاطفی هستند که در نتیجه رفتارها و واکنش‌های والدین شکل گرفته و تضمین‌کننده احساس امنیت، ثبات و سازگاری در روابط بین‌فردی هستند (میکولینسر و شاور^۳، ۲۰۱۷). سبک‌های دلبستگی، یکی از عوامل تأثیرگذار بر روابط بین فردی دانشجویان است (پاکدامن، ۱۳۸۰). مطالعه محمدی و همکاران در سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد که رابطه نزدیک فرزند با والدین نقش مهمی در رشد عاطفی، هوشی و الگوگیری دینی آنها دارد (محمدی آشنانی و عزیزی، ۱۴۰۱). مطالعه انجام‌شده توسط کرک‌پاتریک و شاور^۴ در سال ۱۹۹۲ نشان داده‌اند که رابطه فرد با خدا در بزرگسالی به شکلی مشابه ادراک کودک از مراقبین بر اساس نظریه دلبستگی است و همچنین اعتقادات دینی قادرند برای افراد دارای دلبستگی نایمن کارکردی جبرانی داشته باشند (چرنیک^۵ و همکاران، ۲۰۲۱ و کنت^۶، ۲۰۱۷). افراد دارای دلبستگی نایمن با چالش‌های هیجانی بیشتری مواجهه هستند (یحیی^۷ و همکاران، ۲۰۲۱). هارت و هوارد^۸ در سال ۲۰۱۶ نشان دادند که

1. Bowlby, J.

2. Ainsworth, M.

3. Mikulincer & Shaver.

4. Kirkpatrick & Shavor.

5. Cherniak.

6. Kent.

7. Yahya.

8. Hart And Howard.

الگوی دلبستگی ایمن تمایل به ارزش‌های زندگی را افزایش می‌دهد (دربان^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). اهمیت سبک‌های دلبستگی زمانی بارزتر می‌شود که متوجه می‌شویم، پژوهش‌های بسیاری تلاش کرده‌اند پیامدهای این سازه مهم روان‌شناختی را بر عملکرد و تجربیات اجتماعی، عاطفی و شناختی افراد بررسی کنند (حجتی، نقش و خدایاری فرد، ۱۴۰۰).

مذهب می‌تواند به عنوان فرایند دلبستگی، به گونه‌ای مفهوم‌سازی می‌گردد که در آن رفتار و باورهای مذهبی به صورت گسترده‌ای از نظام دلبستگی در انسان‌ها نشأت می‌گیرد. بسیاری از جنبه‌های اعتقاد و تجربه مذهبی به ویژه آنهایی که مربوط به ارتباطات درک شده با خدا یا سایر تصویرهای فوق طبیعی هستند، حداقل قسمتی از آن عملکرد فرایندهای دلبستگی روان‌شناختی را منعکس می‌کنند. خداوند تمام ویژگی‌های موردنظر تصویر دلبستگی را که افراد برای دلبستگی به پایگاهی ایمنی‌بخش و پناهگاهی امن به او روی می‌آورند، به منصفه ظهور می‌رساند. شخص مذهبی با این اعتقاد زندگی می‌کند که وقتی در معرض خطر قرار می‌گیرد، خداوند برای محافظت و حمایت در دسترس او خواهد بود. در بسیاری از مواقع، باور به وجود خدا و در دسترس بودنش به او اجازه می‌دهد که به مسائل و مشکلات روزانه زندگی با اطمینان نزدیک شود (اژه‌ای و همکاران، ۱۳۸۴ به نقل از یوسفی‌پور؛ کیمیایی، کارشکی، ۱۳۹۵). پابندی دینی یا مذهبی بودن به درجه باور یا پابندی به اعتقادات و اعمال یک مذهب نظام‌مند اطلاق می‌شود (اکبری مرغان و عبدیوسف‌خانی، ۱۳۹۴).

کارکرد خانواده^۲ یکی از مفاهیم اصلی نظریات روان‌شناسی خانواده است. این مفهوم در سال‌های انتهایی دهه ۱۹۷۰ میلادی وارد ادبیات روان‌شناسی خانواده شد. اولین الگویی که برای کارکرد خانواده مطرح گردید، الگوی مک‌مستر^۳ بود که با تلاش‌های اپستین^۴، بی‌شاپ^۵ و بالدوین^۶ به ثمر نشست. این الگو بر اساس نظریه سیستمی خانواده^۷ شکل گرفت که در آن، خانواده به مثابه نظامی در نظر گرفته می‌شد که اعضای درون آن همبستگی دارند و بدون

1. Darban.

2. Family functioning.

3. Mc master model.

4. Epstein.

5. Bishop.

6. Baldwin.

7. Theory of family system.

درک این نظام نمی‌توان رفتار اعضا را درک نمود. از این‌رو، الگوهای تعاملی نظام خانواده^۱ رفتار اعضا را به‌طور جدی شکل می‌دهند (میلر^۲ و همکاران، ۲۰۰۰). این الگو تلاش می‌کند تا ساختار^۳، سازماندهی^۴ و الگوهای تعاملی خانواده را توصیف کند و البته به همه ابعاد کارکرد خانواده پرداخت، بلکه ابعادی را تبیین نمود که برای درک کارکرد خانواده‌های بالینی مفید باشد. بنابراین به ارزیابی بالینی خانواده‌ها از طیف وسیعی از آسیب تا سلامت پرداخت. بر اساس این الگو، کارکرد اساسی خانواده، شرایط محیطی مناسبی برای رشد جسمی، روان‌شناختی و اجتماعی و جنبه‌های دیگر ایجاد می‌کند و برای تحقق کارکرد اصلی خانواده باید نظام خانواده مجموعه‌ای از تکالیف را انجام دهد. این تکالیف شامل تکالیف اصلی^۵، تکالیف رشدی^۶ و تکالیف بحرانی^۷ است. از این‌رو، شش بعد از ابعاد کارکرد خانواده را معرفی می‌کند که می‌تواند سه حوزه بالینی خانواده (ساختار، سازماندهی و الگوهای تعاملی) را ارزیابی کند (میلر و همکاران، ۲۰۰۰). این کارکردها شامل: حل مسئله^۸، ارتباطات^۹، نقش‌ها^{۱۰}، پاسخگویی عاطفی^{۱۱}، آمیختگی عاطفی^{۱۲} و کنترل رفتار^{۱۳} می‌باشد (هامیلتون و کار^{۱۴}، ۲۰۱۶ به نقل از ثناگویی‌زاده، ۱۴۰۱).

در دهه‌های اخیر، توجه به موضوع عوامل تأثیرگذار بر پایداری دینی از سوی نظریه‌پردازان، پژوهشگران و مشاوران افزایش یافته است. این توجه به دلیل اهمیت عملکرد

1. Transactional patterns.

2. Miller.

3. Structure.

4. Organization.

5. Basic tasks.

6. Developmental tasks.

7. Hazardous tasks.

8. Problem-solving.

9. Communication.

10. Roles.

11. Affective Responsiveness.

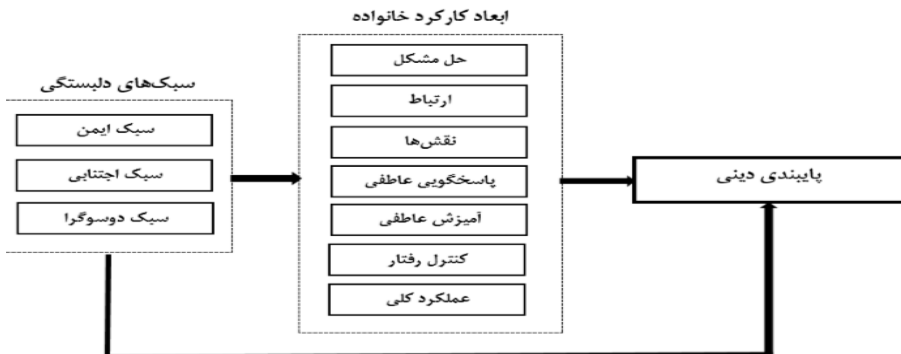
12. Affective involvement.

13. Behavior control.

14. Hamilton & Carr.

خانواده در تشکیل متغیرهای دلبستگی و پابندی دینی، از آرا و نظرات معتقدان به ارتقای فرآیندهای تأثیرگذار بر شکل‌گیری مذهب در فرزندان ناشی می‌شود. بررسی نقش این عوامل مؤثر می‌تواند به راهنمایی خانواده‌ها در ارتقای محیط مناسب برای تربیت فرزندان با ارتباط صحیح به دین کمک نماید و انجام پژوهش‌هایی مشابه پژوهش حاضر، می‌تواند راهگشای والدین و مربیان دغدغه‌مند باشد.

همچنین باید اشاره داشت که اکثر پژوهش‌های انجام شده در این حوزه بر اندازه‌گیری دو متغیر دلبستگی و پابندی دینی متمرکز بوده‌اند و توجه بیشتری به نقش اساسی عملکرد خانواده در شکل‌گیری دلبستگی و پس از آن پابندی دینی داشته‌اند. در برهه حساس کنونی و با هدف پر کردن خلأهای پژوهشی و پاسخگویی به نیازهای همه خانواده‌ها در زمینه نگرش به مسائل دینی و مذهبی فرزندان، انجام پژوهش‌هایی در این زمینه می‌تواند به عنوان یک راهنمایی مؤثر مطرح گردد. پژوهش حاضر با این هدف انجام شده است که آیا مدل پابندی دینی بر پایه سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری ابعاد عملکرد خانواده، دارای برازش مناسبی است و سعی در ارتقای درک جامع از این حوزه پژوهشی دارد (مدل پیشنهادی در شکل ۱).



شکل ۱: مدل پیشنهادی پابندی دینی بر اساس مؤلفه سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری ابعاد کارکرد خانواده

روش پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی، از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، تمامی

دانشجویان دانشگاه الزهراء (ع) که در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ مشغول به تحصیل هستند و طبق آمار رسمی دانشگاه حدود ۹۴۱۵ دانشجو بودند. نمونه آماری این پژوهش با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و بعد از استفاده از فرمول کوکران با در نظر گرفتن حجم جامعه آماری ۳۱۸ نفر برآورد شد. مطابق با هدف پژوهش سه پرسش‌نامه: پابندی دینی، سبک‌های دلبستگی و ابعاد کارکرد خانواده به صورت پرسش‌نامه در بستر شبکه‌های اجتماعی در اختیار دانشجویان داوطلب قرار گرفت. ملاک‌های خروج از پژوهش شامل: عدم تمایل به همکاری و دانشجویان سایر دانشگاه‌ها است و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های زیر استفاده شد.

الف) پرسش‌نامه پابندی دینی: این پرسش‌نامه با ۶۰ سؤال، اولین بار توسط جان بزرگی (۱۳۸۸) تدوین و اعتباریابی شده که به سنجش سه عامل پابندی دینی، دوسوگرایی دینی و ناپابندی دینی در طیف لیکرت می‌پردازد. این پرسش‌نامه دارای همسانی درونی مطلوبی بوده و آلفای کرونباخ توسط سازنده آن برابر با ۰/۸۱ را گزارش کرده است. در پژوهش مؤمنی و رفیعی (۱۳۹۷) میزان آلفای کرونباخ ۰/۷۱ درصد گزارش شده و در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۶ به دست آمد.

ب) پرسش‌نامه سبک دلبستگی بزرگسالان: این پرسش‌نامه حاوی ۱۵ سؤال در مقیاس لیکرت است و بر اساس مواد آزمون دلبستگی هازن و شاور^۲ (۱۹۸۷) تنظیم شده و توسط بشارت (۱۳۹۲) در مورد دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده است. این پرسش‌نامه به سنجش سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مقیاس درجه‌ای لیکرت می‌پردازد. ضرایب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد نمونه دانشجویی به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۴، ۰/۸۵ درصد محاسبه شد که نشان‌دهنده همسانی درونی خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال است. در پژوهش علیزاده و همکاران (۱۳۹۶) میزان آلفای کرونباخ برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳ و ۰/۸۴ درصد گزارش شده و در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ابعاد دلبستگی ایمن، دلبستگی اجتنابی و دلبستگی دوسوگرا به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۴، ۰/۷۹ درصد به دست آمد.

1. Adult attachment inventory.

2. Hazen and Shaver.

ج) پرسش‌نامه سنجش ابعاد کارکرد خانواده^۱ برای سنجش عملکرد خانواده از پرسش‌نامه ۶۰ سؤالی سنجش ابعاد کارکرد خانواده در مقیاس لیکرت استفاده شد که بنا بر الگوی مک مستر^۲ شش بُعد از عملکرد خانواده را مشخص می‌کند (اپستین^۳ و همکاران، ۱۹۸۳). این ابعاد شامل: حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، پاسخگویی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار هستند (ثنایی‌ذاکر و همکاران، ۱۳۸۸). ضرایب آلفایی کل مقیاس در پژوهش ثنایی‌ذاکر و امینی (۱۳۹۷)، ۰/۹۲۰ گزارش شده است. در پژوهش لاهیجی و بشارت (۱۳۹۶) آلفای کرونباخ ۰/۸۶ درصد گزارش شده و در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس برابر ۰/۹۳ به دست آمد.

برای رعایت اصول اخلاقی، شرکت‌کنندگان به صورت داوطلبانه و با رضایت آگاهانه در پژوهش شرکت نمودند و هیچ نیازی به ذکر نام و نام خانوادگی آنان نبود و تأکید شد که اطلاعات آن‌ها به صورت کاملاً محرمانه باقی خواهد ماند. داده‌های پژوهش با استفاده از همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر و به کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ و نرم‌افزار AMOS ۲۶ تحلیل شد.

یافته‌های پژوهش

این پژوهش بر روی ۳۱۸ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه الزهراء (ع) (۲۸۷ نفر مجرد و ۳۱ نفر متأهل) در دامنه سنی ۱۸ تا ۴۵ سال، با میانگین سنی ۲۳/۵ و انحراف معیار ۶/۱۷ انجام شد که از این میان ۷۳٪ کارشناسی، ۲۳/۳٪ کارشناسی ارشد و ۳/۷٪ در مقطع دکتری بودند. از این دانشجویان ۷۲/۶٪ (۲۳۱ نفر) ساکن خوابگاه بودند و ۲۷/۴٪ (۸۷ نفر) از دانشجویان تهرانی که ۱۰/۷٪ شاغل بودند. آمار توصیفی شامل شاخص‌های میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
کارکرد خانواده	۱۶۴/۶۱	۲۲/۳۷	۰/۳۹۰	۰/۳۰۱

1. FAD (Family assessment device).

2. McMaster Model.

3. Epstein.

سبک دلبستگی ایمن	۱۴,۶۸	۴,۱۲	۰,۵۳۴	۰,۱۳۹
سبک دلبستگی اجتنابی	۱۴,۰۹	۳,۷۹	۰,۳۱۸	۰,۱۱۶
سبک دلبستگی دوسوگرا	۱۴,۱۹	۳,۹۵	۰,۱۴۸	-۰,۲۹۶
پایبندی دینی	۷۲,۴۸	۲۳,۱۶	۰,۳۹۰	۰,۳۰۱

بر اساس نتایج به دست آمده در جدول ۱، میانگین ابعاد کارکرد خانواده و سبک های دلبستگی ایمن، اجتنابی، دوسوگرا و پایبندی دینی به ترتیب ۱۶,۴۶۱، ۱۴,۶۸، ۱۴,۰۹، ۱۴,۱۹ و ۷۲,۴۸ به دست آمده است. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

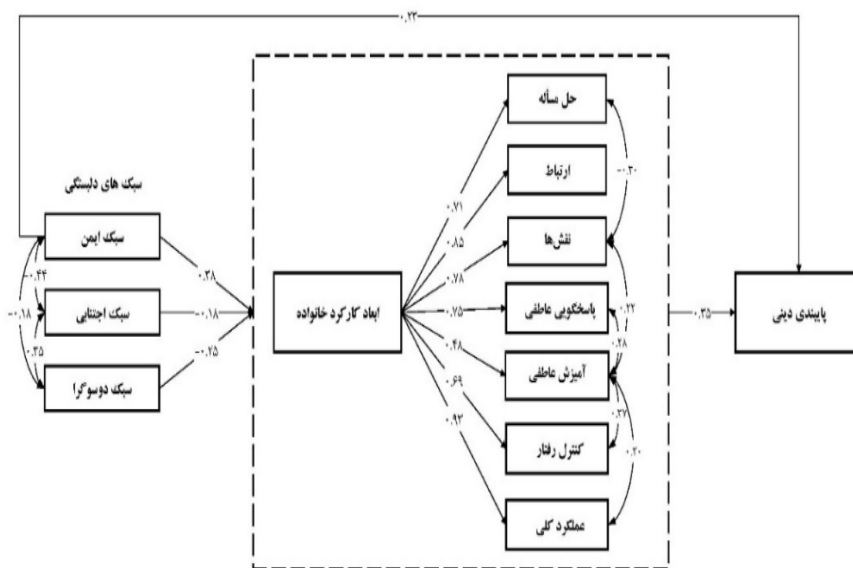
متغیرها	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)
(۱) کارکرد خانواده	۱				
(۲) سبک دلبستگی ایمن	۰,۴۷۴**	۱			
(۳) سبک دلبستگی اجتنابی	-۰,۴۳۶**	-۰,۴۳۶**	۱		
(۴) سبک دلبستگی دوسوگرا	-۰,۳۸۵**	-۰,۱۷۹**	۰,۳۵۱**	۱	
(۵) پایبندی دینی	۰,۴۵۳**	۰,۴۱۰**	-۰,۲۴۵**	-۰,۲۵۲**	۱

بر اساس نتایج به دست آمده در جدول ۲ رابطه معنی داری بین متغیرهای پژوهش وجود دارد. رابطه بین سبک دلبستگی ایمن با ابعاد کارکرد خانواده در سطح $p \leq 0,05$ با مقدار $r = 0,474$ به صورت مثبت و معنادار است. رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با ابعاد کارکرد خانواده در سطح $p \leq 0,05$ به ترتیب با مقدار $r = 0,436$ و $r = 0,385$ به صورت منفی و معنادار است. رابطه بین ابعاد کارکرد خانواده با پایبندی دینی با مقدار $r = 0,453$ ، به صورت مثبت و معنادار است. در این بخش، مهمترین فرضیات مبنایی متغیرهای مورد بررسی در مطالعه توضیح داده می شود. نتایج نشان می دهند که داده های گم شده در متغیرهای مورد بررسی کمتر از ۵٪ بوده و متغیرها دارای توزیع بهنجار هستند. همچنین، روش نمودارهای پراکندگی مفروضه خطی بودن را تأیید کرده و عدم وجود چندگانگی خطی در متغیرها تأیید

شده است. به منظور تبیین الگوی پراکندگی نمرات پایبندی دینی بر اساس سبک‌های دلبستگی با واسطه‌گری ابعاد کارکرد خانواده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد که نتایج شاخص‌های نیکویی برازش در جدول ۳ آمده است. بنابراین، طبق دیدگاه هو و بنتلر^۱ (۱۹۹۹) مقدار بزرگتر از ۰/۹ برای شاخص‌های CFI و GFI و مقدار کوچکتر از ۰/۰۸ برای شاخص RMSEA بر برازش مطلوب الگوی مفروض با داده‌ها دلالت دارد.

جدول ۳: شاخص‌های نیکویی برازش الگوی مفروض بعد از اصلاح

RMSEA	CFI	GFI	df/X ^۲	df	X ^۲	بعد از اصلاح مدل
۰/۰۷۸	۰/۹۶۱	۰/۹۴۳	۲/۹۴۷	۳۵	۱۰۳/۱۲۹	



شکل ۲: ضرایب مسیر الگوی پایبندی دینی بر اساس سبک‌های دلبستگی با واسطه‌گری ابعاد کارکرد خانواده

بر اساس نتایج به دست آمده از شکل ۲، بین متغیرهای وارد شده در مدل، بیشترین میزان اثر مربوط به تأثیر سبک دلبستگی ایمن بر ابعاد کارکرد خانواده می‌باشد؛ به طوری که با هر واحد

تغییر در واریانس نمرات سبک دلبستگی ایمن، به میزان ۰٫۳۸ در نمرات ابعاد کارکرد خانواده تغییر ایجاد می‌گردد. جدول ۵ نتایج مربوط به اثرات مستقیم در مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۴: اثرات مستقیم در بررسی متغیرهای پژوهش در فرضیه پژوهش

متغیر مستقل	متغیر وابسته	میزان اثر	ضریب t
سبک دلبستگی ایمن	کارکرد خانواده	۰٫۳۸	۶٫۷۱۰
سبک دلبستگی اجتنابی		-۰٫۱۸	-۳٫۳۱۷
سبک دلبستگی دوسوگرا		-۰٫۲۵	-۴٫۸۳۵
سبک دلبستگی ایمن	پایبندی دینی	۰٫۲۳	۴٫۰۸۸
سبک دلبستگی اجتنابی		غیر معنادار	غیر معنادار
سبک دلبستگی دوسوگرا		غیر معنادار	غیر معنادار
کارکرد خانواده	پایبندی دینی	۰٫۳۵	۵٫۷۲۵

بر اساس نتایج به دست آمده از جدول ۴، اثر مستقیم سبک دلبستگی ایمن بر کارکرد خانواده (۰٫۳۸)، سبک دلبستگی اجتنابی بر کارکرد خانواده (-۰٫۱۸) و سبک دلبستگی دوسوگرا بر کارکرد خانواده (-۰٫۲۵) از نظر آماری معنادار است. همچنین، اثر مستقیم سبک دلبستگی ایمن بر پایبندی دینی (۰٫۲۳) و کارکرد خانواده بر پایبندی دینی (۰٫۳۵) نیز معنادار می‌باشد. اثر مستقیم سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا بر پایبندی دینی معنادار نبوده و مسیرهای غیرمعنادار برای برازش بهتر مدل از معادله حذف شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقدار t در همه مسیرهای معنادار بیش از ۱٫۹۸± است که نشان‌دهنده معنادار بودن این مسیرها است. برای تعیین معناداری رابطه الگوی پایبندی دینی بر اساس سبک دلبستگی با واسطه‌گری کارکرد خانواده، از آزمون سوبل^۱ استفاده شد.

1. Sobel Test.

جدول ۵: نتایج آزمون سوبل برای اثرات میانجی و غیرمستقیم

پیش بین	میانجی	ملاک	ضریب غیرمستقیم	Z	P
سبک دلبستگی ایمن	کارکرد خانواده	پایداری دینی	۰/۱۳۴	۵/۱۴۹	<۰/۰۵
سبک دلبستگی اجتنابی			-۰/۰۶۵	۳/۲۰۱	<۰/۰۵
سبک دلبستگی دوسوگرا			۰/۰۸۹	۴/۰۶۹	<۰/۰۵

بر اساس داده‌های جدول ۵ در پیش‌بینی پایداری دینی از طریق سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا با واسطه‌گری ابعاد کارکرد خانواده مقدار Z بیش از ۱/۹۸± است و ($P \leq ۰/۰۵$) معناداری این مسیر را نشان می‌دهد و می‌توان نتیجه گرفت که کارکرد خانواده، رابطه بین سبک‌های دلبستگی و پایداری دینی را میانجی‌گری می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و پایداری دینی در دانشجویان دختر با میانجی‌گری ابعاد کارکرد خانواده بود. نتایج پژوهش نشان داد که ابعاد کارکرد خانواده می‌تواند نقش میانجی در اثرگذاری بین سبک‌های دلبستگی و پایداری مذهبی داشته باشد و مدل ارائه شده در این زمینه برازش مناسبی دارد. در این مدل، نتایج مسیر نشان داد که ابعاد کارکرد خانواده به‌طور مستقیم میانجی‌گر رابطه بین سبک‌های دلبستگی و پایداری مذهبی می‌باشد. این یافته هر چند به‌صورت مشابه در پژوهش‌ها بررسی نشده است، ولی نتایج پژوهش‌های مشابه نشان داده است که بین پایداری مذهبی و سبک‌های دلبستگی (از نوع سبک دلبستگی ایمن) با یافته‌های چن^۱ و همکاران (۲۰۲۳)، اسپنس^۲ و همکاران (۲۰۲۲)، بوسی^۳ و همکاران (۲۰۱۷)، مقدم^۴ و همکاران (۲۰۱۶) همسو می‌باشد. از طرفی در بُعد اثربخشی ابعاد کارکرد خانواده بر پایداری دینی مثبت بود و نتایج

1. Chen.

2. Spence.

3. Bucci.

4. Moghadam.

پژوهش با یافته‌های نوروزی^۱ و همکاران (۲۰۲۳)، ستوده^۲ و همکاران (۲۰۲۲)، کس^۳ و همکاران (۲۰۲۰)، کینگ^۴ و همکاران (۲۰۱۹) و لیمان^۵ و همکاران (۲۰۱۶) همسو بود.

در تبیین تحلیل مسیر این مدل می‌توان گفت، در خانواده‌ای که مؤلفه‌های عملکرد آن اعم از (حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی، مشارکت عاطفی، کنترل رفتار، کارکرد عمومی) به درستی انجام می‌پذیرد، موجب شکل‌گیری دلبستگی ایمن در فرزندان آن خانواده خواهد شد و افرادی که واجد سبک دلبستگی ایمن هستند، روابط صمیمی و بهتری را با دیگران برقرار کرده و ارتباط بین فردی قوی‌تری دارند، دارای اعتماد به نفس بالاتری هستند و زمانی که مانعی بر سر راه آنها قرار می‌گیرد (در صورت پایه‌گذاری درست مبانی دینی در خانواده)، بدون تردید رفتار خود را با معیارهای مذهبی تنظیم می‌کند و تمام تلاش خود را می‌کند تا ارتباط خود را در همه شرایط با خدا حفظ نماید. در مقابل، در خانواده‌ای که عملکرد درستی در ابعاد مختلف نداشته است، دلبستگی ناایمن و یا اجتنابی در بین اعضای خانواده به وجود می‌آید و در نتیجه، فردی با چنین خانواده‌ای همواره نگران و در یک حالت بی‌اعتمادی و تردید مذهبی به سر می‌برد، میان کردار و گفتارش هماهنگی وجود نداشته، در برابر سختی‌ها تحمل کمی دارد و احساس خوبی به خود و ارتباط با خدا ندارد. در نتیجه یا هیچ‌گونه تعهدی به تنظیم رفتار خود بر اساس اصول و یا دستورات مذهبی نداشته و یا فقط در مواقع لزوم (سختی‌ها) به خدا پناه می‌برد (شناگویی، ۱۳۹۲) و یک رابطه دلبسته ایمن می‌تواند رفتارها، افکار و احساسات او را در موقعیت‌های بعدی هدایت نماید. مهمترین ویژگی روابط دلبسته، احساس امنیت و تعلق است. به‌طوری‌که فرد دیگر احساس تنهایی و ناراحتی نداشته باشد. چنین افرادی اغلب از روابط خود احساس رضایت بیشتری می‌کنند، ارتباط زنده و صمیمانه‌تری دارند و در نتیجه، روابط بلندمدت‌تری برقرار می‌نمایند و نسبت به دیگران متعهدتر هستند (آشناد، رضائیان بیلندی و احمدی، ۱۳۹۹). در واقع، افرادی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند، روابطشان در سه سطح ارتباط با خود، دیگران و خدا توأم با صمیمیت و رضایت بوده و احتمال اینکه خود را ملتزم به وظایف و تعهداتشان بدانند، بیشتر است.

1. Noroozi.

2. Sotudeh.

3. Kes.

4. King.

5. Leeman.

بنابراین، توجه و آگاه‌سازی خانواده‌ها به اهمیت و نقش عملکردشان در شکل‌گیری دلبستگی و به تبع آن پابندی دینی فرزندان‌شان ضروری به نظر می‌رسد تا شاهد فرزندانی با سبک دلبستگی ایمن همراه با پابندی مذهبی مثبت باشیم.

از جمله محدودیت‌های این تحقیق، کاهش توجه به مسائل دینی و مذهبی در بین دانشجویان به دلیل کم‌رنگ شدن این موضوعات در فضای اجتماعی و عدم انگیزه کافی در جامعه پژوهشی برای پاسخ به پرسش‌نامه‌ها و نمونه‌گیری از جمعیت دانشجویی بود. به همین دلیل در استنباط نتایج، نیاز به احتیاط در تعمیم آن به همه دانشجویان و جامعه عمومی وجود دارد. همچنین در این پژوهش برای ارزیابی برازندگی الگوی پیشنهادی از روش تحلیل مسیر استفاده شده است. بنابراین، از نتایج این پژوهش نمی‌توان دست به استنباط علمی زد. در نهایت، پیشنهاد می‌شود که تحقیقات آینده بر روی نقش تفاوت‌های جنسیتی، عوامل فرهنگی و اجتماعی در ارتباط با سبک‌های دلبستگی و پابندی دینی در دانشجویان، همچنین تأثیر سبک‌های دلبستگی بر پیش‌بینی انگیزش مذهبی و مشارکت در فعالیت‌های دینی دانشجویان سایر دانشگاه‌ها و عوامل تأثیرگذار بر متغیرها، مورد بررسی قرار گیرد.

فهرست منابع

- آشناد، فائزه؛ رضائیان بیلندی، حسین و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۹)، «نقش تعدیل‌کننده جهت‌گیری مذهبی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و تعهد زناشویی»، *مطالعات اسلامی زنان و خانواده*، ۷ (۱۳)، ۵۳-۷۶.
- اصلانی، خالد؛ امان‌اللهی، عباس؛ ولدمومن، پری و تقی‌پور، منوچهر (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه ساده و تعدیل‌گر ناامیدی و عملکرد خانواده با افکار خودکشی‌گرا در بین دانش‌آموزان پایه اول دبیرستان‌های شهر اهواز»، *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۵ (۲۰)، ۵۹-۷۹.
- اکبری مرغان، حسین؛ عبدیوسف‌خانی، زینت (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه بین پابندی مذهبی و رضایت از زندگی»، *پژوهشنامه تربیتی*، ۴۳، ۳۷-۴۸.
- بشارت، محمد علی (۱۳۹۲)، «مقیاس دلبستگی بزرگسال: پرسش‌نامه، شیوه اجرا و کلید نمره‌گذاری (نسخه فارسی)»، *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۹ (۳۵)، ۳۱۷-۳۲۰.
- پاکدامن، شهلا (۱۳۸۰)، *بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی*، پایان‌نامه دکترای روان‌شناسی، دانشگاه تهران.

- ثناگویی، محمد (۱۳۹۲)، «رابطه الگوهای ارتباطی زنان و مردان با توجه به پایبندی مذهبی و رضامندی زناشویی در روابط زوجین»، *فصلنامه روان‌شناسی و دین*، ۶(۱)، ۹۱-۱۰۹.
- ثناگویی‌زاده، محمد (۱۴۰۱)، «الگویابی ساختاری کارکرد خانواده ایرانی-اسلامی»، *روان‌شناسی و دین*، ۱۵(۲)، ۱۱۳-۱۳۲.
- ثنایی، باقر؛ علاقمند، ستیلا؛ فلاحتی، شهره؛ هومن، عباس (۱۳۸۸)، *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*، تهران: بعثت.
- ثنایی‌ذاکر، باقر و امینی، فریده (۱۳۹۷)، «مقایسه عملکرد خانواده در دو گروه دانش آموزان دختر مستقل و وابسته به دیگران»، *پژوهش‌های مشاوره تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۲(۷-۸)، ۹-۲۸.
- جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۸)، «ساخت و اعتباریابی آزمون پایبندی مذهبی بر اساس گزاره‌های قرآن و نهج‌البلاغه»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۳(۵)، ۷۹-۱۰۵.
- حجتی، قصیده؛ نقش، زهرا؛ خدایاری‌فرد، محمد (۱۴۰۰)، «رابطه بین سبک دلبستگی و هویت اخلاقی: نقش واسطه‌ای همدلی»، *مجله روان‌شناسی*، ۹۸، ۲۵(۲)، ۲۱۵-۲۳۵.
- خانجانی، مهدی؛ قنبری، فرشته و نعیمی، ابراهیم (۱۳۹۸)، «بررسی ارتباط کارکرد خانواده، سبک دلبستگی و سبک‌های تربیتی والدین با اعتیاد به اینترنت در نوجوانان»، *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۰(۳۷)، ۱۲۱-۱۴۲.
- صفورایی‌پاریزی، محمدمهدی (۱۳۹۲)، «شاخص‌های خانواده کارآمد»، *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۱۱(۱)، ۲۹-۵۸.
- علیرزاده اصلی، افسانه؛ کیامنش، علیرضا و احدی، حسن (۱۳۹۶)، «پیش‌بینی پرخاشگری و سازگاری تحصیلی بر اساس سبک‌های دلبستگی دانشجویان دختر»، *زن و مطالعات خانواده*، ۱۰(۳۷)، ۶۵-۸۴.
- فروزش، سجاد؛ روشن‌چسلی، رسول؛ غلامی‌فشارکی، محمد و محسنی‌زاده، معصومه (۱۳۹۸)، «تدوین مدل ارتباط با خانواده همسر بر اساس مؤلفه‌های سبک‌های دلبستگی، ویژگی‌های شخصیت و هوش هیجانی با میانجی‌گری پایبندی مذهبی»، *روان‌شناسی بالینی و شخصیت*، ۱۷(۲)، ۶۳-۷۶.
- لاهیجی، لاله؛ بشارت، محمدعلی (۱۳۹۶)، «پیش‌بینی کارکرد خانواده و کیفیت زندگی بر پایه شیوه‌های دل‌بستگی زوجین»، *آسیب‌شناسی خانواده*، ۳(۲)، ۱۱۹-۱۳۸.
- محمدی، رمضان؛ رجبیان‌ده‌زیره، مریم؛ درتاج، فتانه و حسینی، محمدامین (۱۴۰۲)، «پیش‌بینی نگرش به مدبر اساس عمل به باورهای دینی، ویژگی‌های پنج‌گانه شخصیت و سبک‌های دلبستگی»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۱۷(۲۲)، ۱۰۵-۱۲۷.
- محمدی‌آشنائی، علی و عزیزی، ربابه (۱۴۰۱)، «بررسی تأثیر دلبستگی ایمن در شکل‌گیری هوش هیجانی

وانس دینی کودکان در سنین ۱-۳ سالگی از دیدگاه آموزه‌های دینی و روان‌شناسی»، *مشکوة*، ۴۱ (۱۵۴)، ۲۷-۴۹.

• معماریان، الهه؛ معنوی‌پور، داود و صداقتی‌فرد، مجتبی (۱۴۰۱)، «تبیین رابطه سبک‌های دلبستگی و باورهای معرفت‌شناسی با همدلی در دانشجویان». *فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی*، ۱۶ (۱)، ۲۷-۵۵.

• منصوری، زهره؛ باقری، فریبرز؛ درتاج، فریبرز و ابوالعالی‌الحسینی، خدیجه (۱۴۰۲)، «ارزیابی مدل پیش‌بینی صمیمت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری سبک‌های عشق‌ورزی همدلی و شور در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران»، *فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، ۱۴ (۱)، ۱۷۹-۱۹۴.

• مومنی، خدامراد؛ رفیعی، زهرا (۱۳۹۷)، «رابطه حمایت اجتماعی و جهت‌گیری مذهبی با رضایت از زندگی در سالمندان»، *سالمند: مجله سالمندی ایران*، ۱۳ (۱)، ۵۰-۶۱.

• وجدانی، شهریار؛ کرمی، مریم و احمدی، صدیقه (۱۳۹۹)، «بررسی نقش تعدیل‌گری باورهای مذهبی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با نگرش به خیانت در زنان متأهل»، *مطالعات اجتماعی-روان‌شناختی زنان (مطالعات زنان)*، ۱۸ (۲)، ۱۹۳-۲۲۰.

• یوسفی‌پور، ریحانه؛ کیمیایی، علی؛ کارشکی، حسین (۱۳۹۵)، «نقش تعهد مذهبی و سبک دلبستگی بزرگسالان در کیفیت روابط زناشویی با میانجی‌گری متغیر سبک دلبستگی در زوج‌های تازه ازدوج»، *علوم انسانی اسلامی*، ۱۰ (۴)، ۵۸-۶۸.

• Arifin, B. S & , Azzahra, S. F. (2021). The Influence of Parenting Style on Adolescent Religious Commitment in Bandung, Indonesia. Paper presented at the 5th Asian Education Symposium 2020 (AES). (2020 DOI/10.2991:assehr.k210715.097.

• Bucci, S., Emsley, R & , Berry, K. (2017). Attachment in psychosis: A latent profile analysis of attachment styles and association with symptoms in a large psychosis cohort. *Psychiatry Research*, 243-249, 247. doi: 10.1016/j.psychres.2016.11.036.

• Chen, Y., Luo, S., Wang, L., Miao, H., Xi, R., Luo, Z., & Wang, Z. (2023). Peer Attachment Style Moderates the Effect of Mood on Creativity. *Psychological Reports*, 00332941231168996. doi: 10.1177/00332941231168996.

• Cherniak, A. D., Mikulincer, M., Shaver, P. R., & Granqvist, P. (2021). Attachment theory and religion. *Current Opinion in Psychology*, 40, 126-130. doi: 10.1016/j.copsyc.2020.08.020.

• Chesin, M. S., & Jeglic, E. L. (2012). Suicidal behavior among Latina college students. *Hispanic*

Journal of Behavioral Sciences, 34(3), 421–436. <https://doi.org/10.1177/0739986312445271>

- Darban, F., Safarzai, E., Koohsari, E., & Kordi, M. (2020). Does attachment style predict quality of life in youth? A cross-sectional study in Iran. *Health psychology research*, 8(2):8796. doi: 10.4081/hpr.2020.8796.
- Epstein, N. B., Baldwin, L. M., & Bishop, D. S. (1983). The McMaster family assessment device. *Journal of marital and family therapy*, 9(2), 171–180. <https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.1983.tb01497.x>
- Hamed, Z., Abdolvahab Samavi, S., & Askari, M. (2014). The Relation between Family Function and Attachment Styles with Social Adjustment of Male and Female High School Students in Bandar Abbas. *J Appl Environ Biol Sci*.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *J Pers Soc Psychol*, 52(3):511–24. doi: 10.1037//0022-3514.52.3.511.
- Hu, L. t., & Bentler, P. M. (1999). Cutoff criteria for fit indexes in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives. *Structural equation modeling: a multidisciplinary journal*, 6(1), 1–55. <https://doi.org/10.1080/10705519909540118>
- Kent, B. V. (2017). Attachment to God, religious tradition, and firm attributes in workplace commitment. *The Journal of social psychology*, 157(4), 485–501. <https://doi.org/10.1080/00224545.2016.1242470>
- Kes, D., & Aydin Yildirim, T. (2020). The relationship of religious coping strategies and family harmony with caregiver burden for family members of patients with stroke. *Brain injury*, 34(11), 1461–1466. doi: 10.1080/02699052.2020.1810317.
- King, V., Lindstrom, R., & Washington, C. (2019). Patterns of shared religious attendance and positive stepfamily functioning. *Journal of Research on Adolescence*, 29(2), 357–368. <https://doi.org/10.1111/jora.12409>
- Lanigan, J. D. (2009). A sociotechnological model for family research and intervention: How information and communication technologies affect family life. *Marriage & Family Review*, 45(6–8), 587–609. DOI: 10.1080/01494920903224194
- Leeman, J., Crandell, J. L., Lee, A., Bai, J., Sandelowski, M., & Knafl, K. (2016). Family

functioning and the well-being of children with chronic conditions: A meta-analysis. *Research in nursing & health*, 39(4), 229–243. doi: 10.1002/nur.21725.

● Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2017). *Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change*. The Guilford Press.

● Moghadam, M., Rezaei, F., Ghaderi, E., & Rostamian, N. (2016). Relationship between attachment styles and happiness in medical students. *Journal of family medicine and primary care*, 5(3), 593–599. doi: 10.4103/2249–4863.197314.

● Moitinho, D. D. S. (2022). Marital Satisfaction and Attachment Style: The Mediating Role of Emotional Intelligence and Religious Commitment. Moitinho Department of Community Care and Counseling, Liberty University, School of Behavioral Sciences.

● Noroozi, M., & Mohebbi-Dehnavi, Z. (2023). Investigating the relationship between religious orientation and spiritual intelligence with general health dimensions in women with breast cancer. *Journal of Education and Health Promotion*, 12:40. doi: 10.4103/jehp.jehp_1744_21.

● Olson, David H. (2010). *FACES IV (Family Adaptability and Cohesion Evaluation Scale)*. FACES IV Package. www.facesiv.com.

● Paloutzian, Raymond F., & Park, Crystal L. (2014). *Handbook of the psychology of religion and spirituality*: Guilford Publications.

● Sotudeh, T., Hasanpoor-Azghady, S. B., & Amiri-Farahani, L. (2022). Relationship between religious coping, pain severity, and childbirth self-efficacy in iranian primipara women. *Obstetrics and Gynecology International*, 15; 2338683. doi: 10.1155/2022/2338683.

● Spence, R., Kagan, L., Nunn, S., Bailey-Rodriguez, D., Fisher, H. L., Hosang, G. M., & Bifulco, A. (2022). The moderation effect of secure attachment on the relationship between positive events and wellbeing. *PsyCh Journal*, 11(4), 541–549. doi: 10.1002/pchj.546.

● Yahya, F., Nahar, M. I., Talib, A. T., Darshan Singh, S. S., Mohad, A. H., Mohd Isa, N. A., & Ahmad Khiri, M. J. (2021). The Effects of Parental Attachment on Personality Traits. *Journal of Cognitive Sciences and Human Development*, 7(1), 157–174. <https://doi.org/10.33736/jcsd.2877.2021>

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال دهم، شماره اول، پیاپی ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳ (ص ۲۰۳-۲۲۹)

نقش واسطه‌ای خودکارآمدی و امید در رابطه عزت نفس و رضایت از زندگی: یک مطالعه تحلیل مسیر

The Mediating Role of Self-Efficacy and Hope in the Relationship Between Self-Esteem and Life Satisfaction: A Path Analysis Study

احمد امیدی/ دانشجوی دکتر روان‌شناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.

مرتضی کاشانی نژاد ابیانه/ کارشناسی ارشد روان‌شناسی، موسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.

محمد جواد حمزه پور/ دانشجوی دکتر روان‌شناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.

محمد فروهوش/ دکتری روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی سمنان، ایران.

مصطفی جهانگیری/ دانشجوی دکتری روان‌شناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.

Ahad Omid/PhD student in psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute (RA).

Omidi.ahad@gmail.com

Mortaza Kashani-Nejad Abyaneh/ Master of Psychology, Higher Education Institute of Ethics and Education, Qom, Iran.

kashani.362@gmail.com

Mohammad-Javad Hamzeh-pour /PhD student in psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.

mohammadjavadhamzepoor@gamil.com

Mohammad Farhoush /PhD in Psychology, Semnan Faculty of Psychology and Educational Sciences, Iran.

Farhoush.mohammad@gmail.com

Mostafa Jahangiri /PhD student in psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.

mostafajahangiry1372@gmail.com

Abstract

This study investigates the mediating role of self-efficacy and hope in the relationship between self-esteem and life satisfaction. This The descriptive-correlational is the research method that included all students of Kashan University, from which 353 students were selected using cluster random sampling based on Morgan's table. Data were collected using four questionnaires: Rosenberg Self-Esteem Scale (RSES), General

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش واسطه‌ای خودکارآمدی و امید در رابطه عزت نفس و رضایت از زندگی بود. روش پژوهش، از نوع توصیفی همبستگی و جامعه آماری، کلیه دانشجویان دانشگاه کاشان بود که بر اساس جدول مورگان از بین آنان ۳۵۳ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات، از چهار پرسش‌نامه عزت نفس روزنبرگ (SES)، مقیاس خودکارآمدی

Self-Efficacy Scale (GSE), Snyder's Adult Hope Scale (AHS), and Diener's Satisfaction with Life Scale (SWLS). The collected data were analyzed using structural equation modeling (SEM) and path analysis, following the steps proposed by Baron and Kenny (1986), with SPSS26 and AMOS24 software.

Path analysis results indicated the significant mediating role of self-efficacy in the relationship between self-esteem and life satisfaction is significant, with a path coefficient of 0.54 from self-esteem to self-efficacy and 0.22 from self-efficacy to life satisfaction. Additionally, the path from self-esteem to hope (0.48) and from hope to life satisfaction (0.47) were significant. Therefore, the results suggest that self-efficacy and hope mediate the relationship between self-esteem and life satisfaction.

KEYWORDS: self-esteem, self-efficacy, hope, life satisfaction, path analysis

عمومی (GSE)، مقیاس امید اسنایدر (AHS) و رضایت از زندگی داینر (SWLS)، استفاده شد. اطلاعات به‌دست آمده از طریق مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM)، با استفاده از روش تحلیل مسیر با بهره‌گیری از مراحل پیشنهادی بارون و کنی (۱۹۸۶)، با نرم‌افزار SPSS۲۶ و AMOS۲۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های حاکی از تحلیل مسیر، بیانگر معناداری نقش واسطه‌ای خودکارآمدی در رابطه میان عزت‌نفس با رضایت از زندگی بود؛ به‌طوری که مسیر عزت‌نفس به خودکارآمدی با ضریب (۰/۵۴) و مسیر خودکارآمدی به رضایت از زندگی با ضریب (۰/۲۲)، معنادار به‌دست آمد و مسیر عزت‌نفس به امید (۰/۴۸) و مسیر امید به رضایت از زندگی (۰/۴۷) معنادار به‌دست آمد. بنابراین، نتایج نشانگر آن است که خودکارآمدی و امید نقش میانجی میان عزت‌نفس و رضایت از زندگی را ایفاء می‌کند.

کلیدواژه‌ها: عزت‌نفس، خودکارآمدی، امید، رضایت از زندگی، تحلیل مسیر.

مقدمه

بهزیستی ذهنی^۱ یکی از مفاهیم مهم سلامتی به شمار می‌رود (سانچز^۲ و همکاران، ۲۰۱۷) که در سال‌های اخیر، با الهام از روان‌شناسی مثبت‌نگر، پژوهش‌های زیادی در مورد این مفهوم انجام شده (داینر^۳ و همکاران، ۲۰۰۳) و پژوهشگران این شاخه از روان‌شناسی، رویکرد نظری و پژوهشی متفاوتی برای تبیین و مطالعه‌ی آن برگزیده‌اند (سادات و همکاران، ۱۴۰۲).

1. Subjective wellbeing.

2. Sánchez, X.

3. Diener, E.

داینر (۱۹۸۴) از جمله روان‌شناسان مثبت‌نگری است که اعتقاد دارد بهزیستی ذهنی شامل سه مؤلفه اصلی احساسات منفی، احساسات مثبت و احساس کلی رضایت از زندگی^۱ است. احساسات منفی و مثبت ابعاد هیجانی بهزیستی ذهنی را تشکیل می‌دهند؛ و رضایت از زندگی که نشان‌دهنده یک فرآیند شناختی و قضاوتی در مورد کلیت زندگی فرد است (ارسلان و جوشکون^۲، ۲۰۲۰) را می‌توان به عنوان مهمترین ساختار بهزیستی ذهنی (احمدی^۳ و همکاران، ۲۰۱۷) و معیاری برای ارزیابی میزان خوشبختی^۴ و بهزیستی فردی^۵ دانست (اوجها و کومار^۶، ۲۰۱۷). براین اساس رضایت از زندگی معیاری کلی از احساسات و رفتار افراد نسبت به زندگی‌شان، از منفی تا خوش‌بینانه است (گارنیر^۷ و همکاران، ۲۰۱۵؛ خدابخش^۸، ۲۰۲۱)، که به تغییرات موقعیتی، حساس بوده و بر اساس برداشت و دیدگاه خود افراد در نظر گرفته می‌شود (اکبرزاده آرانی و همکاران، ۱۳۹۸). افراد با احساس رضایت بالا از زندگی هیجانات مثبت بیشتری تجربه می‌کنند و از گذشته و آینده خود و دیگران و رویدادها ارزیابی مثبت‌تری دارند؛ در حالی که ارزیابی افراد با احساس رضایت پایین از زندگی، نامطلوب بوده و هیجانات منفی مانند اضطراب و افسردگی بیشتری را تجربه می‌کنند (منصوری^۹، ۲۰۱۶).

طبق پژوهش‌ها، پیامدهای مثبت متعددی برای رضایت از زندگی مشخص شده است (لایو^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۰؛ داینر و همکاران، ۲۰۱۱؛ ژانگ^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۸) که اهمیت این پیامدها موجب شد، عوامل اثرگذار بر رضایت از زندگی مورد بررسی قرار گیرد (سوزا و لیوبومیرسکی^{۱۲}، ۲۰۰۱؛ سلطانی‌زاده و همکاران ۱۳۹۱). داینر^{۱۳} و همکارانش (۱۹۹۹) معتقدند

1. Life satisfaction.

2. Arslan, G., & Coşkun, M.

3. Ahmadi, SZ.

4. Happiness

5. personal well-being

6. Ojha, R., & Srivastava, V. K.

7. Guarnieri, S.

8. Khodabakhsh, S.

9. Mansoori, V.

10. Lau, J. T.

11. Zhang, A.

12. Sousa & Lyubomirsky

13. Diener, E.

که این عوامل، طبق دورویکرد در رضایت از زندگی افراد نقش دارند. این دورویکرد عبارتند از: رویکرد پایین‌بالا و رویکرد بالا‌پایین. در رویکرد پایین‌بالا رویدادهای بیرونی، عوامل موقعیتی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و در رویکرد بالا‌پایین فرایندهای درونی مورد توجه قرار گرفته‌اند. از عوامل بیرونی تأثیرگذار می‌توان به تصمیمات زندگی روزانه (اونیشی^۱ و همکاران، ۲۰۱۰)، وضعیت زناشویی (انجو^۲ و همکاران، ۲۰۱۵)، کیفیت و مدت خواب^۳ (زی و همکاران، ۲۰۱۶)، حمایت اجتماعی^۴ (ساتو^۵ و همکاران، ۲۰۱۶) وضعیت سلامتی (نو و همکاران، ۲۰۱۷؛ بنجار^۶ و همکاران، ۲۰۱۵)، وضعیت اقتصادی (نو^۷ و همکاران، ۲۰۱۷؛ انجی^۸ و همکاران، ۲۰۱۷)، حق بیمه (انجی و همکاران، ۲۰۱۷؛ نو و همکاران، ۲۰۱۷)، کارایی اجتماعی^۹ (پان و همکاران، ۲۰۱۹)، و از عوامل درونی تأثیرگذار می‌توان به دلبستگی^{۱۰} (لاوی و لیتمان^{۱۱}، ۲۰۱۱) خوشبینی^{۱۲} (جانگ^{۱۳} و همکاران، ۲۰۱۴)، تاب‌آوری^{۱۴} (باجاج و پانده^{۱۵}، ۲۰۱۶؛ مارتینز-مارتی و راج^{۱۶}، ۲۰۱۷)، سخت‌کوشی^{۱۷} (جانسون^{۱۸} و همکاران، ۲۰۱۷)، عزت نفس^{۱۹} (دیو و هیوبنر^{۲۰}،

1. Onishi, C.

2. Ngoo, Y. T.

3. Quality and duration of sleep.

4. Social support.

5. Sato, W.

6. Banjare, P.

7. Noh, J. W.

8. Ng, S. T.

9. Social functioning.

10. Attachment.

11. Lavy, S., & Littman-Ovadia, H.

12. Optimism.

13. Jiang, W.

14. Resilience.

15. Bajaj, B., & Pande, N.

16. Martinez-Marti, M. L., & Ruch, W.

17. Hardiness.

18. Johnsen, B. H.

19. Self-esteem.

20. Dew, T., & Huebner, E. S.

۱۹۹۴؛ لو^۱ و همکاران، ۲۰۱۵؛ کجباف و همکاران، ۱۴۰۰) اشاره کرد.

با توجه به متون علمی، عزت نفس می‌تواند نقش مهمی در زندگی افراد داشته باشد. عزت نفس از مهمترین سازه‌های روان‌شناختی در علوم اجتماعی و رفتاری بوده (اورت و رابینز^۲، ۲۰۱۴) و از نظر داینر (۲۰۰۲)، عزت نفس یکی از مهمترین اجزاء از چهار جز تشکیل دهنده شادکامی و خوشبختی است (داینر، ۲۰۰۲). از این رو، می‌توان آن را از مهمترین چالش‌های زندگی (عباسی، ۱۴۰۲) و از نیازهای اساسی انسان به شمار آورد (شیمن^۳، ۲۰۱۷). به عقیده ویلیامز جیمز، عزت نفس یکی از ابعاد مهم سلامت روان است (رحمتی و همکاران، ۱۳۹۸) و عبارت است از ارزیابی مثبت فرد از خود که از دو مؤلفه شایستگی و ارزش تشکیل می‌شود. مؤلفه شایستگی (عزت نفس مبتنی بر کارآمدی) به میزانی که افراد خود را توانمند و کارآمد ارزیابی می‌کنند و مؤلفه ارزش (عزت نفس مبتنی بر ارزش) به میزانی که افراد خود را ارزشمند می‌پندارند، اشاره دارد (اسکات^۴ و همکاران، ۲۰۲۰). بررسی‌های پژوهشی نشان می‌دهد در زمینه عزت نفس، نشان‌دهنده نقش آن بر رضایت از زندگی است. پژوهش‌های کریمیان (۱۳۹۴) و رجبی و همکاران (۱۳۹۹) از جمله پژوهش‌های داخلی است که رابطه بین عزت نفس و رضایت از زندگی را تأیید کرد. بشرپور و عینی (۱۴۰۰) نیز در پژوهش خود نشان دادند که عزت نفس، نقش مهمی در میزان رضایت از زندگی جانبازان مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه ایفا می‌کند. پژوهش فراتحلیل کورناز^۵ و همکاران (۲۰۲۲) نیز از جمله پژوهش‌های خارجی است که با بررسی ۷۴ مقاله پژوهشی از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ ارتباط مثبت و معنادار بین عزت و نفس و رضایت از زندگی را تأیید کرد. همچنین پژوهش‌های داینر و داینر^۶ (۱۹۹۵)، کوان^۷ و همکاران (۱۹۹۷) و فیلیپ^۸ و همکاران (۲۰۱۴)، عزت نفس را به عنوان یکی از قدرتمندترین متغیرهای پیش‌بین رضایت از زندگی نشان دادند.

خودکارآمدی، از دیگر عواملی است که بر مبنای یافته‌های پژوهشی (نادری و تقی‌زاده،

1. Lu, A.

2. Orth, U., & Robins, R.

3. Schieman, S.

4. Scott, T. L.

5. Kurnaz, M. F.

6. Diener, E., & Diener, M.

7. Kwan, V. S. Y.

8. Philip, H.

۱۴۰۰؛ اوسبورن^۱، ۲۰۱۰) در رضایت از زندگی نقش دارد. پژوهش مهداد و همکاران (۱۳۹۴)، میرگل و همکاران (۱۳۹۸) و کوین^۲ و همکاران (۲۰۲۰) نیز نشان می‌دهد که خودکارآمدی ارتباطی نسبتاً قوی با عزت نفس دارد. خودکارآمدی، مفهومی بنیادی در نظریه شناختی اجتماعی بندورا می‌باشد (صیادی و سلیمانی^۳، ۲۰۲۲)، که به احساس عزت نفس و ارزش خود، احساس کفایت و کارایی در برخورد با زندگی اطلاق می‌شود (بندورا^۴، ۲۰۰۱) و نقشی بنیادین و بی‌بدیل در کیفیت زندگی آدمی و ایجاد تعادل بین ابعاد مختلف آن را بر عهده دارد (میرگل و همکاران، ۱۳۹۸). درحالی‌که برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد افرادی که خودکارآمدی بالاتری دارند، بهتر با تغییرات زندگی سازگار می‌شوند (شمسی و امیریان زاده، ۱۳۹۶). اما برخلاف پژوهش‌های یاد شده، پژوهش حسن‌نیا (۱۳۹۲) نشان داد که بین خودکارآمدی و شادکامی ارتباط معناداری وجود ندارد. پژوهش قنبری و همکاران (۱۴۰۲) نیز ارتباط معنادار میان خودکارآمدی عمومی و رضایت از زندگی زنان باردار را رد کرد. در مقابل پژوهش کشت‌ورز کندازی و همکاران (۱۳۹۹) نشان داد که عزت نفس با میانجی‌گری خودکارآمدی و خودتنظیمی تحصیلی، شادکامی را به صورت غیرمستقیم و قوی‌تر از مسیر مستقیم پیش‌بینی می‌کند. با توجه به اینکه رضایت از زندگی از اجزاء اصلی شادکامی محسوب می‌شود (گاریوگوردوبیل^۵، ۲۰۱۵)، می‌توان حدس زد که خودکارآمدی در رابطه بین عزت نفس و رضایت از زندگی نیز نقش میانجی ایفا کند.

همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهد که امید از دیگر متغیرهای تأثیرگذار بر عزت نفس (چیونز^۶ و همکاران، ۲۰۰۶؛ هاشمیان و همکاران، ۱۴۰۱) و رضایت از زندگی (جولیوا و همکاران، ۲۰۲۲) است. امید عبارت است از ظرفیت ادراک شده برای تولید گذرگاه‌ها یا مسیرهایی به سمت اهداف مطلوب و همچنین انگیزه ادراک شده برای حرکت در این گذرگاه‌ها (استایدر^۷ و همکاران، ۲۰۰۲). قابل ذکر است که امید به عنوان یک متغیر روان‌شناختی با ایجاد انتظارات ذهنی مثبت نسبت به حال و آینده موجب رضایت از زندگی در افراد می‌شود،

1. Osborne, L.A.

2. Kevin, J.

3. Sayadi, Y., & Soleimani, H.

4. Bandura, A.

5. Garaigordobil, M.

6. Cheavens, S.J.

7. Snyder, C. R.

افرادی که امیدوارترند، به دیگران با نگاه منابع حمایتی و پایگاه‌های که می‌توان به آن‌ها تکیه نمایند می‌نگرند و با چالش‌هایی که ممکن است در زندگی آن‌ها به وجود آید سازگار شده و شادی بالاتری را تجربه می‌کنند و رضایت بیشتری از زندگی دارند (اسنایدر، ۲۰۰۰) و می‌توان گفت افراد امیدوار، تمایل دارند از آنچه در زندگی به دست آمده‌است راضی باشند (کوک^۱ و همکاران، ۲۰۱۵). پژوهش‌های پیشین حاکی از وجود ارتباط بین امید و عزت نفس می‌باشد. این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که امید از عزت نفس ناشی می‌شود (مکی^۲ و همکاران، ۲۰۰۱؛ ایستویس^۳ و همکاران، ۲۰۱۳). همچنین بررسی پژوهش‌های مقطعی (بیلی^۴ و همکاران، ۲۰۰۷ و وانگ و لیم^۵، ۲۰۰۹) و طولی (مارکس^۶، ۲۰۱۳) حکایت از ارتباط قوی بین امید و رضایت از زندگی دارد. در پژوهش سبزواری و همکاران (۱۳۹۸) ارتباط امید با رضایت از زندگی در مشاوران تأیید شد و نتایج نشان داد که بین امیدواری و رضایت از زندگی همبستگی وجود دارد. مرادی و قدرتی (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی، با بررسی رابطه تاب‌آوری و امید با رضایت از زندگی در سالمندان، رابطه مثبت و معناداری بین امید و رضایت از زندگی را تأیید کرده و نتایج این پژوهش، حاکی از وجود همبستگی ۵۶ درصدی بین امیدواری و رضایت از زندگی در سالمندان است.

براین‌اساس، بررسی نظریه‌ها و ادبیات پژوهشی بیان‌کننده آن است که امید و خودکارآمدی علاوه بر اینکه سطح رضایت از زندگی در افراد را پیش‌بینی می‌کند بلکه با عزت نفس مرتبط هستند. این مطلب، نشان‌دهنده آن است که این دو متغیر می‌توانند در ارتباط بین عزت نفس و رضایت از زندگی، نقش میانجی را داشته باشند و عزت نفس از مسیر این دو متغیر قوی‌تر از مسیر مستقیم رضایت از زندگی را پیش‌بینی کند. با مرور پیشینه پژوهشی، بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در مورد عوامل پیش‌بینی‌کننده رضایت از زندگی، به بررسی ارتباط دو یا چند متغیری پرداخته‌اند و پژوهشی در داخل یا خارج که مستقیماً به بررسی روابط بین متغیرهای عزت نفس، امید، خودکارآمدی و رضایت از زندگی پرداخته باشد، یافت

1. Kwok, S. Y.

2. McGee, R.

3. Esteves, M.

4. Bailey, T. C.

5. Wong, S. S., & Lim, T.

6. Marques, S. C.

نشد. در مجموع، مطالعات کمتری نقش متغیرهای واسطه‌ای بین عزت نفس و رضایت از زندگی را بررسی کرده‌اند که با توجه به این خلأ پژوهشی و اهمیت موضوع رضایت از زندگی، مستلزم شناسایی عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی است. بنابراین هدف از پژوهش حاضر، رفع کمبود و نقص ادبیات علمی موجود و پاسخ به این سؤال است که نقش واسطه‌ای امید و خودکارآمدی در ارتباط بین عزت نفس و کمال‌گرایی به چه شکل می‌باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی مبتنی بر تحلیل مسیر بود. متغیر عزت نفس به عنوان متغیر برون‌زاد و متغیر رضایت از زندگی به عنوان متغیر درون‌زاد و متغیر خودکارآمدی و امید به عنوان متغیر میانجی در نظر گرفته شد. به منظور ارزیابی مدل پژوهش، داده‌ها با روش‌های آمار توصیفی و استنباطی و از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری^۱ با روش تحلیل مسیر با بهره‌گیری از مراحل پیشنهادی بارون و کنی^۲ (۱۹۸۶)، به کمک نرم‌افزار آماری Amos^{۲۴} مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. جامعه‌آماري این پژوهش حدود ۲۰۰۰ نفر از تمام دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان بودند که براساس جدول مورگان تعداد ۳۵۳ نفر در بین سنین ۱۸ تا ۳۰ سال به روش تصادفی خوشه‌ای با واحد نمونه گروه کلاس پرستاری، پزشکی، پیراپزشکی، بهداشت حرفه‌ای، علوم آزمایشگاهی، هوشبری، رادیولوژی، نمونه‌گیری انجام شد. شرکت‌کنندگان به پرسش‌نامه‌های ذیل پاسخ دادند.

مقیاس عزت نفس روزنبرگ (۱۹۶۵)، برای سنجش عزت نفس کلی طراحی شد. این پرسش‌نامه ۱۰ گویه دارد و در هر یک از عبارت‌های ۱ تا ۵، پاسخ موافق ۱+ و پاسخ مخالف ۱- دریافت می‌کند، در هر یک از عبارت‌های ۶ تا ۱۰ پاسخ موافق ۱- و پاسخ مخالف ۱+ دریافت می‌کند. سپس جمع جبری نمرات را به دست آورده، نمره بالاتر از صفر نشان‌دهنده عزت نفس بالا و نمره کمتر از صفر، نشان‌دهنده عزت نفس پایین است. رجبی و بهلول (۱۳۸۶) آلفای کرونباخ ۰/۸۴ را گزارش کردند. جوشن‌لو و قائدی (۱۳۸۷) با هدف بررسی پایایی (همسانی درونی) و تک بعدی بودن این مقیاس پژوهشی بر ۹۱۷ دانشجو انجام دادند و دو عامل (عدم تحقیر خود، دوست‌داری خود) که هر کدام ۵ ماده داشتند را شناسایی کردند.

1. Structural equation modeling (SEM).

2. Baron & Kenny.

عدم تحقیر خود ۴۰/۸۹ و دوست‌داری خود ۱۲/۳۸ درصد واریانس را تبیین می‌کنند. محمدی (۱۳۸۴)، نشان داد که همبستگی فرم ب مقیاس روزنبرگ با مقیاس عزت نفس کوپر اسمیت، ۰/۶۱ و با خرده مقیاس‌های افسردگی و اضطراب فرم تجدیدنظر شده است. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۴ به دست آمد.

پرسش‌نامه خودکارآمدی عمومی (GSE-۱۷) این مقیاس توسط شرر، مادوکس، مرکاندانت، پرنیتیک-دون، جاکویسو راجرز (۱۹۸۲) با هدف تعیین سطوح مختلف خودکارآمدی عمومی افراد ساخته شد. سؤالات این پرسش‌نامه بر محورهای گرایش به آغازگری رفتار، تمایل به ادامه کوشش، پافشاری در تکلیف در صورت ناکامی تدوین شده است. پرسش‌نامه شامل ۱۷ گویه است و بر مبنای لیکرت پنج‌تایی از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) نمره‌گذاری می‌شود. سؤالات شماره ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴ معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. این مقیاس دارای حداکثر نمره ۸۵ و حداقل نمره ۱۷ است. نمره بالاتر نشان‌دهنده خودکارآمدی بیشتر است، به طوری که نمره ۵۲ تا ۸۵ خودکارآمدی قوی و نمره ۳۴ تا ۵۲ خودکارآمدی متوسط و نمره ۱۷ تا ۳۴ خودکارآمدی ضعیف است. سازندگان از طریق روش آلفای کرونباخ، ضریب پایایی آن را ۰/۸۶ گزارش کرده‌اند. همچنین این مقیاس روایی سازه و روایی ملاک مناسبی دارد (شرر و همکاران، ۱۹۸۲). غلام‌علی لواسانی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی ضریب آلفای کرونباخ آن را ۰/۷۶ به دست آوردند. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۱ به دست آمد.

مقیاس امید (اسنایدر، ۱۹۹۵) این پرسش‌نامه دارای ۱۲ سؤال بوده و هدف آن ارزیابی میزان امید به زندگی در افراد می‌باشد. شیوه نمره‌گذاری آن بر اساس طیف لیکرت چهارتایی است: قطعاً غلط (۱)، اکثر موارد غلط (۲)، اکثر موارد درست (۳) و قطعاً درست (۴)، این مقیاس دو مؤلفه دارد. سؤالات مؤلفه مسیریابی (۱، ۴، ۶ و ۸) مؤلفه اراده (۲، ۹، ۱۰ و ۱۲) و سؤالات ۳، ۵، ۷ و ۱۱ انحرافی است. بازه امتیازات این مقیاس ۸ تا ۳۴ است. امتیازات بالاتر، نشان‌دهنده امید به زندگی بیشتر در فرد پاسخ‌دهنده خواهد بود (فرشاد بهاری، ۱۳۹۳، ص ۱۲۷). ضریب آلفای کرونباخ برای امیدواری کل ۰/۸۶ و پایایی بازآزمایی در طی ۱۰ هفته، ۰/۸۲ گزارش شده است (لوپز، ۲۰۰۰). در پژوهش دیگری همسانی درونی کل آزمون ۰/۷۴ تا ۰/۸۴ و پایایی بازآزمایی ۰/۸ محاسبه شده است (اسنایدر و لوپز، ۲۰۰۷). در پژوهش دیگری همسانی درونی این مقیاس ۰/۶۸ و بین این مقیاس و پرسشنامه عاطفه مثبت و خوش‌بینی همبستگی معنادار گزارش شده است که بیانگر اعتبار همزمان آن است

(علاءالدینی و همکاران، ۱۳۸۶). در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ $0/82$ به دست آمد. مقیاس رضایت از زندگی، این مقیاس توسط داینر و دیگران (۱۹۸۵) ساخته شد. مقیاس رضایت از زندگی جنبه شناختی شادکامی را می‌سنجد. در حقیقت این مقیاس نشان می‌دهد که آزمودنی‌ها تا چه حد از زندگی خود راضی‌اند و تا چه اندازه زندگی خود را به زندگی آرمانی که برای خویش در نظر گرفته‌اند نزدیک می‌دانند. این مقیاس دارای پنج گویه است و افراد بر روی یک مقیاس لیکرت هفت درجه‌ای میزان رضایت خود را از زندگی درجه‌بندی می‌کنند. نمرات گویه‌ها سپس با هم جمع می‌شوند و سطح کل رضایت از زندگی فرد تعیین می‌شود. بنابراین نمرات این مقیاس بین ۵ تا ۳۵ متغیر است. داینر و دیگران (۱۹۸۵)، ضریب بازآزمایی مقیاس را در یک فاصله دو ماهه $0/82$ و ضریب همسانی درونی مقیاس را با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ برابر $0/87$ به دست آوردند. این محققان همچنین در یک تحلیل عاملی پی بردند که کلیه گویه‌های مقیاس بر روی یک عامل قرار دارند که این تک عامل $0/66$ واریانس مربوطه را تبیین کند. در پژوهشی که توسط بیانی، کوچکی و گودرزی (۱۳۸۶) بر روی یک جمعیت ۱۰۹ نفری از دانشجویان انجام گرفت، ضریب آلفای کرونباخ مقیاس $0/83$ ، ضریب پایایی با استفاده از روش دو نیمه کردن برابر $0/75$ و با روش بازآزمایی یک ماهه برابر $0/69$ به دست آمد. روایی سازه مقیاس رضایت از زندگی از طریق روایی همگرا با استفاده از پرسش‌نامه شادکامی اکسفورد و پرسش‌نامه افسردگی بک برآورد شد. این مقیاس همبستگی مثبت با پرسش‌نامه شادکامی اکسفورد و همبستگی منفی با پرسش‌نامه افسردگی بک نشان داد. این مقیاس برای سنجش میزان رضایت از زندگی به کار گرفته شد. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ $0/84$ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و سپس، نتایج تحلیل مسیر ارائه می‌شود. اطلاعات توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد، و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵
۱- عزت نفس	۱۷/۴	۲/۵	۱				
۲- رضایت از زندگی	۲۱/۴	۵/۸	۰/۴۲۳**	۱			
۳- خود کارآمدی	۵۶/۵	۷/۲	۰/۵۴۰**	۰/۲۸۷**	۱		
۴- امید	۲۸/۹	۵	۰/۴۸۱**	۰/۵۵۵**	۰/۴۵۸**	۱	
۵- مسیر یابی	۱۴/۶	۲/۸	۰/۴۰۰**	۰/۴۸۹**	۰/۳۶۸**	۰/۹۱۳**	۱
۶- عاملیت	۱۴/۳	۲/۷	۰/۴۷۶**	۰/۵۲۱**	۰/۴۶۶**	۰/۹۰۴**	۰/۶۵۲**

* $P < 0/05$ ** $P < 0/01$

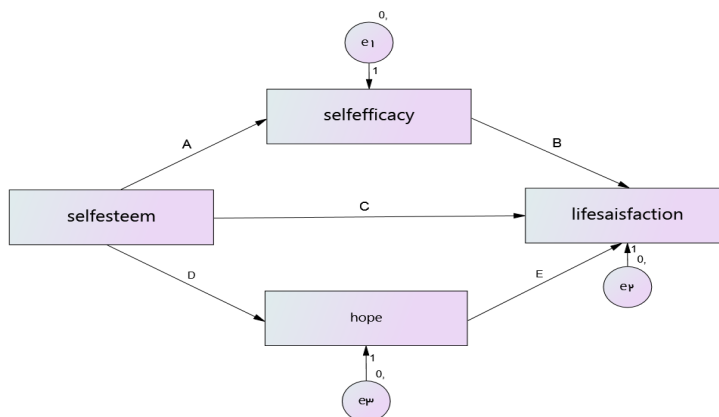
در پژوهش حاضر برای بررسی میانجیگری از مدل بارون و کنی استفاده شده است. در صورتی که اثر عزت نفس از طریق خودکارآمدی و امید و به طور غیرمستقیم به رضایت از زندگی منتقل شود، متغیرهای خودکارآمدی و امید، متغیرهای میانجی^۱ هستند. پیش فرض آماری این مدل، توزیع نرمال متغیرهای میانجی و متغیر وابسته اصلی است. کجی و کشیدگی تمامی متغیرهای پژوهش بین ۰/۷۵ و -۰/۷۵ قرار داشت و توزیع آنها نرمال بود. همچنین، هم‌خط نبودن متغیرهای پیش‌بین نیز بررسی شد و تلرانس^۲ تمامی متغیرها بیش از ۰/۸ و عامل تورم واریانس^۳ آنها کمتر از ۱/۱ بود که این، نشانه هم‌خط نبودن متغیرهای پیش‌بین است.

1. Mediator.

2. Telorance.

3. variance inflation factor(VIF).

برای بررسی میانجیگری بر اساس مدل بارون و کنی (۱۹۸۶)، سه مرحله نیاز است و باید در هر سه مرحله، وزن‌های رگرسیونی معنادار باشد: ۱. رگرس کردن متغیر وابسته اصلی (رضایت از زندگی) بر روی متغیر مستقل اصلی (عزت نفس)، (مسیر مستقیم)؛ ۲. رگرس کردن هر کدام از متغیرهای میانجی خودکارآمدی و امید بر روی متغیر مستقل (عزت نفس)، (مسیر غیرمستقیم ۱ و ۲)؛ و ۳. رگرس کردن متغیر وابسته اصلی بر روی متغیرهای مستقل اصلی و میانجی به‌طور همزمان (مدل میانجی) و ۳. در مرحله سوم، اگر مسیر مستقیم متغیر مستقل به متغیر وابسته همچنان معنی‌دار باشد، بدین معناست که متغیر مستقل به‌طور همزمان از هر دو مسیر مستقیم و غیرمستقیم بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارد، میانجیگری آن جزئی است. اما اگر با حضور متغیر میانجی در مدل، مسیر مستقیم معنی‌دار نباشد، بدین معناست که مسیر غیرمستقیم تمام تأثیر مسیر مستقیم را به خود جذب می‌کند و متغیر میانجی نیز به‌طور کامل میانجیگری می‌کند. مدل مفهومی تحلیل مسیر در نمودار ۱ ارائه شده است.



نمودار ۱: مدل مفهومی میانجی‌گری خودکارآمدی و امید در رابطه عزت نفس و رضایت از زندگی
 نتایج مراحل سه‌گانه تحلیل مسیر که با استفاده از نرم‌افزار Amos ۲۴ صورت گرفته؛ در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

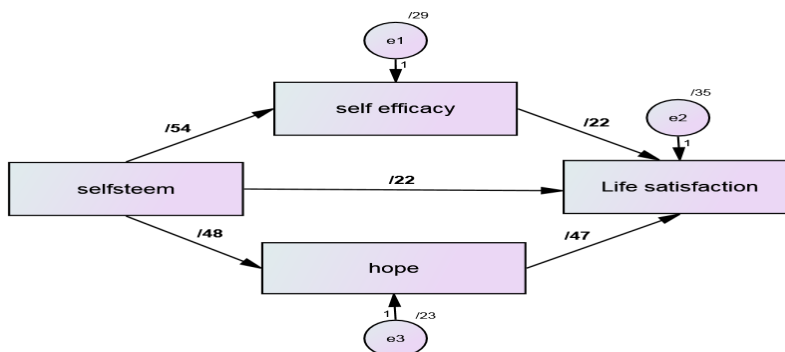
جدول ۲: ضرایب استاندارد و معناداری مسیرها در مدل میانجیگری خودکارآمدی و امید در رابطه عزت نفس و رضایت از زندگی

(مرحله سوم)			(مرحله دوم)			(مرحله اول)		
مدل میانجی‌گری			مدل اثر غیرمستقیم ۲			مدل اثر مستقیم		
معناداری	ضریب استاندارد	مسیر	معناداری	ضریب استاندارد	مسیر	معناداری	ضریب استاندارد	مسیر
***	۰۰۰۶۶	A	---	۰۰۰۰۰	A	---	۰۰۰۰۰	A
۰۰۰۰۰۰۰۰	۰۰۰۰۰	B	---	۰۰۰۰۰	B	---	۰۰۰۰۰	B
۰۰۰۰۰	۰۰۰۰۰	C	---	۰۰۰۰۰	C	۰۰۰۰۰	۰۰۰۰۰	C
***	۰۰۰۰۰	D	***	۰۰۰۰۰	D	---	۰۰۰۰۰	D
***	۰۰۰۰۰	E	***	۰۰۰۰۰	E	---	۰۰۰۰۰	E

مسیر A: مسیر عزت نفس به خودکارآمدی
 مسیر B: مسیر خودکارآمدی به رضایت از زندگی
 مسیر C: مسیر عزت نفس به رضایت از زندگی
 مسیر D: مسیر عزت نفس به امید
 مسیر E: مسیر امید به رضایت از زندگی

همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، یافته‌های حاکی از تحلیل مسیر، بیانگر معناداری نقش واسطه‌ای خودکارآمدی در رابطه میان عزت نفس با رضایت از زندگی بود به‌طوری‌که مسیر عزت نفس به خودکارآمدی با ضریب (۰/۵۴) و مسیر خودکارآمدی به رضایت از زندگی با ضریب (۰/۲۲)، معنادار به دست آمد و مسیر عزت نفس به امید (۰/۴۸) و مسیر امید به رضایت از زندگی (۰/۴۷) معنادار به دست آمد. بنابراین، نتایج نشانگر آن است که خودکارآمدی و امید نقش میانجی میان عزت نفس و رضایت از زندگی را ایفا می‌کند. این ضرایب در نمودار شماره ۲ نیز نمایش داده شده است.

نمودار ۲: ضرایب مسیرها در مدل میانجی‌گری امید و خودکارآمدی



بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش واسطه‌ای خودکارآمدی و امید در رابطه عزت نفس و رضایت از زندگی بود. نتایج پژوهش، حاکی از آن است که خودکارآمدی و امید در رابطه میان عزت نفس و رضایت از زندگی نقش واسطه‌ای دارد. از یافته‌های پژوهش حاضر این بود که خودکارآمدی رابطه میان عزت نفس و رضایت از زندگی را میانجی‌گری می‌کند. این یافته، با پژوهش کشت ورزکندازی و همکاران (۱۳۹۹)؛ محمدزاده مرندي (۱۳۹۹)؛ اروزکان^۱ و همکاران (۲۰۱۶)؛ نادری نوبندگان و تقی زاده (۱۴۰۰)؛ پوربافرانی و همکاران (۲۰۱۸)؛ صادقی فارسی (۱۴۰۰)؛ گنجی ارجنگی و فراهانی (۱۳۸۸) و سلیمانی (۱۳۹۹) همسو است. در تبیین

1. Erozkan, A.

این یافته می‌توان گفت: باتوجه به اینکه عزت نفس قضاوتی است که شخص درباره تأیید و ارزشمندی خود دارد (کشاورز و همکاران، ۱۳۹۸) و گویای آن است که فرد چه میزان خود را توانا، ارزنده و با اهمیت می‌پندارد (پاپ و مک‌هال^۱، ۱۹۹۸؛ به نقل از کشت و رزکندازی و همکاران، ۱۳۹۹) و همچنین افرادی که از عزت نفس بالایی برخوردارند، راهبردهای مؤثرتری را در جهت دستیابی به اهداف خود اجرا می‌کنند و کمتر احتمال دارد که در صورت مواجهه با مشکلات از دنبال کردن اهداف خود دست بکشند (کرنیس و واشول^۲، ۱۹۹۵؛ به نقل از روزکان و همکاران، ۲۰۱۶) و باتوجه به اینکه خودکارآمدی نیز به معنای اعتماد فرد به توانایی در کنترل افکار، احساسات، فعالیت‌ها و نیز عملکرد او در موقعیت‌های استرس‌زا بوده و پایداری در انجام تکالیف، سطح عملکرد بالا متناسب با توانایی‌ها، جستجوی فعالانه موفقیت‌های جدید، انتخاب اهداف بالاتر نیز، از خصوصیات افراد خودکارآمد به شمار می‌رود (کشت و رزکندازی و همکاران، ۱۳۹۹)، می‌توان نتیجه گرفت که میان عزت نفس و خودکارآمدی ارتباط معناداری وجود دارد و همواره با افزایش عزت نفس در افراد، خودکارآمدی نیز افزایش یافته و بالعکس با کاهش آن، خودکارآمدی نیز کاهش می‌یابد. درواقع، هر قدر نگرش فرد نسبت به خود و توانایی‌هایش بیشتر باشد، احتمال اینکه او از حداکثر توانایی‌هایش در انجام وظایف، تکالیف و مسئولیت‌ها استفاده کند، بیشتر خواهد بود (محمدزاده مرندی، ۱۳۹۹، ص ۶۴). افرادی که از عزت نفس برخوردارند، در همه مؤلفه‌های عزت نفس؛ یعنی امنیت (احساس راحتی، ایستادن در جایی که از او انتظار است، توانایی وابستگی به افراد و موقعیت‌ها و درک قاعده‌ها و محدودیت‌ها، برخورداری از احساس امنیت قوی)، خودپذیری (احساس فردگرایی، شایستگی، کفایت و تحسین از خود)، پیوندجویی (احساس تعلق و مقبولیت)، شایستگی (آگاهی از نیرومندی‌ها، توانمندی‌ها و پذیرش ضعف‌ها) و تعهد (داشتن هدف و انگیزه در زندگی)، قوی‌تر بوده و در نتیجه از احساس کارآمدی بیشتری برخوردارند. در مقابل، افرادی که دارای عزت نفس پایین‌تری هستند، علاوه بر اینکه در پیوندجویی دچار کمبود هستند، در خودپذیری نیز به عنوان یکی از مؤلفه‌های عزت نفس، ضعیف هستند که این به نوبه خود باعث عدم اعتماد فرد به توانمندی‌هایش می‌شود و در شرایط بحرانی، ناامید شده، دچار عملکرد ناقص می‌شود. این افراد، از رویارویی با چالش‌ها

1. Pope, A. & McHale, S.

2. Kernis, M. H., & Waschull, S. B.

می‌ترسند و به دنبال آن عملکردشان دچار آسیب می‌شود که این خود منجر به احساس ناکارآمدی بیشتر در آنها می‌شود (کشت‌ورزکنندازی و همکاران، ۱۳۹۹). در همین زمینه، کوپراسمیت^۱ (۱۹۶۷) نیز معتقد است افرادی که دارای عزت نفس بالایی هستند، دارای اهداف بلندتری بوده، کمتر دچار اضطراب شده و استرس کمتری را تجربه می‌کنند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که این‌گونه افراد به‌خاطر در نظر داشتن اهداف بلند و استرس و اضطراب کمتر، در زندگی از خودکارآمدی بالاتری هم برخوردار خواهند بود.

از سویی دیگر خودکارآمدی نیز، سهم معناداری در پیش‌بینی رضایت از زندگی دارد و آن را می‌توان یکی از عوامل موثر بر رضایت از زندگی دانست، به‌گونه‌ای که به منظور بالابردن رضایت از زندگی، نیازمند استفاده از راهبردهای خودکارآمدی می‌باشیم (پورباقرانی و همکاران، ۲۰۱۸). خودکارآمدی، بازدهی فرد را در سطوح شناختی، انگیزشی و هیجانی تنظیم می‌کند و به عنوان مانعی در برابر فشارهای روانی، حالات هیجانی را تنظیم می‌کند و در نتیجه باعث بهبود کارکرد دستگاه ایمنی، سلامت جسمانی، انعطاف‌پذیری در مواجهه با مشکلات و سازگاری روانی - اجتماعی بهتر می‌شود (بندورا^۲، ۱۹۹۷؛ به نقل از مرادی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۸). درواقع، خودکارآمدی یکی از مهمترین مؤلفه‌های کسب موفقیت و سازش یافتگی است که بر انتخاب رفتار، تلاش و پشتکار و پیگیری اهداف توسط افراد مؤثر است و نحوه مواجهه با موانع و چالش‌ها را تعیین می‌کند (صادقی فارسی، ۱۴۰۰، ص ۸۹). خودکارآمدی، موجب پایین آمدن انفعال و سازگاری شخص با چالش‌ها می‌شود و فرد را به دست و پنجه نرم کردن با مشکلات وامی‌دارد و باعث می‌شود فرد در روابط میان فردی مدیریت بهتری داشته باشد (گنجی ارجنگی و فراهانی، ۱۳۸۸). از این‌رو، خودکارآمدی می‌تواند پیش‌بینی کننده خوبی برای رضایت از زندگی باشد. افرادی که احساس کارآمدی نسبتاً بالایی دارند توانایی زیادی در کنارآمدن با شرایط دارند و اضطراب و افسردگی کمتری را تجربه می‌کنند و از بهزیستی ذهنی بالاتری برخوردارند و این خود موجب افزایش کیفیت و نیز رضایت فرد از زندگی خواهد شد (نادری نوبندگانی و تقی‌زاده، ۱۴۰۰). در واقع، افرادی که دارای سطوح بالای خودکارآمدی هستند، به واسطه نگرش‌های ذهنی مطلوبی همچون "من می‌توانم این کار را انجام دهم"، توانایی بیشتری برای غلبه بر شرایط استرس‌زا دارند و تمام تلاش

1. Coppersmith, S.

2. Bandura, A.

خود را برای رسیدن به اهداف خود در زندگی انجام می‌دهند (پوربافرانی و همکاران، ۲۰۱۸). درمقابل، افراد با خودکارآمدی پایین بر این باورند که کارهایی که انجام خواهند داد سخت‌تر از آنچه در واقعیت هستند به نظر می‌رسند و چنین نگرشی اضطراب و استرس را در آنها افزایش می‌دهد و دیدگاه لازم برای حل یک مشکل را برای شخص محدود می‌کند (پاجارس^۱، ۲۰۰۲؛ به نقل از اروزکان و همکاران، ۲۰۱۶). بنابراین، خودکارآمدی به جهت تأثیر بر انواع فعالیت‌ها و محیط‌هایی که افراد انتخاب می‌کنند، می‌تواند زندگی آنها را شکل دهد. افراد از طریق انتخاب‌هایی که انجام می‌دهند، قابلیت‌ها، علائق و ارتباطات اجتماعی را که تعیین کننده جریان زندگی آنهاست، پرورش می‌دهند (میشرا و شانول، ۲۰۱۴؛ به نقل از سلیمانی، ۱۳۹۹، ص ۷۸). بنابر تبیین صورت گرفته خودکارآمدی میان عزت نفس و رضایت از زندگی نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند و عزت نفس باعث خودکارآمدی بیشتر و خودکارآمدی بالا سبب رضایت از زندگی در افراد می‌شود.

همچنین امید رابطه میان عزت نفس و رضایت از زندگی را میانجی‌گری می‌کند. این یافته، با پژوهش هاتز^۲ و همکاران (۲۰۱۴)؛ نصیری و جوکار (۱۳۸۷)؛ حاجلو و جعفری (۱۳۹۳)؛ مرادی و همکاران (۱۳۹۸)؛ شیرمحمدی و همکاران (۱۳۸۹)؛ ضیاء الرحمن و همکاران (۲۰۲۱) و راتس^۳ و همکاران (۲۰۱۸) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت: عزت نفس، انگیزه و پایداری را در افراد افزایش می‌دهد. درواقع، هر چه افراد، ارزیابی بهتری از خود داشته باشند، بیشتر معتقدند که می‌توانند به اهداف مورد نظر خود دست یابند؛ زیرا آنها به واسطه برخورداری از سطوح بالای عزت نفس، خود را شایسته دستیابی به آن اهداف می‌دانند. آنها همواره برای دستیابی به اهداف خود پافشاری می‌کنند؛ چراکه به توانایی خود برای به دست آوردن یک نتیجه معین باور دارند و از همین رو، امید بیشتری برای دستیابی به آن دارند (هاتز و همکاران، ۲۰۱۴). افرادی که دارای عزت نفس بالایی هستند، غالباً در حیطه‌های گوناگون زندگی احساس می‌کنند توانا و ارزشمند هستند و اطمینان دارند که در مواجهه با چالش‌ها سعی و تلاششان مؤثر و مفید می‌باشد. این دسته از افراد، همواره در برخورد با مشکلات، به جنبه‌های مثبت آنها می‌نگرند و تمام سعی خود را می‌کنند تا برای حل آنها به نحو امیدوارانه‌تر و خوشبینانه‌تری عمل کنند. عزت نفس بالا ثبات، آسایش

1. Pajares, F.

2. Hutz, C. S.

3. Raats, S.

و سازگاری اجتماعی را برای فرد به ارمغان آورده و همواره از بروز هرگونه اختلال جلوگیری می‌کند. در واقع، به نظر می‌رسد افراد دارای عزت نفس بالا در مقایسه با افرادی که عزت نفس پایینی دارند، از راهبردهای خودتنظیمی سازگارانه‌تری برخوردارند. از این رو، این افراد برای جلوگیری از ایجاد اختلال در توانمندی‌هایشان، پاسخ‌های مفیدتری به مشکلات می‌دهند و این خود منجر به گزارش سطوح بالاتری از نشاط و ارتقای امید به زندگی در آنها می‌شود. از سویی دیگر امید نیز، سهم معناداری در پیش‌بینی رضایت از زندگی دارد و حتی به صورت تجربی نیز آزمایش شده است که امید، تأثیر مثبتی بر رضایت از زندگی دارد (بیلی^۱ و همکاران، ۲۰۰۷؛ نگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۴؛ به نقل از ضیاء الرحمن و همکاران، ۲۰۲۱) و می‌تواند آن را به اوج خود برساند (چیر و کارور^۳، ۱۹۹۳؛ به نقل از داینر^۴ و همکاران، ۱۹۹۷). امید، نیروی مثبتی است که انگیزش، پیشبرد اهداف و سازگاری را در فرد افزایش داده (پیزا^۵ و همکاران، ۱۹۹۱؛ رالی^۶، ۱۹۹۲؛ به نقل از شیرمحمدی و همکاران، ۱۳۸۹) و به عنوان یک متغیر روان‌شناختی، با ایجاد انتظارات ذهنی مثبت نسبت به حال و آینده موجب رضایت از زندگی در افراد می‌شود (حاجلو و جعفری، ۱۳۹۲). درواقع، افرادی که خیلی امیدوار هستند محرک‌های قوی‌تر و انرژی بیشتری برای پیگیری اهداف خود داشته (اونگ^۷ و همکاران، ۲۰۰۶؛ به نقل از شیرمحمدی و همکاران، ۱۳۸۹) و کمتر در معرض خطر تجربه پیامدهای منفی مانند مشکلات سلامت روانی و جسمی دارند و بیشتر در معرض تجربه پیامدهای مثبت فردی و میان‌فردی در عرصه‌های حرفه‌ای، بهداشتی و آموزشی هستند (لیوبومیرسکی^۸ و همکاران، ۲۰۰۵؛ به نقل از راتس، ۲۰۱۸). افراد امیدوار همواره باور دارند که قدرت مقابله با مشکلات احتمالی در زندگی را داشته و می‌توانند سازگار شوند و شادی بیشتری را تجربه کنند و در نتیجه از زندگی رضایت بیشتری داشته باشند (کینگ^۹ و همکاران، ۲۰۰۶؛ به نقل از

1. Bailey.

2. Ng.

3. Sheier & Carver.

4. Diener, E.

5. Piazza, D.

6. Raleigh, E.

7. Ong, A.D.

8. Lyubomirsky, S.

9. King, A.

نصیری و جوکار، ۱۳۸۷). با این وجود متغیر روان‌شناختی امید میان عزت نفس و رضایت از زندگی نقش میانجیگری دارد. افرادی که عزت نفس بالایی در زندگی دارند، امید به زندگی آنان نیز افزایش پیدا خواهد کرد و این امید منجر به رضایت از زندگی در افراد خواهد شد. بنابراین؛ نتایج حاکی از آن بود که خودکارآمدی و امید در رابطه میان عزت نفس و رضایت از زندگی نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند.

منابع

- بشرپور، سجاد و عینی، ساناز (۱۴۰۰)، «تدوین مدل علی رضایت از زندگی جانبازان مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه براساس تنهایی: نقش میانجی عزت نفس»، *مجله طب نظامی*، دوره ۲۳، شماره ۵، ص ۴۱۳-۴۰۴.
- بهاری، فرشاد (۱۳۹۳)، *مبانی امید و امیددرمانی*، چاپ دوم، تهران: دانژه.
- بیانی، علی اصغر، کوچکی، عاشور محمد و گودرزی، حسینی (۱۳۸۶)، «اعتبار و روایی مقیاس رضایت از زندگی»، *فصلنامه روانشناسان ایرانی*، سال سوم، شماره ۱۱، ص ۲۵۹-۲۶۵.
- جوشن‌لو، محسن و قائدی، غلام حسین (۱۳۸۷)، «بررسی مجدد پایایی و اعتبار مقیاس حرمت خود روزنبرگ در ایران»، *دانشور رفتار*، دور ۱۵، شماره ۳۱، ص ۵۶-۴۹.
- حاجلو، نادر و جعفری، عیسی (۱۳۹۳)، «رابطه بین بهزیستی معنوی و امید با رضایت از زندگی در سالمندان»، *روان شناسی و دین*، دوره ۷، شماره ۴، شماره پیاپی ۲۸، ص ۹۰-۷۹.
- رجبی، غلامرضا و بهلول، نسرین (۱۳۸۶)، «سنجش پایایی و روایی مقیاس عزت نفس روزنبرگ در دانشجویان سال اول دانشگاه شهید چمران»، *پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی*، دوره ۳، شماره ۲، ص ۴۸-۳۳.
- رحمتی، امین، هوشیاری، جعفر و صفورایی، محمد مهدی (۱۳۹۸)، «میانجیگری عزت نفس در رابطه جهت گیری مذهبی و رضایت از زندگی»، *پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، دوره ۷، شماره ۱۴، ص ۱۳۸-۱۱۹.
- سبزواری، محمدابراهیم، کرامتی، معصومه و نسیمی، سید عقیل (۱۳۹۸)، «همبستگی بین جهت گیری مذهبی و امید به زندگی با رضایت از زندگی»، *مجله سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، دوره ۳، شماره ۲، ص ۹۷-۹۱.
- سلطانی زاده، محمد، ملک پور، مختار و نشاط دوست، حمید طاهر (۱۳۹۱)، «رابطه ی بین عاطفه مثبت و منفی با رضایت از زندگی دانشجویان دانشگاه اصفهان»، *نشریه روانشناسی بالینی و شخصیت*، دوره ۱۹،

شماره ۷، ص ۶۴-۵۳.

- سلیمانی، زهرا (۱۳۹۹)، *پیش‌بینی میزان رضایت از زندگی از روی میزان تاب‌آوری و حس خودکارآمدی در مادران دارای کودکان کم‌ذهنی مقطع ابتدایی شهر مشهد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی، موسسه آموزش عالی بهار.
- شمسی، فاطمه و امیریان زاده، مژگان (۱۳۹۶)، «نقش واسطه‌ای خودکارآمدی در رابطه ویژگی‌های شخصیتی با مهارت اجتماعی»، *فصلنامه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، دوره ۸، ش ۲۷، ص ۱۴-۱.
- شیرمحمدی، لیلا، میکاییلی منیع، فرزانه، و زارع، حسین (۱۳۸۹)، «رابطه سخت‌رویی، رضایت از زندگی و امید با عملکرد تحصیلی دانشجویان»، *پژوهش‌های نوین روانشناختی*، دوره ۵، شماره ۲۰، ص ۱۴۷-۱۲۵.
- صادقی فارسی، داوود (۱۴۰۰)، *بررسی رابطه خودکارآمدی و رضایت از زندگی معلمان با توجه به نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در میان معلمان دوره ابتدایی شهر خرامه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور.
- عباسی، حسین (۱۴۰۲)، «اثربخشی آموزش تفکر انتقادی بر عزت نفس دانش‌آموزان دختر کلاس ششم ابتدایی»، *مجله راهبردهای نوین تربیت معلمان*، دوره ۹، شماره ۱۵، ص ۲۹-۱.
- قنبری، رضا، کریمی، امیررضا، حسنی، عبدالمطلب، بهادران، المیرا و رضاپور، میثم (۱۴۰۲)، «بررسی ارتباط بین خودکارآمدی و رضایت از زندگی در زنان باردار: یک مطالعه مقطعی در آمل در سال ۱۴۰۰»، *نشریه پرستاری و مامایی ارومیه*، دوره ۲۱، شماره ۲، ص ۱۷۳-۱۶۲.
- کجباف، محمدباقر، ادیب‌نیا، فائزه و وصال، مینا (۱۴۰۰)، «رابطه تنهایی با رضایت از زندگی در دانش‌آموزان دختر متوسطه اول: نقش میانجی عزت نفس و حمایت اجتماعی ادراک شده»، *فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، دوره ۲۲، شماره ۸۴، ص ۱۳۵-۱۲۵.
- کریمیان، سوسن (۱۳۹۴)، *بررسی نقش واسطه‌گری عزت نفس در رابطه بین هوش هیجانی و رضایت از زندگی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- کشاورز افشار، حسین، هدهدی، زهرا و علی‌نژاد، طاهره (۱۳۹۸)، «نقش عزت نفس، سبک‌های فرزندپروری و انسجام خانواده و انعطاف‌پذیری در پیش‌بینی افسردگی دانش‌آموزان دختر»، *روانشناسی مدرسه و آموزشگاه*، دوره ۸، شماره ۱، ص ۱۷۲-۱۴۹.
- کشت‌ورز‌کندازی، احسان، هدایتی، الهه، کارگر، فاطمه و مظاهر، فاطمه (۱۴۰۰)، «نقش واسطه‌ای خودپنداشت تحصیلی در رابطه بین ادراک از جو مدرسه و تحصیل‌گریزی»، *مطالعات روانشناسی تربیتی*، دوره ۱۸، شماره ۴۲، ص ۱۵۷-۱۳۵.
- گنجی‌ارجنگی، معصومه و فراهانی، محمدنقی (۱۳۸۷)، «رابطه استرس شغلی و خودکارآمدی با رضایت

از زندگی در امدادگران حوادث گاز استان اصفهان»، *پژوهش در سلامت روانشناختی*، دوره ۲، شماره ۳۲، ص ۲۴-۱۵.

• محمدزاده مرندي، حميده (۱۳۹۹)، *بررسی رابطه خلاقیت و عزت نفس با خودکارآمدی با میانجی‌گری استدلال اخلاقی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی، دانشگاه تبریز.

• محمدی، نوراله (۱۳۸۴)، «بررسی مقدماتی اعتبار و قابلیت اعتماد مقیاس حرمت خود روزنبرگ»، *فصلنامه روان‌شناسان ایرانی*، سال اول، شماره ۴، ص ۳۲۰-۳۱۳.

• مرادی آسیه، حاتمیان، عبدالرضا، حاتمیان، پیمان و مروتی، فرامرز (۱۳۹۸)، «رابطه عمل به باورهای دینی و امید با رضایت از زندگی سالمندان»، *رویش روان‌شناسی*، دوره ۸، شماره ۱، ص ۱۹۰-۱۸۳.

• مرادی، آزاده (۱۳۸۷)، *بررسی رابطه سبک دلبستگی، خودکارآمدی و عوامل شخصیتی با رضایت‌مندی از زندگی در بیماران مبتلا به کمردرد مزمن*، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.

• مرادی، اعظم و طاهری، صغری (۱۳۹۱)، *سنجش روان‌شناسی مثبت در دانشجویان*، تهران: دانژه.

• مرادی، شهرزاد و قدرتی میرکوهی، مهدی (۱۳۹۹)، «مقایسه نقش امید و تاب‌آوری در پیش‌بینی رضایت از زندگی سالمندان»، *نشریه سالمندشناسی*، دوره ۵، شماره ۲، ص ۸۱-۷۲.

• مهرداد، علی، ادیبی، زهرا و عزتی، منظر (۱۳۹۴)، «نقش واسطه‌ای عزت نفس در رابطه بین حمایت سازمانی ادراک شده و خودکارآمدی»، *مجله پژوهش‌های کاربردی روانشناختی*، دوره ۶، شماره ۲، ص ۱۹۵-۱۸۱.

• نادری نویندگانی، زهرا، و تقی‌زاده، رضا (۱۴۰۰)، «نقش میانجی‌گری خودکارآمدی در رابطه بین اضطراب مالی و رضایت از زندگی در دانشجویان دانشگاه یزد»، *فصلنامه مددکاری اجتماعی*، دوره ۱۰، شماره ۴، شماره پیاپی ۳۸، ص ۳۶-۲۸.

• نصیری، حبیب‌اله و جوکار، بهرام، (۱۳۸۷)، «معناداری زندگی، امید، رضایت از زندگی و سلامت روان در زنان»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۶، شماره ۲، ص ۱۷۶-۱۵۷.

• هاشمیان، مائده، نامداری، کوروش و عابدی، احمد (۱۴۰۱)، «تاثیر امید درمانی بر ابعاد کیفیت زندگی و عزت نفس دختران افسرده نوجوان»، *فصلنامه پژوهش‌های مشاوره*، دوره ۲۱، شماره ۸، ص ۳۳۱-۳۰۹.

• Ahmadi, SZ., Norouzi, A., Hamedi, M (2017), effect of mindfulness based cognitive therapy (MBCT) on subjective well-being in anxious students of universities, *Journal of Psychology New Ideas*, 1(2), 35-44.

• Arslan, G., & Coşkun, M. (2020), Student subjective wellbeing school functioning and psychological adjustment in high school adolescents: A latent

- variable analysis, *Journal of Positive School Psychology*, 4(2), 153–164.
- Baron, R. M., & Kenny, D. A. (1986), The moderator–mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic, and statistical considerations, *Journal of personality and social psychology*, 51(6), 1173.
 - Bailey, T. C., Eng, W., Frisch, M. B., & Snyder, C. R. (2007), Hope and optimism as related to life satisfaction, *The Journal of Positive Psychology*, 2(3), 168–175.
 - Bajaj, B., & Pande, N. (2016), Mediating role of resilience in the impact of mindfulness on life satisfaction and affect as indices of subjective wellbeing, *Personality and Individual Differences*, 93, 63–7.
 - Bandura, A. (2001), Social cognitive theory: an genetic perspective, *Annual Review of Psychology*, 52(10), 1–26.
 - Banjare, P., Dwivedi, R., & Pradhan, J. (2015), Factors associated with the life satisfaction amongst the rural elderly in Odisha, India, *Health and Quality Life Outcomes*, 13, 201.
 - Cheavens, S.J., Feldman, B.D., Micheal, A.G.S & Snyder, C.R. (2006), Hope therapy in community sample: a pilot investigation, *Social Indicators Research*, 77, 61–78.
 - Coopersmith, S. (1967), *The antecedents of self-esteem*, San Francisco: W. H. Freeman and Company.
 - Dew, T., & Huebner, E. S. (1994), Adolescents' perceived quality of life: An exploratory investigation. *Journal of School psychology*, 32(2), 185–199.
 - Diener, E. Suh, E., & Oishi, S., (1997), Recent Finding on Subjective Wellbeing, Indian, *Journal of Clinical Psychology*, 24, 25–41.
 - Diener, E., & Biswas-Diener, R. (2011), *Happiness: Unlocking the mysteries of psychological wealth*. John Wiley & Sons.
 - Diener, E., & Diener, M. (1995), Cross-cultural correlates of life satisfaction

and self-esteem, *Journal of Personality and Social Psychology*, 68, 653-663.

- Diener, E., Emmons, R. A., Larsen, R.J., Griffin, S. (1985), The satisfaction with life scale, *Journal of Personality Assessment*, 49, 71- 75.

- Diener, E., Suh, E. M., Lucas, R. E., & Smith, H. L. (1999), Subjective wellbeing: Three decades of progress, *Psychological Bulletin*, 125(2), 276-302.

- Diener E., Oishi S., & Lucac, R. E. (2003), Personality, culture, and subjective well-being: Emotional and cognitive evaluations of life, *Annual Review of Psychology*, 54, 403-425.

- Esteves, M., Scoloveno, R. L., Mahat, G., Yarcheski, A., & Scoloveno, M. A. (2013), An integrative review of adolescent hope, *Journal of Pediatric Nursing*, 28(2), 105 - 113.

- Garaigordobil, M. (2015), Predictor variables of happiness and its connection with risk and protective factors for health, *Frontiers in Psychology*, 6(1176), 1-10.

- Guarnieri, S., Smorti, M., & Tani, F. (2015), Attachment relationships and life Satisfaction during emerging adulthood, *Social Indicators Research*, 121(3), 833-847.

- Hutz, C. S., et al. (2014), The Relationship of Hope, Optimism, Self-Esteem, Subjective Well-Being, and Personality in Brazilians and Americans, *Psychology*, 5, 514-522.

- Jiang, W., Li, F., Jiang, H., Yu, L., Liu, W., Li, Q., & Zuo, L. (2014), Core self-evaluations mediate the associations of dispositional optimism and life satisfaction, *Plos One*, 9(6), 1-6.

- Johnsen, B. H., Espevik, R., Saus, E., Sanden, S., Olsen, O. K., & Hystad, S. W. (2017), Hardiness as a moderator and motivation for operational duties as mediator: The relation between operational self-efficacy, performance satisfaction, and perceived strain in a simulated police training scenario,

Journal of Police and Criminal Psychology, 32(1), 1-10.

- Kevin, J., Sanjaly, J., & Nimy, P. G. (2020), Relation between Self-Esteem and Self-Efficacy in Undergraduate Female College Students, *International Journal for Research in Applied Science & Engineering Technology*, 8(2), 578-580.
- Khodabakhsh, S. (2021), Factors affecting life satisfaction of older adults in Asia: A systematic review, *Journal of Happiness Studies*, 1-16.
- KURNAZ, M. F., Esra, T. E. K. E., & GÜNEYDİN, H. A. (2020), Relationship between self-esteem and life satisfaction: a meta-analysis study, *Research on Education and Psychology*, 4(2), 236-253.
- Kwan, V. S. Y., Bond, M. H., & Singelis, T. M. (1997), Pancultural explanations for Life satisfaction: Adding relationship harmony to self-esteem, *Journal of Personality and Social Psychology*, 73(5), 1038-1051.
- Kwok, S. Y., Cheng, L., & Wong, D. F. (2015), Family emotional support, positive psychological capital and job satisfaction among Chinese white-collar workers, *Journal of Happiness Studies*, 16(3), 561-582.
- Lavy, S., & Littman-Ovadia, H. (2011), All you need is love? Strengths mediate the negative associations between attachment orientations and life satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 50, 1050-1055.
- Lopez, S. (2000), *Handbook of positive psychology*, Oxford University Press.
- Lu, A., Hong, X., Yu, Y., Ling, H., Tian, H., Yu, Z., & Chang, L. (2015), Perceived physical appearance and life satisfaction: A moderated mediation model of self-esteem and life experience of deaf and hearing adolescents, *Journal of adolescence*, 39, 1-9.
- Mansoori, V. (2016), *The Relationship between Social Support and Tolerance with Life Satisfaction and Psychological Helplessness of Mothers of Exceptional Children*, Master Thesis in General Psychology (Unpublished),

Islamic Azad University, Boroujerd Branch. (in Persian).

- Martinez-Marti, M. L., & Ruch, W. (2017), Character strengths predict resilience over and above positive affect, self-efficacy, optimism, social support, self-esteem, and life satisfaction. *The Journal of Positive Psychology*, 12(2), 110-119.
- McGee, R., Williams, S., & Nada-Raja, S. (2001), Low self-esteem and hopelessness in childhood and suicidal ideation in early adulthood. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 29(4), 281 -291.
- Mirgol A, Askari F, Mohseni S. (2020), The Role of Spiritual Intelligence and Self-Esteem in Predicting Self-Efficacy among Senior High School Male and Female Students, *Rooyesh*, 8 (11) :127-132.
- Ng, S. T., Tey, N. P., & Asadullah, M. N. (2017), What matters for life satisfaction among the oldest-old? Evidence from China, *PLoS One*, 12(2), 171-799.
- Ngoo, Y. T., Tey, N. P., & Tan, E. C. (2015), Determinants of life satisfaction in Asia, *Social Indicators Research*, 124(1), 141–156.
- Noh, J. W., Kim, K. B., Lee, J. H., Kim, M. H., & Kwon, Y. D. (2017), Relationship of health, sociodemographic, and economic factors and life satisfaction in young-old and old-old elderly: A cross-sectional analysis of data from the Korean Longitudinal Study of Aging, *Journal of Physical Therapy Science*, 29(9), 1483–1489.
- Ojha, R., & Srivastava, V. K. (2017), A study on life satisfaction and emotional wellbeing among university students, *Indian Journal of Positive Psychology*, 8(2), 112-116.
- Onishi, C., Yuasa, K., Sei, M., Ewis, A. A., Nakano, T., Munakata, H., & Nakahori, Y. (2010), Determinants of life satisfaction among Japanese elderly women attending health care and welfare service facilities, *The Journal of Medical Investigation*, 57(1–2), 69–80.

- Orth, U., & Robins, R. (2014), The Development of self-esteem. *Current Directions in Psychological Science*, 23(5), 381–387.
- Osborne LA, Reed P. (2010), Stress and self-perceived parenting behaviors of parents of children with autistic spectrum conditions, *Resn Autism Spectrum Disord*, 4(3):405-14.
- Philip, H., Daniel, B., Katie, D., Mark, S., & Arlene, E. (2014), A big factor approach to modeling the Rosenberg Self-Esteem Scale. *Journal of Personality and Individual differences*, 66, 188-192.
- Poorbaferani, Z., Mazaheri, M. A., & Hasanzadeh, A. (2018), Life satisfaction, general self-efficacy, self-esteem, and communication skills in married women. *Journal of education and health promotion*, 7, 173.
- Raats, Claudia & Adams, Sabirah & Savahl, Shazly & Isaacs, Serena & Tiliouine, Habib. (2019), The Relationship Between Hope and Life Satisfaction Among Children in Low and Middle Socio-Economic Status Communities in Cape Town, South Africa, *Child Indicators Research*, 12. 1-14.
- Sánchez, X., Bailey, C., Arcos, E., Muñoz, L. A., González, L., & Miranda, R. (2017), Subjective well-being and the perception of health opportunities: The case study of senior citizens of the neighborhood of Playa ancha, *World Development Perspectives*, 5, 7-9.
- Sato, W., Kochiyama, T., Kubota, Y., Uono, S., Sawada, R., Yoshimura, S., et al. (2016), The association between perceived social support and amygdala structure, *Neuropsychologia*, 85, 237-44.
- Sayadi, Y., & Soleimani, H. (2022), Investigating The Relationship Between Academic Self-Efficacy and Academic Enthusiasm With Regard To The Mediating Role of Self-Regulation Among English Language Students, *Research in Teaching*, 10(1), 106-81. [Persian]
- Schieman, S. et al, (2017), Love Thy Self? How Belief in a Supportive God Shapes Self-Esteem, *Review of Religious Research*, 59(3), 293-318.

- Scott, T. L., Masser, B. M., & Pachana, N. A. (2020), Positive aging benefits of home and community gardening activities: Older adults report enhanced self-esteem, productive endeavours, social engagement and exercise, *SAGE open medicine*, 8, 2050312120901732.
- Snyder, C. R., & Lopez, S. G. (2007), *Positive Psychology*, New York Published by Oxford University Press, Inc.
- Snyder, C. R. (2000), *Handbook of Hope: Theory, Measures, and Applications*, San Diego: Academic Press.
- Snyder, C. R., Rand, K. L., & Sigmon, D. R. (2002), Hope theory. In C. R. Snyder & S. J. Lopez (Eds.), *Handbook of positive psychology* (pp. 257-276). New York, NY: Oxford University Press.
- Sousa, L., & Lyubomirsky, S. (2001), Life satisfaction, In J. Worell (Ed.), *Encyclopedia of women and gender: Sex similarities and differences and the impact of society on gender* (Vol. 2, pp. 667-676), San Diego, CA: Academic Press.
- Wong, S. S., & Lim, T. (2009), Hope versus Optimism in Singaporean Adolescents: Contributions to Depression in Life Satisfaction, *Personality and Individual Differences*, 46, 648-652 .
- Zhang, A., Yan, J., Yang, G., Tan, X., Wang, X., & Tan, S. (2018), Life satisfaction and its associated factors among money boys in China. *Public health*, 154, 110-117.
- Zia Ur Rehman, Abdul Khaliq Alvi, & Zaeem Ahmad. (2021), The Relationship of Hope with Life Satisfaction through the Path of Resilience. *Research Journal of Social Sciences and Economics Review*, 2(1), 303-316.

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال دهم، شماره اول، پیاپی ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳ (ص ۲۳۱-۲۵۴)

مؤلفه های اختلال شخصیت خودشیفته بر اساس منابع اسلامی

Components of Narcissistic Personality Disorder Based on Islamic Sources

✉ **مهزیار خاکی** / کارشناسی ارشد روانشناسی مثبت‌گرا، موسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.

مهدی عباسی / استادیار گروه روان‌شناسی اسلامی پژوهشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران

حسین رادمرد / دکتری قرآن و روانشناسی، جامعة المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Mahziar Khaki /Institute of Higher Education akhlagh va tarbiyat.

mhzrkh@gmail.com

Mahdi Abbasi /Assistant Professor, Department of Psychology, Qom Dar al-Hadith, Qom, Iran.

ym.abbasi@gmail.com

Hossein Radmard /PhD in Quran and Psychology, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

h.r1360@yahoo.com

Abstract

This study aims to identify and compile the conceptual components of narcissism based on Islamic sources. Narcissism in psychology considerably overlaps with the concepts of "arrogance" and "vanity" in Islamic sources. Therefore, the concepts and terms related to narcissism were identified using a documentary method, and a collection of relevant verses and narrations was extracted and subsequently analyzed using content analysis.

The qualitative analysis of religious texts in the component identification stage yielded 11 conceptual elements:

- 1) superiority complex
- 2) fame-seeking
- 3) sense of a creditor
- 4) rationalizing

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و جمع‌آوری مؤلفه‌های مفهومی خودشیفتگی بر اساس منابع اسلامی انجام شده است. خودشیفتگی در روانشناسی با مفهوم «کبر» و «عجب» در منابع اسلامی همپوشی قابل توجهی دارد. بدین جهت در ابتدا مفاهیم و واژگان مرتبط با خودشیفتگی با روش اسنادی، شناسایی و مجموعه آیات و روایات آن استخراج شد و در ادامه، با روش تحلیل محتوا تحلیل شد. نتایج تحلیل کیفی متون دینی در مرحله مؤلفه‌شناسی، ۱۱ عنصر مفهومی را گزارش نمود. این ۱۱ مؤلفه عبارت بودند از: ۱. خودبرتری‌بینی؛ ۲. خودمشهوربینی؛ ۳. حس

one's wrong behavior 5) refusal of truths 6) a sense of being rightfulness 7) belittling others 8) exploiting others 9) envy 10) self-righteousness 11) feelings of inferiority. These components were then evaluated by 12 experts based on the Content Validity Index (CVI) and Content Validity Ratio (CVR). After surveying the experts' opinions, 8 components were confirmed: 1) superiority complex 2) sense of a creditor 3) rationalizing one's wrong behavior 4) refusal of truths 5) a sense of being rightfulness 6) belittling others 7) self-righteousness 8) feelings of inferiority. Therefore, narcissism based on Islamic sources can be utilized as a construct in Islamic psychology.

KEYWORDS: narcissism, narcissistic personality disorder, arrogance, vanity, Islamic sources

طلبکاری؛ ۴. درست‌پنداری رفتار اشتباه خود؛ ۵. امتناع از قبول حق؛ ۶. استحقاق خود؛ ۷. تحقیر دیگران؛ ۸. به خدمت گرفتن دیگران؛ ۹. حسادت؛ ۱۰. خودپسندی؛ ۱۱. احساس حقارت. سپس مؤلفه‌های مذکور از منظر نظر ۱۲ نفر از کارشناسان بر مبنای شاخص روایی محتوایی (CVI) و نسبت روایی محتوایی (CVR)، ارزیابی شد. پس از پیمایش نظر کارشناسان، ۸ مؤلفه^۱ خودبرتربینی؛ ۲. حس طلبکاری؛ ۳. درست‌پنداری رفتار اشتباه خود؛ ۴. امتناع از قبول حق؛ ۵. استحقاق خود؛ ۶. تحقیر دیگران؛ ۷. خودپسندی؛ ۸. احساس حقارت، تأیید شد. بنابراین خودشیفتگی براساس منابع اسلامی می‌تواند به عنوان یک سازه در روانشناسی اسلامی مورد استفاده قرار بگیرد.

کلیدواژه‌ها: خودشیفتگی، اختلال شخصیت، خودشیفته، تکبر، عجب، منابع اسلامی.

مقدمه

خودشیفتگی^۱ در دو حالت طبیعی و اختلال شخصیت در سال‌های اخیر توجهات علمی فزاینده‌ای را به خود جلب کرده است و پژوهش‌های متعددی در حوزه نظری، تجربی و بالینی در این زمینه صورت گرفته است (فوریان و مارس^۲، ۲۰۲۳). طبق تعریف انجمن روانپزشکی آمریکا اختلال شخصیت خودشیفته، به صورت یک الگوی فراگیر بزرگ منشی، نیاز به تحسین و فقدان همدلی توصیف می‌شود که از اواخر نوجوانی آغاز شده و در زمینه‌های مختلف دیده می‌شود. افراد خودشیفته دارای حس غیرمنطقی برتری خود هستند و این درگیری بیش از حد با خود، موجب فقدان حساسیت و همدلی نسبت به سایرین می‌شود

1. Narcissism.

2. Furian & March.

(میلر، کمپل و پیلکونیس، ۲۰۰۷).

مفهوم خودشیفتگی، برگرفته از مفهوم نارسسیسم در اسطوره‌های یونان باستان است. نارسسیوس^۱ جوانی زیبارو بود که با دیدن تصویر خود در آب رودخانه، عاشق تصویر خود شد و تلاش کرد تصویر خود را به آغوش بکشد که همین کار موجب مرگ او شد. خودشیفتگی برای نخستین بار تحت عنوان یک اختلال از نوشته‌های فروید^۲ معرفی شد و در ادامه کرنبرگ^۳ (۱۹۷۵) و کوت^۴ (۱۹۷۷) این مفهوم را با همان نگاه بالینی کار کردند که نتیجه این فعالیت‌ها ورود این مفهوم به DSM-III به عنوان یک اختلال شخصیت به نام اختلال شخصیت خودشیفته^۵ بوده است (صفاری نیا و همکاران، ۱۳۹۱). اخیراً علاوه بر روانشناسی بالینی، توجه روانشناسان شخصیت به خودشیفتگی نیز معطوف شده است و به سطوح غیر بالینی خودشیفتگی به عنوان یک بُعد مهم پرداخته و آن را به صورت پیوسته از نرمال به غیرعادی ترسیم کرده اند (میلر^۶ و کمبل^۷، ۲۰۰۸).

در دی اس ام-۵ به توصیف و تبیین اختلال شخصیت خودشیفته پرداخته شده است. خودشیفتگی الگویی فراگیر از خودبزرگ‌بینی، نیاز به تحسین شدن به همراه عدم همدلی است که از اوایل بزرگسالی آغاز می‌گردد (DSM-۵، ترجمه مهدی گنجی). خودشیفتگی ترکیب مهمی از صفات و فرایندهای شخصیت است که با ویژگی‌هایی نظیر خودبزرگ‌بینی در عین شکنندگی خود، اشتغال ذهنی در مورد موفقیت، احساس محق بودن و انتظار مورد تحسین واقع شدن مشخص می‌شود (آمز^۸ و همکاران، ۲۰۰۶). اگر فردی پنج مورد از ملاک‌های زیر را داشته باشد، بر اساس تعریف DSM-۵ مبتلا به اختلال شخصیت خودشیفته است:

۱. فرد دارای احساس خودبزرگ‌بینی است به نحوی که موفقیت‌ها و استعدادهای خود را بزرگ جلوه می‌دهد و توقع دارد بدون موفقیت‌های واقعی به عنوان یک فرد برتر شناخته شود.

1. Narcissus.

2. Freud.

3. Kernberg.

4. Kohut.

5. Narcissistic personality disorder.

6. Miller.

7. Campbell.

8. Ames.

۲. مدام در مورد موفقیت‌ها، هوش و ذکاوت و زیبایی و... خود خیالبافی می‌کند.
 ۳. معتقد است انسانی خاص و ویژه است و فقط افرادی که خودشان انسان‌های خاص و منحصر به فردی هستند می‌توانند او را درک کنند و با او مراوده داشته باشند.
 ۴. نیازمند تحسین، تمجید و توجه دیگران است.
 ۵. همیشه حق به جانب رفتار می‌کند و تصور می‌کند هرکاری بخواهد می‌تواند انجام دهد.
 ۶. برای رسیدن به اهداف خود از دیگران سوء استفاده و بهره‌کشی می‌کند.
 ۷. تمایلی به درک احساسات و نیازهای دیگران و همدلی با آنها ندارد.
 ۸. غالباً به دیگران حسادت می‌کند و یا گمان دارد دیگران به او حسادت دارند.
 ۹. رفتار متکبرانه دارد و همیشه از بالا به دیگران نگاه می‌کند.
- خودشیفتگی نوعی از شخصیت است که با ویژگی‌هایی همچون خودبزرگ‌بینی، تخیلات افراطی در مورد قدرت، زیبایی و موفقیت، حساسیت زیاد نسبت به انتقاد و احساس بی‌نظیر بودن مشخص می‌شود (انجمن روان پزشکی آمریکا، ۲۰۱۶). خودشیفتگی، یک سبک شخصیتی خودمحور است که مشخصه آن، مشغولیت بیش از حد به خود و نیازهای خود است که اغلب به بهای از دست دادن دیگران است. خودشیفتگی در زنجیره‌ای وجود دارد که از بیان شخصیت عادی تا غیرعادی متغیر است. در حالی که بسیاری از روانشناسان بر این باورند که درجه متوسط از خودشیفتگی در انسان طبیعی و سالم است، اشکال شدیدتری نیز وجود دارد که به‌ویژه در افرادی که بیش از حد خود شیفته هستند یا دارای یک بیماری روانی مانند اختلال شخصیت خودشیفته (NPD) هستند، قابل مشاهده است. گرایش خودشیفتگی بیمارگونه شده است (کمبل^۱ و همکاران، ۲۰۰۴). برخی از محققان به مفهوم خودشیفتگی سالم اشاره کرده‌اند. خودشیفتگی سالم، یک احساس مثبت از خود است که با خیر بزرگتر همسو است. مفهوم خودشیفتگی سالم در روانشناسی بالینی و روانشناسی عمومی به عنوان کمکی برای ابراز وجود و موفقیت استفاده می‌شود (واتسن^۲ و همکاران، ۲۰۰۲).
- از منظر آموزه‌های اسلامی نیز نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که خودشیفتگی

1. Campbell.

2. Watson.

در روانشناسی با مفهوم «کبر» در منابع اسلامی همپوشی قابل توجهی دارد (قدوسی و میردریکوندی، ۱۳۹۲). همچنین مطالعات فقیه‌ی و همکاران (۱۳۹۵) در حوزه استخراج ویژگی مبتلایان به اختلال شخصیت خودشیفته، ۲۳ ویژگی از ویژگی‌های افراد خودشیفته را بر مبنای آموزه‌های اسلامی گزارش نمود. آنچه در این پژوهش، ما را به بررسی مجدد منابع اسلامی و مؤلفه‌سازی واداشت این بود که در پژوهش‌های انجام شده صرفاً ویژگی‌هایی استخراج شده بود که با بررسی اجمالی آیات و روایات ضرورت بازبینی احساس می‌شد و همچنین در پژوهش‌های مذکور مؤلفه‌سازی صورت نگرفته بود که ما در این پژوهش به این کار نیاز اساسی داشتیم.

در زمینه سنجش خودشیفتگی در روانشناسی نیز اقداماتی صورت پذیرفته است. مقیاس ۲۴ گویه اختلال خودشیفته بر مبنای پرسشنامه چند محوری میلون ۳ (MCMIII) و پرسشنامه ان پی آی-۴۰ (NPI-۴۰) (راسکین و تری، ۱۹۸۸) از جمله این اقدامات است (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۱).

بررسی پیشینه در خصوص وجود مقیاس خودشیفتگی بر اساس منابع اسلامی، نتایج روشنی به دنبال نداشت. از این رو، با توجه به وجود مفاهیم مشابه خودشیفتگی در منابع اسلامی از قبیل کبر، استکبار، تکبر، تجبر، تفاخر، عُجب، عتو و اهمیت سنجش این مفهوم و فقدان مقیاس اسلامی در این زمینه، ساخت پرسشنامه خودشیفتگی بر اساس منابع اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین رسالت اصلی پژوهش حاضر، ضمن بازبینی کارهای انجام شده در مفهوم شناسی این اختلال، ساخت پرسشنامه خودشیفتگی بر اساس منابع اسلامی خواهد بود و در صدد این است که به سؤالات زیر پاسخ دهد.

۱. آیا می‌توان بر اساس گزاره‌های اسلامی (آیات قرآن و روایات) مقیاسی علمی برای سنجش شخصیت خودشیفته ارائه کرد؟
۲. ویژگی‌های روان سنجی مقیاس خودشیفتگی بر اساس منابع اسلامی چیست؟
۳. میزان روایی و اعتبار مقیاس شخصیت خودشیفته از دیدگاه اسلام چه مقدار می‌باشد؟

روش پژوهش

این پژوهش در مرحله شناسایی و استخراج مؤلفه‌های خودشیفتگی از نوع بنیادین نظری و در مرحله ساخت مقیاس کاربردی است و روش پژوهش در مرحله جمع‌آوری داده‌ها از

روش اسنادی و در مرحله تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا و در مرحله ساخت مقیاس از روش‌های همبستگی و تحلیل عاملی استفاده شده است. برای جمع‌آوری آموزه‌های دین در رابطه با اختلال شخصیت خودشیفته، با استفاده از روش تحلیل محتوا داده‌های مورد نیاز استخراج و سپس دسته‌بندی و مورد بررسی قرار گرفت.

جامعه آماری پژوهش، طلاب حوزه‌های علمیه و دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد که تعداد آن ۱۷۰۰ نفر است. حجم نمونه مورد پژوهش ۳۱۴ نفر است که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و از طریق پرسشنامه برخط به دست آمد.

مراحل انجام این پژوهش به طور اجمالی، بررسی و بازبینی کارهای موجود در زمینه مفهوم‌شناسی خودشیفتگی، استخراج و طبقه‌بندی مؤلفه‌های خودشیفتگی، اعتبارسنجی مؤلفه‌ها، تهیه گویه‌های هر مؤلفه و اعتبارسنجی محتوایی گویه‌ها از دیدگاه کارشناسان و در نهایت تهیه پرسشنامه نهایی می‌باشد. پس از تهیه پرسشنامه، روایی همگرایی آن با مفهوم تواضع بررسی می‌گردد. منطق انتخاب این مفهوم این است که تواضع از صفات مقابل خودشیفتگی است و انتظار داریم رابطه معنادار منفی با مفهوم خودشیفتگی نشان دهد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه خودشیفتگی محقق ساخته: این مقیاس نخستین بار توسط پژوهشگران جهت سنجش اختلال شخصیت خودشیفته بر اساس منابع اسلامی طراحی و ساخته شده است. فرایند ساخت این مقیاس به شرح ذیل می‌باشد.

پرسشنامه تواضع: پرسشنامه تواضع-تکبر در سال ۱۳۹۲ به منظور سنجش رذیله اخلاقی تکبر و فضیلت اخلاقی تواضع توسط هراتیان، آگاه‌هریس و موسوی (۱۳۹۲) با توجه به منابع اسلامی ساخته شده است. این پرسشنامه دارای چهار عامل: عدم پذیرش-پذیرش دیگران، هیجان و معرفت دینی، احساس حقارت-عزت نفس و نیاز به تأیید اجتماعی-خودبستگی، با ۲۲ گویه و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳۷ می‌باشد (هراتیان و همکاران، ۱۳۹۲).

مقیاس برون‌گرایی و توافق‌پذیری پرسشنامه شخصیت نئو: کاستا و مک‌کری بر اساس مدل پنج عاملی شخصیت پرسشنامه NEO را طراحی کردند و می‌توان گفت مدل پنج عاملی شخصیت تقریباً در بین تمام سازه‌های صفتی شخصیت دارای واریانس مشترک است (شولتز و شولتز، ۱۳۷۹). مقیاس برون‌گرایی دربردارنده صفاتی چون اجتماعی بودن، علاقه به مردم، ترجیح دادن گروه‌های بزرگ به گروه‌های کوچک، جرئت و رزوی،

فعال بودن و پرحرف بودن می باشد. خرده مقیاس های برون گرایی عبارتند از: مهربانی، قاطعیت، جمع گرایی، فعالیت، هیجان خواهی و هیجان های مثبت (گروسی، ۱۳۸۱). مقیاس توافق پذیری در این پرسشنامه بیانگر صفاتی چون همکاری، حمایتگری و اعتماد کردن می باشد. خرده مقیاس های توافق پذیری عبارتند از: اعتماد، نوع دوستی، موافقت، تواضع و دل رحمی (گروسی، ۱۳۸۱). هر کدام از این مقیاس ها در پرسشنامه فرم کوتاه که در این پژوهش از آن استفاده شده است ۱۲ گویه دارند. کوستا^۱ و مک کری^۲ (۱۹۹۲) ضریب آلفای کرونباخ مؤلفه های این پرسشنامه را بیش از ۰٫۶۸ گزارش کرده اند.

مراحل انجام این پژوهش که طی دوازده مرحله اجرا شده است به این ترتیب گزارش می گردد: در مرحله اول، آموزه های اسلامی مرتبط با خودشیفتگی جمع آوری شد. سپس در مرحله دوم، مؤلفه های خودشیفتگی کشف و طبقه بندی گردید. در مرحله سوم، اعتبارسنجی مؤلفه ها از دیدگاه کارشناسان صورت گرفت و بعد از آن در مرحله چهارم و پنجم با تهیه گویه های هر مؤلفه، پرسشنامه اولیه تشکیل و اجرا شد. در مرحله ششم، اعتبارسنجی محتوایی گویه ها از دیدگاه کارشناسان انجام شد. مرحله هفتم به بررسی ضریب دشواری و ضریب تشخیص گویه ها و انتخاب گویه های مطلوب اختصاص داشت و در مرحله هشتم به بررسی روایی سازه با استفاده از تحلیل عاملی پرداخته شد. در مرحله نهم، روایی سازه با استفاده از همسانی درونی و همبستگی مؤلفه ها بررسی شد. سپس بررسی روایی همزمان و بررسی پایایی پرسشنامه در مرحله دهم و یازدهم انجام شد. در نهایت در مرحله دوازدهم، ارائه پرسشنامه نهایی و هنجار و استاندارد آن صورت گرفت.

یافته های پژوهش

با توجه به آیات، روایات و ادعیه جمع آوری شده و تحلیل آنها، مؤلفه های سازه خودشیفتگی بر اساس منابع اسلامی، تدوین شد که عبارتند از: ۱. خودبرتربینی؛ ۲. خودمشهورینی؛ ۳. حس طلبکاری؛ ۴. درست پنداری رفتار اشتباه خود؛ ۵. امتناع از قبول حق؛ ۶. استحقاق خود؛ ۷. تحقیر دیگران؛ ۸. به خدمت گرفتن دیگران؛ ۹. حسادت؛ ۱۰. خودپسندی؛ ۱۱. احساس حقارت.

1. Costa.

2. Mc Crae.

مؤلفه	نمونه سند پژوهشی	توضیحات
۱ خودبرتری‌بینی	رسول خدا ﷺ: الْكِبَرُ أَنْ ... تَنْظُرَ إِلَى النَّاسِ فَلَا تَرَى أَحَدًا عَرَضَهُ كَعَرْضِكَ وَلَا دَمَهُ كَدَمِكَ؛ کبر آن است که... مردم را چنان ببینی که گویی اصلاً آبروی آنها مانند آبروی تو نیست و خون آنها مانند خون تو نیست.	در مستند ذکر شده، «خود را برتر از دیگران دانستن» از ویژگی‌های کبر دانسته شده است. با توجه به نزدیک بودن مفهوم کبر به خودشیفتگی، روایاتی که به این مفهوم اشاره دارند، می‌توانند تشکیل دهنده مؤلفه‌های خودشیفتگی باشند.
۲ خود مشهوری‌بینی	امام علی علیه السلام: ثَلَاثٌ هُنَّ رَأْسُ التَّوَّاضِعِ: أَنْ يَبْدَأَ بِالسَّلَامِ مَنْ لِقِيَّتِهِ، وَ يَرْضَى بِالذُّونِ مِنْ شَرَفِ الْمَجْلِسِ، وَ يَكْرَهُ الرِّيَاءَ وَ السُّمْعَةَ؛ سه چیز است که آنها رأس فروتنی‌اند: اینکه انسان به هر که می‌رسد سلام کند، به پایین پای مجلس رضایت دهد، و خودنمایی و شهرت طلبی را خوش نداشته باشد. (کنز العمال: ۸۵۰۶)	با توجه به اینکه مفهوم کبر، در حوزه معنایی خودشیفتگی می‌باشند، و مفهوم متضاد مفهوم کبر، مفهوم تواضع است، آنچه در روایات در تعریف و تبیین مفهوم تواضع آمده است، عکس آن می‌تواند تشکیل دهنده مؤلفه‌های خودشیفتگی باشد. مثلاً در مستند ذکر شده، کراهت از خودنمایی و شهرت طلبی از نشانه‌های تواضع برشمرده شده است که عکس آن شهرت طلبی و خودمشهوری‌بینی است که از صفات متکبر محسوب می‌گردد.
۳ حس طلبکاری	امام کاظم علیه السلام: الْعُجْبُ دَرَجَاتٌ ... وَ مِنْهَا: أَنْ يُؤْمِنَ الْعَبْدُ بِرَبِّهِ فَيُؤْمِنَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لِلَّهِ عَلَيْهِ فِيهِ الْمُرْتُّ؛ خودپسندی درجاتی دارد؛ ... و یکی این است که بنده به پروردگارش ایمان آورد و برای این کار، بر خداوند عزَّ و جلَّ مَتَّ گذارد، حال آن که در این کار، خداوند را بر او مَتَّ است. (الکافی: ۳/۳۱۳/۲)	در مستند ذکر شده، منت‌گذاری بر خداوند و حس طلبکاری از ویژگی‌های عجب دانسته شده است. با توجه به نزدیک بودن مفهوم عجب به خودشیفتگی، روایاتی که به این مفهوم اشاره دارند، می‌توانند تشکیل دهنده مؤلفه‌های خودشیفتگی باشند.
۴ درست پنداری رفتار اشتباه خود	امام کاظم علیه السلام: الْعُجْبُ دَرَجَاتٌ مِنْهَا: أَنْ يُزَيِّنَ لِلْعَبْدِ سُوءَ عَمَلِهِ فَيَرَاهُ حَسَنًا فَيُعْجِبُهُ وَ يَحْسِبُ أَنَّهُ يَحْسِنُ صُنْعًا...؛ خودپسندی درجاتی دارد؛ یکی از آنها این است که کردار زشت بنده به نظرش زیبا جلوه کند و آن را نیکو بیند و خوشش آید و پندارد که کار خوبی می‌کند. (الکافی: ۳/۳۱۳/۲)	در مستند ذکر شده، درست دانستن رفتارهای اشتباه از ویژگی‌های عجب دانسته شده است. با توجه به نزدیک بودن مفهوم عجب به خودشیفتگی، روایاتی که به این مفهوم اشاره دارند، می‌توانند تشکیل دهنده مؤلفه‌های خودشیفتگی باشند.

۵	امتناع از قبول حق	امام علی علیه السلام: طَلَبْتُ الْخُضُوعَ فَمَا وَجَدْتُ إِلَّا بِقَبُولِ الْحَقِّ، اقْبَلُوا الْحَقَّ، فَإِنَّ قَبُولَ الْحَقِّ يُبْعِدُ مِنَ الْكِبَرِ؛ فروتنی را جستم و آن را جز در پذیرش حق، نیافتم. پس حق پذیر باشید؛ زیرا پذیرش حق [انسان را] از تکبر دور می سازد. (بحار الأنوار ۹۱/۳۹۹/۶۹)	در مستند ذکر شده پذیرش حق دورکننده انسان از تکبر شمرده شده است. با توجه به نزدیک بودن مفهوم کبر به خودشیفتگی، روایاتی که به این مفهوم اشاره دارند، می توانند تشکیل دهنده مؤلفه های خودشیفتگی باشند.
۶	استحقاق خود	فَقِيلَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَمَا الْأَحْمَقُ؟ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: الْمُعْجَبُ بِرَأْيِهِ وَتَفْسِهِ الَّذِي يَرَى الْفَضْلَ كُلَّهُ لَهُ لَا عَلَيْهِ وَ يُوجِبُ الْحَقَّ كُلَّهُ لِنَفْسِهِ وَلَا يُوجِبُ عَلَيْهِ حَقًّا فَذَاكَ الْأَحْمَقُ؛ شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: احمق به چه کسی گویند؟ آن حضرت فرمود: کسی که به خود مغرور است و همه فضیلت ها و خوبی ها را برای خود و پیشبرد منافع خود می خواهد و همه حق را برای خود قائل است و دیگران را صاحب حقی نمی داند.	با توجه به اینکه مفهوم عجب، در حوزه معنایی خودشیفتگی می باشد، تعاریفی که در روایات از این مفهوم ارائه شده است، می تواند تشکیل دهنده مؤلفه های خودشیفتگی باشد. مثلاً در مستندات ذکر شده، همه حق را از آن خود دانستن و هرگز حق را به دیگری ندادن از ویژگی های معجب دانسته شده است.
۷	تحقیر دیگران	قُلْتُ وَمَا الْكِبَرُ؟ قَالَ غَمُصُ الْخُلُقِ وَ سَفَهُ الْحَقِّ قُلْتُ وَ كَيْفَ ذَاكَ قَالَ يَجْهَلُ الْحَقَّ وَ يَظَنُّ عَلَى أَهْلِهِ؛ به امام صادق علیه السلام گفتم: کبر چیست؟ فرمود: بزرگ ترین درجه کبر این است که حق را سبک شماری و مردم را خوار پنداری، گفتم: سبک شمردن حق چیست؟ فرمود: آن را نفهمیده گیری و بر اهل آن طعن و سرزنش کنی. * امام صادق علیه السلام: مَنْ لَا يَعْرِفُ لِأَخِيهِ الْفَضْلَ فَهُوَ الْمُعْجَبُ بِرَأْيِهِ؛ کسی که برای دیگران ارزشی قائل نباشد، خودپسند و خودرأی است. (معانی الأخبار ۲/۲۴۴)	با توجه به اینکه مفهوم کبر و عجب، در حوزه معنایی خودشیفتگی می باشند، تعاریفی که در روایات از این مفاهیم ارائه شده است، می توانند تشکیل دهنده مؤلفه های خودشیفتگی باشند. مثلاً در مستندات ذکر شده، حقیر شمردن مردم، طعن زدن بر اهل حق و سرزنش کردن آنها و بدگویی کردن از اهل حق از ویژگی های کبر دانسته شده است. همچنین در روایت دیگر، ارزش قائل نبودن برای دیگران، از ویژگی های معجب ذکر شده است.
۸	به خدمت گرفتن دیگران	رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَنْ حَلَبَ شَاتَهُ وَ رَقَعَ قَيْصَهُ وَ خَصَفَ نَعْلَهُ وَ أَكَلَ خَادِمَهُ وَ حَمَلَ مِنْ سَوْقِهِ، فَقَدْ بَرَّيَ مِنَ الْكِبَرِ؛ هر کس خودش گوسفندش را بدوشد و جامه اش را وصله کند و کفشش را پینه زند و با خدمتکارش هم غذا شود و کالایش را از بازار [به خانه] حمل کند، بی گمان از کبر پاک شده است. (کنز العمال ۷۷۹۳)	در مستندات ذکر شده، با مثال های متعدد نشان داده شده است که انجام دادن کارهای شخصی یکی از راه های در امان ماندن از کبر است. پس کسی که کارهای شخصی را به دیگران واگذار کند، دچار کبر شده است. و کبر از مفاهیم نزدیک به خودشیفتگی می باشد.

۹	حسادت	امام علی علیه السلام: لَا تَكُونُوا كَالْمُتَكَبِّرِ عَلَى ابْنِ أُمِّهِ مِنْ غَيْرِ مَا فَضَّلَ جَعَلَهُ اللَّهُ فِيهِ سِوَى مَا الْحَقَّتِ الْعَظْمَةُ بِنَفْسِهِ مِنْ عَدَاوَةِ الْحَسَدِ وَقَدَحَتِ الْحَمِيَّةُ فِي قَلْبِهِ مِنْ نَارِ الْعَصَبِ وَتَفَحَّ الشَّيْطَانُ فِي أَنْفِهِ مِنْ رِيحِ الْكِبَرِ الَّذِي أَغْفِيَهُ اللَّهُ بِهِ التَّدَامَةَ؛ مانند آن کسی (قابیل) نباشید که بر پسر مادر خود (هابیل)، بی آن که خداوند او را بر وی برتری داده باشد، تکبر ورزید. جز این که خود بزرگ بینی، دشمنی ناشی از حسادت را در جان او افکند و تعصب و غرور، آتش خشم را در دلش شعله ور ساخت و شیطان باد کبر را در دماغش دمید؛ کبری که خداوند عاقبت مایه پشیمانی او قرارش داد. (نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۲)
۱۰	خودپسندی	* اندیشمندان اسلامی (مانند ری شهری در ترجمه میزان الحکمة) عجب را به معنی خودپسندی و از خود راضی بودن آورده اند. * لغت شناسان، عجب را به رضایت و خودپسندی معنی کرده اند: "مَعْنَى عَجَبٍ رُبُّكَ: أَيْ رَضَى وَأَتَابَ" (ابن الأثير، النهاية في غريب الحديث والأثر، ج ۳، ص ۱۸۴)، "العجب: خودپسندی، خودخواهی" (فرهنگ ابجدی، ج ۱، ص ۶۰۰)
۱۱	احساس حقارت	امام صادق علیه السلام: مَا مِنْ رَجُلٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلَّا لِيْلَةٍ يَجِدُهَا فِي نَفْسِهِ؛ هیچ کس تکبر و سرکشی نکند مگر به خاطر پستی و ذلتی که برای خود احساس می کند. (وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۳۸۰)

اعتبارسنجی مؤلفه ها به دو روش کیفی و کمی به دست می آید. به منظور روایی محتوایی مؤلفه ها به روش کیفی، نظرات تشریحی ۱۲ کارشناس درباره مؤلفه ها جمع آوری و تحلیل شد. کارشناسان در موارد متعدد، مؤلفه ها را تأیید کردند و در مواردی نظراتی داشتند که مورد توجه قرار گرفت. بدین ترتیب، روایی کیفی مؤلفه ها تأیید شد. به منظور روایی محتوایی به روش کمی، ضرایب CVI و CVR برای هر مؤلفه محاسبه شد.

جدول شماره ۱

شماره	عنوان مؤلفه	CVR	CVI
۱	خودبرتربینی	۱,۰۰	۱,۰۰
۲	خودمشهوربینی	۰,۱۶	۰,۷۵
۳	حس طلبکاری	۰,۸۳	۱,۰۰
۴	درست پنداری رفتار اشتباه خود	۱,۰۰	۱,۰۰
۵	امتناع از قبول حق	۰,۸۳	۰,۹۲
۶	استحقاق خود	۰,۶۶	۰,۹۲
۷	تحقیر دیگران	۰,۸۳	۱,۰۰
۸	به خدمت گرفتن دیگران	۰,۳۳	۰,۹۲
۹	حسادت	۰,۰۰	۰,۹۲
۱۰	خودپسندی	۰,۸۳	۰,۹۲
۱۱	احساس حقارت	۰,۸۳	۱,۰۰

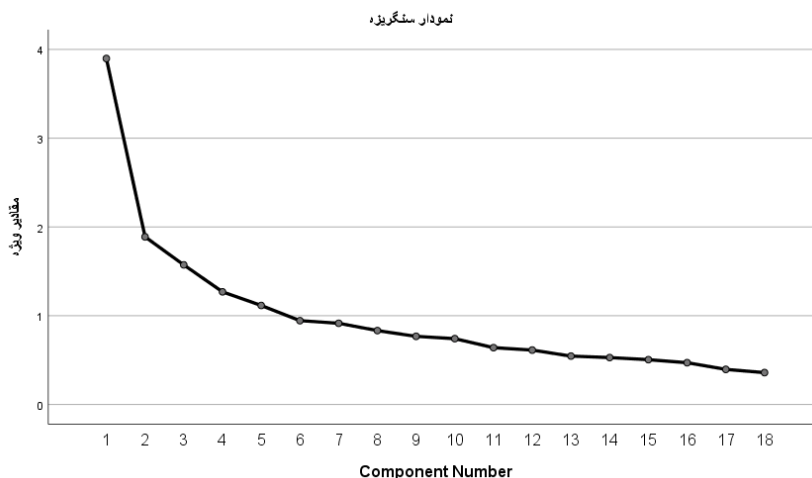
محاسبات نشان داد که تعداد ۸ مؤلفه CVR بیش از ۰/۵۶ و CVI بالاتر از ۰/۷۹ دارند. بنابراین روایی محتوایی این ۸ مؤلفه به لحاظ کمی نیز تأیید شد. ۳ مؤلفه «خودمشهوربینی»، «به خدمت گرفتن دیگران» و «حسادت» به دلیل عدم کسب نمره CVR کافی حذف شدند. پس از توزیع پرسشنامه ها و تکمیل آن ها توسط آزمودنی ها، ۳۱۴ پرسشنامه جمع آوری شد که قابل قبول بود. اجرای آزمون نشان داد که از مجموع ۳۱۴ شرکت کننده؛ ۵۹٪ خانم و ۴۱٪ آقا بودند. همچنین میانگین سنی شرکت کنندگان ۲۹ سال می باشد.

در نخستین گام برای تحلیل داده ها، ضریب همبستگی هر گویه با نمره کل پرسشنامه محاسبه شد که در این مرحله، ۱۵ گویه به دلیل همبستگی پایین ($>0/3$) حذف شدند. سپس با محاسبه ضریب تمییز ۲۴ گویه باقی مانده که این تعداد وارد تحلیل عاملی اکتشافی شدند. ۲۴ گویه ای که با توجه به ضریب تشخیص و ضریب همبستگی، انتخاب شده بودند، در تحلیل عاملی اکتشافی وارد شدند. در این پژوهش از روش تحلیل مؤلفه های اصلی با چرخش

متعامد و اریماکس استفاده شد و تحلیل در نرم افزار spss ۲۶ انجام شد. تحلیل اکتشافی بارها تکرار شد و در هر مرتبه، گویه‌های ضعیف (گویه‌هایی که در عوامل با مقدار ویژه کم قرار می‌گرفتند)، گویه‌های پیچیده (گویه‌هایی که در چند عامل به طور همزمان بار عاملی بیش از ۰/۴ داشتند) حذف شدند. در مراحل اولیه با حذف یک یا دو گویه، نتایج تحلیل عاملی، تغییرات چشمگیری نشان می‌داد و نوع عوامل تغییر می‌کرد، اما به مرور به ثبات تحلیل افزوده شد، تا جایی که با حذف گویه، تغییری در عوامل ایجاد نشد. بنابراین در نتیجه تحلیل عاملی اکتشافی با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و چرخش و اریماکس در نهایت ۱۸ گویه باقی ماند. در تمامی مراحل KMO بیش از ۰/۷۶۸ بود (جدول شماره سه) که نشانه‌ی کفایت نمونه‌برداری می‌باشد.

جدول شماره ۲: آزمون کفایت نمونه‌گیری و آزمون کرویت بارتلت

آزمون کفایت نمونه‌گیری			آزمون کرویت بارتلت
۰/۷۶۸	مقدار خی دو	درجه آزادی	P
	۱۱۲۲,۵۹۱	۱۵۳	.۰۰۰



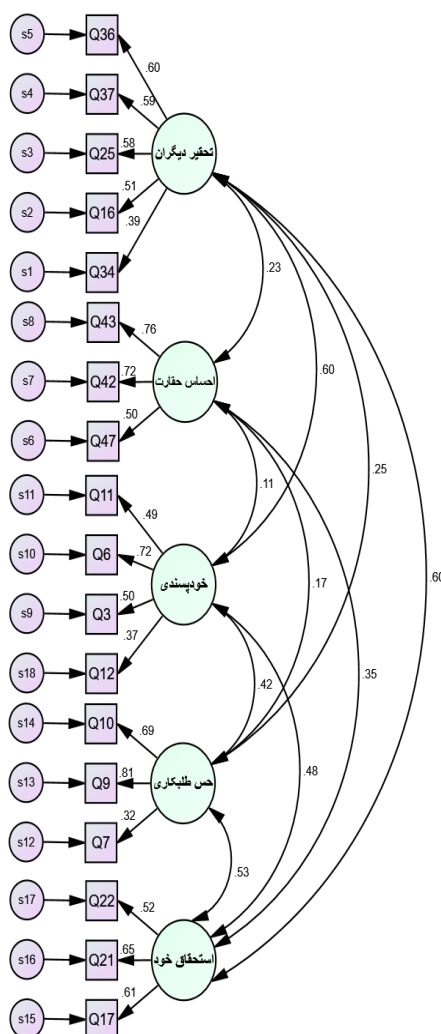
پس از نهایی شدن ۱۸ گویه، با توجه به متن گویه‌های مرتبط با هر عامل و مبانی نظری، آن عامل نامگذاری شد. بنابراین ۱۸ گویه در ۵ عامل (جدول شماره سه) نامگذاری شد.

جدول شماره ۳: عنوان هر عامل و متن گویه ها

عنوان عامل، متن گویه	بار عاملی	گویه
تحقیر دیگران		عامل اول
رسیدن به هدفم را مهم تر از حفظ آبروی دیگران می دانم.	۷۵۱.	Q۳۶
در بحث های دو طرفه، حق را به خودم می دهم.	۶۳۰.	Q۳۷
معمولاً نیازهای خود را نسبت به نیازهای دیگران در اولویت قرار می دهم.	۶۱۰.	Q۲۵
از اینکه دیگران کارهای شخصی مرا انجام دهند، لذت می برم.	۵۱۰.	Q۱۶
دستاوردهای دیگران در برابر دستاوردهای من ناچیز است.	۵۰۷.	Q۳۴
احساس حقارت		عامل دوم
هرچند گاهی احساس حقارت می کنم ولی تلاش می کنم دیگران متوجه آن نشوند.	۸۲۰.	Q۴۳
غالباً تلاش می کنم نقص ها و کمبودهای خود را پنهان کنم.	۷۶۹.	Q۴۲
گاهی با خودم فکر می کنم که ای کاش آدم دیگری بودم.	۶۵۹.	Q۴۷
خود پسندی		عامل سوم
هرگاه به کسی خدمتی کنم، انتظار دارم او جبران کند.	۶۶۴.	Q۱۱
غالباً احساس می کنم از دیگران برتر و مهم تر هستم.	۶۴۰.	Q۶
معمولاً دیگران به من می گویند که تو خودت را از دیگران بالاتر می بینی.	۶۳۵.	Q۳
اگر کسی به رفتارهای من انتقاد کند ناراحت می شوم.	۵۳۷.	Q۱۲
حس طلبکاری		عامل چهارم
هرجا حاضر می شوم باید شأن و احترام من رعایت شود.	۷۹۱.	Q۱۰
همین که من قبول می کنم در یک جمعی باشم باید به من احترام گذاشته شود.	۷۶۱.	Q۹
از رفتن به خانه کسانی که همشان من نیستند، خودداری می کنم.	۵۵۹.	Q۷

عامل پنجم	استحقاق خود
Q۲۲	جایگاه‌های اجتماعی که به من پیشنهاد می‌شود، معمولاً از توانایی‌های من پایین‌تر است.
Q۲۱	عده کمی هستند که شایستگی‌های مرا درک می‌کنند.
Q۱۷	به نظرم اطرافیانم آن طور که شایسته است به من خدمت نکرده‌اند.

با توجه به نتایج تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تأییدی انجام شد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی در شکل شماره یک ارائه شده است.



نتایج مربوط به بارهای عاملی سؤالات و خطای اندازه‌گیری (ماتریس عاملی) برای مدل ۵ عاملی در شکل شماره یک نشان می‌دهد که سؤال‌ها روی ۵ عامل تحقیر دیگران، احساس حقارت، خودپسندی، حس طلبکاری و استحقاق خود بارگذاری شده‌اند. به عبارت دیگر، همانند مدل فرض شده اصلی، پرسش‌های نمونه مورد پژوهش روی عامل‌های مربوطه بارگذاری شدند.

در تحلیل عاملی تأییدی مدل ۵ عاملی شراو و همکاران (۱۹۹۵) آزمون و شاخص‌های مربوطه استخراج گردید. همانطور که در جدول شماره پنج آمده است نسبت مجذور کای به درجه آزادی ۱,۷۵۷ است که نشان دهنده برازش مناسب مدل است. همچنین مقدار RMSEA برای برازش مدل باید از ۰/۰۸ کمتر باشد که در مدل ارائه شده این مقدار برابر با ۰/۰۴۹ است. مقادیر شاخص‌های IFI، GFI، NFI نیز جهت تأیید برازش مدل باید از ۰/۹ بیشتر باشد که در مدل مورد بررسی چنین می‌باشد که این شاخص به همراه شاخص‌های دیگر نشان می‌دهند که پرسش‌ها و خرده مقیاس‌های مقیاس خودشیفتگی بر اساس منابع اسلامی بر روی ۵ عامل بارگذاری می‌کنند.

بنابراین همانطور که در جدول شماره چهار گزارش شده است، تمامی شاخصه‌های برازش مدل قابل قبول و از وضعیت نسبتاً مطلوبی برخوردار است.

جدول شماره ۴: ویژگی‌های برازش مدل

شاخص برازش		مطلق			تطبیقی		مقتصد
شاخص	RMSEA	GFI	CMIN/DF	IFI	CFI	PNFI	PCFI
مدل	۰/۰۴۹	۰/۹۲۸	۱/۷۵۷	۰/۹۰۷	۰/۹۰۵	۰/۶۶۱	۰/۷۳۹
معیار	< ۰/۰۸	> ۰/۹۰	< ۵/۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۵۰	> ۰/۵۰
تفسیر برازش	مطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب

به منظور سنجش روایی سازه از روش بررسی همسانی درونی و همبستگی مؤلفه‌ها استفاده گردید. همانطور که در جدول شماره پنج ملاحظه می‌شود، ضرایب همبستگی بین خرده مقیاس‌ها در سطح معنی‌دار قرار دارند که حاکی از ارتباط درونی خرده مقیاس‌ها است.

جدول شماره ۵: همبستگی بین مؤلفه‌ها و همبستگی مؤلفه‌ها با نمره کلی خودشیفتگی

مؤلفه	۱	۲	۳	۴	۵
تحقیر دیگران	۱				
احساس حقارت	۰.۱۷۵**	۱			
خودپسندی	۰.۳۸۰**	۰.۱۰۳	۱		
حس طلبکاری	۰.۲۲۴**	۰.۱۳۷*	۰.۳۳۱**	۱	
استحقاق خود	۰.۴۰۴**	۰.۲۲۵**	۰.۳۱۶**	۰.۳۴۱**	۱
نمره کل خودشیفتگی	۰.۷۱۵**	۰.۵۱۱**	۰.۶۶۴**	۰.۶۲۱**	۰.۶۸۸**

* ضرایب معنی‌دار با سطح خطای کوچک‌تر از ۵٪

** ضرایب معنی‌دار در سطح خطای کوچک‌تر از ۱٪

به منظور روایی همزمان، رابطه نمره کل پرسشنامه خودشیفتگی براساس منابع اسلامی و پرسشنامه تواضع-تکبر هراتیان بررسی شد که در نتیجه این بررسی مشخص شد که رابطه خودشیفتگی براساس منابع اسلامی با تواضع-تکبر (۰.۷۸۵) معنادار است. بنابراین پرسشنامه خودشیفتگی براساس منابع اسلامی، روایی همزمان دارد.

جهت بررسی پایایی مقیاس، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج این بررسی در مورد مقیاس و ۵ زیرمقیاس شخصیت خودشیفته در جدول شماره شش قابل مشاهده است.

جدول شماره ۶: ضریب آلفای کرونباخ هر مؤلفه و سازه خودشیفتگی

شماره مؤلفه	عنوان مؤلفه	آلفای کرونباخ
۱	تحقیر دیگران	۰.۶۵۸
۲	احساس حقارت	۰.۶۸۴
۳	خودپسندی	۰.۵۸۵
۴	حس طلبکاری	۰.۵۹۳
۵	استحقاق خود	۰.۶۲۱
کل	خودشیفتگی	۰.۷۷۵

ضریب آلفای کرونباخ کل برابر با ۰/۷۷، محاسبه شد که بیانگر پایداری این مقیاس است. ضریب آلفای کرونباخ برای ۵ زیرمقیاس برابر ۰/۵۶ تا ۰/۶۸ است.

بحث و نتیجه گیری

یافته های پژوهش بیانگر این است که خودشیفتگی بر اساس منابع اسلامی می تواند به عنوان یک سازه در روانشناسی اسلامی مورد استفاده قرار بگیرد و پرسشنامه آن از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار است. یافته های به دست آمده از تحلیل منابع اسلامی، خودشیفتگی را دارای یازده مؤلفه نشان داده بود که سه مؤلفه خودمشهوری، به خدمت گرفتن دیگران و حسادت در ارزیابی روایی محتوایی توسط کارشناسان حذف گردید، و سه مؤلفه خودبرتربینی، درست پنداری رفتار اشتباه خود و امتناع از قبول حق در تحلیل عاملی اکتشافی نتوانستند همبستگی کافی با دیگر ابعاد خودشیفتگی بر اساس منابع اسلامی نشان دهند و در نتیجه حذف شدند.

تفاوت سازه اولیه که از منابع اسلامی به دست آمده بود، با سازه نهایی در این است که سازه اولیه یک مدل نظری و برخاسته از ملاک ها و آموزه های اسلامی بوده و سازه نهایی خروجی تحلیل عاملی اکتشافی و حاصل هنجاریابی بوده است. در نتیجه سازه ملاک محور ویژگی های مطلوب از نگاه منابع اسلامی را استخراج کرده است و سازه هنجارمحور ویژگی های انسان خودشیفته بر اساس هنجارهای موجود در جامعه را ارائه می دهد.

بنابراین خودشیفتگی بر اساس منابع اسلامی حالت روانشناختی ای است که دارای پنج ویژگی تحقیر دیگران، احساس حقارت، خودپسندی، حس طلبکاری و استحقاق خود می باشد. خودشیفتگی بر اساس منابع اسلامی از ۵ مؤلفه تشکیل شده است: ۱. تحقیر دیگران؛ ۲. احساس حقارت؛ ۳. خودپسندی؛ ۴. حس طلبکاری؛ ۵. استحقاق خود.

«تحقیر دیگران» بدین معناست که فرد، مردم را خوار و کم مایه ببیند و به آنها طعنه زند و آنها را سرزنش و خجالت زده کند. با توجه به بررسی های انجام شده در روایات، رفتارهایی مثل طعنه زدن به دیگران، سرزنش کردن آنها و بدگویی کردن از آنها و همچنین ارزش قائل نبودن برای مردم از ویژگی های انسان متکبر و دارای عجب برشمرده است. امام صادق (ع) می فرماید: کبر این است که مردم را خوار شماری.^۱ رسول خدا (ص) می فرماید:

۱. الإمام الصادق (ع): الْكِبَرُ أَنْ تَغْمِضَ النَّاسَ (الكافی: ۳/۳۱۰).

بزرگ‌ترین کبر، پست شمردن مردم و سبک شمردن حق است.^۱ امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: کسی که برای دیگران ارزشی قائل نباشد، خودپسند و خودرأی است.^۲ به همین جهت، مهم‌تر دانستن اهداف خود نسبت به حفظ آبروی دیگران، اینکه فرد همیشه حق را به خودش بدهد، در اولویت قرار دادن نیازهای خود در برابر نیازهای دیگران است، لذت بردن از اینکه دیگران کارهای شخصی او را انجام بدهند، و همچنین ناچیز شمردن دستاوردهای دیگران در برابر دستاوردهای خود، ویژگی‌هایی است که در گویه‌های نهایی مؤلفه اول مدنظر قرار گرفته شده است.

«احساس حقارت» بدین معناست که فرد در درون خودش احساس نقص، ضعف و بی‌ارزشی داشته باشد. از آنجایی که در روایات، احساس ذلت و پستی درونی یکی از ریشه‌های تکبر و سرکشی انسان‌ها بیان شده است، این عامل در منابع اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: هیچ انسانی تکبر و سرکشی نکند، مگر به خاطر پستی و ذلتی که درون خود احساس می‌کند.^۳ به همین جهت، اقرار فرد به احساس حقارت درونی خود که آن را از دیگران پنهان می‌کند، سعی در پنهان کردن نقص‌ها و کمبودهای خود و اینکه دلش می‌خواهد انسان دیگری باشد، از ویژگی‌های این عامل است که در گویه‌های نهایی مورد استفاده قرار گرفته اند.

«خودپسندی» بدین معناست که فرد از خودش رضایت افراطی دارد و بیش از حد به خودش علاقه‌مند است. به همین جهت، انتظار جبران داشتن از کسی که به او خدمتی کرده است، احساس اینکه از دیگران برتر و مهم‌تر است، بالاتر دیدن خود از دیگران و ناراحت شدن از انتقاد دیگران نسبت به رفتارهای او از ویژگی‌های این عامل است که در گویه‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

«حس طلبکاری» بدین معناست که فرد همیشه خود را طلبکار می‌داند و بر خداوند منت می‌گذارد. در مستندات روایی و منابع اسلامی منت‌گذاری بر خداوند و حس طلبکاری از ویژگی‌های انسان دارای عجب معرفی شده است. امام کاظم (علیه السلام) می‌فرماید: خودپسندی درجاتی دارد؛ ... و یکی این است که بنده به پروردگارش ایمان آورد و برای این کار، بر خداوند

۱. رسول الله ﷺ: إِنَّ أَعْظَمَ الْكِبَرِ غَمَضُ الْخَلْقِ وَ سَفَهُ الْحَقِّ، قُلْتُ: وَ مَا غَمَضُ الْخَلْقِ وَ سَفَهُ الْحَقِّ؟ قَالَ: يَجْهَلُ الْحَقَّ وَ يَطْعُنُ عَلَى أَهْلِهِ (الكافی: ۹/۳۱۰/۲).

۲. الإمام الصادق (علیه السلام): مَنْ لَا يَعْرِفُ لِأَخِي الْقَضْلَ فَهُوَ الْمُعْجَبُ بِرَأْيِهِ (معانی الأخبار: ۲/۲۴۴).

۳. الإمام الصادق (علیه السلام): مَا مِنْ رَجُلٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلَّا لَذَلَّةٌ يَجِدُهَا فِي نَفْسِهِ (وسائل الشيعة: ۳۸/۱۵).

عزّ و جَلّ مَنّت گذارد، حال آن که در این کار، خداوند را بر او مَنّت است.^۱ به همین جهت انتظار از دیگران برای رعایت کردن شأن و احترام او، انتظار اینک به صرف حضور در یک جمع باید به او احترام گذاشته شود و خودداری از رفتن به خانه کسانی که هم شأن او نیستند، از ویژگی‌هایی است که در گویه‌های این عامل مورد توجه قرار گرفته است.

«استحقاق خود» بدین معناست که فرد به صورت افراطی برای خود استحقاق و شایستگی‌هایی قائل است که در واقع دارای آن شایستگی‌ها نیست و بیشتر از حد و اندازه اوست. در روایات و منابع اسلامی، اینکه فرد همه حق را از آن خود بداند و هرگز حق را به دیگری ندهد، از ویژگی‌های انسان دارای عجب شمرده شده است. شخصی از امام صادق (ع) پرسید: احمق به چه کسی گویند؟ آن حضرت فرمود: کسی که به خود مغرور است و همه فضیلت‌ها و خوبی‌ها را برای خود و پیشبرد منافع خود می‌خواهد و همه حق را برای خود قائل است و دیگران را صاحب حقی نمی‌داند.^۲ رسول خدا (ص) می‌فرماید: کبر، آن است که حق را فرو گذاری و به ناحق روی آوری و به مردم با این دید نگاه کنی که هیچ کس آبرویش چون آبروی تو و خونس چون خون تو نیست.^۳ به همین جهت، پایین‌تر دیدن جایگاه‌های اجتماعی پیشنهادی نسبت به توانایی‌های خود، درک نشدن شایستگی‌های فردی توسط دیگران و اینکه فرد احساس کند دیگران آنطور که باید و شاید به او خدمت نکرده‌اند، از ویژگی‌های این عامل است که در گویه‌های مربوطه مورد توجه قرار گرفته‌اند.

پژوهش حاضر نیز مانند سایر پژوهش‌های مشابه دارای محدودیت‌هایی بوده که تفسیر و تعمیم داده‌های پژوهش را با محدودیت‌هایی روبرو می‌کند. گستره محدود جامعه آماری، اکتفا به سنجش افراد در قالب پرسشنامه و بهره‌گیری از توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها به صورت برخط در بستر فضای مجازی، از جمله محدودیت‌ها می‌باشد. بر همین اساس، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های دیگر جهت ارزیابی و تحلیل دقیق‌تر ضمن بهره‌گیری از جامعه گسترده‌تر، روش نمونه‌گیری بهینه و سایر ابزارهای سنجش مورد نظر قرار بگیرد. همچنین کاربرست این پژوهش در اتاق درمان و ساخت بسته آموزشی آن پیشنهاد می‌گردد.

۱. الإمام الکاظم (ع): الْعُجْبُ دَرَجَاتٌ ... وَ مِنْهَا : أَنْ يُؤْمِنَ الْعَبْدُ بِرَبِّهِ فَيَمُنَّ عَلَى اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ وَ اللَّهُ - عَلَيْهِ فِيهِ الْمَنُّ (الکافی) : (۳/۳۱۳/۲).

۲. فَقِيلَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَ مَا الْأَحْمَقُ قَالَ (ع) : الْمُعْجَبُ بِرَأْيِهِ وَ نَفْسِهِ الَّذِي يَرَى الْفَضْلَ كُلَّهُ لَهُ لَا عَلَيْهِ وَ يُوجِبُ الْحَقَّ كُلَّهُ لِنَفْسِهِ وَ لَا يُوجِبُ عَلَيْهِ حَقًّا فَذَلِكَ الْأَحْمَقُ (الاختصاص : ۲۲۱).

۳. رسول الله (ص) : الْكِبَرُ أَنْ ... تَنْتَظِرَ إِلَى النَّاسِ وَ لَا تَرَى أَنَّ أَخْداً عَرَضُهُ كَعَرَضِكَ وَ لَا دُمُهُ كَدَمِكَ (بحار الأنوار : ۷۴/۷۷، ۳/۹۰).

منابع

*قرآن کریم

- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷)، *النهائية في غريب الحديث والأثر*، ج ۵-۱، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶)، *الأمالی (للمصدق)*، ج ۱، تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶)، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، ج ۱، قم: دار الشریف الرضی للنشر.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۷)، *مقیاس سنجش دینداری تهیه و ساخت آزمون جهت گیری مذهبی با تکیه بر اسلام*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آلن، مری جی، وین، وندی ام (۱۹۷۹)، *مقدمه‌ای بر نظریه‌های اندازه‌گیری (روان‌سنجی)*، مترجم: دلاور، عل، تهران: سمت.
- آن‌کرینگ و همکاران (۱۳۹۷)، *آسیب‌شناسی روانی*، ترجمه: دکتر حمید شمسی پور و همکاران، تهران: ارجمند.
- انجمن روان پزشکی آمریکا (۱۳۹۶)، *راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی*، مترجم: یحیی محمدی، مترجم، تهران: روان.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۴)، *روش‌های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی*، تهران: نشر دوران.
- پاشا شریفی، حسن، و شریفی، نسترن (۱۳۸۳)، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: سخن.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، *نهج الفصاحه*، تهران: دنیای دانش.
- تابانکینک، باربارا جی، و فیدل، لیندا، اس (۲۰۱۳)، *کاربرد آمار چند متغیری*، مترجم: ایزانلو، بلال؛ فرزاد، ولی‌الله؛ حسن آبادی، حمیدرضا؛ ابوالعالی، خدیجه؛ و حبیبی، عسگر آباد، مجتبی، مترجمین: پاشا شریفی، حسن؛ ویرایشگر، ۱۳۹۵، تهران: انتشارات رشد.
- جهانگیرزاده، محمدرضا؛ و قربانی، نیما (۱۳۸۸)، رابطه عوامل شخصیت و خودشیفتگی بیمارگون با جهت گیری دینی، *روان‌شناسی و دین*، سال ۱۳۸۸، دوره ۲، شماره ۲، ص ۷۰-۴۱.
- حاجی زاده، ابراهیم؛ اصغری، محمد (۱۳۹۰)، *روش‌ها و تحلیل‌های آماری با نگاه به روش تحقیق در علوم زیستی و بهداشتی جهاد دانشگاهی*.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۹)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: سمت.
- دلاور، علی (۱۳۸۴)، *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران: رشد.
- دهخدا، (۱۳۷۷)، *لغتنامه*، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۵)، **ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن**، تهران: مرتضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۷)، **آفرینش و خوشبختی دو جهان**. تبریز: کتاب فروشی ابن سینا.
- رضائیان، حسین؛ ساطوریان، سیدعباس؛ هراتیان، عباس علی؛ و حسینی مطلق، سید مهدی (۱۳۹۵)، «نقش میانجی صفت حرص در رابطه بین صفات تکبر و حسادت»، **اسلام و پژوهش های روان شناختی**.
- زینی حسونند، ناهید؛ جوانمرد، کرم اله؛ و گودرزی، منیژه (۱۳۹۴)، «اعتبارسنجی سیاهه شخصیت خودشیفته - ۴۰». **مجله روانشناسی**، ۱۹ (پیاپی ۷۳)، ۱۰۲-۱۱۸.
- زینی دحلان، (بی تا)، **السیره النبوی**، بیروت: دارالفکر.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۳)، **منشور جاوید**، قم: موسسه امام صادق (ع).
- سرمد، زهره؛ بازگان، عباس؛ و حجازی الهه (۱۳۹۰)، **روش های تحقیق در علوم رفتاری**، تهران: موسسه نشر آگه.
- سهرابی فرامرز؛ ناصری اسماعیل (۱۳۹۲)، **هوش معنوی و مقیاس های سنجش آن**، تهران: آوای نور.
- شریعتمداری، مهدی (۱۳۸۸)، **تحقیق و پژوهش در علوم رفتاری**، تهران: کوهسار.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴)، **نهج البلاغه (صبحی صالحی)**، مصحح: صبحی صالح، ج ۱، قم: موسسه دارالهجرة.
- شفیعی، حسن؛ و صفاری نیا، مجید (۱۳۹۰)، **خودشیفتگی، عزت نفس و ابعاد پرخاشگری در نوجوانان فرهنگ مشاوره**.
- صادقی، علی؛ پورکریمی، فاطمه (۱۳۸۸)، **راهنمای نرم افزار آماری ۱۶ Spss**، تهران: جهاد دانشگاهی.
- صفاری نیا، مجید؛ شقاقی، فرهاد و ملکی، بهرام (۱۳۹۱ ش)، **بررسی مقدماتی ویژگیهای روانسنجی پرسشنامه شخصیت خودشیفته (NPI-۴۰)**، فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی، سال ۲، شماره ۸، ص ۹.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰)، **مکارم الأخلاق**، ج ۱، قم: الشریف الرضی.
- طوسی، خواجه نصیر (۱۳۹۹)، **اخلاق ناصری**، تهران: خوارزمی.
- العانی، نزار محمد (۱۹۹۸)، **الشخصیه الانسانیه فی التراث الاسلامی**، موسسه بین المللی اندیشه اسلامی.
- عیسوی، عبدالرحمن؛ ترجمه: نوری، نجیب الله (۱۳۸۵)، **آشنایی با مقدمات روش تحقیق در روان شناسی**، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- غزالی، محمد بن محمد (۱۳۶۱)، **احیاء علوم الدین**، تهران: بی نا.
- فتحی آشتیانی، علی؛ داستانی، محبوبه (۱۳۹۱)، **آزمون های روانشناختی، ارزشیابی شخصیت و سلامت روان**، انتشارات بعثت.

- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۵ق)، *العین*، قم، دارالهجره.
- فقیهی، زهرا؛ حاجی اسماعیلی، محمد رضا؛ طاهر نشاط دوست، حمید، مهدی مطیع (۱۳۹۵)، «اختلال شخصیت خودشیفته از منظر قرآن و حدیث»، *پژوهش دینی*، ۱۶ (۳۳): ۱۱۹-۱۴۱.
- فیست، جس، و فیست، گریگوری جی (۲۰۰۸)، *نظریه‌های شخصیت*، مترجم: یحیی سیدمحمدی، تهران: نشر روان.
- فیض کاشانی (۱۳۸۳)، *محجة البیضاء*، بیجا: بینا.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم، مؤسسه دارالهجرة.
- قدوسی، ابوالفضل؛ و میردريکوندی، رحیم (۱۳۹۲)، «بررسی مفهوم روان‌شناختی کبر در منابع اسلامی و مقایسه آن با خودشیفتگی»، *معرفت*.
- کاویانی، محمد؛ کجیاف، محمدباقر؛ غروی، سید محمد؛ و مولوی، حسین (۱۳۸۹)، «روش‌شناسی ساخت یک مقیاس اسلامی معیار مرجع؛ ویژگی‌ها و محدودیت‌ها»، *مطالعات اسلام و روانشناسی*.
- کلاین، پل (۱۹۹۴)، *راهنمای آسان تحلیل عاملی*، مترجم: اصغر مینایی؛ سید جلال صدرالسادات، ۱۳۹۳ چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹)، *الکافی* (دار الحدیث)، ج ۱۵-۱، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.
- گروسی فرشی، میرتقی؛ قاضی طباطبایی، محمود؛ مهریار، امیرهوشنگ (۱۳۸۱)، *کاربرد آزمون جدید شخصیتی نئو (neo) و بررسی تحلیلی ویژگی‌ها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران*.
- گلزاری، محمود؛ پسندیده، عباس؛ و داودی، عبدالوحد (۱۳۹۲)، *نشانه‌شناسی کبر، حرص و حسادت در منابع اسلامی با گرایش روانشناسی مثبت (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی)*.
- گنجی، حمزه (۱۳۹۰)، *آزمون‌های روانی*، تهران: ساوالان.
- مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی (۱۴۰۳)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، ج ۱۱۰-۱، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محمدخانی، شهرام؛ و میرانی، ارسطو (۱۳۹۵)، *اختلال شخصیت خودشیفته: آسیب‌شناسی روانی و درمان*.
- محمدزاده، علی (۱۳۸۸)، *اعتبارسنجی پرسشنامه شخصیت خودشیفته (NPI)*، مجله اصول بهداشت روانی، سال ۱۱، ۴، ۲۸۱-۲۷۶.

- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶)، *میزان الحکمة*، قم: مؤسسه فرهنگی دارالحديث.
- معین، محمد (۱۳۸۸)، *فرهنگ فارسی دکتر محمد معین (جلد ۱-۶)*، تهران: مؤسسه انتشارات مسلمان معین امیر کبیر.
- میرز، لاورنس اس، گامست، گلن، و گارینو، ا. جی (۲۰۰۶)، *پژوهش چند متغیری کاربردی (طرح و تفسیر)*، مترجمین: حسن پاشا شریفی؛ ولی الله فرزاد؛ سیمین دخت رضاخانی؛ حمیدرضا حسن آبادی؛ بلا لایزالو؛ مجتبی حبیبی، ۱۳۹۵، تهران: رشد.
- نادری، عزت الله؛ سیف نراقی، مریم (۱۳۸۷)، *روش های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی*. تهران: ارسباران.
- نراقی، محمد مهدی (۱۳۸۶)، *جامع السعادات*، بیروت مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- نراقی، ملا احمد (۱۳۷۸)، *معراج السعادة*، تهران: دهقان.
- هراتیان، عباس علی؛ آگاه هریس، مژگان و موسوی، الهام (۱۳۹۲)، «ساخت و اعتباریابی مقیاس اسلامی تکبر-تواضع»، *روانشناسی و دین*، سال ششم، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۴، پیاپی ۲۴.

- Ames, D. R., Rose, P., & Anderson, C. P. (2006). The NPI-16 as a short measure of narcissism. *Journal of research in personality*, 40(4), 440-450.
- Campbell, W. K., Goodie, A. S., & Foster, J. D. (2004). Narcissism, confidence, and risk attitude. *Journal of behavioral decision making*, 17(4), 297-311.
- Costa, P. T., & McCrae, R. R. (1992). Normal personality assessment in clinical practice: The NEO Personality Inventory. *Psychological assessment*, 4(1), 5.
- Furian, L., March.E.(2023) Trolling, the Dark Tetrad, and the four-facet spectrum of narcissism. *Personality and Individual Differences* 208.
- Miller, J. D., & Campbell, W. K. (2008). Comparing clinical and social-personality conceptualizations of narcissism. *Journal of personality*, 76(3), 449-476.
- Miller, J. D., Campbell, W. K., & Pilkonis, P. A. (2007). Narcissistic personality disorder: Relations with distress and functional impairment. *Comprehensive psychiatry*, 48(2), 170-177.

- Paris, J. (1988). Follow-up studies of borderline personality disorder: A critical review. *Journal of personality disorders*, 2(3), 189-197.
- Russell, G. A. (1985). Narcissism and the narcissistic personality disorder: A comparison of the theories of Kernberg and Kohut. *British journal of medical psychology*, 58(2), 137-148.
- Watson, P. J., Sawrie, S. M., Greene, R. L., & Arredondo, R. (2002). Narcissism and depression: MMPI-2 evidence for the continuum hypothesis in clinical samples. *Journal of Personality Assessment*, 79(1), 85-109.

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال دهم، شماره اول، پیاپی ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳ (ص ۲۵۵-۲۸۸)

مدل مفهومی عزت نفس بر اساس آموزه های اسلام در نوجوانان

A Conceptual Model of Self-Esteem in Adolescents, Based on Islamic Teachings

سید محسن میرزاترابی / کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه معارف قرآن و اهل بیت (ع)، اصفهان، ایران.

زهرا لطفی / کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه معارف قرآن و اهل بیت (ع)، قم، ایران.

مهدی هادی / دکترای روانشناسی، عضو هیئت علمی مؤسسه اخلاق و تربیت، قم، ایران.

Seyyed Mohsen Mirza-torabi / Master of Islamic Psychology, Isfahan University of Quranic and Atrat Studie.

mmirzatorab@gmail.com

Zahra Lotfi / Master of Islamic Psychology, Isfahan University of Quranic and Atrat Studies.

lotfi.kashan@gmail.com

Mahdi Hadi / Member of the Faculty of Ethics and Education Institute PhD in psychology.

MahdiHadi@chmail.ir

Abstract

The study aimed to develop a conceptual model of self-esteem based on Islamic teachings. The research method was qualitative, and the statistical population consisted of a collection of Islamic and psychological books and papers on self-esteem, including the Quran and all narrative books available in the Comprehensive Hadith Software. Additionally, all psychology and religious experts were included. Sampling was conducted purposefully until theoretical saturation was achieved. Furthermore, five psychology experts were selected through convenience sampling to evaluate the validity of the package. Data were collected using the Comprehensive Hadith Software version

چکیده

هدف از این پژوهش، تدوین مدل مفهومی عزت نفس مبتنی بر آموزه های اسلام بود. روش پژوهش، کیفی و جامعه آماری آن متشکل از مجموعه کتب و مقاله های اسلامی و روان شناختی پیرامون عزت نفس، شامل قرآن و همه کتب روایی موجود در نرم افزار جامع الاحادیث و همچنین کلیه متخصصان روان شناسی، متخصصان دینی بود. نمونه گیری به شیوه هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری صورت پذیرفت. همچنین از میان متخصصان روان شناسی، تعداد پنج نفر به شیوه نمونه گیری در دسترس، جهت ارزیابی اعتبار بسته انتخاب شدند. به منظور

3.5, and data analysis was performed using thematic analysis. Based on the obtained themes, the structure and content of the model were designed. The findings identified from the study of psychological sources on self-esteem were eight components (living consciously, self-acceptance, self-affirmation, relationships with others, living honestly, self-responsibility, living purposefully, and competence). The network of self-esteem themes from the Islamic perspective (the Quran and narrations) was depicted in the form of 40 basic themes and 8 organizing themes. The validity of the self-esteem components based on verses and narrations was confirmed with a 100% agreement coefficient.

KEYWORDS: conceptual model, religious teachings, self-esteem, Islam, adolescents

جمع‌آوری داده‌ها از نرم‌افزار جامع‌الاحادیث نسخه ۳٫۵ و به‌منظور تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شد و بر اساس مضامین به‌دست آمده ساختار و محتوی مدل طراحی گردید. یافته‌های حاصل از مطالعه منابع روان‌شناسی درباره عزت‌نفس، ۸ مؤلفه (آگاهانه‌زیستن، خویشتن‌پذیری، خودتائیدی، ارتباط با اطرافیان، با صداقت زیستن، خودمسئولی، هدفمندزیستن و شایستگی) را شناسایی نمود و شبکه مضامین عزت‌نفس از دیدگاه اسلام (قرآن و روایات) در قالب ۴۰ مضمون پایه و ۸ مضمون سازمان‌دهنده ترسیم شد. اعتبار مؤلفه‌های عزت‌نفس مبتنی بر آیات و روایات با کسب ضریب توافق ۱۰۰، تأیید گردید.

کلیدواژه‌ها: مدل مفهومی، آموزه‌های دینی، عزت‌نفس، اسلام، نوجوان.

مقدمه

بدون شک، عزت‌نفس گسترده‌ترین متغیر مورد مطالعه در علوم رفتاری و اجتماعی است (اورث و رابینز^۱، ۲۰۲۲) و بر توسعه روابط اجتماعی (هریس و اورث^۲، ۲۰۲۰؛ واگنر^۳ و همکاران، ۲۰۱۸)، پذیرش اجتماعی، کیفیت رابطه، ثبات رابطه، ویژگی‌ها و رفتارهای بین‌فردی تأثیر می‌گذارد (کامرون و گرنجر^۴، ۲۰۱۹). همچنین نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که افراد با عزت‌نفس بالا احتمال بیشتری برای شروع یک رابطه داشته و یک رابطه طولانی‌مدت و

1. Orth & Robins.

2. Harris & Orth.

3. Wagner.

4. Cameron & Granger.

پایداری را شکل می دهند (لوچیانو و اورث^۱، ۲۰۱۷). همچنین، عزت نفس با سطوح بالاتری از خودکارآمدی مرتبط است و استفاده از راهبردهای خودتنظیمی انطباقی را افزایش داده (پینتریچ و دگروت^۲، ۱۹۹۰) و انگیزه و درگیری با کار و فعالیت را ارتقا می دهد (گرین^۳ و همکاران، ۲۰۱۲). از طرفی، فرایندهای انگیزشی مانند تأیید خود، باعث می شود که افراد با عزت نفس بالا، فعالیت های مرتبط با موفقیت تحصیلی را بیشتر انجام دهند. همچنین عزت نفس به عنوان یک منبع مقابله ای به شمار رفته و به پایداری فردی پس از شکست، کمک می کند (باومایستر^۴ و همکاران، ۲۰۰۳) و از این طریق، پیش بین آینده نگر پیشرفت تحصیلی می باشد (ون سوست^۵ و همکاران، ۲۰۱۶؛ ژنگ^۶ و همکاران، ۲۰۲۰). عزت نفس بر موفقیت در حوزه کاری نیز تأثیرگذار است (کراث و اورث^۷، ۲۰۲۲) و افراد با عزت نفس بالا به دنبال مشاغل با مسئولیت، استقلال و نفوذ بیشتر بوده و موفقیت و رضایت بیشتری را نیز در شغل خود دارند (اورث و رابینز، ۲۰۲۲). اثرات عزت نفس بر سلامت روان اغلب توسط یک مدل آسیب پذیری توصیف شده است که در آن، عزت نفس پایین، افراد را مستعد مشکلات سلامت روان (اورث و رابینز، ۲۰۱۳ و ۲۰۲۲؛ ون سوست و همکاران، ۲۰۱۶)، رفتارهای ضداجتماعی (میر و لندی^۸، ۲۰۱۸؛ کوستر^۹ و همکاران، ۲۰۱۳) و خشونت آمیز (لی^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۰) می کند؛ درحالی که عزت نفس بالا به به زیستی روان شناختی کمک می کند (سوان^{۱۱} و همکاران، ۲۰۰۷) و به عنوان نوش دارویی برای طیف گسترده ای از مشکلات اجتماعی به شمار می رود (بوآمیستر و وه^{۱۲}، ۲۰۱۸). در همین راستا، نظریه شناختی بک (۱۹۶۷) پیشنهاد می کند که باورهای منفی به خود (عزت نفس پایین) نقش مهمی در علت شناسی افسردگی و

1. Luciano & Orth.

2. Pintrich & de Groot.

3. Green.

4. Baumeister.

5. Von Soest.

6. Zheng.

7. Krauss & Orth.

8. Mier & Ladny.

9. Kuster.

10. Lei.

11. Swann.

12. Baumeister & Vohs.

اختلالات اضطرابی دارند (زیگلر و هیل^۱، ۲۰۱۱).

در تعریف می‌توان گفت، عزت نفس یک ساختار پیچیده و ذهنی است که ادراک، ارزیابی عاطفی و پذیرش فرد از خود را منعکس می‌کند (تیواری^۲ و همکاران، ۲۰۱۸؛ زسزنیاک^۳ و همکاران، ۲۰۲۱) و به ارزیابی ذهنی یک فرد از ارزش خود به عنوان یک شخص (پریس^۴ و همکاران، ۲۰۲۳؛ دانلان^۵ و همکاران، ۲۰۱۱) و احساس خودپذیری و احترام به خود اشاره دارد (اکرمین^۶ و همکاران، ۲۰۱۱). بنابراین، عزت نفس یک ساختار ذهنی است و لزوماً ویژگی‌ها و شایستگی‌های عینی یک فرد را منعکس نمی‌کند (اورث و همکاران، ۲۰۱۶)، اما به عنوان یک عامل، محافظ انسان در برابر ناملایمات و نگرانی‌ها عمل می‌کند (سانتاروسا و وودراف^۷، ۲۰۱۷). محققان اغلب بین عزت نفس عام و عزت نفس خاص تمایز قائل شده‌اند (دانلان و همکاران، ۲۰۱۱)؛ درحالی‌که عزت نفس عام به ارزیابی کلی یک فرد از ارزش خود اشاره دارد و عزت نفس خاص، به حوزه عملکردی خاصی اشاره دارد (ارث و رابینز، ۲۰۲۲). همچنین نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عزت نفس تحت تأثیر متغیرهای مختلفی از جمله فرایندهای اجتماعی شدن، متغیرهای اجتماعی، شناختی و زیستی، کیفیت روابط بین فردی (تأیید یا طرد دیگران)، باورها و ارزش‌های شخصی و موفقیت یا شکست در دستیابی به اهداف قرار دارد. به عبارت دیگر؛ به نظر می‌رسد که عزت نفس افراد مشروط به رضایت در حوزه‌های مختلف زندگی است (زسزنیاک و همکاران، ۲۰۲۱).

عزت نفس تا پایان دوره بزرگسالی شکل گرفته (اول و اورث^۸، ۲۰۱۱) و در ادامه زندگی نسبتاً پایدار می‌ماند (آلمن و روث^۹، ۲۰۱۸). لذا تقویت عزت نفس در یکی از دوره‌های پر بحران زندگی یعنی دوره نوجوانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و آژانجایی که عزت نفس

1. Zeigler-Hill.

2. Tiwari.

3. Szcześniak.

4. Price.

5. Donnellan.

6. Ackerman.

7. Santarossa & Woodruf.

8. Erol & Orth.

9. Altmann & Roth.

در فرهنگ های مختلف، متفاوت است (لیو^۱ و همکاران، ۲۰۱۹) و فرهنگ کشور ما مبتنی بر ارزش های اسلامی بنا شده است، پردازش مفهوم عزت نفس در بستر دینی حائز اهمیت است. در همین راستا، نتایج پژوهش ها نشان می دهد که آموزش تربیتی اسلام محور بر بهبود عزت نفس خانوادگی نوجوانان مؤثر است (هدایتی، فاتحی زاده و آکوچکیان، ۱۳۸۷) و مطالعات در زمینه مفهوم شناسی تطبیقی عزت نفس در قرآن و نظریه های روانشناسی نیز تأییدکننده وجود مفاهیم غنی اسلامی در زمینه عزت نفس می باشد (محمد علی نژاد و کمالوند، ۱۳۹۵). در همین راستا، مهدوی خانوکی (۱۳۸۷) در بررسی کرامت نفس در متون اسلامی و روانشناسی معاصر، دلالت های تربیتی کرامت نفس در متون اسلامی را با عزت نفس مورد مقایسه قرار داده است.

قرآن و روایات به تقویت احساس ارزشمندی مؤمنین پرداخته است؛ به طوری که شهید مطهری، تقویت عزت نفس را مهم ترین راهبرد اسلام برای تربیت اخلاقی می داند (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۵۶) و چنان اهمیتی در رشد معنوی دارد که خداوند گنهکاران را با فراموش کردن جایگاه و ارزش خودشان عقوبت می کند تا گمراه تر شوند: *وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ* (حشر، ۱۹). اهل بیت علیهم السلام در روایات فراوانی به اهمیت احساس ارزشمندی در دستیابی به فضائل اخلاقی و خودداری از گناه اشاره کرده اند؛ مانند این روایت از امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمودند: *مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ* (تحف العقول، ص ۴۸۳). کسی که برای خودش ارزش قائل نیست، از شرش در امان نیستی.

عزت نفس در قرآن کریم به صورت صریح به کار نرفته است، اما عناصر اصلی آن یعنی ارزشمندی و کرامت انسان به وفور بحث شده است. این دو واژه، اصول بنیادین قرآن برای احساس عزت نفس بوده و بر مبنای آن شکل گرفته است. ارزشمندی ذاتی با توجه به آفرینش انسان رابطه مستقیم با خداوند دارد؛ زیرا خداوند در سوره نساء می فرماید: *فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا* (نساء، ۱۳۹) و این آیه تمامی عزت را برای خدا دانسته است و در آیات دیگر، انسان را برآمده از روح خویش معرفی نموده است: *ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ* (سجده، ۹)، *فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ* (حجر، ۲۹). پس اگر انسان دارای روح خداوندی است و خداوند دارای همه عزت هاست، پس این عزت در نهاد آدمی به سبب نفس خداوندی نهادینه وجود دارد. این کرامت ذاتی در آیات قرآن به نمونه دیگر نیز قابل مشاهده است: وَ

لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء، ۷۰). این آیه کرامت ابتدایی و کرامت ثانویه را درمورد انسان شامل می‌شود؛ یعنی خداوند ابتدا کرامات معنوی را به وی داده است و سپس کرامت مادی را تا بتواند در کشتی بسازد و با آن در دریاها سفر کند.

امام سجاده علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق نیز همین را متبلور ساخته است: وَأَعِزَّنِي وَلَا تَبْتَلِنِي بِالْكِبَرِ؛ الهی، عزیز و گرامی‌ام دار و به کبر و سر بلندی (افراط در عزت) دچارم مکن (صحیفه سجادیه، دعای ۲۰). در این روایت، واژه عزت یکبار به معنای عزت باطنی و یکبار به معنای باطنی به‌کار رفته است که در آن مذموم شده است، ولی عزت اکتسابی که در آن افراط شود و این همان معنای آیه ۱۳۹ سوره نساء بود که جمیع عزت‌ها را برای خداوند دانسته است، و برای این منظور است که امام علی علیه السلام بالاترین عزت را بندگی خداوند عنوان فرموده است: إِلَهِي كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا. وَكَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا. أَنْتَ كَمَا أَحْبَبْتُ فَاجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ۴۲۰).

همچنین گروهی دیگر از آیات، ارزشمندی انسان را اکتسابی معرفی نموده و آن را باتوجه به استعدادهای بی‌ظنیری که خداوند به انسان اعطا کرده، مربوط می‌دانند: اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لَتَجْرِي فِيهِ فُجَارُهُمْ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (جاثیه، ۲۱) یا در آیه «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ (ابراهیم، ۳۲). در این آیه، ساختن کشتی و تسخیر دریاها به‌وسیله کراماتی است که خداوند به انسان اعطا نموده است.

به‌وسیله همین کرامات و ارزشمندی انسان، تمایز وی با سایر موجودات شناخته می‌شود، و انسان مسجود فرشتگان می‌شود (بقره، ۳۴). انسان باتوجه به اینکه چگونه عمل می‌کند جایگاه پیدا خواهد کرد. هر قدر تقوای وی بیشتر، جایگاه و مقام وی نزد خداوند بیشتر است: إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ (حجرات، ۱۳). این آیه، اهمیت ارزشمندی اکتسابی را به‌خوبی نشان می‌دهد. همچنین آیات دیگری نیز این اهمیت به‌دست‌آوردن آوردن ارزشمندی اکتسابی را متذکر شده‌اند (حدید، ۸۱؛ واقعه، ۱۰-۱۱).

قرآن، کمال و عزت نفس انسان را مرهون رشد مادی انسان در کنار رشد روحی و روانی او که سعادت اخروی انسان را به همراه دارد می‌داند. امام محمد باقر علیه السلام در بیان آیه ۷۰ سوره اسراء فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُكْرِمُ رُوحَ كَافِرٍ وَلَكِنْ يُكْرِمُ أَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِنَّمَا كَرَامَةُ النَّفْسِ وَاللِّمِّ بِالرُّوحِ؛ همانا خداوند روح کافر را گرامی نمی‌دارد، ولی ارواح مؤمنان را گرامی می‌دارد و کرامت

نفس و خون فقط به روح است“ (تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۲). همان طور که گفته شد، منشأ کرامت انسان، نفخه روح الهی در کالبد اوست، اما با عنایت به این روایت، معلوم می شود کسی می تواند کرامت بالقوه و ودیعه نهان در وجودش را به فعلیت برساند که از نور ایمان بهره مند باشد و این چنین است که نفس و خون او نیز از کرامت برخوردار می شود. بنابراین، عوامل مادی در نگاه قرآن به تنهایی برای کمال انسان کارساز نیست (جوادی آملی، ۱۳۷۲). باتوجه به نکات فوق می توان گفت که عزت نفس را باید در دو واژه کرامت و ارزشمندی انسان در قرآن کریم و روایات جستجو نمود. از طرفی فرهوش، مهکام و بناری (۱۳۹۶) در بررسی جایگاه و مؤلفه های عزت نفس در قرآن و روایات بیان می کنند که قرآن برای تقویت عزت نفس مؤمنان، از یک سو، داشته های مادی و معنوی آنان را یادآوری می کند و از سوی دیگر، نظام ارزشی آن ها را تغییر می دهد و به تدریج ایمان، طاعت بندگی و تقوا را معیار ارزشمندی برمی شمرد. روایات نیز با تأکید بر خودشناسی، توانمندی و ارزش ذاتی آدمی، ارزش ایمان و عمل صالح، که آدمی می تواند کسب کند، ترک ابرار نیاز به مردم، و ارتباط کریمانه با آن ها، احساس ارزشمندی را در آنان تقویت می کنند. نتایج پژوهش ها در بررسی ماهیت شناسی عزت نفس و آثار تربیتی آن از دیدگاه قرآن و احادیث به این نتیجه رسیده اند که عزت نفس به معنای احساس ارزشمندی منجر به نفوذناپذیری انسان شده و مانع از مغلوب شدن وی می شود (نیلی، نظری و موسوی، ۱۳۹۴) و دارای کارکردهای متعدد تربیتی بوده (گلی، ۱۳۹۴) و نقش به سزایی در سلامت روان دارد و راه هایی نظیر توکل به خدا و تمسک به قرآن برای دستیابی به عزت نفس بسیار مؤثر می باشد (عسکری، نوری و خاکپور، ۱۳۹۵).

لذا با توجه به مطالب بیان شده می توان گفت، عزت نفس یکی از پراهمیت ترین مفاهیم روانشناختی بوده و تأثیرات و پیامدهای فردی و اجتماعی گسترده ای را برای فرد به همراه دارد و با توجه به آنکه مفهوم عزت نفس یک باور درونی و مبتنی بر انگاره ارزشمندی فردی است و در آیات و روایات متعدد بر ارزش انسانی و کرامت تأکید شده است، به نظر می رسد مفاهیم الهی تبیین شده در مبانی اسلامی می تواند چارچوب کاملی از عزت نفس را تبیین نماید. از طرفی با توجه به اینکه ایران اسلامی، کشوری است که بر پایه اسلام و تعالیم ناب اهل بیت علیهم السلام بنا گذاشته شده است و همه سیاست های کلان و خرد نظام اسلامی برگرفته از آموزه های دینی است. تبیین مؤلفه های عزت نفس از دیدگاه اسلامی یک ضرورت محسوب می شود و از آنجایی که دوره نوجوانی در شکل گیری و افزایش عزت نفس پایدار

اهمیت ویژه‌ای دارد، شناسایی مؤلفه‌های عزت نفس از منظر اسلام با لحاظ نمودن دوره نوجوانی نیز دارای الزام می‌باشد. لذا هدف از پژوهش حاضر، تدوین مدل مفهومی عزت نفس مبتنی بر آیات و روایات در نوجوانان می‌باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، کیفی و جهت تدوین مدل مفهومی عزت نفس مبتنی بر آیات و روایات از روش تحلیل مضمون استفاده کرده است. جامعه آماری متشکل از کلیه متخصصان روان‌شناسی، متخصصان دینی آشنا با روان‌شناسی و قرآن و مجموعه کتب اسلامی می‌باشد. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری انجام شد. همچنین از میان متخصصان روان‌شناسی تعداد پنج نفر به شیوه نمونه‌گیری در دسترس، جهت ارزیابی اعتبار بسته انتخاب شدند. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار جامع‌الاحادیث نسخه ۳٫۵ انجام شد. به منظور اجرای پژوهش، ابتدا مؤلفه‌های عزت نفس از منظر روان‌شناسی استخراج و سپس با استفاده از منابع و آموزه‌های دینی، محتوای هر کدام از این مؤلفه‌ها، با روش تحلیل مضمون از منظر آموزه‌های دینی، کدگذاری و سپس بر اساس مضامین به دست آمده ساختار و محتوی مدل تدوین گردید. مدل طراحی شده در اختیار ۳ متخصص روان‌شناسی آشنا با آموزه‌های دینی و سابقه فعالیت بالینی و ۱ نفر متخصص علوم دینی (آشنا با علم روان‌شناسی) قرار گرفته، و با استفاده از ضریب کوهن^۱ اعتبار مداخله ارزیابی شد.

یافته‌های پژوهش

در مرحله نخست با بررسی منابع داخلی و خارجی مرتبط با عزت نفس، مضامین شناسایی و استخراج شد. در جدول ۱ خلاصه نتایج مؤلفه‌های استخراج شده عزت نفس آورده شده است.

1. Cohen Coefficient.

جدول ۱: خلاصه نتایج مؤلفه های عزت نفس از دیدگاه روانشناسی

نویسنده(ها)	سال انتشار	نوع مؤلفه	نتایج به دست آمده
ناتانیل براندن	۱۹۸۸	آگاهانه زیستن	شناخت فرد از محیط اطراف و همچنین محدودیت های بیرونی و درونی به افزایش عزت نفس کمک می کند.
آلبرت آلیس ^۱	۱۹۵۰	خوبیستن پذیری	پذیرش نقاط ضعف و قوت به انتخاب اهداف واقع بینانه کمک می کند و نتیجه اش افزایش عزت نفس است.
سیاسی	۱۳۹۰	خود تأییدی	توجه به نیازهای حقیقی و رفتن به سمت اهداف به افزایش عزت نفس کمک می کند.
ناتانیل براندن	۱۹۸۸	خود مسئولیتی	پذیرفتن مسئولیت شناخت ها احساسات و رفتارها و نگرش ها می تواند به ارتقای عزت نفس کمک کند.
سالیوان ^۲	۱۹۵۳	باصداقت زیستن	یکپارچگی فکر و عمل نتیجه اش صداقت است که نبود این مؤلفه باعث بی ارزشی می شود.
لیزا شاپ ^۳	۲۰۱۷	هدفمند زیستن	حرکت در مسیر هدف به انسان ارزشمندی می دهد.
ناتانیل براندن ^۴	۱۹۸۸	ارتباط مؤثر با اطرافیان	ارتباط خوب با اطرافیان می تواند به انسان حس ارزشمندی بدهد.
سیدحسینی	۱۳۹۰	شایستگی	توانایی مقابله با چالش های آینده به افزایش عزت نفس کمک می کند.

1. Albert Ellis.

2. Sullivan.

3. Lisa schab.

4. Nathaniel Branden.

سپس در مرحله بعد آیات و روایات متناظر با ابعاد و مؤلفه‌های عزت‌نفس استخراج و کدگذاری گردید. در جدول ۲ مضامین پایه و سازمان‌دهنده از مضمون فراگیر عزت‌نفس ارائه شده است.

جدول ۲: مضامین پایه و سازمان‌دهنده از مضمون فراگیر عزت‌نفس

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضامین پایه
عزت نفس	آگاهانه زیستن	عاقبت‌اندیشی
		آینده‌نگری
		شناخت روزگار
		تدبیر داشتن
		خوش‌بینی
		خودشناسی
		در حال زیستن
		مسئولیت‌پذیری
		فهمیدن نقاط قوت
		فهمیدن نقاط ضعف
	خوب‌شدن‌پذیری	پذیرش اشتباه دیگران
		قبول عذر خواهی دیگران
		پرهیز از کاری که موجب عذرخواهی است
		نگاه به توانایی خود
		قدر خود را دانستن
		مدیریت احساسات منفی

توجه به خود	خود تأییدی	عزت نفس
بی توجهی به حرف سایرین		
برآوردن نیاز سایرین		
بیش از حد نخواستن		
درخواست نابه جا نداشتن		
طمع نداشتن	خود مسئولی	
سرزنش نکردن سایرین		
پذیرفتن افکار خود		
مسئولیت در برابر فکر	باصداقت زیستن	
صداقت در کار		
امانت داری		
عمل به حرف		
پرهیز از دروغ گویی	شایستگی	
نیت قوی		
برخورداری از توانایی		
کسب توانایی برای حل چالش ها		
همت داشتن		
محبت به مردم	ارتباط مؤثر با اطرافیان	
ارتباط مؤثر		
مدارا با مردم		
همسایه داری		
اعتماد منطقی به سایرین		
هدف داشتن	هدفمند زیستن	
حرکت به سمت هدف		
نپرداختن به زواید		

نتایج جدول ۲، ۸ مضمون سازمان دهنده و ۴۱ مضمون پایه برای مضامین فراگیر را نشان می دهد.

پس از تعیین ابعاد مؤلفه‌های عزت نفس به جستجوی آیات و روایات مرتبط در منابع دینی پرداخته شد. کدگذاری مؤلفه‌ها در سه بخش مضمون پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضمون فراگیر در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: کدگذاری مؤلفه‌های عزت نفس بر مبنای آیات و روایات

ردیف	منبع	کد	مضمون پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱	غرر الحکم	لَا خَيْرَ فِي عَزْمٍ بِلَا حَزْمٍ.	عاقبت اندیشی	آگاهانه زیستن	عزت نفس
۲			آینده نگری		
۳	غرر الحکم	أَغْقُلُ النَّاسِ أَنْظَرُهُمْ فِي الْعَوَاقِبِ.	آینده نگری		
۴			عقل بودن		
۵	غرر الحکم	مَنْ رَاقَبَ الْعَوَاقِبَ سَلِمَ مِنَ التَّوَائِبِ.	عاقبت اندیشی		
۶	غرر الحکم	اگر از گذشته عمرت که تباهاش کردی، پند بگیری، باقی مانده آن را نگه خواهی داشت.	آینده نگری		
۷			عاقبت اندیشی		
۸	نهج البلاغه	هرکس روزها و روزگاران را بشناسد، از آمادگی و ذخیره سازی غافل نمی‌شود.	شناخت روزگار		
۹			عاقبت اندیشی		
۱۰			آینده نگری		
۱۱	نهج البلاغه	گویاترین دلیل و نشانه بر عقل، تدبیر نیکوست.	تدبیر داشتن		
۱۲			عاقبت اندیشی		
۱۳	نهج البلاغه	چشم دل انسان خردمند، پایان کارش را می‌بیند و نشیب و فراز خویش را می‌شناسد.	عاقبت اندیشی		
۱۴			تدبیر داشتن		
۱۵	بحارالانوار	مؤمنان، کسانی هستند که آینده خویش را می‌شناسند.	آینده نگری		

ردیف	منبع	کد	مضمون پایه	مضامین سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۱۶	میزان الحکمة	امام حسن عسکری علیه السلام : آینده اندیشی، دوراندیشی و احتیاط اندازه‌ای دارد که اگر از آن فراتر رود، بزدلی است.	آینده نگری	آگاهانه زیستن	عزت نفس
۱۷	نهج البلاغه	پیروزی با دوراندیشی و آینده نگری به دست می‌آید.	آینده نگری		
۱۸	بقره ۲۷۷	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.	آینده نگری		
۱۹	عنکبوت ۵	مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.	امید به آینده		
۲۰			خوش بینی		
۲۱	کهف ۱۱۰	فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا.	امید به آینده		
۲۲			آینده نگری		
۲۳	بقره ۲۱۸	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ.	آینده نگری		
۲۴			عاقبت اندیشی		
۲۵	بحار الانوار	پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : نَوْرُ الْحِكْمَةِ الْجَوْعُ ، وَ التَّبَاعُدُ مِنْ اللَّهِ السَّبِيغُ ، وَ الْقُرْبَةُ إِلَى اللَّهِ حُبُّ الْمَسَاكِينِ وَ الدُّنُو مِنْهُمْ ، لَا تَشْبَعُوا فَيُطْفَأَ نَوْرُ الْمَعْرِفَةِ مِنْ قُلُوبِكُمْ.	خودشناسی		
۲۶	غرر الحکم	المَعْرِفَةُ بِالنَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعْرِفَتَيْنِ.	خودشناسی		
۲۷	غرر الحکم	أَفْضَلُ الْمَعْرِفَةِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ.	خودشناسی		
۲۸	غرر الحکم	أَفْضَلُ الْحِكْمَةِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ وَ وَقُوفُهُ عِنْدَ قَدْرِهِ.	خودشناسی		
۲۹	غرر الحکم	غَايَةُ الْمَعْرِفَةِ أَنْ يَعْرِفَ الْمَرْءُ نَفْسَهُ.	خودشناسی		

ردیف	منبع	کد	مضمون پایه	مضامین سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۳۰	غرر الحکم	مَعْرِفَةُ النَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعَارِفِ.	خودشناسی	آگاهانه زیستن	عزت نفس
۳۱	غرر الحکم	أَفْضَلُ الْعَقْلِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ ، فَمَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ عَقْلٌ ، وَ مَنْ جَهِلَهَا ضَلَّ .	خودشناسی		
۳۲			خردورزی		
۳۳	غرر الحکم	نَالَ الْفَوْزَ الْأَكْبَرَ مَنْ ظَلَمَ بِمَعْرِفَةِ النَّفْسِ .	خودشناسی		
۳۴	غرر الحکم	كَفَى بِالْمَرْءِ مَعْرِفَةً أَنْ يَعْرِفَ نَفْسَهُ .	خودشناسی		
۳۵	تحف العقول	لَا مَعْرِفَةَ كَمَعْرِفَتِكَ بِنَفْسِكَ .	خودشناسی		
۳۶	بحار الانوار	امام رضا علیه السلام : أَفْضَلُ الْعَقْلِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ .	خودشناسی		
۳۷	غرر الحکم	مَنْ جَهِلَ نَفْسَهُ كَانَ بِغَيْرِ نَفْسِهِ أَجْهَلًا .	خودشناسی		
۳۸	غرر الحکم	كَيْفَ يَعْرِفُ غَيْرَهُ مَنْ يَجْهَلُ نَفْسَهُ .	خودشناسی		
۳۹			دیگرشناسی		
۴۰	غرر الحکم	لَا تَجْهَلْ نَفْسَكَ؛ فَإِنَّ الْجَاهِلَ مَعْرِفَةَ نَفْسِهِ جَاهِلٌ بِكُلِّ شَيْءٍ .	خودشناسی		
۴۱	غرر الحکم	عَجِبْتُ لِمَنْ يَنْشُدُ ضَالَّتَهُ وَقَدْ أَضَلَّ نَفْسَهُ فَلَا يَطْلُبُهَا .	خودشناسی		
۴۲	غرر الحکم	كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَنْ يَجْهَلَ نَفْسَهُ .	خودشناسی		
۴۳	غرر الحکم	مَنْ لَمْ يَعْرِفْ نَفْسَهُ بَعْدَ عَنْ سَبِيلِ النَّجَاةِ ، وَ خَبَطَ فِي الضَّلَالِ وَ الْجَهَالَاتِ .	خودشناسی		
۴۴	غرر الحکم	أَعْظَمُ الْجَهْلِ جَهْلُ الْإِنْسَانِ أَمْرَ نَفْسِهِ .	خودشناسی		

ردیف	منبع	کد	مضمون پایه	مضامین سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۴۵	غرر الحکم	مَنْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِغَيْرِ نَفْسِهِ تَحَيَّرَ فِي الظُّلُمَاتِ، وَ ارْتَبَكَ فِي الْهَلَكَاتِ.	خودشناسی	آگاهانه زیستن	عزت نفس
۴۶	غرر الحکم		خودشناسی		
۴۷	غرر الحکم	مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَهُوَ لَغَيْرِهِ أَعْرَفَ.	خودشناسی		
۴۸	غرر الحکم	مَنْ عَرَفَ قَدَرَ نَفْسِهِ لَمْ يُهِنُّهَا بِالْفَانِيَاتِ.	خودشناسی		
۴۹	غرر الحکم	مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ جَلَّ أَمْرُهُ.	خودشناسی		
۵۰	غرر الحکم	مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ جَاهَدَهَا، مَنْ جَهَلَ نَفْسَهُ أَهْمَلَهَا.	خودشناسی		
۵۱	غرر الحکم	مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ انْتَهَى إِلَى غَايَةِ كُلِّ مَعْرِفَةٍ وَ عِلْمٍ.	خودشناسی		
۵۲	غرر الحکم	مَنْ عَرَفَ اللَّهَ تَوَحَّدَ، مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ تَجَزَّأَ، مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا تَزَهَّدَ، مَنْ عَرَفَ النَّاسَ تَفَرَّدَ.	خودشناسی		
۵۳	بحار الانوار	امام سجاد (ع): وَ اجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ عَرَفُوا أَنْفُسَهُمْ ، وَ أَيْقَنُوا بِمُسْتَقَرِّهِمْ ، فَكَانَتْ أَعْمَارُهُمْ فِي طَاعَتِكَ تَفْنَى.	خودشناسی		
۵۴	غرر الحکم	يَنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ أَنْ يَلْزِمَ الْقَنَاعَةَ وَ الْعِفَّةَ.	خودشناسی		
۵۵	غرر الحکم	يَنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ أَنْ لَا يُفَارِقَهُ الْحُزْنُ وَ الْحَذَرُ.	خودشناسی		
۵۶	غرر الحکم	يَنْبَغِي لِمَنْ عَلِمَ شَرَفَ نَفْسِهِ أَنْ يُتْرَهَّهَا عَنْ دَنَاءَةِ الدُّنْيَا.	خودشناسی		
۵۷	غرر الحکم	عرفان المرء نفسه أن يعرفها بأربع طبائع، وأربع دعائم، وأربعة أركان: فطبيعته: الدَّمُ و المِرَّةُ و الرِّيحُ و البلغم، و دعائمه: العقل، و مِن العقل الفهم و الحفظ، و أركانه: النُّورُ و النَّارُ و الرُّوحُ و الماء.	خودشناسی		
۵۸	غرر الحکم	ماضی یومک فانت، و آتیه متهم، و وقتک مغتتم	در حال زیستن		

ردیف	منبع	کد	مضمون پایه	مضامین سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۵۹	غرر الحکم	أَلَا إِنَّ الْأَيَّامَ ثَلَاثَةٌ: يَوْمٌ مَضَى لَا تَرْجُوهُ، وَ يَوْمٌ بَقِيَ لَا تُدَّ مِنْهُ، وَ يَوْمٌ يَأْتِي لَا تَأْمَنُهُ، فَلَا تُمَسِّ مَوْعِظَةً، وَ الْيَوْمَ غَنِيمَةً، وَ غَدًا لَا تَدْرِي مَنْ أَهْلُهُ.	در حال زیستن	آگاهانه زیستن	عزت نفس
۶۰	اصول کافی	امام صادق علیه السلام : ضَيِّبُوا عَلَى الدُّنْيَا فَإِنَّمَا هِيَ سَاعَةٌ، فَمَا مَضَى مِنْهُ فَلَا تَجِدْ لَهُ أَلَمًا وَلَا سُزُورًا، وَ مَا لَمْ يَجِبْ فَلَا تَدْرِي مَا هُوَ؟ وَ إِنَّمَا هِيَ سَاعَتُكَ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا، فَاصْبِرْ فِيهَا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ، وَ اصْبِرْ فِيهَا عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ.	در حال زیستن		
۶۱	اصول کافی	امام صادق علیه السلام : إِنَّ النَّهَارَ إِذَا جَاءَ قَالَ: يَا بَنَ آدَمَ، اْعْمَلْ فِي يَوْمِكَ هَذَا خَيْرًا، أَشْهَدُ لَكَ بِهِ عِنْدَ رَبِّكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَإِنِّي لَمْ أَتِكَ فِيهَا مَضَى، وَ لَا أَتِيكَ فِيهَا بَقِيَ. وَ إِذَا جَاءَ اللَّيْلُ قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ.	در حال زیستن		
۶۲	بحار الانوار	امام صادق علیه السلام : مَا مِنْ يَوْمٍ يَأْتِي عَلَى ابْنِ آدَمَ إِلَّا قَالَ ذَلِكَ الْيَوْمَ: يَا بَنَ آدَمَ، أَنَا يَوْمٌ جَدِيدٌ وَ أَنَا عَلَيْكَ شَهِيدٌ، فَافْعَلْ بِي خَيْرًا، وَ اْعْمَلْ فِيَّ خَيْرًا، أَشْهَدُ لَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَإِنَّكَ لَنْ تَرَانِي بَعْدَهَا أَبَدًا.	در حال زیستن		
۶۳	غرر الحکم	فَازَ مَنْ أَصْلَحَ عَمَلَ يَوْمِهِ وَ اسْتَدْرَكَ قَوَارِطَ أَمْسِيهِ.	در حال زیستن		
۶۴			در حال زیستن		
۶۵	غرر الحکم	انسان با گفتار سنجیده و با کردارش قیمت‌گذاری می‌گردد.	مسئولیت پذیری		
۶۶	بحار الانوار	امام حسین علیه السلام : خدای متعال بندگان را نیافرید مگر آنکه وی را بشناسند. هنگامی که او را بشناسند او را عبادت می‌کنند و هنگامی که بندگان او را بنمایند از بندگی غیر او بی‌نیاز گردند.	مسئولیت پذیری		
۶۷	کنز العمال	رسول خدا صلی الله علیه و آله : إِنِّي مُسَوَّلٌ وَ إِنَّكُمْ مُسَوَّلُونَ.	مسئولیت پذیری		

ردیف	منبع	کد	مضمون پایه	مضامین سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۶۸	غرر الحکم	كُلُّ امْرِئٍ مَسْئُولٌ عَمَّا مَلَكَتْ يَمِينُهُ وَ عِيَالِهِ.	مسئولیت پذیری	آگاهانه زیستن	عزت نفس
۶۹	بحار الانوار	امام صادق علیه السلام : يُسْأَلُ السَّمْعُ عَمَّا سَمِعَ ، وَ الْبَصَرُ عَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِ ، وَ الْفُؤَادُ عَمَّا عَقَّدَ عَلَيْهِ.	مسئولیت پذیری		
۷۰	نهج البلاغه	إِتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ التَّهَاتِمِ، أَطِيعُوا اللَّهَ وَ لَا تَعْصُوهُ.	مسئولیت پذیری		
۷۱	اصول کافی	رسول خدا صلی الله علیه و آله : إِتَّقُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِيمَا حَمَلَكُمْ مِنْ كِتَابِهِ فَإِنِّي مَسْئُولٌ وَ إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ ، إِنِّي مَسْئُولٌ عَنْ تَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ ، وَ أَمَّا أَنْتُمْ فَتُسْأَلُونَ عَمَّا حُمِّلْتُمْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ شَيْئِي.	مسئولیت پذیری		
۷۲	اصول کافی	رسول خدا صلی الله علیه و آله : إِنْ اللَّهَ تَعَالَى سَأَلَ كُلَّ رَاعٍ عَمَّا اسْتَرْعَاهُ : أَوْ حَفِظَ ذَلِكَ أَمْ ضَيَّعَهُ حَتَّى يَسْأَلَ الرَّجُلَ عَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ.	مسئولیت پذیری		
۷۳	بحار الانوار	امام صادق علیه السلام : يُسْأَلُ السَّمْعُ عَمَّا سَمِعَ ، وَ الْبَصَرُ عَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِ ، وَ الْفُؤَادُ عَمَّا عَقَّدَ عَلَيْهِ.	مسئولیت پذیری		
۷۴	نهج البلاغه	مُسْكِينُ ابْنِ آدَمَ؛ مَكْتُومُ الْأَجَلِ، مَكْنُونُ الْعِلَالِ، مَحْفُوظُ الْعَمَلِ؛ تُؤْلِمُهُ الْبَقَّةُ، وَ تَقْتُلُهُ الشَّرْقَةُ، وَ تُنْتِنُهُ الْعَرْقَةُ.	نقاط ضعف انسان		
۷۵	تحف العقول	امام علی: ابْنُ آدَمَ أَشْبَهَ شَيْءٍ بِالْمِيعَارِ: إِمَّا نَاقِصٌ بِجَهْلٍ، أَوْ رَاجِحٌ بِعِلْمٍ.	نقاط ضعف انسان		
۷۶	نساء ۲۸	يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا.	نقاط ضعف انسان		
۷۷	اسراء ۱۱	وَ يَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا.	نقاط ضعف انسان		
۷۸	اسراء ۶۷	وَ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ أَغْرَضْنَاهُمْ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا.	نقاط ضعف انسان		

ردیف	منبع	کد	مضمون پایه	مضامین سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۷۹	زخرف، ۱۵	وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُبِينٌ.	نقاط ضعف انسان	آگاهانه زیستن	عزت نفس
۸۰	معارج، ۱۹	إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا.	نقاط ضعف انسان		
۸۱	عصر، ۲	إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ.	نقاط ضعف انسان		
۸۲	بحارالانوار	امام علی (ع): عذرخواهی نشانه‌ی خردمندی انسان است.	پذیرش اشتباه	خوبیستن پذیری	
۸۳	غررالحکم	عذرخواهی را بپذیر اگر چه به دروغ باشد و پاسخگویی از موضع بالا را رها کن. اگر چه به سود تو باشد.	پذیرش اشتباه		
۸۴	تحف العقول	امام علی (ع): عذر برادر دینی خود را بپذیر و اگر عذری ندارد برایش عذری بتراش.	پذیرش اشتباه		
۸۵	بحارالانوار	إِيَّاكَ وَ مَا تَعْتَذِرُ مِنْهُ؛ فَإِنَّهُ لَا يُعْتَذِرُ مِنْ خَيْرٍ.	پذیرش اشتباه		
۸۶			پرهیز از کار موجب عذر خواهی		
۸۷	نهج البلاغه	الاستِغْنَاءُ عَنِ الْعُذْرِ أَعَزُّ مِنَ الصَّدَقِ بِهِ.	پذیرش اشتباه		
۸۸			پرهیز از کار موجب عذر خواهی		
۸۹	تحف العقول	امام حسین (ع): إِيَّاكَ وَ مَا تَعْتَذِرُ مِنْهُ؛ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُسِيءُ وَ لَا يَعْتَذِرُ، وَ الْمُنَافِقُ كُلُّ يَوْمٍ يُسِيءُ وَ يَعْتَذِرُ.	پذیرش اشتباه		
۹۰			پرهیز از کار موجب عذر خواهی		

ردیف	منبع	کد	مضمون پایه	مضامین سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۹۱	بحار الانوار	امام علی (ع): اِقْبَلْ عُذْرَ أَخِيكَ ، وَ إِن لَّمْ يَكُنْ لَهُ عُذْرٌ فَالْتِمِسْ لَهُ عُذْرًا.	پذیرش اشتباه	خویشتن پذیری	عزت نفس
۹۲			قبول عذر عذرخواه		
۹۳	اصول کافی	امام صادق (ع): عَزَّتْ وَ شَرَفَ مُؤْمِنٌ دَرِ اَیْنِ اِسْتِ اِکْه اَز دِیْگَران مَیْوس باشد و اَز اَنچه دَر دِست مَرْدَمِ اِسْت قَطْع اَمِید نَمَاید.	قبول کردن خود		
۹۴			نگاه به توانایی خود		
۹۵	نهج البلاغه	دانا کسی است که قدر خود را بشناسد و در نادانی انسان همین بس که ارزش خویش را نداند	قدر خود را دانستن		
۹۶	نهج البلاغه	بزرگ ترین نادانی، نا آگاهی انسان از شأن و منزلت خویش است.	قدر خود را دانستن		
۹۷	نهج البلاغه	هر کس خود را بلند نگرداند و به اوج رفعت نرساند، کسی او را بلند نخواهد کرد.	قدر خود را دانستن		
۹۸	نهج البلاغه	کسی که نفس عزیز و شریفی دارد، آن را با پلیدی گناه، خوار نمی سازد.	قدر خود را دانستن		
۹۹	نهج الفصاحه	پیامبر اکرم (ص): اِنَّ الْغَضَبَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ اِنَّ الشَّيْطَانَ خَلْقٌ مِنَ النَّارِ وَ اِنَّمَا تَطْفَأُ النَّارَ بِالْمَاءِ فَاِذَا غَضِبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَتَوَضَّأْ.	مدیریت احساسات منفی		
۱۰۰			مدیریت خشم		
۱۰۱	اصول کافی	امام صادق (ع): لَيْسَ مِنْكُمْ مَنْ لَمْ يَمْلِكْ نَفْسَهُ عِنْدَ غَضَبِهِ.	مدیریت احساسات منفی		
۱۰۲			مدیریت خشم		
۱۰۳	غرر الحکم	الْجُلْمُ يُطْفِئُ نَارَ الْعَصَبِ وَ الْجِدَّةُ تُؤَجِّجُ إِخْرَاقَهُ.	مدیریت احساسات منفی		
۱۰۴			مدیریت خشم		

ردیف	منبع	کد	مضمون پایه	مضامین سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۱۰۵	غررالحکم	خَيْرُ النَّاسِ مَنْ اِنْ اُغْضِبَ حَلَمَ وَ اِنْ ظَلِمَ عَفَرَ وَ اِنْ اُسِيَ اِلَيْهِ اَحْسَنَ.	مدیریت احساسات منفی	خویشتن پذیری	عزت نفس
۱۰۶			مدیریت خشم		
۱۰۷	اصول کافی	پیامبر اکرم ﷺ: بی شرمی با چیزی همراه نشد، مگر این که آن را زشت گردانید. و حیا، با چیزی همراه نگشت، مگر این که آن را آراست.	مدیریت احساسات منفی		
۱۰۸			شرم		
۱۰۹	اصول کافی	امام صادق علیه السلام: مَا يَمْتَنِعُ أَحَدَكُمْ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ غَمٌّ مِنْ غَمُومِ الدُّنْيَا أَنْ يَتَوَضَّأَ ثُمَّ يَدْخُلَ مَسْجِدَهُ وَ يَرْكَعَ رَكَعَتَيْنِ فَيَدْعُو اللَّهَ فِيهِمَا؟ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ يَقُولُ: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ».	مدیریت احساسات منفی		
۱۱۰			مدیریت غم		
۱۱۱	اصول کافی	پیامبر اکرم ﷺ: مَنْ نَفَسَ مِنْ مُسْلِمٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ يَسَّرَ عَلَى مُعْسِرٍ يَسَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مَنْ سَتَرَ عَلَى مُسْلِمٍ سَتَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.	مدیریت احساسات منفی		
۱۱۲			مدیریت غم		
۱۱۳	اصول کافی	امام صادق علیه السلام: صَلَاةُ اللَّيْلِ تُحَسِّنُ الْوَجْهَ وَ تُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَ تُطَيِّبُ الرِّيحَ وَ تَذَرُ الرِّزْقَ وَ تَقْضِي الدُّيْنَ وَ تَذْهَبُ بِالْهَمِّ وَ تَجْلُو الْبَصَرَ.	مدیریت احساسات منفی		
۱۱۴			مدیریت غم		
۱۱۵	تحف العقول	امام کاظم علیه السلام: يَا هِشَامُ! لَوْ كَانَ فِي يَدِكَ جُورَةٌ وَ قَالَ النَّاسُ إِنَّهَا لَوْلُؤُهُ مَا كَانَ يَنْفَعَكَ وَ أَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهَا جُورَةٌ، وَ لَوْ كَانَ فِي يَدِكَ لَوْلُؤُهُ وَ قَالَ النَّاسُ إِنَّهَا جُورَةٌ مَا صَرَكَ وَ أَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهَا لَوْلُؤُهُ.	به خود توجه کردن	خود تأییدی	
۱۱۶			بی توجهی به حرف دیگران		
۱۱۷	تحف العقول	امام علی علیه السلام: اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ، فَأَخِيبْ لِعَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ، وَ اكْزِرْ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ، وَلَا تَظْلِمَ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ، وَ آخِسْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُخْسَنَ إِلَيْكَ، وَ اسْتَفِيحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَفِيحُ مِنْ غَيْرِكَ.	خود را میزان قرار دادن		

ردیف	منبع	کد	مضمون پایه	مضامین سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۱۱۸	اصول کافی	پیامبر اکرم علیه السلام : الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ، يَقْضَى بَعْضُهُمْ خَوَائِجَ بَعْضٍ، فَيَقْضَاءُ بَعْضُهُمْ خَوَائِجَ بَعْضٍ يَقْضَى اللَّهُ خَوَائِجَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.	برآوردن نیاز بقیه	خود تأییدی	عزت نفس
۱۱۹			توجه به بقیه		
۱۲۰			توجه به نیاز خود		
۱۲۱	غررالحکم	امام علی علیه السلام : مَنْ احْتَجَّتْ إِلَيْهِ هُنْتُ عَلَيْهِ.	محتاج بقیه شدن		
۱۲۲					
۱۲۳	میزان الحکمه	حضرت خضر علیه السلام : إِرْتَمَ مَا لَا يَصْنُكَ مَعَهُ شَيْءٌ كَمَا لَا يَنْفَعُكَ مِنْ غَيْرِهِ شَيْءٌ، وَإِيَّاكَ وَالْجَاجَةَ وَالْمَشَى إِلَى غَيْرِ حَاجَةٍ وَالصَّخْكَ فِي غَيْرِ تَعَجُّبٍ.	توجه به نیاز خود		
۱۲۴			نخواستن بیش از نیاز		
۱۲۵					
۱۲۶	غررالحکم	امام علی علیه السلام : الْمَسْأَلَةُ طُوفَى الْمَذَلَّةِ تَسْلُبُ الْعَزِيزَ عِزَّهُ وَ الْحَسِيبَ حَسْبَتَهُ.	درخواست نا به جا		
۱۲۷					
۱۲۸	بحار الانوار	امام باقر علیه السلام : ظَلَبَ الْخَوَائِجُ إِلَى النَّاسِ اسْتِلَابَ لِلْعِزَّةِ وَ مَذْهَبَةَ لِلْخِيَاءِ ، وَالتَّيَاشُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ عِزُّ الْمُؤْمِنِينَ وَ الطَّمَعُ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ.	چشم طمع نداشته‌ن به مال کسی		
۱۲۹					
۱۳۰	بحار الانوار	پیامبر اکرم علیه السلام : رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ التَّحَبُّبُ إِلَى النَّاسِ.	محبت به مردم	ارتباط با اطرافیان	
۱۳۱			ارتباط با مردم		
۱۳۲	بحار الانوار	امام صادق علیه السلام : مَنْ رَارَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: إِيَّايَ زَرْتَ وَتَوَاتَبَكَ عَلَيَّ وَلَسْتُ أَرْضَى لَكَ تَوَابًا دُونَ الْجَنَّةِ.	فواید ارتباط		

ردیف	منبع	کد	مضمون پایه	مضامین سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۱۳۳	بحار الانوار	امام صادق علیه السلام : قَالَ عَيْسَى بْنُ مَرْزِيمٍ لِيَتَّعِضَ أَصْحَابِيهِ: مَا لَا تُحِبُّ أَنْ يُفْعَلَ بِكَ فَلَا تَفْعَلْهُ بِأَحَدٍ.	ارتباط مؤثر	ارتباط با اطرافیان	عزت نفس
۱۳۴			توجه به بقیه		
۱۳۵	بحار الانوار	امام علی علیه السلام : إِذَا لَقَيْتُمْ إِخْوَانَكُمْ فَتَصَافَحُوا وَأَظْهَرُوا لَهُمُ الْبِشَاشَةَ وَالْبُشْرَى تَتَفَرَّقُوا وَمَا عَلَيْكُمْ مِنَ الْأَوْزَارِ قَدْ ذَهَبَ.	نحوه مواجهه با بقیه		
۱۳۶			ارتباط با بقیه		
۱۳۷	بحار الانوار	پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : أَغْلَى النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَةً لِلنَّاسِ، وَأَذَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ.	مدارا با مردم		
۱۳۸					
۱۳۹	نهج البلاغه	خدا را، خدا را، درباره همسایگان که آن سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله شماسست. پیامبر صلی الله علیه و آله مرتب درباره همسایه سفارش می کرد تا جایی که ماگمان کردیم که همسایه از همسایه ارث خواهد برد.	همسایه داری		
۱۴۰					
۱۴۱	بحار الانوار	امام صادق علیه السلام : إِذَا كَانَ الزَّمَانُ زَمَانُ جَوْرِ، وَأَهْلُهُ أَهْلٌ غَدِرٍ، فَالْظُّمَأُيُنَةُ إِلَى كُلِّ أَحَدٍ عَجْزٌ.	اعتماد منطقی با اطرافیان		
۱۴۲					
۱۴۳	بحار الانوار	امام علی علیه السلام : أَبْذَلُ لَصَدِيقِكَ كُلِّ الْمَوَدَّةِ، وَلَا تَبْذُلْ لَهُ كُلَّ الظُّمَأُيُنَةِ.	اعتماد منطقی با اطرافیان	با صداقت زیستن	
۱۴۴					
۱۴۵	بحار الانوار	امام سجاد علیه السلام : بهترین شروع کارها صداقت و راستگویی و بهترین پایان آنها وفا است.	صداقت در کار		
۱۴۶	بحار الانوار	پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : أَقْرَبُكُمْ مِنِّي غَدَا فِي الْمَوْقِفِ أَصْدَقُكُمْ فِي الْحَدِيثِ وَأَذَاكُمْ لِلْأَمَانَةِ وَأَوْفَاكُمْ بِالْعَهْدِ وَأَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَأَقْرَبُكُمْ مِنَ النَّاسِ.	صداقت در کار		
۱۴۷			امانت داری		

ردیف	منبع	کد	مضمون پایه	مضامین سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۱۴۸	نهج الفصاحه	عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: عَلَيْكُمْ بِالْصِّدْقِ فَإِنَّهُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ فَإِنَّهُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ النَّارِ.	صداقت در کار	با صداقت زیستن	عزت نفس
۱۴۹			پرهیز از دروغ‌گویی		
۱۵۰	بحار الانوار	عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: يَا عَلَى... إِنَّ الصِّدْقَ يُبَيِّضُ الْوَجْهَ وَ يَكْتَبُ عِنْدَ اللَّهِ صَادِقًا وَاعْلَمْ أَنَّ الصِّدْقَ مُبَارَكٌ وَالْكَذِبُ مَشْهُومٌ.	راست‌گویی		
۱۵۱			پرهیز از دروغ‌گویی		
۱۵۲	نهج البلاغه	امام علی علیه السلام: (علامة) الْإِيمَانُ أَنْ تُؤْتِرَ الصِّدْقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكَذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ.	راست‌گویی		
۱۵۳	صف/۲	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ *كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ.	راست‌گویی		
۱۵۴			عمل به حرف		
۱۵۵	غررالحکم	الإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَشُبُّ نَارَ الْجَاحَةِ.	سرزنش نکردن دیگران	خود مسئولی	
۱۵۶	غرر الحکم	إِيَّاكَ أَنْ تُكْزِرَ الْعَتَبَ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يُغْري بِالذَّنْبِ، وَ يَهْوِي الْعَتَبُ.	سرزنش نکردن دیگران		
۱۵۷	غرر الحکم	لَا تُكْثِرَنَّ الْعِتَابَ؛ فَإِنَّهُ يُورِثُ الصَّغِينَةَ، وَ يَدْعُو إِلَى الْبَغْضَاءِ.	سرزنش نکردن دیگران		
۱۵۸	غرر الحکم	كَثْرَةُ الْعِتَابِ تُؤْذِنُ بِالْإِرْتِيَابِ.	سرزنش نکردن دیگران		
۱۵۹			شک و بدگمانی		
۱۶۰	غرر الحکم	الصَّاحِبُ كَالرُّقْعَةِ فِي الثَّوبِ فَأَتَّخِذْهُ مُشَاكِلا.	پذیرفتن افکار		
۱۶۱			همنشین		

ردیف	منبع	کد	مضمون پایه	مضامین سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۱۶۲	غرر الحکم	مَنْ عَلِمَ أَنَّهُ مُؤَاخَذٌ بِقَوْلِهِ فَلْيَقْصِرْ فِي الْمَقَالِ.	مسئولیت نسبت به سخن	خود مسئولی	عزت نفس
۱۶۳	غرر الحکم	إِنَّ زَأْيَاكَ لَا يَنْتَسِعُ لِكُلِّ شَيْءٍ فَقَرِّغْهُ لِمُهْمِّمٍ.	مسئولیت در برابر فکر		
۱۶۴			گنجایش فکر		
۱۶۵	غرر الحکم	قَدِّرْ ثُمَّ اقْطَعْ وَفَكِّرْ ثُمَّ انْطَلِقْ.	مسئولیت در برابر فکر		
۱۶۶			فکر قبل از سخن		
۱۶۷	بحار الانوار	أَلَا كُنْتُكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ.	مسئولیت پذیری		
۱۶۸	نهج البلاغه	اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبَلَادِهِ! فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ؛ حَتَّى عَنْ الْبَقَاعِ وَالْبَهَائِمِ.	مسئولیت پذیری		
۱۶۹	نهج الفصاحه	إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَائِلُ كُلِّ رَاعٍ عَمَّا اسْتَرْعَاهُ، أَحْفَظَ ذَلِكَ أَمْ ضَيَّعَهُ حَتَّى يَسْأَلَ الرَّجُلُ عَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ.	مسئولیت پذیری		
۱۷۰	غرر الحکم	كُنْ مَشْغُولًا بِمَا أَنْتَ عَنْتُهُ مَسْئُولٌ.	مسئولیت پذیری		
۱۷۱	تحف العقول	امام باقر (ع): بَادِرْ بَانْتِهَازِ الْبَغْيَةِ عِنْدَ إِمْكَانِ الْفُرْصَةِ ، وَلَا إِمْكَانَ كَالْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ مَعَ صَحَّةِ الْأَبْدَانِ.	هدف داشتن	هدفمند	
۱۷۲			حرکت به سمت هدف		
۱۷۳	غرر الحکم	مَنْ اشْتَغَلَ بِالْفُضُولِ فَاتَهُ مِنْ مُهْمِهِ الْمَأْمُولُ.	هدف داشتن	زیستن	
۱۷۴			نپرداختن به زواید		

ردیف	منبع	کد	مضمون پایه	مضامین سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۱۷۵		اعدی عَدُوٍّ لِلْمَرْءِ غَضَبُهُ وَشَهْوَتُهُ ، فَمَنْ مَلَكَهُمَا عَلَتْ دَرَجَتُهُ وَبَلَغَ غَايَتَهُ.	هدف داشتن	هدفمند زیستن	عزت نفس
۱۷۶			موانع هدف		
۱۷۷	بحارالانوار	امام باقر علیه السلام : مَا بَيَّنَّ الْحَقُّ وَ الْبَاطِلُ إِلَّا قَلَّةٌ الْعَقْلُ. قِيلَ: وَ كَيْفَ ذَلِكَ يَا نَبْنَ رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: إِنَّ الْعَبْدَ يَعْمَلُ الْعَمَلَ الَّذِي هُوَ لِرِضَا فَيُرِيدُ بِهِ غَيْرَ اللَّهِ فَلَوْ أَنَّهُ أَخْلَصَ لِلَّهِ لَجَاءَ هَذَا يُرِيدُ فِي أَسْرَعِ مِنْ ذَلِكَ.	به هدف رسیدن		
۱۷۸			موانع هدف		
۱۷۹	بحارالانوار	يَا عَلِيُّ لَا تُشَاوِرْ جَبَانًا فَإِنَّهُ يُضَيِّقُ عَلَيْكَ الْمَخْرَجَ وَ لَا تُشَاوِرِ الْبَخِيلَ فَإِنَّهُ يَقْضِرُ بِكَ عَنْ غَايَتِكَ وَلَا تُشَاوِرِ حَرِيصًا فَإِنَّهُ يُزَيِّنُ لَكَ شَرَّهَا.	به هدف رسیدن		
۱۸۰			موانع هدف		
۱۸۱	بحارالانوار	پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : مَنْ تَأَنَّى أَصَابَ أَوْ كَادَ وَ مَنْ عَجَلَ أَخْطَأَ أَوْ كَادَ.	رسیدن به هدف		
۱۸۲			درنگ کردن		
۱۸۳			موانع هدف		
۱۸۴	وسائل الشیعه	امام صادق علیه السلام : مَا ضَعُفَ بَدَنٌ عَمَّا قَوِيَتْ عَلَيْهِ الْبَيَّةُ.	نیت قوی	شایستگی	
۱۸۵			برخورداری از توانایی		
۱۸۶	نهج البلاغه	إِذَا هَبْتَ أَمْرًا فَفَقَّ فِيهِ فَإِنَّ شِدَّةَ تَوَقُّيهِ أَعْظَمُ مِمَّا تَخَافُ مِنْهُ.	کسب توانایی برای حل چالش ها		
۱۸۷			نترسیدن از کار		
۱۸۸	غررالحکم	طَاعَةُ اللَّهِ شُبْحَانَهُ لَا يَخْوُزُهَا إِلَّا مَنْ بَدَّلَ الْجِدَّ وَ اسْتَفْرَغَ الْجُهْدَ.	پاداش تلاش		
۱۸۹			انگیزه برای توانستن		
۱۹۰	غررالحکم	الْمَرْءُ بِهَمَّتِهِ لَا يَقْنِئَتِهِ.	ارزش همت		



شکل ۱: مدل نهایی شبکه مضامین و چارچوب عزت نفس بر اساس تحلیل مضمون

پس از استخراج مضامین و تعیین مؤلفه‌های عزت نفس مبتنی بر آیات و روایات، مضامین و مؤلفه‌ها در اختیار ۳ نفر از متخصصان این رشته قرار گرفت. متخصصان، نظر خود را به صورت موافق و مخالف در پرسشنامه محقق ساخته بیان کردند و در کلیه مؤلفه‌ها هر سه متخصص موافقت کامل داشته (۱۰۰ درصد) و مضمون مورد نظر مورد تأیید قرار گرفت.

بحث و نتیجه گیری

همان طور که اشاره شد، تدوین مدل مفهومی عزت نفس ویژه مبتنی بر آیات و روایات از ۸ مؤلفه تشکیل شده است که عبارتند از: آگاهانه زیستن، خویشتن پذیری، خودتأییدی، ارتباط با اطرافیان، باصداقت زیستن، خود مسئولی، هدفمندزیستن، شایستگی. هم راستا با این نتایج در پژوهش حاضر، مؤلفه آگاهانه زیستن در پژوهش براندن (۱۹۸۸)، خویشتن پذیری است در نظریه آلبرت آلیس (۱۹۵۰)، مؤلفه خودتأییدی در پژوهش سیاسی (۱۳۹۰)، مؤلفه خود مسئولی یعنی در نظریه براندن (۱۹۸۸)، صداقت زیستن در پژوهش سالیوان (۱۹۵۳) هدفمند زیستن است در پژوهش لیزا شاپ (۲۰۱۷) مؤلفه ارتباط با اطرافیان در نظریه براندن (۱۹۸۸) و در نهایت مؤلفه شایستگی در پژوهش سید حسینی (۱۳۹۰) به عنوان مؤلفه های عزت نفس به آن اشاره شده است. در ادامه به تبیین هریک از مؤلفه ها پرداخته شده است:

مؤلفه آگاهانه زیستن: فرد امکانات و محدودیت های درونی خویش و امکانات و محدودیت های بیرونی و محیطی را به خوبی بشناسد، متناسب با آن اهداف مطلوبی را تعیین کند. از امکاناتش در جهت دستیابی به اهداف به خوبی بهره برد. مشکلات محدودیت ها را اگر قابل تغییر است تلاش کند که اصلاح کند و اگر قابل بهبود نیست آنها را بپذیرد. زندگی آگاهانه یعنی آنکه در برابر حقایق احساس مسئولیت بکنیم. لزومی به این نیست که آنچه را وجود دارد. آگاهانه زیستن یعنی در اینجا و اکنون زندگی کند، در اندوه گذشته و ترس آینده نباشد. در نتیجه آثار و پیامدهای زندگی آگاهانه عبارت اند از: احساس کنترل، انتظار پیشرفت واقع بینانه، موفقیت، خودشکوفایی و رشد شخصی.

مؤلفه خویشتن پذیری: واقعیت وجودی خویش را آن گونه که هست، بپذیرد. هنگامی که فرد نقطه ضعف هایش را بپذیرد، اهداف و انتخاب های واقع بینانه تری خواهد داشت. آثار خویشتن پذیری عبارت اند از: فرد در تعیین اهداف، واقع بینانه عمل می کند و اهدافی برمیگزیند که نقطه ضعف هایش آسیب کمتری را ایجاد کند و از امکانات موجود حداکثر استفاده را بکند با تعیین اهداف واقع بینانه، احتمال ناکامی کمتر می شود؛ با قبول نقاط ضعف، برای تقویت و اصلاح آنها برنامه ریزی و تلاش می کند.

مؤلفه خود تأییدی: به ارزش ها و نیازهای حقیقی خود توجه کند. فرد بایستی به دنبال اهداف، خواسته ها و نیازهای حقیقی خودش باشد، نباید افکار و خواسته های دیگران موجب نگرانی و خودسرزنشگری در فرد شود. باید کاری که به نظر خودش عاقلانه است انجام دهد. کسی که به دنبال تأمین نظرات مردم است، از نیازهای خودش غافل می شود،

در نتیجه احساس رضایتمندی ندارد. فردی که به دنبال خودتأییدی است، پیوسته علت رفتارهایش را ارزیابی می‌کند، تا رفتارهایش از سوی نظام ارزشی جامعه و اطرافیان تحمیل نشده باشد و با تقلید ناآگاهانه نباشد. آثار خودتأییدی عبارت است از: کسی که به خواسته‌ها و نیازهای خودش توجه کند و در راستای تأمین آنها گام بردارد، به سطوح بالاتری از آگاهی، موفقیت و رضایتمندی دست می‌یابد.

مؤلفه خود مسئولی: فرد مسئولیت شناخت‌ها، احساسات، رفتارها و نگرش‌هایش را بپذیرد. مسئولیت اموری را که می‌تواند اصلاح کند بپذیرد، اگر فرد مسئولیت آنچه در کنترلش است نپذیرد یا خود را مسئول مواردی که خارج از کنترلش است بداند عزت‌نفسش کاهش می‌یابد. آثار خود مسئولی عبارت است از: فرد به جای سرزنش دیگران (پدر، مادر، اطرافیان و یا دولت و جامعه)، مسئولیت زندگی‌اش را می‌پذیرد. از این رو، تلاش می‌کند و از امکانات موجود در جهت غلبه بر مشکلات استفاده می‌کند. در نتیجه از یک سو، کیفیت زندگی‌اش بهبود می‌یابد و از سوی دیگر به موفقیت‌های بیشتری دست می‌یابد.

مؤلفه با صداقت زیستن: فکر و احساس و عملش یک‌پارچه باشد، دورویی نداشته باشد، بین احساس و رفتار هماهنگی باشد. فقدان صداقت پیامدهای نامطلوبی دارد. وقتی فرد احساسات خود را پنهان می‌کند، بین احساسات درونی و رفتار بیرونی شکاف ایجاد می‌شود، احساس ناکامی، خشم و استرس می‌کند، در نتیجه احساس بی‌ارزشی و ناتوانی می‌کند.

مؤلفه هدفمند زیستن: زندگی‌اش هدف و معنا داشته باشد، هر رفتاری که انجام می‌دهد در راستای هدفش باشد و او را یک گام به هدفش نزدیک‌تر کند. البته این اهداف بایستی واقع بینانه و چالشی باشند؛ یعنی با امکانات و محدودیت‌هایی که فرد دارد دستیابی به آن، ممکن باشد. آثار این مؤلفه عبارت است از اینکه هدف و معنا در زندگی موجب احساس ارزشمندی می‌شود. علاوه بر این، اقداماتی که فرد در راستای هدف انجام می‌دهد، او را به هدفش نزدیک می‌کند. در نتیجه احساس پیشرفت و رشد می‌کند که موجب احساس توانمندی و ارزشمندی می‌شود.

مؤلفه ارتباط مؤثر با اطرافیان: به خوبی با اعضای خانواده، دوستان، همکاران و مردم تعامل کند، با آنها صمیمیت خوب همراه با اعتماد منطقی و مطلوبی داشته باشد، در نتیجه به احساس برخورداری از حمایت اطرافیان دست می‌یابد. آثار این مؤلفه عبارت است از اینکه همدلی و محبت‌کردن به اطرافیان موجب محبوبیت می‌شود. همچنین صمیمیت و

حمایت بیشتری را دریافت می‌کند، در نتیجه احساس ارزشمندی می‌کند. مؤلفه شایستگی: به معنای احساس توانمندی در مقابله با چالش‌های آینده است. گاهی فرد توانمند است، ولی با توجه افراطی به نقطه ضعفش، از توانمندی‌هایش غفلت می‌کند و احساس ناتوانی می‌کند. یکی از مهم‌ترین راهبردهای روان‌شناسی مثبت‌گرا، توجه دادن فرد به توانمندی‌ها و نقاط قوتش است تا احساس توانمندی کند (ال مگیار، ۲۰۱۵).

در پژوهش حاضر، مؤلفه آگاهانه زیستن یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های است که در شکل‌گیری عزت نفس نقش مهمی دارد که براندن (۱۹۸۸) نیز این مؤلفه را یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری عزت نفس می‌داند و در تبیین آن، می‌توان چنین گفت که فرد از محدودیت‌های درونی خویش و امکانات و محدودیت‌های بیرونی و محیطی را به خوبی بشناسد و متناسب با آن اهدافی مطلوبی را تعیین کند.

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که در پژوهش حاضر به عنوان عامل مؤثر در ایجاد عزت نفس بیان شده است، خویشتن‌پذیری است که آلبرت آلیس (۱۹۵۰) نیز این مؤلفه را به عنوان یکی از مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری عزت نفس می‌داند و در تبیین آن می‌توان گفت که فرد وقتی نقطه ضعف‌ها و نقاط قوتش را بپذیرد اهداف و انتخاب‌های واقع‌بینانه‌تری خواهد داشت و وقتی هدف واقع‌بینانه انتخاب شود احتمال ناکامی در آن کمتر می‌شود.

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که در پژوهش حاضر به عنوان عامل مؤثر در ایجاد عزت نفس است، خودتائیدی است که با پژوهش سیاسی (۱۳۹۰) نیز همسو است. در تبیین این مؤلفه می‌توان گفت وقتی فرد به ارزش‌ها و نیازهای حقیقی خود توجه کند به دنبال اهداف و خواسته‌های خود می‌رود و افکار و خواسته‌های دیگران نباید در او موجب سرزنش‌گری شود. از مؤلفه‌های دیگری که در پژوهش حاضر به عنوان عامل مؤثر در شکل‌گیری عزت نفس به آن پرداخته شده است، خودمسئولی است. خودمسئولی یعنی فرد مسئولیت شناخت‌ها، احساسات، رفتارها و نگرش‌های خود را بپذیرد. براندن (۱۹۸۸) نیز این مؤلفه را به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم عزت نفس بر می‌شمارد. از این رو، این مؤلفه با براندن همسو است.

مؤلفه بعدی با صداقت‌زیستن است. این مؤلفه در پژوهش حاضر، به عنوان عاملی مؤثر در شکل‌گیری عزت نفس به آن پرداخته شده است که سالیوان (۱۹۵۳) نیز یکی از اجزای مهم شخصیت انسان را نظام خویشتن‌می‌داند که از طریق رابطه با اشخاص مهم زندگی رشد می‌کند. سالیوان از عزت نفس بر اساس نیاز به امنیت بین فردی یاد می‌کند که

صداقت یکی از مهمترین مؤلفه‌های امنیت بین فردی است. در تبیین این مؤلفه، می‌توان گفت صداقت وقتی حاصل می‌شود که فکر و احساس و عمل یک پارچه باشد و وقتی این یکپارچگی نباشد نتیجه‌اش احساس بی‌ارزشی است.

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که در پژوهش حاضر به عنوان عامل مؤثر در ایجاد عزت نفس است، هدفمند زیستن است که همسو با پژوهش لیزا شاپ (۲۰۱۷) است. در تبیین این مؤلفه می‌توان گفت وقتی زندگی فردی معنادار و هدفمند باشد در مسیر هدف حرکت می‌کند و احساس ارزشمندی پیدا می‌کند.

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که در شکل‌گیری عزت نفس مؤثر است، ارتباط با اطرافیان است که براندن (۱۹۸۸) در پژوهش خود به این مؤلفه اشاره کرده است. وقتی بتوان با بقیه به خوبی ارتباط گرفت احساس ارزشمندی در انسان به وجود می‌آید.

مؤلفه بعدی که در شکل‌گیری عزت نفس مؤثر است، شایستگی است که همسو با پژوهش سید حسینی (۱۳۹۰) است. شایستگی یعنی فرد در خود، این توانایی را ببیند که با چالش‌های آینده مقابله کند.

فهرست منابع

* قرآن الکریم.

* صحیفه سجاده.

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، *الخصال*، جلد ۲، قم: جامعه مدرسین.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق)، *تحف العقول*، قم.
- براندن، ناتانیل (۱۳۷۸)، *روانشناسی عزت نفس*، مترجم: مهدی قراچه داغی، تهران: انتشارات نخستین.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲)، *کرامت در قرآن*، تهران: انتشارات رجاء.
- عسکری، مهدیه و نوری، ابراهیم نوری و خاکپور، حسین (۱۳۹۶)، «کارکردهای تربیتی عزت نفس و نقش آن در سلامت روان از منظر قرآن و روایات»، *فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی* (انجمن معارف اسلامی ایران)، ۱۴۶-۱۳۱، (۴)، ۱۴۶.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق)، *تفسیر القمی*، قم: دارالکتاب.
- گلی مهرناز (۱۳۹۴)، «نقش والدین در پرورش عزت نفس فرزندان و سلامت معنوی آنان از دیدگاه اسلام»، *مجله تاریخ پزشکی - علمی پژوهشی*، ۷(۲۵)، ۱۰۱-۱۲۸.
- محمدعلی نژاد عمران، روح الله و کمالوند، پیمان (۱۳۹۵)، «مفهوم شناسی تطبیقی عزت نفس در قرآن و

- روانشناسی انسان‌گرا»، *فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۷(۲۷)، ۱-۳۲.
- مطهری، م (۱۳۹۱)، *مجموعه آثار*، جلد ۲۲، تهران: صدرا.
 - مهدوی خانوکی، مهدیه (۱۳۸۷)، *بررسی کرامت نفس در متون اسلامی و روانشناسی معاصر با تاکید بر دلالت های تربیتی*، دانشگاه تربیت معلم - تهران - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
 - نیلی، محمدرضا، نظری، حسین، موسوی، ستاره (۱۳۹۴)، «عزت نفس و آثار تربیتی آن از دیدگاه قرآن و احادیث»، *پژوهش های اجتماعی اسلامی*، ۲۱(۱۰۵)، ۱۴۹-۱۷۶.
 - همت بناری، علی، مهکام، رضا، فرهوش، محمد (۱۳۹۶)، «جایگاه و مؤلفه های عزت نفس در قرآن و روایات»، *معرفت*، ۲۶(۲۳۹)، ۱۳-۲۴.
 - هدایتی، بنت الهدی، فاتحی زاده، مریم السادات، آکوچکیان، احمد (۱۳۸۷)، «بررسی تأثیر آموزش اسلام محور به والدین بر عزت نفس نوجوانان»، *مطالعات اسلام و روانشناسی*، ۲(۲)، ۱۱۹-۱۴۰.
 - Altmann, T & Roth, M. (2018). The Self-esteem Stability Scale (SESS) (for cross-sectional direct assessment of self-esteem stability. *Frontiers in Psychology*, 9, 91.
 - Baumeister, R. F., Campbell, J. D., Krueger, J. I., & Vohs, K. D. (2003). Does high self-esteem cause better performance, interpersonal success, happiness, or healthier lifestyles? *Psychological Science in the Public Interest*, 4, 1-44. <https://doi.org/10.1111/1529-1006.01431>.
 - Baumeister, R. F., & Vohs, K. D. (2018). Revisiting our reappraisal of the (surprisingly few) benefits of high self-esteem. *Perspectives on Psychological Science*, 13, 137-140. <https://doi.org/10.1177/1745691617701185>.
 - Beck, A. T. (1967). *Depression: Clinical, experimental, and theoretical aspects*. Harper & Row.
 - Cameron, J. J., & Granger, S. (2018). Does self-esteem have an interpersonal imprint beyond self-reports? A meta-analysis of self-esteem and objective interpersonal indicators. *Personality and Social Psychology Review*, 23, 73-102.
 - Donnellan, M. B., Trzesniewski, K. H., & Robins, R. W. (2011). Self-esteem: Enduring issues and controversies. In T. Chamorro-Premuzic, S. von Stumm, & A. Furnham (Eds.), *The Wiley-Blackwell handbook of individual differences* (pp. 718-746). Wiley-Blackwell. <https://doi.org/10.1002/9781444343120.ch28>.
 - Erol, R. Y., & Orth, U. (2011). Self-esteem development from age 14 to 30 years: a longitudinal study. *Journal of personality and social psychology*, 101(3), 607.

- Harris, M. A., & Orth, U. (2020). The link between self-esteem and social relationships: A metaanalysis of longitudinal studies. *Journal of Personality and Social Psychology*, 119, 1459–1477. <https://doi.org/10.1037/pspp0000265>.
- Green, J., Liem, G. A. D., Martin, A. J., Colmar, S., Marsh, H. W., & McInerney, D. (2012). Academic motivation, self-concept, engagement, and performance in high school: Key processes from a longitudinal perspective. *Journal of Adolescence*, 35, 1111–1122. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2012.02.016>.
- Krauss, S., & Orth, U. (2022). Work experiences and self-esteem development: A meta-analysis of longitudinal studies. *European Journal of Personality*, 36(6), 849–869.
- Kuster, F., Orth, U., & Meier, L. L. (2013). High self-esteem prospectively predicts better work conditions and outcomes. *Social Psychological and Personality Science*, 4, 668–675. <https://doi.org/10.1177/1948550613479806>.
- Luciano, E. C., & Orth, U. (2017). Transitions in romantic relationships and development of selfesteem. *Journal of Personality and Social Psychology*, 112, 307–328. <https://doi.org/10.1037/pspp0000109>.
- Lyu, H., Du, G., & Rios, K. (2019). The relationship between future time perspective and self-esteem: A cross-cultural study of Chinese and American college students. *Frontiers in psychology*, 10, 1518.
- Mier, C., & Ladny, R. T. (2018). Does self-esteem negatively impact crime and delinquency? A meta-analytic review of 25 years of evidence. *Deviant Behavior*, 39, 1006–1022. <https://doi.org/10.1080/01639625.2017.1395667>.
- Orth, U., & Robins, R. W. (2022). Is high self-esteem beneficial? Revisiting a classic question. *American Psychologist*, 77(1), 5–17.
- Orth, U., & Robins, R. W. (2013). Understanding the link between low self-esteem and depression. *Current Directions in Psychological Science*, 22, 455–460. <https://doi.org/10.1177/0963721413492763>.
- Orth, U., Robins, R. W., Meier, L. L., & Conger, R. D. (2016). Refining the vulnerability model of low self-esteem and depression: Disentangling the effects of genuine self-esteem and

narcissism. *Journal of Personality and Social Psychology*, 110, 133–149. <https://doi.org/10.1037/pspp0000038>.

● Pintrich, P. R., & de Groot, E. V. (1990). Motivational and self-regulated learning components of classroom academic performance. *Journal of Educational Psychology*, 82, 33–40. <https://doi.org/10.1037/0022-0663.82.1.33>.

● Price, M., Pink, A. E., Anagnostopoulou, V., Branford, L., Fleming, C., Jenkins, G., Jones, L., Lovesey, C., Mehta, A., & Gatzemeier, J. (2023). Self-esteem, but not age, moderates the influence of viewing social media on body image in adult females. *Psychology of Popular Media*. Advance online publication. <https://doi.org/10.1037/ppm0000493>.

● Santarossa, S., & Woodruff, S. J. (2017). # Social Media: Exploring the relationship of social networking sites on body image, self-esteem, and eating disorders. *Social Media+ Society*, 3(2). <https://doi.org/10.1177/2056305117704407>.

● Schab, L. M. (2017). *The Self-esteem Workbook for Teens: Activities to Help You Build Confidence and Achieve Your Goals*. New Harbinger Publications.

● Swann, W. B., Chang-Schneider, C., & McClarty, K. L. (2007). Do people's self-views matter? *American Psychologist*, 62, 84–94. <https://doi.org/10.1037/0003-066X.62.2.84>.

● SzczeŚniak, M., Mazur, P., Rodzeń, W., & Szpunar, K. (2021). Influence of life satisfaction on self-esteem among young adults: The mediating role of self-presentation. *Psychology research and behavior management*, 1473–1482.

● Tiwari, S. K., Singh, S., Lindinger-Sternart, S., & Patel, A. K. (2018). Self-esteem and life satisfaction among university students of Eastern Uttar Pradesh of India: A demographical perspective. *Indian Journal of Positive Psychology*, 9(3).

● von Soest, T., Wichstrom, L., & Kvaem, I. L. (2016). The development of global and domain-specific self-esteem from age 13 to 31. *Journal of Personality and Social Psychology*, 110, 592–608. <https://doi.org/10.1037/pspp0000060>.

● Wagner, J., Lüdtkke, O., Robitzsch, A., Göllner, R., & Trautwein, U. (2018). Self-esteem development in the school context: The roles of intrapersonal and interpersonal social predictors. *Journal of Personality*, 86, 481–497. <https://doi.org/10.1111/jopy.12330>.

- Zeigler-Hill, V. (2011). The connections between self-esteem and psychopathology. *Journal of Contemporary Psychotherapy*, 41, 157-164. <https://doi.org/10.1007/s10879-010-9167-8>.
- Zheng, L. R., Atherton, O. E., Trzesniewski, K. H., & Robins, R. W. (2020). Are self-esteem and academic achievement reciprocally related? Findings from a longitudinal study of Mexican-origin youth. *Journal of Personality*, 88, 1058-1074. <https://doi.org/10.1111/jopy.12550>.

Contents

Components of Jihadi Motivation in Islamic Sources with Emphasis on the Thoughts of the Supreme Leader	7
Ali Sezavar/ Mohammad Sadiq Shojaei/ Mohammad Reza Ahmadi	
A comparative study of wisdom from the perspective of Islamic education and psychology.....	33
Seyed Morteza honarmand/ Mahin Karamati Fard/ Mehdi Abdulzadeh Rafi/ Seyed Mohammad Mahdi honarmand/ Seyed Ali honarmand	
Predicting Family Cohesion Based on Differentiation and Marital Boundaries.....	59
Najmeh Faqihi Sereshk/ Jafar Houshyari	
Comparison of the Effectiveness of Self-Differentiation Training and Reality Therapy on Intimacy and Adjustment among Married Women.....	77
Mehrdad Sasaki/ Mehran Ramzaniler/ Reza Mohammad zadeh/ Mohammad Reza Deljavan/ Sanaz Zarezadeh	
Attitudes toward Marriage: The Role of Ego Strength, Family Cohesion, and Religiosity.....	99
Sima Karimi/ Abbasali Heratia	
Psychological Components of Religious Resilience Based on Islamic Teachings.....	119
Ali Naghi Lezgi/ Mehdi Dadashi/ Seyed Mahdi Khatib	
Development and Validation of the Islamic Self-Regulation Motivation Questionnaire Based on the Islamic Self-Regulation Model.....	139
Mahdi Qasemi Moravvej/ Hamid Rafi i-Honar/ Hassan Taqiyan	
The Effectiveness of Life-Skills Training with according to an Islamic Approach view on Social Capital and Mental Health: A Case Study of Junior Female Students at Junior High Schools in Larestan.....	165
Sirous Mahmoudi/ Mahmoud Sharafi/ Fatemeh Azadi	
Investigating the Relationship Between Attachment Styles and Religious Commitment in Female Students: The Mediating Role of the Dimensions of Family Functioning.....	183
Maryam Sayyad Shirazi/ Amir-Hossein Bahadivand Chegini	
The Mediating Role of Self-Efficacy and Hope in the elationship Between Self-Esteem and Life Satisfaction: A Path Analysis Study	203
Ahad Omid/ Mortaza Kashani-Nejad Abyaneh/ Mohammad-Javad Hamzeh-pour/ Mohammad Farhoosh/ Mostafa Jahangiri	
Components of Narcissistic Personality Disorder Based on Islamic Sources.....	231
Mahziar Khaki/ Mahdi Abbasi/ Hossein Radmard	
A Conceptual Model of Self-Esteem in Adolescents, Based on Islamic Teachings.....	255
Seyyed Mohsen Mirza-torabi/ Zahra Lotfi/ Mahdi Hadi	

In the Name of Allah

Islam & Psychological Research
Two Quarterly Journal of Psychology

Vol.10, No. 21
Spring & Summer 2024

Proprietor: Akhlaq & Tarbiat High Education Institute

Managing director: Dr. Mohammad Javad Zarean

Editor in Chief: Dr. Mohammad Reza Ahmadi

Executive Secretary: Amir Erfani Nejad

Editorial Board

Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Reza Ahmadi: *IKI*

Dr. Hadi Bahrami Ehsan: *Tehran University*

Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Javad Zarean: *Academic Institute for Ethics And Education*

Ayatollah Sayyid Mohammad Gharavi Rad: *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

Dr. Ali Fathi Ashtiani: *Baqiyatallah University*

Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Kaviani: *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

Hujjat ul-Islam Dr. Rahim Narouei: *IKI*

Hujjat ul-Islam Dr. Mahmood Nozari: *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

ADDRESS:

The High Institute of Ethics and Education

No. 13, Shahid Shahbazi Street, Shahid Sadooqi Blvd, Qom, Iran

Postcode: 3716715545

Tel: +982532918444

Fax: +982523922239

www.ipr.ueae.ir

pajooohesh.ueae@gmail.com